

پژوهش‌های حسابداری و علوم اقتصادی

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی
سال سوم، شماره ۵ (پیاپی ۱۰)، زمستان (اسفند) ۱۳۹۸، جلد یک
ISSN: 2645-4408

طراحی الگوی غیرخطی برای بررسی اثر همزمان کفایت سرمایه و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها بر وام‌دهی
الهام علیمردانی، عزت‌اله عباسیان

تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
فاطمه خطیری یانه‌سری، حسین اسلامی مفیدآبادی، سیدمحمد رضا خلیل زاده

تحلیل و بررسی ملاک‌های طبقه‌بندی مشاغل با توجه به فقه المکاسب
روح‌الله آهنگران، میثم جاوید

بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌ها
سعید برزگر، زینت خاتمی

رابطه مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام با عملکرد مالی و مالیاتی
سیدمهدی هاشمی فیض‌آبادی، اکرم فیض‌آبادی

پیامدهای قاچاق کالا و ارز در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران
مهدی سراوانی، حسین کیخا، معصومه دهمرده

بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و هموارسازی سود بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
فرزین خوشکار، مجید مرادی، مریم صابری

امنیت انرژی و دیپلماسی ایران در ژئوپلیتیک انرژی منطقه بین سال‌های (۲۰۲۰-۲۰۱۷)
جواد گنج‌خانلو

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

سال سوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۰)، زمستان (اسفند) ۱۳۹۸

ISSN: 2645-4408

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

مهرداد فتاحی

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی تحریریه:

دکتر منصور زراء نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه چمران اهواز

دکتر منصور مهینی زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

دکتر روح اله بیات، عضو هیئت علمی دانشگاه امام خمینی

دکتر عبدالمجید آهنگری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران

دکتر مهدی ذوالفقاری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر علیرضا عرفانی، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر حسین عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

دکتر وحید محمودی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

دکتر اسماعیل رمضان پور، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

دکتر مسعود طاهری نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

دکتر بهروز کاردان، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر عبدالمحمد کاشیان، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر محمدمامید اخگر، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

دکتر محسن حمیدیان، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران

دکتر محبوبه فراهتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر حسین کاظمی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

دکتر نرجس زمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی
تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸،
پلاک ۲۹۳ تلفن: ۰۲۶۳۴۴۳۶۹۵۹

۱۳۹۸

فراخوان پذیرش مقاله

دانش اقتصاد پایه اصلی توسعه در این سرزمین است. حسابداری نیز مفاهیم و رویدادهای مالی و اقتصادی را به عدد تبدیل می‌کند؛ از اینرو همواره ارتباط ژرفی میان این دو حوزه کلیدی وجود دارد. در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی، دانش به عنوان نوعی متغیر برونزا (در اقتصاد) به شمار نمی‌رود، بلکه بخش اصلی و کلیدی نظام اقتصادی محسوب می‌شود. گذر به اقتصاد دانش‌بنیان جز از مسیر پژوهش نمی‌گذرد و آنچه امروز جامعه علمی و اجرایی کشور بدان نیازمند است انتشار نتایج این پژوهش‌ها است.

با این نگاه نشریه «پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی» با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات تخصصی در زمینه حسابداری و اقتصاد می‌پردازد. از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.Jares.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

برای ارسال مقاله به نشریه کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید. پس از بررسی اولیه و داوری علمی از طرف تحریریه جهت انتشار مقاله با نویسندگان رابط تماس گرفته خواهد شد.

محورهای نشریه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

پژوهش‌های حسابداری:

- تئوری‌ها و نظریات حسابداری

- مباحث نوین در حسابداری و حسابرسی

- پژوهش‌های کاربردی در حسابداری و حسابرسی

- بورس، مدیریت مالی، سرمایه‌گذاری و حسابداری

- جایگاه حسابداری و حسابرسی در توسعه اقتصادی

- آموزش و اخلاق حرفه‌ای در حسابداری، حسابرسی

- سیستم‌های اطلاعات حسابداری

- حسابداری مالیاتی و حسابداری مدیریت

- صنعت، تولید و حسابداری مدیریت

- استانداردهای حسابداری و حسابرسی

- مطالعات میان‌رشته‌ای در حسابداری

پژوهش‌های علوم اقتصادی:

- اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصادسنجی

- اقتصاد اسلامی، برنامه‌ریزی و نظام‌های اقتصادی

- اقتصاد، توسعه و مطالعات اقتصادی ایران

- اقتصاد محیط‌زیست، منابع طبیعی و انرژی

- تاریخ تئوری‌ها، نظریات و سیاست‌های اقتصادی

- مدل‌سازی و پیش‌بینی در بازارهای اقتصادی

- اقتصاد مالی، بانکداری و نظام پولی

- اقتصاد مقاومتی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی

- اقتصاد و تجارت الکترونیک و بین‌الملل

- اقتصاد تولید و اقتصاد صنعتی

- مطالعات میان‌رشته‌ای در اقتصاد

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	طراحی الگوی غیرخطی برای بررسی اثر هم‌زمان کفایت سرمایه و سرمایه گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها بر وام‌دهی الهام علیمردانی، عزت اله عباسیان
۱۵	تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران فاطمه خطیری یانه‌سری، حسین اسلامی مفیدآبادی، سیدمحمد رضا خلیل زاده
۳۷	تحلیل و بررسی ملاک‌های طبقه‌بندی مشاغل با توجه به فقه المکاسب روح‌الله آهنگران، میثم جاوید
۵۱	بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌ها سعید برزگر، زینت خاتمی
۶۳	رابطه مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام با عملکرد مالی و مالیاتی سیدمهدی هاشمی فیض‌آبادی، اکرم فیض‌آبادی
۷۵	پیامدهای قاچاق کالا و ارز در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران مهدی سراوانی، حسین کیخا، معصومه دهمرده
۹۱	بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران فرزین خوشکار، مجید مرادی، مریم صابری
۱۰۵	امنیت انرژی و دیپلماسی ایران در ژئوپلیتیک انرژی منطقه بین سال‌های (۲۰۱۷-۲۰۲۰) جواد گنج خانلو

طراحی الگوی غیرخطی برای بررسی اثر هم‌زمان کفایت سرمایه و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها بر وام‌دهی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۰

کد مقاله: ۹۰۰۵۷

الهام علیمردانی^۱، عزت اله عباسیان^{۲*}

چکیده

در این پژوهش به طراحی یک الگوی غیرخطی جهت بررسی اثر توأمان کفایت سرمایه بانک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های آنان در شرکت‌ها بر اعطای تسهیلات (شاخص سنجش واسطه‌گری مالی) پرداخته شده است. مقررات صنعت بانکداری و نتایج تحقیقات دانشگاهی در حوزه سرمایه‌گذاری و کفایت سرمایه بانک‌ها، برهم‌کنش این دو شاخص مهم بانکی را تأیید نموده است بر این اساس پژوهش حاضر بر طراحی رابطه‌ای که بتواند این دو عامل را به‌صورت توأمان با یکدیگر در نظر گیرد و اثر آن‌ها را بر وام‌دهی بررسی نماید متمرکز شده است. برای انجام این تحقیق از داده‌های ۲۱ بانک خصوصی کشور در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰ استفاده شده و پس از برآورد مدل، یافته‌ها نشان داد کفایت سرمایه و سرمایه‌گذاری بانک‌ها هر یک به تنهایی اثر منفی و معناداری بر اعطای تسهیلات دارند اما زمانی که اثر این دو عامل به‌صورت توأمان بر اعطای تسهیلات بررسی شد مشاهده گردید که شاخص مربوطه که حاصل ضرب دو فاکتور مذکور می‌باشد اثر معناداری بر وام‌دهی نداشته است. سه شاخص نقدینگی بانک، مطالبات غیر جاری و فزونی سپرده بر تسهیلات اثر منفی معنادار بر وام‌دهی داشتند (عوامل داخلی بانک‌ها) و از منظر بررسی عوامل کلان اقتصادی؛ نرخ رشد اقتصادی اثر مثبت معنادار و نرخ واقعی سود تسهیلات بانکی اثر منفی معنادار بر وام‌دهی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها، مقررات کمیته بال، تب بانکی، پانل دیتا

طبقه‌بندی JEL: E22، K0، G01، C23

۱- دانشجوی دکترای مدیریت مالی، پردیس البرز دانشگاه تهران؛ e.alimardany@ut.ac.ir
۲- دانشیار اقتصاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران (مسئول مکاتبات)

۱- مقدمه

در کشورهایی که تأمین مالی عمدتاً از طریق بازار پول صورت می‌گیرد و اصطلاحاً بانک محور هستند بانک‌ها مسیر اصلی انتقال نقدینگی به بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه می‌باشند در کشور ما نیز وام‌دهی بانک‌ها مهم‌ترین مسیر تأمین مالی خانوارها و مهم‌تر از آن تأمین مالی بنگاه‌ها می‌باشد و اگرچه که در سال‌های اخیر به دلیل رشد بازار سرمایه و ابزارهای مالی جدید بخشی از تأمین مالی بنگاه‌ها به آن بازار منتقل شده اما تأمین مالی از بازار سرمایه به دلیل محدودیت‌ها و الزاماتی که دارد عمدتاً برای بنگاه‌های بزرگ امکان‌پذیر بوده و برای شرکت‌های متوسط و کوچک همچنان سیستم بانکی مهم‌ترین محل تأمین مالی می‌باشد لذا در صورتی که بانک‌ها نتوانند نیاز این دسته از متقاضیان منابع مالی را تأمین کنند بخش بزرگی از تولید، کشاورزی، خدمات و ... دچار کمبود نقدینگی، کاهش تولید و نهایتاً تعطیلی، بیکاری، کمبود محصولات، تورم و ... خواهد شد.

در طرف مقابل بنگاه‌ها بانک‌ها قرار دارند که از یک‌سو منابع مالی آن‌ها محدود است و از سوی دیگر مشکلات زیادی برای وصول مطالبات خود دارند (به عنوان مثال مشکلات وصول ناشی از تعطیلی بنگاه‌ها به دلیل شرایط اقتصادی سال‌های اخیر) که منجر به رشد مطالبات غیرجاری در اکثر بانک‌های کشور شده است. از این‌رو بانک‌ها ترجیح می‌دهند به جای استفاده از منابع خود برای اعطای تسهیلات به مشتریان این منابع را در سایر حوزه‌هایی که نرخ عایدی آن‌ها بالاتر است و مشکلات مربوط به وصول مطالبات و یا نکول از جانب مشتریان را نداشته باشند (مانند تأسیس شرکت‌های جدید، سرمایه‌گذاری در شرکت‌های موجود، انبوه سازی، خرید ارز، طلا و ...) سرمایه‌گذاری نمایند. این موضوع (که در ایران اصطلاحاً به آن بنگاه‌داری نیز می‌گویند) تنها مختص به ایران نیست و به دلیل فراگیر شدن آن در کشورهای مختلف خصوصاً در سال‌های اخیر مورد توجه ناظران و قانون‌گذاران صنعت بانک‌داری قرار گرفته است.

به طور کلی دو دسته مقررات برای کنترل این فعالیت بانک‌ها وجود دارد یکی اعمال محدودیت بر روی میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها و دیگری محدودیت‌های کفایت سرمایه ای به منظور کاهش ریسک.

در همین راستا در مقررات بال ۳ که آخرین بیانیه حال حاضر کمیته بال می‌باشد، این موضوع مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در مقررات بال ۳ بانک‌ها از سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها منع نشده‌اند، اما ضرایب ریسک بسیار بالایی برای سرمایه‌گذاری آن‌ها در بخش سرمایه‌گذاری‌های تجاری و سایر سرمایه‌گذاری‌ها در نظر گرفته شده است. برای مثال ضریب ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تجاری برابر ۱۲۵۰ درصد است (معنی ضریب ریسک ۱۲۵۰ درصدی با توجه به نسبت کفایت سرمایه ۸ درصد این است که منابع برای سرمایه‌گذاری‌های عمده در شرکت‌های تجاری باید توسط خود سهامداران بانک تأمین شود نه از منابع سپرده‌گذاران ($1 = 8\% \times 1250\%$)).

از بعد محدودیت‌های کفایت سرمایه نیز در همین مجموعه مقررات بال ۳ بیان شده است که اگر بانکی در بخش غیر مالی سرمایه‌گذاری عمده ای انجام دهد، باید به همان میزان از سرمایه خود کسر کند.

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌شود مقررات بال میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها و سهم آن‌ها در شرکت‌ها را از طریق اعمال ضرایب ریسک بالا و الزامات کفایت سرمایه ای محدود می‌نماید اما با این وجود تصور می‌شود که منابع بانک‌ها علی‌رغم محدود بودن، صرف اعطای وام نشده، بلکه صرف سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها می‌شود بنابراین مکانیسم وام‌دهی بانک‌ها با توجه به محدود بودن منابع آن‌ها مستقیماً تحت تأثیر سرمایه‌گذاری آن‌ها در سایر حوزه‌ها و متعاقباً کفایت سرمایه آن‌ها قرار می‌گیرد. مطالعات دانشگاهی نیز این موضوع را تایید نموده‌اند. از معتبرترین این مطالعات که در خصوص اثر سرمایه‌گذاری بانک‌ها بر وام‌دهی آن‌ها پژوهش نموده‌اند می‌توان به کانگ و همکاران (۲۰۰۰) جیا (۲۰۰۹)، فانگاکوا و همکاران (۲۰۱۳) و در داخل کشور به مطالعه شریف مقدسی (۱۳۹۶) اشاره کرد. در خصوص اثر کفایت سرمایه بر وام‌دهی نیز می‌توان به مطالعات برگر و بومن (۲۰۰۹)، فانگاکوا و همکاران (۲۰۱۰)، بروسپید و ادج (۲۰۱۰)، هوروات و همکاران (۲۰۱۲) و در تحقیقات داخلی، احمدیان (۱۳۹۲)، خشنود و اسفندیاری (۱۳۹۳) اشاره کرد.

با توجه به اینکه مقام ناظر قوانین نظارتی مربوط به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها و کفایت سرمایه آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده است و با توجه به اینکه تحقیقات دانشگاهی برهم‌کنش این دو عامل را تایید نموده است - به عنوان مثال شریف مقدسی (۱۳۹۶) در نتایج پژوهش خود در یافته است که با افزایش نسبت سرمایه‌گذاری به سرمایه پایه یک بانک، به طور متوسط نسبت سرمایه به دارایی آن در سطوح بالای سرمایه‌گذاری معادل ۰.۷۹ واحد درصد افزایش می‌یابد - فرض تحقیق حاضر آن است که این دو عامل به صورت توأمان بر وام‌دهی اثر خواهند داشت از این‌رو هدف اصلی پژوهش آن است که اثر هر دو عامل گفته شده در مقررات بال ۳ را (سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها و کفایت سرمایه) به صورت یکجا و توأمان بر وام‌دهی بررسی نماید چرا که در همه تحقیقات فوق‌الاشاره که در بخش‌های بعدی این مقاله نتایج آن‌ها بیان شده است عموماً به این مسئله پرداخته شده که آیا سرمایه‌گذاری بانک‌ها باعث کاهش وام‌دهی آن‌ها می‌شود؟ و یا تغییرات کفایت سرمایه اساساً بر وام‌دهی اثر گذار

است؟ و طبق بررسی های انجام شده تا کنون تحقیقی که اثر این دو عامل بر وام دهی را در یک مطالعه واحد و مهم تر از آن به صورت توأمان (joint effect) بررسی کرده باشد انجام نشده است. لذا فرضیه های اصلی تحقیق حاضر به شرح زیر طراحی شد:

۱. کفایت سرمایه بر وام دهی بانک ها اثر معناداری دارد.
 ۲. سرمایه گذاری بانک ها بر میزان وام دهی آن ها اثر معنادار دارد.
 ۳. اثر توأمان (joint effect) کفایت سرمایه و سرمایه گذاری بانک ها بر وام دهی بانک ها معنادار می باشد.
- در پایان این بخش یادآور می شود که مقاله حاضر دارای شش بخش است. پس از مقدمه ای که گفته شد ادامه مقاله مشتمل بر پنج بخش دیگر به ترتیب مبانی نظری، پیشینه تحقیق، روش پژوهش، نتایج و در آخر جمع بندی پژوهش ارائه خواهد شد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- کفایت سرمایه

تعریف: نسبت کفایت سرمایه موسسه اعتباری عبارت است از نسبت سرمایه نظارتی به کل دارایی های موزون به ریسک و باید حداقل ۸٪ باشد (دستور العمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه موسسات اعتباری).

در سال ۱۹۸۸ میلادی کمیته بال اولین توافقنامه در خصوص کفایت سرمایه را ارائه نمود. این توافقنامه تعیین می نماید که نسبت کفایت سرمایه باید ۸٪ باشد. در سال ۲۰۰۸ میلادی کمیته مذکور دومین بیانیه خود را برای تعیین کفایت سرمایه ارائه نمود. در این بیانیه برای محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانکها، علاوه بر ریسک اعتباری، ریسکهای عملیاتی و بازار نیز مورد توجه قرار گرفته شده است. پس از بروز بحران مالی جهانی در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۷، کمیته نظارت بانکی توافقنامه سرمایه بال ۳ را در سال ۲۰۱۱ منتشر ساخت. در سند بال ۳ بیشتر بر ارتقای کیفیت سرمایه در محاسبه نسبت کفایت سرمایه تمرکز شده است و با سپر حفاظتی سرمایه ای به نام های سپر احتیاطی (۲,۵٪) و سپر سرمایه ای ضد دوره (۲,۵٪) عملاً نسبت کفایت سرمایه را از ۸٪ به ۱۳٪ ارتقا بخشیده است.

اهمیت کفایت سرمایه و اثر آن بر فعالیت های بانکی علاوه بر اینکه در صنعت بانکداری مورد توجه است در تحقیقات دانشگاهی نیز مورد بررسی قرار گرفته است؛ به عنوان مثال در ادامه این تحقیق و به منظور بررسی اثر کفایت سرمایه بر وام دهی می توان به نظریات برگر و بومن ۱ در این زمینه اشاره نمود. این دو پژوهشگر در رابطه با کفایت سرمایه و وام دهی بانک ها دو نظریه اصلی را مطرح نمودند:

۱. "شکندگی مالی^۲ - خروج سپرده ها"^۳
۲. "جذب ریسک"^۴

تئوری اول پیش بینی می نماید که اثر سرمایه بانک بر میزان وام دهی آن منفی است و تئوری دوم پیش بینی می نماید افزایش سرمایه به دلیل افزایش ظرفیت ریسک پذیری بانک اثری مثبت بر میزان وام دهی دارد.

منطق تئوری اول: افزایش سرمایه بانک توسط سهامداران با هدف اصلاح ساختار پرتفوی بانک صورت می پذیرد و سرمایه گذاران تمایلی به پرداخت وام ندارند چراکه پرداخت وام بانک را در معرض ریسک قرار می دهد و ساختار آن را شکننده می نماید. در واقع سرمایه گذاران انتظار دارند که این منابع در بانک اندوخته شده و در فرصت های سرمایه گذاری با بازدهی بالاتر صرف گردد. از سوی دیگر افزایش سرمایه، منابع مالی مورد نیاز بانک ها را تأمین نموده و به نحوی جایگزین منابع سپرده ای و طبیعتاً کاهش وام های پرداختی از محل منابع سپرده ای می شود. از این روست که هر دو پیامد ناشی از افزایش سرمایه منجر به کاهش وام دهی می شود. برگر و بومن این دو پیامد را تحت عنوان نظریه "شکندگی مالی-خروج منابع" تعریف می نمایند.

تئوری دوم: از سوی دیگر این دو محقق در نظریه دیگری بیان می نمایند که افزایش سرمایه به دلیل افزایش ظرفیت ریسک پذیری بانک ها توان اعتبار دهی آن ها را افزایش داده و منجر به افزایش تسهیلات اعطایی خواهد شد. نتایج این پژوهش نمایان گر غلبه نظریه اول بر نظریه دوم می باشد.

۲-۲ سرمایه گذاری بانک ها

تعریف: سرمایه گذاری بر اساس (تعریف مندرج در "دستورالعمل سرمایه گذاری در اوراق بهادار مصوب شورای پول و اعتبار" مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲) عبارتست از

1 Berger, Allen N., and Christa H.S. Bouwman.
2 Financial fragility
3 Crowding out deposits
4 risk absorbtion

۱- مشارکت موسسه اعتباری در تاسیس شرکت‌های جدید و خرید سهام شرکت‌های موجود

۲- تحصیل اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام توسط موسسه اعتباری

۳- تحصیل سایر اوراق بهادار ارزی و ریالی توسط موسسه اعتباری

همچنین طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) بانک‌ها می‌توانند تحت هریک از عناوین قرض الحسنه (اعم از جاری و پس انداز) و سپرده های سرمایه‌گذاری مدت دار به قبول سپرده مبادرت نمایند و از منابع جمع آوری شده جهت اعطای انواع تسهیلات به صورت مشارکت، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مضاربه و... استفاده نمایند همچنین طبق ماده ۸ این قانون بانک‌ها می‌توانند در امور و یا طرح های تولیدی و عمرانی مستقیماً سرمایه‌گذاری نمایند. همچنین طبق ماده ۱۰ همین قانون بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم در گسترش امر مسکن، با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی، واحدهای مسکونی ارزان قیمت (به منظور فروش اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک) احداث نمایند.

در کنار قوانین گفته شده در خصوص اعطای مجوز سرمایه‌گذاری به بانک‌ها و موسسات اعتباری؛ محدودیت‌های سرمایه‌گذاری این موسسات که مرتبط با سرمایه پایه آن‌ها می‌باشد در دستورالعمل سرمایه‌گذاری موسسات اعتباری (موضوع بند ۳ ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور)، مشخص شده است.

با توجه به مطالب گفته شده سرمایه‌گذاری توسط بانک‌ها با رعایت حدود مقرر، طبق قانون عملیات بانکداری بدون ربا و دستور العمل های سرمایه‌گذاری مصوب شورای پول و اعتبار مجاز است.

لازم به توضیح است در ایران طبق اصل ۴۴ قانون اساسی واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی عام و بنگاه‌های عمومی غیر دولتی مجاز شده است. به جز بانک مرکزی بانک‌های دولتی به ترتیب بانک ملی، سپه، صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن، توسعه صادرات و توسعه تعاون مشمول این قانون هستند (متن اصل ۴۴ قانون اساسی)، با این وصف علت ورود بانک‌های دولتی به عرصه مالکیت شرکت‌ها امری غیر ارادی و خارج از کنترل بوده (در این پژوهش نیز مورد بررسی قرار نگرفته اند) اما در خصوص بانک‌های خصوصی که موضوع تحقیق حاضر می‌باشند وضعیت متفاوت بوده و عمدتاً مالکیت شرکت‌ها به منظور «افزایش درآمدهای غیر بهره ای» و «تأمین مالی سهامداران و اشخاص وابسته» بوده است. (دیواندری و گودرزی، ۱۳۹۶).

همانطور که در مقدمه این پژوهش گفته شد این مسئله تنها مختص ایران نیست. در واقع بر اساس گزارشات موسسه بنکر، دارایی های جهانی ۱۰۰۰ بانک از بزرگ ترین بانک‌های جهان در سال ۲۰۱۱ تقریباً به ۱۰۲ هزار میلیارد دلار رسیده است بر طبق گزارشات همین موسسه دارایی های سیستم بانکی ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ حدود ۱۸۰٪ رشد داشته است. (گزارشات موسسه بنکر) واقعیت اینست که صنعت بانکداری در دنیا به طور معناداری طی چند دهه گذشته تغییر یافته است. (دیواندری و گودرزی، ۱۳۹۶)

قبل از سال ۱۹۸۰ یعنی در دوره قبل از مالی گرایی^۱ بانک‌ها و بازارهای مالی نقشی کاملاً تعریف شده داشتند. بانک‌ها عمدتاً بانک‌های تجاری بودند و از طریق وام‌دهی و تأمین منابع مورد نیاز اقتصاد به بقای خود ادامه می‌دادند. بازارهای مالی نقشی ثانویه در تأمین منابع نقدی جامعه ایفا می‌کردند و بانک‌ها نقشی اساسی در تأمین منابع مالی مورد نیاز بخش واقعی اقتصاد ایفا می‌کردند. سود آن‌ها کاملاً وابسته به حاشیه بهره بین نرخ‌های سپرده‌ها و وام های اعطایی بود؛ اما اقتصاد جهانی تحولات شگرفی را طی چند دهه گذشته تجربه نموده است صنعت بانکداری نیز پایه پای این تحولات حرکت نموده و به جایگاه امروزی خود رسیده است. مهم‌ترین تغییر آنست که بانک‌های تجاری نقش غالب خود را به نفع بانکداری سرمایه‌گذاری و بازارهای مالی از دست داده اند به طوری که هم در بخش تأمین منابع و هم در بخش درآمدزایی تنوع گرایی^۲ را پیشه ساختند. (سکاریسا، ۲۰۱۰)

یکی از عواملی که تحول بنیادین مدل های کسب و کار بانک‌ها را تسهیل نمود نوآوری های مالی و خصوصاً بهادار سازی بود این نوآوری که از آن به عنوان یک انقلاب در ادبیات مالی یاد می‌شود مدل کسب و کار سنتی بانک‌ها را از مدل اعطا و نگهداری^۴ به مدل اعطا و انتقال و اعطا و بیمه^۵ تغییر داد. (چالز و دیگران، ۲۰۱۱)^۶

مدل اعطا و نگهداری: در این مدل کسب و کار بانک‌ها نسبت به اعطای وام اقدام می‌کنند و آن را تا سررسید در ترازنامه خود نگهداری می‌کنند. به طور متعارف، بانک‌ها نسبت به جذب سپرده اقدام و از مزیت های رقابتی خود برای تبدیل این سپرده ها به وام استفاده می‌کنند.

۱. مالی گرایی پدیده ای است که برای اشاره به افزایش نفوذ بازارها، نهادها و فعالان مالی در اقتصاد به کار می‌رود (اپستین ۲۰۰۵)

2 Diversification

3 Seccareccia

4 Originate and Hold

5 Originate and Transfer

6 Charles et all

مدل اعطا و انتقال و اعطا و بیمه: مدل اعطا و انتقال به فرآیند بهادارسازی وابسته است. در این مدل بانکها قادر به انتقال/فروش وام ها هستند. مدل اعطا و بیمه با اتکا به ابزار مشتقه سوآپ نکول اعتباری عملیاتی می شود در واقع مشابه مدل اعطا و انتقال است با این تفاوت که دارایی ها (وام ها) در ترازنامه بانک انتقال دهنده باقی می ماند. (چالز و دیگران، ۲۰۱۱)^۱ دو تحول اساسی که منجر به این تغییر شده (تغییر مدل کسب و کار سنتی بانکها از مدل اعطا و نگهداری^۲ به مدل اعطا و انتقال و اعطا و بیمه) عبارتند از:

۱- تحول در شیوه درآمدزایی بانکها:

سیستم بانکی به طور سنتی از محل حاشیه مازاد حاصل از تفاوت بین نرخ اعطایی به سپرده ها و نرخ تسهیلات اعطایی به مشتریان کسب درآمد می کند؛ اما در حال حاضر در اکثر سیستم های پیشرفته بانکی گرایش به درآمدزایی از محل درآمدهای غیر بهره ای مرسوم گردیده است. یکی از منابع کسب درآمدهای غیر بهره ای بانکها ورود به کسب و کار بانکداری سرمایه گذاری (فعالیت های سرمایه گذاری) است. بر این اساس تمایل بانکها برای سوق دادن منابع از اعطای وام به سوی سایر حوزه های سرمایه گذاری منابع در دسترس جهت اعطای وام را کاهش می دهد (ارتباط منفی بین سرمایه گذاری بانکها با وامدهی آنان)

۲- تحول در شیوه تأمین منابع بانکی:

در مدل های سنتی اتکا عمده به سپرده ها می باشد ولی این رویکرد اتکا فزاینده به سایر منابع بازار جهت تأمین مالی بانکها دارد. (بانکداری سایه)^۳.

در کل می توان گفت مدل اعطا و انتقال، ریسک عدم تنوع در وامدهی را کاهش داده و محدودیت های کفایت سرمایه را تسهیل و دسترسی بانکها به نقدینگی مورد نیاز را ارتقا می بخشد. (ارتباط منفی بین وامدهی و سرمایه گذاریهای بانکها) (دیواندری و گودرزی، ۱۳۹۶)

با توجه به موارد مذکور می توان گفت هر دو مورد تحول در شیوه درآمدزایی بانکها و تحول در شیوه تأمین منابع بانکی به لحاظ تئوری نهایتاً میزان وامدهی بانکها را کاهش می دهند این موضوع در اکثر تحقیقاتی که در بخش پیشینه پژوهش به آنها اشاره می شود نیز تأیید شده است.

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- مطالعات خارجی

جکسون، فرفاین و همکاران^۴ (۱۹۹۹) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بانکها به مقررات سرمایه ای که آنها را محدود می نماید به روشی که هزینه کمتری داشته باشد عمل می نمایند؛ بنابراین ممکن است بانکها در واکنش به شوک های بیرونی وارد به سرمایه، وام خود را کاهش دهند. برگر و بومن (۲۰۰۹) دو تئوری "شکنندگی مالی-خروج سپرده ها" و "جذب ریسک" را روی داده های منتج از تعدادی از بانکهای آمریکایی در فاصله سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ مورد آزمون قرار دادند و دریافتند در صورتی که فرآیند وامدهی شامل فعالیت های خارج از ترازنامه باشد، اثر کفایت سرمایه بر وامدهی برای بانکهای بزرگ مثبت است و اگر شامل آنها نباشد این رابطه منفی خواهد بود و در هر دو حالت این رابطه برای بانکهای کوچک به لحاظ آماری معنادار نخواهد بود.

فانگاکووا و همکارانش^۵ (۲۰۱۰) دو تئوری که توسط برگر و بومن در سال ۲۰۰۹ مطرح شده بود را با استفاده از داده های بانکهای روسی از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. آنها نقش بیمه نمودن سپرده های بانکی را نیز مورد بررسی قرار داده و دریافتند بیمه نمودن سپرده ها اثر محدودی بر رابطه بین کفایت سرمایه و وامدهی بانکها دارد و در نهایت آنها نیز همانند برگر و بومن رابطه منفی بین دو فاکتور فوق را تأیید نمودند. بروسپید و ادج^۶ (۲۰۱۰) تحقیقاتی همانند برنانک و لئون^۷ (۱۹۹۱) انجام دادند. آنها ضمن تأیید رابط مثبت بین کفایت سرمایه و وامدهی پیش بینی نمودند ۱٪ رشد در کفایت سرمایه تقریباً رشدی معادل ۰/۷ تا ۱/۲ درصد در میزان وام اعطایی بانکها را به دنبال خواهد داشت.

1 Charles et all

2 Originate and Hold

3 Shadow Banking

4 Jackson, Furfine & et all

5 Fungaaova & et all

6 Berrospide & Edge

7 Bernanke & Lown

آنگورا و رالت^۱ (۲۰۱۱) با بهره‌گیری از تحقیقات برگر و بومن معیارهای خلق وام و مقیاس های بال ۳ را روی نمونه‌ای از بانک‌های اروپایی و آمریکایی در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۰ بررسی نموده و نشان دادند بانک‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی وام بیشتری اعطا می‌نمایند و در مقابل در قیاس با بانک‌های کوچک در معرض ریسک دگرگونی نیز قرار دارند. نتایج آن‌ها نشان داد اندازه بانک تفاوت در خلق اعتبار و ریسک دگرگونی را توجیه می‌نماید. هوروات و همکاران^۲ (۲۰۱۲) رابطه بین کفایت سرمایه و وام‌دهی بانک‌ها را با استفاده از رابطه علیت گرانجر برای بانک‌ها در کشور چک و در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که رابطه علی و معلولی کفایت سرمایه و وام‌دهی منفی است و تأکید داشتند که بین ثبات مالی بالاتر که ناشی از رعایت الزامات سرمایه‌ای و قوی‌تر می‌باشد با منفی که از خلق وام بیشتر ناشی می‌شود رابطه دو طرفه وجود دارد. نتایج این تحقیق بر خلاف تحقیقات جکسون، فرفاین و همکارانش در سال ۱۹۹۹ بود. کیم و سون^۳ (۲۰۱۷) دریافتند که در بانک‌های بزرگ اثر توأمان کفایت سرمایه بر وام‌دهی به طور مثبت با میزان نقدینگی بانک مرتبط است. اگر نسبت‌های نقدینگی پایین باشند، اثر افزایش سرمایه بر رشد وام منفی است و تنها در شرایطی که شاخص های نقدینگی بانک مطلوب باشند اثر این رابطه مثبت خواهد بود. اثر سرمایه بر وام‌دهی در بانک‌های کوچک یا منفی بوده و یا به لحاظ آماری معنادار نبوده است. همچنین آن‌ها ثابت نمودند که این رابطه در زمان بحران های مالی برای بانک‌های بزرگ شدت بیشتری می‌یابد.

برخی از مطالعات در بازارهای پیشرفته نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها می‌تواند به رفع تضاد منافع بین سهام داران و اعتبار دهندگان کمک کند. همچنین سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها سبب می‌شود که اطلاعات کاملی در خصوص بنگاه‌ها در اختیار بانک‌ها قرار گیرد (کاهش عدم تقارن اطلاعات) چرا که هم در در طرف اعتبار دهندگان و هم در طرف حقوق صاحبان سهام بنگاه‌ها حضور دارند. از طرفی این مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها به بنگاه‌ها کمک می‌کند تا دسترسی آسان‌تری به سرمایه بانک‌ها داشته باشند و متعاقباً سطح عملکرد آن‌ها را افزایش می‌دهد. کانگ و همکاران^۴ (۲۰۰۰)^۳ ساندرز و همکاران^۴ (۱۹۹۶) و اندرسون و فریسر^۵ (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌های پنل برای بانک‌های کره‌ای در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶، با در نظر گرفتن ریسک بانک‌ها در وام‌دهی به عنوان شاخصی از سلامت نظام بانکی، نشان دادند که ارتباط معنادار میان مالکیت بانک‌ها در شرکت‌های تحت تملک خود و ریسک‌گریزی آن‌ها در اعطای وام وجود دارد، به گونه‌ای که هرچه میزان مالکیت بانک در شرکت‌ها افزایش یابد، میزان ریسک‌پذیری آن‌ها کاهش می‌یابد. ساندرز نشان داد که بانک‌ها با افزایش مالکیت خود در شرکت‌های وابسته، وام‌هایی را پرداخت می‌نمایند که با ریسک کمتری همراه باشد. همچنین از لحاظ مالی، ساختار عملیاتی بانک و ترکیب پرتفوی دارایی‌های خود را محافظه‌کارانه می‌چینند. از سوی دیگر بررسی‌های وی نشان داد که این دسته از بانک‌ها به سوددهی بالاتر دست پیدا می‌کنند. جیا^۶ (۲۰۰۹) در چین در سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۸۵، با در نظر گرفتن ریسک بانک‌ها در وام‌دهی به عنوان شاخصی از سلامت نظام بانکی، ارتباط میان سرمایه‌گذاری بانک‌ها و رفتار محتاطانه آن‌ها را در وام-دهی بانک‌های دولتی و خصوصی بررسی نمود. نتایج مطالعات وی نشان داد که در شرایط بحران با افزایش سرمایه‌گذاری، بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی در زمینه پرداخت وام‌ها محتاطانه‌تر عمل می‌نمایند. همچنین در زمان بحران میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها با مالکیت خصوصی بیشتر از بانک‌ها با مالکیت دولتی است. در این زمان میزان وام‌دهی هر دو نوع بانک کمتر بوده اما میزان کاهش وام‌دهی در بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی بیشتر است. فانگاکوا، هرا و ویل^۷ (۲۰۱۳) با استفاده از داده‌های سه ماهه مربوط به بانک‌های روسیه در دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۷ با در نظر گرفتن ریسک بانک‌ها در وام‌دهی به عنوان شاخصی از سلامت نظام بانکی، مشخص نمودند که سرمایه‌گذاری بانک‌ها چگونه میزان وام‌دهی و اعطای تسهیلات آن‌ها را کاهش می‌دهد. در مقایسه با بانک‌های خصوصی داخلی، سرمایه‌گذاری برای بانک‌های خارجی باعث کاهش چشمگیر وام‌دهی می‌شود و برای بانک‌های دولتی میزان کاهش وام‌دهی کمتر است.

مطالعات داخلی:

شریف مقدسی (۱۳۹۶) اثر سرمایه‌گذاری بانک‌ها بر شاخص‌های سنجش سلامت نظام بانکی^۸ را مورد بررسی قرار داده است در نتایج این پژوهش بیان شده است؛ (بنگاهداری) که با نام سرمایه‌گذاری بانک‌ها معرفی شده است^۹ بر نسبت کفایت سرمایه اثر

1 Angora & Roulet

2 Horvath & et all

3 Kkang et al

4 Saunders et al

5 Anderson Fraser

6 Jia

7 Fungacova, Herrala, Weill.

8 Financial soundness indicators

۹ در تحقیق شریف مقدسی توضیح داده شده است که به دلیل بار منفی کلمه بنگاهداری از کلمه سرمایه‌گذاری بانک‌ها استفاده شده است.

مثبت دارد؛ پس می توان نتیجه گرفت که بین دو عامل سرمایه گذاری بانکها (بنگاهداری) و کفایت سرمایه برهم کنش متقابل وجود دارد؛ یعنی کفایت سرمایه بانکها و میزان سرمایه گذاری مستقیم آنان بر یکدیگر اثر گذارند. خشنود و اسفندیاری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان وام دهی و کفایت سرمایه بانکها اثر کفایت سرمایه بر کانال وام دهی بانکها را مورد بررسی قرار دادند و نهایتاً بیان نموده اند که نتیجه ای دال بر تأیید نقش سرمایه بانکها در قالب کفایت سرمایه بر کانال وام دهی بانکی مشاهده نشده است. آن ها در تحقیقات خود بیان نموده اند که در ایران اثربخشی سرمایه بر تصمیم وام دهی مورد توجه کافی قرار نگرفته است. احمدیان (۱۳۹۲) بررسی اجزای کفایت سرمایه در بانکهای مختلف ایرانی (دولتی و خصوصی و اصل ۴۴) بیانگر این است که در اغلب بانکهای ایرانی که با افزایش کفایت سرمایه مواجه بوده اند رشد دارایی های بدون ریسک (مجموع دارایی های نقد، مطالبات از بانک مرکزی و مطالبات از بانکها) بیشتر از رشد دارایی های ریسکی (اعتبارات اعطایی) بوده است. همانطور که مشاهده می شود در خصوص بررسی اثر کفایت سرمایه بر وام دهی برخی از تحقیقات نتیجه گرفته اند که سرمایه بانکها در قالب شاخص کفایت سرمایه اثر منفی بر وام دهی دارد (مانند هورواث و همکاران، ۲۰۱۲) برخی نتیجه گرفته اند که اثر کفایت سرمایه بر وام دهی بانکها مثبت است (مانند آنگورا و رالت، ۲۰۱۲) و برخی نیز نتیجه گرفته اند که اساساً شاخص کفایت سرمایه بر وام دهی بانکها اثر معناداری ندارد (خشنود و اسفندیاری ۱۳۹۳) برخی از تحقیقات نیز (خصوصاً در خارج از کشور) به بررسی اثر سرمایه گذاری های بانکها بر وام دهی آن ها پرداخته اند؛ و نتیجه گرفته اند که سرمایه گذاری بانکها اثر منفی بر وام دهی آن ها دارد (مانند فانگا کوو و همکاران، ۲۰۱۳) برخی نیز نتیجه گرفته اند که با توجه به کاهش عدم تقارن اطلاعات سرمایه گذاری بانکها اثری مثبت بر وام دهی آن ها دارد (مانند کانگ و همکاران، ۲۰۰۰). طبق بررسی های انجام شده تا کنون تحقیقی که دو عامل کفایت سرمایه و سرمایه گذاری های بانکها را در کنار هم و در قالب یک پژوهش واحد بررسی کرده باشد و یا در خصوص اینکه اثر این دو عامل را به صورت توأمان بر وام دهی و به طور مشخص از طریق یک رابطه غیرخطی بررسی کرده باشد پژوهشی انجام نشده است لذا بررسی این موضوع انگیزه اصلی انجام تحقیق حاضر بوده که وجه تمایز این تحقیق نسبت به تحقیقات پیشین می باشد.

۴- روش تحقیق

۴-۱- داده ها و مدل پژوهش

نمونه آماری این تحقیق شامل ۲۱ بانک خصوصی کشور به شرح زیر است که در دوره تحقیق ۱۳۹۵-۱۳۹۰ فعالیت مستمر داشته اند. این بانکها عبارتند از سینا، صادرات، ملت، رفاه، تجارت، اقتصاد نوین، پارسیان، پاسارگاد، کارآفرین، سامان، آینده، خاورمیانه، گردشگری، شهر، توسعه تعاون، دی، ایران زمین، انصار، حکمت ایرانیان، قوامین و سرمایه.

۴-۲- روش پژوهش

در این پژوهش از روش داده های تابلویی (Panel Data) برای ترکیب داده های مقطعی و سری زمانی استفاده شده است. در صورتی که مدل رگرسیون مورد تحلیل در برگیرنده یک یا چند عنصر با وقفه از متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی باشد، در آن صورت مدل را مدل خود رگرسیونی یا مدل دینامیک (پویا) می نامند. این مدل ها در واقع بیانگر رگرسیون متغیر وابسته بر حسب خودش با وقفه زمانی معین می باشد. برای تخمین پانل پویا می توان از تخمین زنده های آندرسون - هشیائو، آرانو و باند، بلوندل و باند نام برد. مدل پیشنهادی آندرسون - هشیائو، مدل 2SLS و مدل پیشنهادی آرانو و باند و بلوندل و باند، مدل گشتاور تعمیم یافته (GMM) می باشد. به گفته ماتیس و سوستر^۱، برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس های بزرگ برای ضرایب بدست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنی دار نباشد یاوری و اشرف زاده (۱۳۸۴) همچنین هنگامی که در مدل داده های ترکیبی، متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می شود دیگر برآوردهای OLS مناسب نمی باشد. هشیائو، آرانو و بوند و بالتاجی (۱۹۹۵) بنابراین روش GMM توسط آرانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. این تخمین زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می دهد. پس با توجه به ماهیت مدل در این تحقیق که متغیر با وقفه در سمت راست معادله وجود دارد به منظور تخمین معادله از روش ترکیبی پویا و مدل GMM استفاده شده است.

۴-۳- معرفی مدل و متغیرهای به کار رفته در مدل

مدل مورد استفاده در این پژوهش با الهام از پژوهش بری و همکاران (۲۰۱۳) و همچنین کیم و سون (۲۰۱۷) با اعمال تعدیلاتی که با توجه به متغیرهای متفاوت تأثیرگذار بر تسهیلات اعطایی صورت گرفته به شکل زیر طراحی شده است.

رابطه ۱

$$LTA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LTA_{i,t-1} + \beta_2 CAP_{i,t} + \beta_3 INV_{i,t} + \beta_4 LSIZE_{i,t} + \beta_5 BLQ_{i,t} + \beta_5 EG_{i,t} + \beta_6 NPTL_{i,t} + \beta_7 R_{i,t} + \beta_8 D_{i,t} + \beta_9 MFTA_{i,t} + \beta_{10} mix_{i,t} + u_{i,t}$$

$LTA_{i,t}$	نسبت تسهیلات اعطایی بانک‌ها به اشخاص دولتی و غیر دولتی که بر مجموع دارایی بانک‌ها تقسیم شده است—دوره جاری
$LTA_{i,t-1}$	نسبت $LTA_{i,t}$ با یک دوره وقفه است.
NPTL	نسبت مطالبات غیر جاری به وام است و از حاصل تقسیم مجموع مطالبات مشکوک الوصول، مطالبات معوق و مطالبات سررسید گذشته بر تسهیلات اعطایی بدست آمده است
MFTA	نسبت تفاضل تسهیلات از سپرده بانک‌ها می‌باشد که به مجموع دارایی‌ها تقسیم شده است ۱ و معرف ساختار منابع و مصارف بانک‌ها می‌باشد
BLQ	نقدینگی بانک‌ها که در این پژوهش از تقسیم دارایی جاری بر کل دارایی‌ها بدست آمده است.
LSIZE	لگاریتم طبیعی دارایی‌ها به عنوان شاخصی که معرف اندازه بانک است.
EG	نرخ رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی)
R	نرخ واقعی سود بانکی (نرخ سود تسهیلات بانکی که بر مبنای تورم واقعی شده است)
CAP	کفایت سرمایه
INV	سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها در شرکت‌ها به کل دارایی‌ها ۲
MIX	شاخصی ترکیبی که از حاصل ضرب متغیر سرمایه‌گذاری در کفایت سرمایه بدست آمده است (Cap*inv)
D	متغیر دمی مورد استفاده در این پژوهش تب بانکی ۳ می‌باشد که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است
$u_{i,t}$	جمله اخلال می‌باشد.

۵- نتایج تجربی

در این بخش ابتدا خصوصیات آماری داده‌های تحقیق بررسی شده است؛ سپس برای تخمین مدل ابتدا عدم وجود ریشه واحد در متغیرهای مستقل و وابسته مدل بررسی شد و پس از آزمون‌های عدم هم‌انباشتگی و واریانس ناهمبستگی، مدل پژوهش به روش GMM تخمین زده شد نهایتاً آزمون‌های تشخیصی مدل—آزمون‌های سارگان و والد—انجام و نتایج حاصل از تخمین مدل تفسیر شده است.

جدول (۱) خصوصیات آماری داده‌ها

متغیر	میانگین	میانه	پیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
$LTA_{i,t}$	۰/۵۲۶۲	۰/۵۸۷۵	۰/۸۷۳۳	۰/۰۰۵۸	۰/۲۰۰۹	۰/۹۳۳۷	۰/۰۸۱۴
Cap	۱۱/۴۳	۸/۹	۱۲۲/۷	۱/۷	۱۲/۹۷	۷/۱۵	۶۱/۶
Inv	۰/۷۱	۰/۴۲	۱۲/۳۷	۰/۰۲	۱/۳۶	۷/۲۶	۶۱/۱۹
EG	۰/۷۴	۰/۳۸	۴/۴۷	-۶/۶	۳/۹۴	-۰/۷۴	۲/۲۵
LSIZE	۱۲/۲۹	۱۲/۲۶	۱۴/۴۲	۹/۰۵	۱/۲	-۰/۲۶	۲/۷۲
BLQ	۱۲/۰۲	۵/۱۳	۹۱/۹	۰/۱۳	۲۲/۵۵	۱/۴۴	۴/۰۷
NPTL	۰/۱۹۴	۰/۱۰۹۷	۳/۱۲	۰/۰۱۴۱	۰/۳۳۶	۶/۳۰۵	۵۰/۱۷
MFTA	۰/۲۳۶۹	۰/۱۸۷۸	۰/۸۷۸۸	۰/۲۵۶۳	۰/۲۰۶۹	۰/۷۷۶۹	۰/۷۴۶۳
Mix	۵/۶۴	۴/۲۵	۳۶/۱۸	۰/۲۲	۵/۳۲	۲/۲۲۹۶	۱۵/۲۸۶۳
R	-۳/۳۶	-۱/۳	۹	-۱۹/۷	۱۱/۷۰	۰/۲۶۷۱	-۲/۵۰
D	۰/۴۸	۰/۰۰	۱	۰/۰۰	۰/۵	۰/۱۳	۱/۰۲

۱ - هدف از وارد کردن این متغیر بررسی اثر ساختار منابع و مصارف بانک‌ها بر میزان تسهیلات اعطایی آنها می‌باشد؛ که برای کمی سازی آن از شاخص (تفاضل تسهیلات بانک از منابع تجهیز شده) تقسیم بر مجموع دارایی‌های بانک‌ها استفاده شده است. قابل ذکر است در پژوهش‌های پیشین نیز بررسی اثر این متغیر بروام دهی مورد توجه محققان دیگری نظیر کیم و سون (۲۰۱۷)، بری (۲۰۱۳) و... بوده است که اثر این شاخص را در کنار ۳ متغیر اساسی دیگر مرتبط به شاخص‌های داخلی بانک‌ها یعنی $Npl\ to\ asset - \ln(Size) - LIQ\ to\ asset$ بر اعطای تسهیلات توسط آنها، بررسی کرده‌اند.

۲- فرمول سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها:

نسبت سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌ها

سرمایه پایه

۳ - به لحاظ مبنای نظری جهت تعریف متغیر دمی در مدل برای فاصله سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲، استناد شده است به مقاله محمد نادعلی که در سال ۱۳۹۵ در فصلنامه روند شماره ۷۶ به چاپ رسیده است در این مقاله چهار تب بانکی (و نه بحران) در کشور در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۴ شناسایی شده است. تب نخست پس از انقلاب اسلامی و با وقوع جنگ تحمیلی رخ داد. در برهه بعدی از تب نخست، تب دوم در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ با افت بهای نفت، رکود اقتصادی تداوم یافت. شکستگی یا تب سوم در سال ۱۳۷۳ با یکسان‌سازی ناموفق ارزی شروع شد و با رشد نقدینگی و افزایش بهای ارز تا سال ۱۳۷۵ به طول انجامید. آخرین مورد که در دوره زمانی این تحقیق اتفاق افتاده است طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. طی این دوره تحریم‌های اقتصادی، کاهش ارتباطات بین‌المللی، بحران ارزی و رشد بالای بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی منجر به تب چهارم نظام بانکی شد. لذا به تاسی از پژوهش کیم و سون (۲۰۱۷) که برای بررسی اثر بحران اقتصادی بر وام دهی در دوره بحران سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۷ متغیر دمی وارد مدل نموده‌اند و باتوجه دوره‌های اشاره شده در مقاله نادعلی (۱۳۹۵) پژوهش حاضر نیز جهت بررسی ویژه اثر دوره تب بانکی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ متغیر دمی تعریف و وارد مدل نموده است.

۵-۱- نتایج آزمون عدم ریشه واحد (مانایی)

مانایی متغیرهای الگو از جمله نکات مهم در تخمین‌های اقتصادسنجی است بنابراین پیش از برآورد مدل پژوهش به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد پانلی لوین، لی و چو^۱ (۲۰۰۰) استفاده شده و نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است. فرضیه صفر آزمون مانایی مبنی بر وجود ریشه واحد یا نا مانایی متغیر مورد بررسی است و فرضیه مقابل، نبود ریشه واحد یا مانایی متغیر مورد نظر می‌باشد.

جدول (۲) آزمون مانایی لوین، لین و چو

نتیجه	احتمال	آماره	متغیر
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۰۱	-۴/۷۷	$LTA_{i,t}$
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۲	-۳/۴۸	$LTA_{i,t-1}$
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۶	-۲/۵۱	Cap
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۳	-۱/۷۵	Inv
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۰	-۷/۸۲	EG
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۹	-۷/۶۲	LSIZE
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۴	-۱/۶۱	BLQ
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۰	-۹/۹۷	NPTL
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۱	-۳/۴۳	MFTA
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۰	-۶/۸۸	Mix
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۱۰	-۲/۵۴	R
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۲	-۱/۶۷	D

یادداشت. مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آن‌ها نشان می‌دهد کلیه متغیرهای مورد مطالعه مانا می‌باشند.

۵-۲- نتایج حاصل از آزمون های همگنی

جدول (۳) آزمون های همگنی

آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
F لیمر	۱/۷۶۷۵	۰/۰۰۰۳	پانل دیتا
بروش-پاگان	۱/۸۱۷۵	۰/۰۰۰۰	پانل دیتا

یادداشت. مأخذ: یافته ای پژوهش

با توجه به نتایج آزمون های همگنی لیمر و بروش پاگان، فرضیه صفر که به معنی پذیرش مدل پولینگ است رد شده و فرضیه مقابل که نشان دهنده ماهیت پانل داده ها و مدل است تایید می شود.

۵-۳- نتایج حاصل از آزمون های هم انباشتگی

ایده اصلی در تجزیه تحلیل هم جمعی آن است که اگرچه بسیاری از سری های زمانی نامانا هستند اما ممکن است ترکیب خطی این متغیرها در بلند مدت مانا و بدون روند تصادفی باشد. به منظور بررسی موضوع در پژوهش حاضر از آزمون هم انباشتگی کائو استفاده شده و نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. فرض صفر این آزمون عدم وجود بردار هم انباشتگی می باشد.

جدول (۴) نتایج آزمون هم انباشتگی کائو

نتیجه آزمون	فرضیه صفر	P_value	آماره	روش آزمون
رد فرضیه صفر	عدم هم انباشتگی	۰/۰۴۹	-۲/۵۲۹	ADF

یادداشت. مأخذ: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج جدول (۴) وجود هم انباشتگی بین متغیرهای الگو رد نخواهد شد و فرضیه صفر مبنی بر وجود هم انباشتگی تأیید می شود؛ بنابراین وجود رابطه ی تعادلی بلندمدت و عدم وجود رگرسیون کاذب نیز بر متغیرهای الگو تأیید می شود.

۴-۵- واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی

جدول (۵) آزمون خودهمبستگی و ولدریج و واریانس ناهمسانی والد تعدیل شده

آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
خودهمبستگی	۴۸/۲۵	۰/۰۰	خودهمبسته
واریانس ناهمسانی	۱۱۳۰۰/۸۳	۰/۰۰	واریانس ناهمسان

یادداشت: مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۵، مشخص است داده‌ها دچار ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی هستند. وجود ناهمسانی و خودهمبستگی در داده‌ها موجب ناکارآمدی روش‌های OLS، GLS، اثرات ثابت و تصادفی می‌شود. آرلانو و بوند^۱ (۱۹۹۱) برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی، گشتاورهای تعمیم‌یافته تفاضلی را ارائه کردند. این تخمین خودهمبستگی مرتبه اول و دوم را برای تفاضل مرتبه اول جمله خطا، آزمون می‌نماید. آرلانو و باور^۲ (۱۹۹۵) توضیح دادند که اگر معادلات اصلی در سطح به یک معادله تفاضل مرتبه اول اضافه شوند، شرط گشتاورهای اضافه می‌تواند موجب افزایش کارایی مدل شود^۳ (GMM سیستمی). ویژگی این تخمین زننده این است که تفاضل گیری از مدل موجب حذف اثرات ثابت شده و کارایی مدل را افزایش می‌دهد؛ بنابراین با توجه به ویژگی‌های داده‌های مورد استفاده در این پژوهش (تعداد مقاطع از دوره زمانی بیشتر است و مدل مشکل خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی دارد) بهترین روش تخمین، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته است.

۵-۵- برآورد مدل تحقیق به روش گشتاورهای تعمیم یافته (System-GMM)

جدول (۶) برآورد مدل به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) با عرض از مبدأ

متغیر وابسته: میزان تسهیلات به دارایی‌ها ($LTA_{i,t}$)

سطح بحرانی	آماره	انحراف معیار	ضریب همبستگی	متغیر
۰	۵.۷۷۱۹۲۶	۰.۰۷۲۷۸۳	۰.۴۲۰۰۹۹	C
۰	۷.۳۲۲۱۳	۰.۰۸۶۴۵۲	۰.۶۳۳۰۱	$LTA_{i,t-1}$
۰	-۵.۶۸۰۴۴۷	۰.۰۰۰۸۹۳	-۰.۰۰۵۰۷۴	CAP
۰.۰۳۴۱	-۲.۱۵۷۸۱۹	۰.۰۱۹۰۴۵	-۰.۰۴۱۰۹۶	INV
۰.۹۶۵۴	۰.۰۴۳۵۱۷	۰.۴۵۵۰۱۵	۰.۰۱۹۸۰۱	MIX
۰	-۷.۲۹۰۲۸۷	۰.۰۱۹۶۰۱	-۰.۱۴۲۸۹۴	NPTL
۰.۰۰۱۱	-۳.۳۸۷۵۵۳	۰.۰۷۷۷۹۸	-۰.۲۶۳۵۴۵	MFTA
۰.۸۲۸۹	-۰.۲۱۶۸۹۳	۰.۰۲۸۸۳۴	-۰.۰۰۶۲۵۴	LSIZE
۰.۰۵۴۹	-۱.۹۴۹۷۲۲	۰.۰۰۰۴۳۷	-۰.۰۰۰۸۵۲	BLQ
۰.۰۴۰۶	۲.۰۸۳۲۱۹	۰.۰۰۳۵۵۴	۰.۰۰۷۴۰۴	EG
۰.۰۸۹۳	-۱.۷۲۱۱۴۵	۰.۰۰۳۳۲۹	-۰.۰۰۵۷۳	R
۰.۱۳۵۶	-۱.۵۰۸۶۷	۰.۰۹۲۰۷۵	-۰.۱۳۸۹۱	D

یادداشت: مأخذ: یافته‌های پژوهش

$$LTA_{i,t} = .42 + .63LTA_{i,t-1} - .005CAP_{i,t} - .041INV_{i,t} - .0008BLQ_{i,t} + .0074EG_{i,t} - 0.142NPTL_{i,t} - .0057R_{i,t} - .263MFTA_{i,t} + u_{i,t}$$

$$R\text{-squared} = 0.818766$$

$$\text{Durbin-Watson stat} = 1.959069$$

¹ Arellano & Bond

² Arellano and Bover

³ System-GMM

همانطور که مشاهدات می شود تقریباً ۸۲٪ از تغییرات متغیر وابسته (میزان تسهیلات به دارایی‌ها (Loan/Asset)) توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است و مطابق دوربین واتسون می توان ادعا نمود که مدل دچار خود همبستگی نمی باشد.

۵-۶- نتایج آزمون های تشخیصی مدل

جدول (۷) آزمون های سارگان و آرلانو و باند

آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
AR(2)	۰/۹۶	۰/۳۴	عدم خودهمبستگی بین جملات اخلاص
سارگان	۵/۸۹	۰/۹۵	اعتبار ابزارها

یادداشت: مآخذ: یافته های پژوهش

جدول (۸) آزمون اعتبار کل رگرسیون -والد

آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
والد	۷۱۹/۶۱	۰/۰۰۰۱	معتبر بودن کل رگرسیون

یادداشت: مآخذ: یافته های پژوهش

برای اعتبارسنجی مدل برآوردی از آزمون سارگان و برای بررسی عدم خود همبستگی بین جملات اخلاص از آزمون آرلانو و باند (AR(2)) استفاده شده است (فرض صفر این آزمون نبود خودهمبستگی بین جملات اخلاص است). نتایج حاصل از برآورد این آزمون ها که در جدول ۷ گزارش شده حاکی از اعتبار متغیرهای ابزار و عدم خودهمبستگی میان جملات خطا در مدل می باشد. همچنین آزمون والد برای اعتبار سنجی ضرایب برآوردی در مدل پژوهش فرضیه صفر این آزمون بر صفر بودن کلیه ضرایب مبتنی می باشد صورت گرفته و در جدول شماره ۸ گزارش شده است. همانطور که مشاهده می شود نتایج آزمون والد نیز نشان دهنده اعتبار و معنادار بودن کلیه ضرایب برآوردی می باشد بنابراین کلیه آزمون های تشخیصی انجام شده فوق نشان می دهند که نتایج تخمین زنده System-GMM قابل اعتماد و دارای اعتبار و سازگاری لازم است.

۵-۷- تفسیر نتایج تخمین مدل

۵-۷-۱- متغیر $LTA_{i,t-1}$: بر اساس نتایج جدول شماره ۶ ضریب این متغیر می دهد که نسبت تسهیلات اعطایی به کل دارایی ها با یک وقفه دارای اثر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵٪ بر متغیر وابسته مدل (نسبت تسهیلات اعطایی به کل دارایی ها) می باشد؛ در واقع تغییرات در میزان این متغیر در یک دوره تنها به همان دوره ختم نشده و بر اعطای تسهیلات در دوره های بعد نیز تأثیرگذار است.

۵-۷-۲- متغیر CAP: این متغیر نشان می دهد که کفایت سرمایه در سطح اطمینان ۹۵٪ اثر منفی معنادار بر متغیر وابسته دارد. ضریب همبستگی این متغیر نشان می دهد که با افزایش یک واحد در کفایت سرمایه بانک ها نسبت تسهیلات به دارایی (متغیر وابسته) معادل ۰/۰۰۵ کاهش خواهد یافت. این نتیجه (رابطه منفی بین کفایت سرمایه و وام دهی) مشابه نتایج تحقیقات کیم و سون (۲۰۱۷)، هوروات و همکاران (۲۰۱۲)، فانگاکو و همکاران (۲۰۱۰)، برگر و بومن (۲۰۰۹) می باشد. در ایران نیز احمدیان (۱۳۹۲) در گزارش نتایج تحقیقات خود بیان کرده است در اغلب بانک های ایرانی که با افزایش کفایت سرمایه مواجه بوده اند رشد دارایی های بدون ریسک بیشتر از رشد اعتبارات اعطایی بوده است. همچنین خشنود و اسفندیاری (۱۳۹۳) در بیان یافته های خود اشاره کرده بودند که نتیجه ای دال بر اثربخشی سرمایه بانک در قالب نسبت کفایت سرمایه بر تصمیمات وام دهی بانک ها مشاهده نکرده اند.

۵-۷-۳- متغیر INV: با توجه به جدول شماره ۶ ملاحظه می شود که سرمایه گذاری بانک ها در سطح اطمینان ۹۵٪ اثر منفی معنادار بر متغیر وابسته دارد. ضریب این متغیر در جدول مذکور نشان می دهد که با افزایش یک واحد در سرمایه گذاری بانک ها نسبت تسهیلات به دارایی (متغیر وابسته) معادل ۰/۰۴۱ کاهش خواهد یافت این نتیجه (رابطه منفی بین سرمایه گذاری بانک ها و وام دهی) مشابه است با یافته های تحقیقاتی همچون فانگاکو و همکاران (۲۰۱۳)، جیا (۲۰۰۹) که معتقدند سرمایه گذاری بانک ها منابع آن ها را جهت اعطای وام از دسترس آن ها خارج نموده و نهایتاً منجر به کاهش وام دهی می گردد.

۵-۷-۴- متغیر NPTL: این شاخص نشان می دهد مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات در سطح اطمینان ۹۵٪ اثر منفی معنادار بر متغیر وابسته دارد. نتایج جدول ۶ نشان می دهد که یک واحد افزایش در نسبت NPTL معادل ۰/۱۴۲ نسبت LIT

i,t (متغیر وابسته) را کاهش می دهد. در نتیجه بانک ها باید در ارائه تسهیلات نهایت دقت و احتیاط را اعمال نمایند تا از احتمال نکول وام ها که منجر به کاهش منابع در دسترس آن ها جهت تخصیص تسهیلات می شود جلوگیری نمایند.

۵-۷-۵- MFTA: این متغیر نشان می دهد که برآیند تفاضل مبالغ تسهیلات از سپرده های بانک که بر کل دارایی های بانک تقسیم شده است در سطح اطمینان ۹۵٪ اثر منفی معنادار بر متغیر وابسته دارد. در واقع یک واحد افزایش در این متغیر معادل ۰/۲۶۳ نسبت تسهیلات به دارایی (متغیر وابسته) را کاهش می دهد.

۵-۷-۶- BLQ: نتایج جدول شماره ۶ حاکی از آن است که میزان نقدینگی بانک ها در سطح اطمینان ۹۵٪ (با اغماض) اثر منفی معنادار بر متغیر وابسته دارد. ضریب رگرسیون این متغیر نشان می دهد که با افزایش یک واحد در این متغیر، نسبت تسهیلات به دارایی (متغیر وابسته) معادل ۰/۰۰۸ کاهش خواهد یافت این متغیر که از تقسیم دارایی های جاری بر کل دارایی ها محاسبه شده است نشان دهنده توان بانک در دفع شوک های نقدینگی می باشد. بالا بودن این نسبت از طرفی نشان دهنده اعمال سیاست های محتاطانه توسط بانک ها و از طرفی نشان دهنده توان بالاتر آن ها در دفع شوک های نقدینگی است. یافته های پژوهش حاضر مطابق نتایج پژوهش هایی همچون برگر و بومن (۲۰۰۹) نشان می دهد افزایش نقدینگی بانک ها صرف اعطای تسهیلات نمی شود بلکه این منابع در دارایی های جاری طبقه بندی شده و در کوتاه مدت برای دفع اتفاقات غیر منتظره (شوک های وارد به نقدینگی) و در بلند مدت برای سرمایه گذاری در حوزه هایی که سود آوری بالاتری نسبت به اعطای وام دارند و احتمال نکول پایین تری دارند مورد استفاده قرار می گیرد و برای تخصیص تسهیلات که حتی در صورت وصول هم منابع بانک را در میان مدت و بلند مدت در گیر می نماید صرف نمی شود.

۵-۶-۶- EG: نتایج جدول ۶ نشان می دهد که نرخ رشد اقتصادی در سطح اطمینان ۹۵٪ اثر مثبت و معنادار بر متغیر وابسته LIT_{i,t} دارد. ضریب این متغیر نشان می دهد که با افزایش یک واحد در نرخ رشد اقتصادی نسبت تسهیلات به دارایی (متغیر وابسته) معادل ۰/۰۰۷ افزایش خواهد یافت در بیان علت این موضوع میتوان گفت که افزایش نرخ رشد اقتصادی منجر به افزایش تقاضای سرمایه گذاری و متعاقباً افزایش درخواست ها برای تسهیلات بانکی می شود.

۵-۷-۷- R: یافته های این پژوهش نشان می دهد که ابزار سیاست پولی که در این پژوهش نرخ واقعی سود بانکی منظور شده است (نرخ سود تسهیلات بانکی منهای تورم) در سطح اطمینان ۹۰٪ اثر منفی و معنادار بر متغیر وابسته دارد. ضریب این متغیر نشان می دهد که با افزایش یک واحد در نرخ واقعی سود بانکی نسبت تسهیلات به دارایی (متغیر وابسته) معادل ۰/۰۰۵ کاهش خواهد یافت این نتیجه با یافته های تئوری های اقتصادی نیز سازگار است چراکه با افزایش نرخ بهره میزان سرمایه گذاری ها کاهش و متعاقباً میزان درخواست تسهیلات کاهش می یابد.

۵-۷-۸- همچنین قابل ذکر است که بر اساس یافته های این پژوهش:

- بر خلاف انتظار نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داد که علی رغم اینکه کفایت سرمایه و میزان سرمایه گذاری بانکها اثر معناداری (منفی) بر وام دهی دارند اما متغیر حاصل ضرب کفایت سرمایه در سرمایه گذاری بانکها (mix)؛ که معرف اثر توأمان این دو متغیر بوده است تاثیر معناداری بر LIT_{i,t} (متغیر وابسته) ندارد.
- متغیر اندازه بانک (LSIZE) تاثیر معناداری بر نسبت تسهیلات اعطایی بر دارایی بانکها ندارد که این نتیجه با توجه به اینکه میزان وام بانکها بر مبنای دارایی آن ها نرمال شده است منطقی می باشد.
- همچنین دوره تب بانکی که بر مبنای مطالعات پیشین فاصله سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ در نظر گرفته شده است اثر معناداری بر وام دهی بانکها نداشته است.

۶- جمع بندی

در این پژوهش اثر عوامل مختلفی بر وام دهی بانکها بررسی شده است. محور اصلی انجام تحقیق بررسی اثر دو عامل کفایت سرمایه و سرمایه گذاری به صورت توأمان (joint effect) بوده است. در کنار این موضوع اثر عوامل درونی بانکها شامل ۴ شاخص (اندازه بانک، نقدینگی بانک به کل دارایی بانک، شاخص مطالبات غیر جاری بر مانده تسهیلات، ساختار منابع و مصارف بانک که از تفاضل مبالغ تسهیلات از سپرده های بانک حاصل شده و بر کل دارایی های بانک تقسیم شده است و همچنین اثر نرخ رشد اقتصادی و نرخ واقعی سود تسهیلات بانکی (که بر مبنای نرخ تورم تعدیل شده است) به عنوان عوامل بیرونی اثرگذار بر وام دهی بانکها مورد بررسی قرار گرفته است. پس از طراحی و برآورد مدل نتایج نشان داد که سرمایه گذاری و کفایت سرمایه هریک به تنهایی بر وام دهی اثر منفی و معناداری در سطح ۹۵٪ دارند اما در زمانی که اثر آن ها به صورت توأمان در نظر گرفته شد اثر معناداری بر وام دهی بانکها نداشتند. از بین عوامل درونی اندازه بانک اثر معناداری بر وام دهی نداشت اما ۳ شاخص دیگر بر وام دهی اثر منفی معنادار دارند. از بین عوامل بیرونی اثرگذار بر وام دهی نرخ رشد اقتصادی اثر مثبت معنادار و نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی (که بر مبنای نرخ تورم تعدیل شده است) اثر منفی معنادار بر وام دهی بانکها دارند.

- احمدیان، اعظم/(۱۳۹۲). ارزیابی شاخص های سلامت بانکی در بانک های ایرانی (۱۳۹۱-۱۳۹۰). مقاله کاری شماره MBRI9222/ زمستان ۱۳۹۲.
- اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۲). آیین نامه کفایت سرمایه. شماره: م.ب/ ۱۹۶۶/
- بینا، م. آمادگی نظام بانکی ایران برای هماهنگی با مقررات بین المللی. <http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?PageName=islamicbankingpages&ID=181512>
- پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی (۱۳۹۴). بخشنامه شماره ۹۴/۲۹۶۳۴۸: همگرایی بین المللی در زمینه استانداردها و اندازه گیری سرمایه بانکها توافقنامه بال ۲.
- پرهیزکاری، سید عباس(۱۳۹۳). بانکداری بنگاهها و بنگاهداری بانکها. www.ayaronline.ir
- خشنود، ز، اسفندیاری، م. (۱۳۹۳). وام دهی بانک و کفایت سرمایه: مقایسه بانک های دولتی و خصوصی در ایران، فصلنامه پژوهشهای پولی - بانکی. (۷) ۲۳۵-۲۰، ۲۱۱-۲۰.
- دیواندری، علی. گودرزی، حجت اله. بانکداری سرمایه گذاری (نظریات و کاربردها)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.
- رزقی، ا.، فرزین وش، ا؛ و عربی، ه. (۱۳۹۴). بررسی ابعاد اقتصادی بنگاهداری بانکها بر اساس عقد مشارکت حقوقی و آثار آن در اقتصاد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.
- شریف مقدسی، ع، ندری، ک، ابوالحسنی، ا، موسوی جهرمی، ی؛ و مجاب، ر. (۱۳۹۶). سرمایه گذاری بانک و ارتباط غیرخطی آن با سلامت بانک در شرایط سرکوب مالی، فصلنامه پژوهشهای پولی - بانکی. (۱۰) ۳۳، ۳۵۳-۳۸۱.
- فلاح شمس، م. عباس زاده، ح.(۱۳۸۷). مقایسه تطبیقی کفایت سرمایه در بیانیه اول و دوم کمیته بال، فصلنامه روند، (۵۴) ۱۷(۵۵)، ۳۷-۱۱.
- نادعلی، م. (۱۳۹۵). سنجش میزان شکنندگی نظام بانکی در اقتصاد ایران، فصلنامه روند، (۷۶) ۲۳، ۱۷۲-۱۴۵.
- نوری، پیمان. (۱۳۸۸). بررسی نقش بحران های مالی بر شاخص های کلیدی بانکها، بیستمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران
- Angora, A., Roulet, C., 2011, Transformation risk and its determinants: A new approach based on the Basel III liquidity management framework, Working Paper, Université de Limoges
- Anderson, R. C., & Fraser, D. R. (2000). Corporate control, bank risk taking, and the health of the banking industry. J. Bank. Financ. 24, 1383-1398.
- Berger, Allen N., and Christa H.S. Bouwman. Bank Liquidity Creation, Review of Financial Studies 22 (9) (2009): 3779-3837. How Does Capital Affect Bank Performance during Financial Crises?, Journal of Financial Economics 109 (2013): 146-176.
- Berger, A. N., Bouwman, C. H. S., 2009. Bank liquidity creation. Review of Financial Studies, 22, 3779-3837.
- Bernanke, Ben S., and Cara S. Lown. The Credit Crunch, Brookings Papers on Economic Activity 2 (1991): 205-247.
- Berrospide, Jose M., and Rochelle M. Edge. The Effects of Bank Capital on Lending: What Do We Know, and What Does It Mean?, International Journal of Central Banking 6 (4) (2010): 5-54.
- Brei, Michael, Leonardo Gambacorta, and Goetz von Peter. "Rescue Packages and Bank Lending," Journal of Banking and Finance 37 (2013): 490-505.
- Charlez, A., & Fontana, G. (2011). "A Critical Assessment of the Financialisation Process and its Impact on the US Labour Force during the Great Recession". International journal of public policy. 7(1/2/3), pp.97-111.
- Dohan, Kim. Wook Sohn. The Effect of Bank Capital on Lending: Does Liquidity Matter? Journal of Banking and Finance (2017)
- Epstein, G. (2005). Financialization and the World Economy. cheltenham: Edward Elgar
- Erturk, Ismail, Julie Froud, Sukhdevjohal, Adam Leaver, and Karel Williams.
- Fungáčová, Z., Herrala, R., & Weill, L. (2013). The influence of bank ownership on credit supply: Evidence from the recent financial crisis. Emerging Markets Review. 15 (2013), 136-147.
- Jia, C. (2009). The effect of ownership on the prudential behavior of banks: The case of China. Journal of Banking and Finance. 33, 77-87.

- Horvath, R., Jakub S., Weill L., 2012, Bank capital and liquidity creation: Granger causality evidence, Working Paper, Charles University in Prague.34
- Jackson, Patricia, Craig Furfine, Hans Groeneveld, Diana Hancock, David Jones, William Perraudin, Lawrence Radecki, and Masao Yoneyama. —Capital Requirements and Bank Behavior: The Impact of the Basel Accord,|| *Basel Committee on Banking Supervision Working Paper* No. 1 (1999).
- Jokipii, Terhi, and Alistair Milne. —Bank Capital Buffer and Risk Adjustment Decisions,|| *Journal of Financial Stability* 7 (2011): 165-178.
- Kang, J. K., Shivdasani, A., & Yamada, T. (2000). The effect of bank relations on investment decisions: an investigation of Japanese takeover bids. *Journal of Finance*. 2197–2218.
- Berlin, M., John, K., & Saunders, A. (1996). Bank Equity Stakes in Borrowing Firms and Financial Distress. *The Review of Financial Studies*, 9(3), 889-919. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/2962314>

Nonlinear modeling to examine the effect of capital adequacy and Bank holds equity on bank lending

ABSTRACT

In this article the joint effect of holding equity by banks (INV) and their capital adequacy (CAP) on bank lending is analyzed.

The rules of banking industry and academic researches confirmed interaction between these factors, so this study centralized on designing a relation that can consider two factors as a single index, and then examine its effect on lending.

To do this investigation it was considered 21 banks of private sector in 1390-1395. Results show that each item CAP and INV has a negative & meaningful effect on lending but when they were considered as one factor the effect would'nt be meaningful.

Liquidity, Npl and structure of source & use of bank has a negative & meaningful effect on lending. (Internal Items)

Rate of gdp growth has a positive & meaningful effect and rate of loans which is adjusted by inflation has a negative & meaningful effect on loans. (External Items)

Keywords: Bank holds equity, Bezel committee rules, Pre-Crisis, Panel Data

تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۶

کد مقاله: ۹۲۹۷۰

فاطمه خطیری یانه سری^۱، حسین اسلامی مفیدآبادی^{۲*}،
سیدمحمد رضا خلیل زاده^۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-کاربردی است. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد. برای نمونه گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده گردید. از این رو، پس از اعمال محدودیت های موردنظر در این تحقیق نمونه نهایی ۱۲۸ شرکت به عنوان نمونه مورد بررسی تعیین شد. قلمرو زمانی این پژوهش نیز سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ بود. همچنین، در این پژوهش، اطلاعات مورد نیاز ابتدا از روش کتابخانه ای و مطالعات اسنادی گردآوری شد. سپس داده های لازم برای آزمون فرضیه های پژوهش از نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین استخراج شد. علاوه بر این برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز از نرم افزار اقتصادسنجی ایویوز (Eviews) استفاده شد. به طور کلی، نتایج حاصل از برازش الگوی تجربی برآورد شده نشان داد کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. همچنین مشخص شد که مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: مالکیت نهادی، کیفیت اطلاعات حسابداری، هزینه سرمایه

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی لامعی گرگان، گروه حسابداری، گرگان، ایران

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهریار، مدیریت، شهریار، ایران (مسئول مکاتبات).

(E.mail:hosseineslami62@gmail.com)

۳- مربی دانشگاه لامعی گرگان، گروه حسابداری، گرگان، ایران، آدرس رایانامه

۱- مقدمه

امروزه بازار سرمایه یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه اقتصادی هر کشور به شمار می‌رود. در حقیقت، سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده سرنوشت اقتصاد هر کشور است. بر همین اساس، بازار سرمایه در کنار سایر بازارها نظیر بازار پول، بازار کار و بازار کالا، وظیفه تخصیص بهینه سرمایه را به عهده دارد. به‌طوری‌که به‌منظور هدایت صحیح تصمیم‌گیری‌ها در راستای تخصیص بهینه سرمایه، اطلاعات نقش اساسی در عملکرد بازار سرمایه ایفا می‌کند؛ زیرا اغلب تصمیمات ازجمله تصمیمات سرمایه‌گذاری در حالت عدم اطمینان اتخاذ می‌شود (بولو، ۱۳۸۶). در چنین شرایطی، هزینه سرمایه در شرکت‌ها به‌عنوان هزینه تأمین منابع از سوی گروه‌های متفاوت است که برای انجام فعالیت‌های اقتصادی موردنظر شرکت‌ها استفاده می‌شود. یکی از این گروه‌ها صاحبان سهام عادی شرکت هستند که هزینه منابع مالی تأمین شده از سوی این گروه به عنوان هزینه حقوق صاحبان سهام در نظر گرفته می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۲). البته، یکی از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است. از این‌رو، در صورتی که اطلاعات مورد نیاز به صورتی نامتقارن بین افراد توزیع شود (انتقال اطلاعات به صورت نابرابر بین مردم صورت گیرد) می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به موضوعی واحد سبب شود؛ بنابراین، قبل از این که خود اطلاعات برای فرد تصمیم‌گیرنده مهم باشد، این کیفیت توزیع اطلاعات است که به صورت دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد. زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی^۱ در رابطه با سهام یک شرکت افزایش یابد، ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه برای سهام مورد نظر قایل می‌شوند متفاوت خواهد بود. در نتیجه، ارزش واقعی سهام شرکت‌ها با ارزش مورد انتظار سهامداران تفاوت خواهد داشت (دیاموند و ریچا، ۱۹۹۱).

البته، از دیرباز موضع شرکت‌ها در مورد گزارشگری مالی این بوده که اطلاعات را در کمترین حد ممکن منتشر کنند تا از اعطای فرصت بهره‌برداری بیشتر به رقبا جلوگیری شود. از این‌رو، در رابطه با گزارشگری مالی همواره دو چالش بزرگ پیش روی مدیران واحدهای تجاری وجود داشته؛ به‌طوری‌که یکی از آنها چگونگی برقراری تعادل بین شفافیت گزارشات مالی وعدم ارائه بیش از حد اطلاعاتی بوده و دیگری هم‌اینکه بیان می‌کند که اطلاعات به چه میزان، برای چه کسانی و در چه مواقعی باید منتشر شود (صیدی، ۱۳۸۴).

بنابراین، می‌توان گفت، گزارشات مالی محصول نهایی سیستم حسابداری بوده و به علت اهمیتی که برای استفاده‌کنندگان به خصوص صاحبان سهام دارد روندی رو به رشد داشته و همواره مورد توجه انجمن‌های مختلف حسابداری بوده است. قبل از تشکیل کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) اغلب مؤسسات و واحدهای تجاری به صورت داوطلبانه گزارشات مالی خود را تهیه و منتشر می‌کردند. علت این افشاهای ارادی را می‌توان جلب اعتماد عمومی، معرفی مؤسسه به عموم و سرمایه‌گذاران و در نهایت جلب سرمایه و سرمایه‌گذاران دانست؛ اما پس از وقوع بحران ۱۹۲۹ و پس از تأسیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار در سال ۱۹۳۳، گزارشگری مالی به صورت یک الزام قانونی برای مؤسسات درآمد. در رابطه با الزامات گزارشگری مالی این نکته نیز حائز اهمیت است که علاوه بر الزامات کمیسیون بورس و اوراق بهادار الزامات دیگری نیز جهت گزارشگری مالی وجود دارد که به الزامات بازار معروفند و عبارتند از الزامات بازار سرمایه و الزامات بازار کار (فاستر، ۱۹۸۶). لازم به ذکر است امروزه نیز سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در گردش فعالیت‌های سازمان‌ها و مجموعه محیط اقتصادی کشورها نقش با اهمیتی دارد. بسیاری از تصمیمات اقتصادی براساس اطلاعات حاصل از این سیستم‌ها اتخاذ می‌شود. سهم عمده‌ای از مبادلات اوراق بهادار که به خرید و فروش سهام شرکت‌ها اختصاص دارد تحت تأثیر ارقام و اطلاعات حسابداری است (عرب مازار یزدی و طالبیان، ۱۳۸۷)؛ اما یکی از موضوعات مهم در ارتباط با سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، کیفیت اطلاعات حسابداری است. واژه کیفیت اطلاعات، نخستین بار توسط گراهام و داد (۱۹۳۴) در تحلیل الگوی ارزش‌گذاری سهام وال‌استریت به کار گرفته شد. آن‌ها ضریب سود هر سهم را ضریب کیفیت نامیدند که برداشت افراد از کیفیت سود را نشان می‌داد. این ضریب انعکاسی از سیاست‌های توزیع سود، ویژگی‌های مختص به شرکت (همچون: اندازه، شهرت، عملکرد و افق مالی) ماهیت عملیات شرکت و شرایط کلان اقتصادی بود (اثنی عشری و همکاران، ۱۳۹۳). از این‌رو، افشای اطلاعات شفاف و با کیفیت توسط واحدهای تجاری موجب می‌شود که عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به سهام آنها کاهش یافته و تمایل برای معامله سهام نیز افزایش یابد که این امر به نوبه خود به کاهش ریسک و متناسب با آن، بازده سهام می‌انجامد و در نتیجه هزینه سرمایه تحمیلی برواحدهای تجاری نیز کاهش می‌یابد (پورحیدری و باقری، ۱۳۹۲).

با این حال، مبانی نظری موجود، نظیر مطالعات انجام شده توسط لامبرت (۲۰۰۵)، ایسلی و آهارا (۲۰۰۲)، و عرب مازار یزدی (۱۳۸۷)، کیفیت اطلاعات حسابداری بر نرخ هزینه سهام عادی شرکت‌ها (نرخ بازده موردانتظار سرمایه‌گذاران) نیز مؤثر می‌باشد (پورحیدری و باقری، ۱۳۹۲: ۳۶)؛ بنابراین، مطالعات قبلی که رابطه بین کیفیت حسابداری و هزینه سرمایه را بررسی کردند، نتایج برخی از این مطالعات نشان می‌دهند که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا، درک روشنی برای سرمایه‌گذاران نسبت به

1. Information Asymmetry

2. Diamond and Verrecchia

اطلاعات مربوط به مبادلات سهام فراهم می کند. این امر در نهایت ممکن است منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های مبادلات شود، در حالی که کارایی بهبود یافته سرمایه، کاهش ریسک اطلاعاتی و هزینه سرمایه را تسهیل می کند. با این حال، شاو^۱ (۲۰۰۳) و دسک^۲ (۲۰۰۶) استدلال کردند که شرکت هایی با کیفیت بهتر حسابداری بیشتر به هموارسازی سود می پردازند، در نتیجه درجه عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و در نتیجه افزایش هزینه سرمایه را افزایش می دهند (تی سانگ هسیه و همکاران، ۲۰۱۹). اسلوان (۱۹۹۶)، یکی از اولین کسانی بود که استدلال کرد که نتایج متناقض بالا احتمالاً ناشی از این واقعیت است که انواع مختلف سرمایه گذاران در قابلیت درک مفهوم قیمت گذاری اقلام تعهدی متفاوت هستند. برخی مطالعات قبلی نشان دادند که دستکاری درآمدها در شرکت هایی با نسبت بیشتر سرمایه گذاران نهادی کمتر رایج است؛ زیرا آن ها تمایل دارند عملکرد شرکت را با دقت بیشتری نسبت به سرمایه گذاران مجزا نظارت کنند (چانگ و همکاران^۳، ۲۰۰۲؛ میترا و کریدی^۴، ۲۰۰۵؛ راجگوپال ونکاتاکالما^۵، ۱۹۹۸). درحقیقت، دسترسی بهتر به متخصصان همراه با استفاده از تحلیل گران حرفه ای برای نظارت بر کیفیت حسابداری شرکت ها، و تأثیر گذاری برجریان جایگزینی مدیرانی که گزارش ارقام حسابداری آنها کیفیت پایینی داشتند (بنیس و وارگوس^۶، ۲۰۰۲؛ بوتوسان^۷، ۱۹۹۷؛ فرانسیس و همکاران^۸، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵؛ گرینبلات^۹، ۲۰۰۰؛ والتز^{۱۰}، ۱۹۹۷)، در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه پردازش و هزینه سرمایه (باچاریا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۳) را کاهش می دهد. از اینرو، ارایه پیشنهاد براساس موارد گفته شده فوق فقط برای کسانی که به بازده بلند مدت اهمیت می دهند، و انگیزه های قوی برای نظارت بر مدیران جهت کاهش دستکاری فرصت های درآمدی دارند (چن و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۷)، همان کاهش هزینه سرمایه است (تی سانگ هسیه و همکاران، ۲۰۱۹). همانطور که برای کسانی که روی سود کوتاه مدت متمرکزند، مشوق های کمی برای نظارت بر گزارش مالی شرکت دارند و فضای بیشتری را برای مدیران ایجاد می کنند تا درآمدها را به سمت انتظارات بازار دستکاری کنند (چن و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۷؛ گاسپار و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۵) که هم عدم تقارن اطلاعات را افزایش می دهد و هزینه سرمایه. براساس این نتایج متناقض، به نظر می رسد که سرمایه گذاران نهادی مهم، نقش مهمی در بحث درباره ایجاد ارزش سهام و حاکمیت شرکتی شرکت های دولتی ایفا می کنند (هلمن^{۱۵}، ۲۰۰۵). به طوری که ترکیبی از این اثرات منجر به پیش بینی رابطه غیر خطی بین مالکیت و ارزش شرکت می شود (تی سانگ هسیه و همکاران، ۲۰۱۹).

بنابراین، باتوجه به مطالب فوق، سوال اصلی این پژوهش این است که آیا مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد؟ یا خیر؟ اگر جواب مثبت باشد تا چه اندازه تأثیر گذار است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مدیران مالی در عصر کنونی با توجه به محدودیتهای مالی تحت فشار روزافزون قرار دارند تا هزینه های عملیاتی را کاهش دهند و کم هزینه ترین نوع ساختار سرمایه را برای انجام فعالیتهای اقتصادی در راستای افزایش ارزش شرکت، پرداخت به موقع بدهیها، تداوم فعالیت و حضور بیشتر در بازارهای داخلی و خارجی برگزینند. برای دستیابی به اهداف فوق راهبردهای مدیران برای تأمین منابع مالی مطلوب با کمترین هزینه میباشد. هزینه سرمایه نیز از مباحث اصلی در تصمیم گیری و انتخاب راه کارهای بهینه در خصوص سرمایه گذاری وجوه و ساختار سرمایه به منظور افزایش ارزش کلی واحد اقتصادی است. هر چه بازده مورد انتظار سرمایه گذاران بیشتر باشد شرکت زیر بار هزینه سرمایه بیشتری است و برای افزایش ثروت سرمایه گذاران خود باید بیشتر تلاش کند (خلیلی و فتحی، ۱۳۸۹). بدین ترتیب مدیران شرکت ها برای کاهش هزینه سرمایه خود و افزایش ثروت سهامداران سعی در کاهش ریسک سرمایه گذاری دارند. در فصل دوم به بررسی مبانی نظری متغیرها و پیشینه پژوهش می پردازد.

1. Shaw (2003)
2. Daske (2006)
3. Chung, Firth, & Kim, 2002;
4. Mitra & Cready, 2005;
5. Rajgopal & Venkatachalam, 1998)
6. Beneish & Vargus, 2002
7. Botosan, 1997
8. Francis, LaFond, Olsson, & Schipper, 2004;
9. Francis, LaFond, Olsson, & Schipper, 2005
10. Grinblatt & Keloharju, 2000
11. Walther, 1997
12. Bhattacharya, Desai, & Venkataraman, 2013
13. Chen, Harford, & Li, 2007
14. Chen et al., 2007
15. Gaspar, Massa, & Matos, 2005
16. Hellman, 2005

۲-۱- هزینه سرمایه

هزینه سرمایه یکی از مفاهیمی است که همواره مورد توجه صاحب نظران مالی بوده است و عامل اصلی در ایجاد شکاف بین سود حسابداری و سود اقتصادی است، این مفهوم به شکل های مختلف تعریف شده است لیکن یکی از تعریف هایی که مقبولیت بیشتری دارد هزینه سرمایه را به عنوان کمینه نرخ بازدهی تعریف می کند که با کسب آن ارزش واحد اقتصادی ثابت می ماند. به بیان دیگر از نظر مفهومی هزینه سرمایه، هزینه فرصت سرمایه گذاری در شرکت می باشد. هزینه سرمایه تلاش در جهت کمی کردن بازده مورد انتظار صاحبان حقوق سهام می باشد. (عثمانی، ۱۳۸۱). استون^۱ (۲۰۰۴) بیان می کند هزینه سرمایه تعیین کننده حداقل بازدهی سرمایه موسسه یا سازمان است؛ و حداقل نرخ بازدهی که تحصیل آن برای حفظ ارزش شرکت ضروری است. مفهوم هزینه سرمایه بر این فرض مبتنی است که هدف شرکت به حداکثر رساندن ثروت سهامداران است. حال با در نظر گرفتن این اصل تعریفی از هزینه سرمایه به شرح زیر ارائه می شود: «هر شرکتی دارای ریسک و بازده مخصوص به خود است. هریک از گروه های سرمایه-گذار مانند دارندگان اوراق قرضه، سهام ممتاز و سهام عادی خواهان میزانی از نرخ بازده هستند که در خور ریسک مربوط به آن باشد» (عرب مازار یزدی و طالبیان، ۱۳۸۸). مورن و پولسن^۲ هزینه سرمایه را به عنوان نرخ بازده مورد نیاز تعریف کرده اند که از لحاظ مالی، سرمایه گذاری را توجیه می کند؛ بنابراین هزینه سرمایه را می توان بازده مورد نیاز نیز نامید. در واقع هزینه سرمایه، هزینه فرصتی را بیان می کند که سرمایه گذار بابت سرمایه گذاری در یک شرکت یا پروژه متحمل می شود (گلیس و باتر ورث^۳، ۲۰۰۳).

۲-۲- ساختار مالکیت

شرکت های سهامی که در عرصه اقتصاد کشورها به کسب و کار می پردازند زائیده فرایند تکامل مالکیت شخصی هستند. فرایندی که در طی آن گونه های متفاوتی از الگوهای فعالیت اقتصادی جمعی به بوته آزمایش گذاشته شده و در نهایت الگوی شرکت سهامی (عام) که یک قالب حقوقی است به عنوان گونه برتر ظهور کرده است. امروزه این شرکت ها با جذب منابع بسیار و تبدیل آن ها به کالاهای و خدمات مورد نیاز جامعه نقش مهمی را در اقتصاد بازی می کنند.

در این شرکت ها دو نکته توجه را به خود جلب می کند. نخست آنکه در این الگوها مسئولیت مالکین محدود است ولیکن ریسک پذیرفته شده توسط خریداران سهام که مالک شناخته می شوند محدود نیست. نکته دیگر آن است که دارنده سهم در این شرکت ها از حقوق عرفی و سنتی مترتب بر مالکیت دارایی ها برخوردار نیست. آنچه وی مالک آن است یک سهم یا گواهی نامه است که نمود بیرونی سهم نسبی او از کل شرکت است؛ بنابراین، وی از حقی که یک مالک برای کنترل دارایی اش دارد و در این مورد دارایی های شرکت است، برخوردار نیست (نکونام، ۱۳۹۰).

در شرکت های سهامی عام حقوق شناخته شده مالکین برای کنترل و بهره مندی اقتصادی در یک قالب قرار نمی گیرند؛ به عبارت دیگر به درجات مختلف شاهد جدا شدن مالکیت از کنترل در این سازمان ها هستیم. به تدریج باکم رنگ شدن اختیار اعمال حاکمیت مستقیم مالکین بر شرکت، کنترل به گروه های دیگری که هیئت مدیره ها و مدیران را تشکیل می دهند سپرده می شود. به علت ارتباط درونی و سلسله مراتبی بین این سه گروه تعاملی مابین ایشان شکل می گیرد که از دو وجه برخوردار است. نخست تعامل و تعادل قدرت مابین ایشان و شیوه ارتباط اجزاء تشکیل دهنده این مجموعه حاکم که در متون مدیریت راهبری شرکتی^۴ خوانده می شود دارای آثاری است که در سمت و سوی حرکت و عملکرد این شرکت ها می تواند مؤثر واقع شود. دوم آنکه تعامل مورد اشاره در قالب یک ساخت حقوقی به نام شرکت سهامی صورت می پذیرد که استفاده از آن حسب متون سازمانی و مالی موجود با هزینه هایی همراه است که هزینه های نمایندگی^۵ خوانده می شوند (نکونام، ۱۳۹۰).

با توجه به نکات فوق، می توان انتظار داشت که هرگونه تغییری در اجزاء ساختار حاکمیت شرکت ها به تغییر مسیر حرکت راهبردی و عملکرد آن ها و نیز افزایش یا کاهش این هزینه های نمایندگی بیانجامد. در سال های اخیر حضور سرمایه گذاران مختلف در جمع سهامداران شرکت های سهامی عام از رشد چشم گیری برخوردار بوده است. کمیت و کیفیت حضور این سرمایه گذاران در جمع مالکین شرکت های صنعتی به لحاظ تأثیری که بر ساختار مالکیت و نیز نحوه حاکمیت بر سازمان برجای می گذارد درخور توجه است؛ زیرا حاکمیت ضعیف در شرکت ها نه تنها باعث کاهش هزینه های نمایندگی نمی شود بلکه با افزایش هزینه جذب سرمایه قدرت رقابت شرکت ها را نیز کاهش می دهد. بدین سبب این اثر سهم مالکانه این سرمایه گذاران در شرکت های صنعتی نکته ای درخور دقت است (نکونام، ۱۳۹۰).

1. Easton

2. Moren and Polson

3. Giles and Butter Worth

4. Corporate Governance

5. Agency Cost

۲-۳- سرمایه‌گذاران نهادی

از مهم‌ترین عوامل بیرونی ساختار مالکیت، سهامداران نهادی هستند. این گروه از سهامداران با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها، از نفوذ عمده‌ای در این شرکت‌ها برخوردار بوده، می‌توانند رویه‌های آن‌ها (شامل رویه‌های حسابداری و گزارشگری) را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین از آنجاکه مالکان نهادی بزرگ‌ترین گروه سهامداران را تشکیل می‌دهند، نقش آن‌ها در نظارت بر رویه‌های اتخاذ شده از سوی مدیران از اهمیت بالایی برخوردار است و انتظار می‌رود حضور این مالکان در ترکیب سهامداران بر رویه‌های شرکت مؤثر باشد (سرهنگی و همکاران، ۱۳۹۱). سهامداران نهادی دارای توان بالقوه تأثیرگذاری بر فعالیت‌های مدیران به‌طور مستقیم از طریق مالکیت و به‌طور غیرمستقیم از طریق مبادله سهام خود می‌باشند. تأثیر غیرمستقیم سهامداران نهادی می‌تواند با اهمیت باشد. برای مثال سهامداران نهادی ممکن است در قالب یک گروه، از سرمایه‌گذاری در یک شرکت خاص خودداری نمایند و از این طریق موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت شوند زیرا جذب سرمایه برای شرکت‌های مزبور سخت‌تر و در نتیجه گران‌تر خواهد بود. طبق تعریف بوشی^۱ (۱۹۹۸) سهامداران نهادی سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند. درواقع این تعریف برگرفته از تعریف کمیسیون بورس اوراق بهادار در مورد سرمایه‌گذاران نهادی طبق الزامات گزارشگری بخش (f) ۱۳ قانون بورس اوراق بهادار ۱۹۳۴ است که در سال ۱۹۷۵ به تصویب رسیده است. برای اهداف این بخش از قانون، سرمایه‌گذاران نهادی، شرکت‌هایی از قبیل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی هستند که وجهی را از طرف دیگران سرمایه‌گذاری کرده و حداقل ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه را مدیریت می‌کنند (سرهنگی و همکاران، ۱۳۹۱).

حساس یگانه (۱۳۸۹) سرمایه‌گذاران نهادی را مؤسسه‌های بیمه‌ای، اعم از سازمان‌های تأمین، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های بیمه بازرگانی و همچنین شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نهادهای بخش عمومی و شبه‌دولتی معرفی می‌کند. همچنین مرادزاده‌فرد و بابایی (۱۳۹۰) اشکال اساسی سرمایه‌گذاران نهادی را، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشاع، صندوق‌های تحت مدیریت بانک‌ها یا نهادهای صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های بیمه می‌دانند.

دو مکتب فکری در مورد نقش سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت وجود دارد؛ یک مکتب فکری بیان می‌دارد که سهامداران نهادی ذاتاً کوتاه مدت‌گرا هستند. این سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران موقتی هستند که عمدتاً در تعیین قیمت سهام به سود جاری توجه دارند نه سودهای بلندمدت (بوشی، ۱۹۹۸). ارزیابی منظم عملکرد و رتبه‌بندی عملکرد سرمایه‌گذاران نهادی، انگیزه‌هایی را در آن‌ها برای اتخاذ افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت ایجاد می‌کند (استاپلدن^۲، ۱۹۹۶). این افق کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران نهادی را از انجام هزینه‌های نظارت بازمی‌دارد زیرا بعید است که منافع این نظارت در کوتاه‌مدت نصیب آن‌ها شود (پورتر^۳، ۱۹۹۲). علاوه بر این به دلیل نیاز به تغییر در پرتفوی برای بهبود عملکرد، زمان و منابع کافی در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی قرار ندارد تا خود را درگیر نظارت شرکت‌های موجود در پرتفوی نمایند (استاپلدن، ۱۹۹۹). همچنین قراردادهای پاداش مدیران عمدتاً به سودهای جاری و قیمت سهام شرکت وابسته است (مورفی^۴، ۱۹۹۹). معاملات سرمایه‌گذاران نهادی بر اخبار سودهای جاری حساس است. از این‌رو مدیران انگیزه‌های فراوانی برای جلوگیری از کاهش سود دارند (سرهنگی و همکاران، ۱۳۹۱).

اما مکتب فکری دیگر بیان می‌کند که هنگامی که مالکیت سهام شرکت در بین عده کمی سرمایه‌گذار (به‌ویژه سرمایه‌گذاران نهادی) متمرکز باشد، مشکلات جدایی مالکیت از کنترل کاهش می‌یابد. هنگامی که سهامی که نهادها مالک آن هستند افزایش یابد، خروج از شرکت هزینه بیشتری دارد زیرا فروش‌های عمده سهام معمولاً مستلزم تخفیفات عمده است (بلک و کافی^۵، ۱۹۹۴) همچنین چون این سهام‌های عمده ارزش پولی زیادی دارند، در صورت غیرفعال ماندن سرمایه‌گذار نهادی و یا آگاه نبودن از عملکرد ضعیف شرکت‌های موجود در پرتفوی وی در معرض زیان بیشتری نسبت به سرمایه‌گذارانی که منابع کمتری در شرکت دارند، قرار می‌گیرد (سرهنگی و همکاران، ۱۳۹۱).

علاوه بر این دو مکتب فکری برخی محققان در بررسی رفتار مالکان نهادی تحت تأثیر این دو مکتب یا بعضاً به‌طور مستقل، نهادها را به گروه‌هایی تقسیم نموده‌اند، به‌عنوان مثال، بریکلی و همکاران^۶ (۱۹۹۸) نهادها را به نهادهای مستقل و غیرمستقل تقسیم کردند و استقلال یک‌نهاد از مدیریت را بر مبنای ارتباطات بالقوه تجاری با شرکت‌های سرمایه‌پذیر سنجیدند. آن‌ها شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مشاوران سرمایه‌گذاری مستقل و صندوق‌های بازنشستگی عمومی را تحت عنوان نهادهای مستقل طبقه‌بندی کردند، چراکه این نوع از نهادها احتمالاً ارتباطات تجاری کمتری با شرکت‌های سرمایه‌پذیرشان دارند. از طرف دیگر، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و سایرین (غیر از صندوق‌های بازنشستگی عمومی) را به دلیل ارتباطات تجاری گذشته یا بالقوه آتی آن‌ها با شرکت‌های سرمایه‌پذیرشان، تحت عنوان نهادهای غیرمستقل تقسیم‌بندی کردند (سرهنگی و همکاران، ۱۳۹۱).

1. Bushee
2. Stapledon
3. Porter
4. Murphy
5. Black and Coffee
6. Brickley et al

۲-۴- کیفیت اطلاعات حسابداری^۱

واژه کیفیت اطلاعات، نخستین بار توسط گراهام و داد (۱۹۳۴) در تحلیل الگوی ارزش گذاری سهام وال استریت به کار گرفته شد. آن‌ها ضریب سود هر سهم را ضریب کیفیت نامیدند که برداشتشان از کیفیت سود را نشان می‌داد. این ضریب انعکاسی از سیاست‌های توزیع سود، ویژگی‌های مختص به شرکت (همچون: اندازه، شهرت، عملکرد و افق مالی) ماهیت عملیات شرکت و شرایط کلان اقتصادی بود (اتنی عشری و همکاران، ۱۳۹۳). به طور کلی، معیار در نظر گرفته شده برای کیفیت اطلاعات حسابداری، کیفیت سود از طریق اقلام تعهدی و اجزای تشکیل دهنده آن است. برای سنجش کیفیت سود از الگوی دچو و دیچو (۲۰۰۲) میزان تطابق اقلام تعهدی را با جریان‌های نقدی گذشته، حال و آینده نشان می‌دهد. خطای اندازه گیری اقلام تعهدی می‌تواند به صورت بالقوه توانایی اقلام تعهدی را در پیش بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی و یا بالعکس جریان‌های نقدی عملیاتی گذشته و حال تحریف نماید. در این تحقیق الگوی دچو و دیچو (۲۰۰۲) که توسط مک نیکولاس (۲۰۰۲) تعدیل شده می‌باشد، برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی از الگوی‌های مذکور استفاده می‌شود.

۲-۵- انواع الگوی های کیفیت اطلاعات حسابداری

الگوی کیفیت اقلام تعهدی:

شاخص کیفیت سود یکی از شاخص‌های مربوط به کیفیت اطلاعات حسابداری است که از طریق کیفیت اقلام تعهدی شرکت اندازه‌گیری می‌شود. این الگو توسط دیچو و دیچف در سال^۲ (۲۰۰۲) ارائه شده است و معادله خط آن به شرح زیر است:

$$\Delta WC_t = \beta_0 + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \varepsilon \quad (۱)$$

در این رابطه داریم:

(ΔWC): بیانگر تغییرات خالص سرمایه در گردش غیر نقدی در سال جاری (t) نسبت به سال قبل (t-1) (که همان اقلام تعهدی کل هست)، (CFO_{t-1}): جریان نقد عملیاتی در سال قبل، (CFO_t): جریان نقد عملیاتی در سال جاری و (CFO_{t+1}): جریان نقد عملیاتی در سال آتی هست، (ε_t): نیز نشان دهنده مقادیر خطای الگوی تجربی است.

تطابق هزینه‌ها با درآمدها:

یکی از اصول شناسایی و گزارشگری مالی، تطابق هزینه‌ها با درآمدها است. تطابق به این معنی است که هزینه‌های ایجاد شده در هر دوره می‌بایست از درآمدهای شناسایی شده در همان دوره کسر شود. به بیان دیگر، هزینه‌ها به درستی در همان دوره ایجاد شده شناسایی شده و به دوره‌های قبل و بعد منتقل نشوند. میزان تطابق بین هزینه‌ها و درآمدها از طریق الگوی دیچف و تانگ^۳ (۲۰۰۸) به شرح زیر تعیین می‌شود:

$$REV_t = \beta_0 + \beta_1 EXP_{t-1} + \beta_2 EXP_t + \beta_3 EXP_{t+1} + \varepsilon \quad (۲)$$

در این رابطه داریم: (REV_t) بیانگر کل درآمدهای فروش کالا و خدمات سال جاری، (EXP_{t-1})، (EXP_t) و (EXP_{t+1})، به ترتیب بیانگر هزینه‌های کل در سال قبل، سال جاری و سال آینده می‌باشند.

به موقع بودن سود:

یکی از ویژگی‌های با اهمیت برای مربوط بودن سود، به موقع بودن گزارش سود هست. سودهایی دارای بار اطلاعاتی هستند که به موقع در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گرفته باشند. به موقع بودن سود از طریق الگوی کوتاری و زیمرمن^۴ (۱۹۹۵) به شرح زیر تعیین می‌شود:

$$R_t = \beta_0 + \beta_1 \Delta NI_t + \beta_2 NI_t + \varepsilon \quad (۳)$$

در این رابطه داریم: (R_t): بیانگر بازده سهام و (ΔNI_t) و (NI_t) به ترتیب بیانگر تغییرات سود خالص سال جاری نسبت به سال قبل و سود خالص سال جاری می‌باشند.

کیفیت اقلام تعهدی:

کیفیت اقلام تعهدی معیار دیگری برای مدیریت سود هست. اندازه‌گیری الگوی مربوط به این معیار توسط دیچو و دیچف (۲۰۰۲) به شرح زیر ارائه ده است:

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 1/Asset_{t-1} + \beta_2 CFO_{t-1} + \beta_3 CFO_t + \beta_4 CFO_{t+1} + \varepsilon \quad (۴)$$

در این رابطه داریم: ($TACC_t$): اقلام تعهدی کل، (CFO_{t-1}): جریان نقد عملیاتی در سال قبل، (CFO_t): جریان نقد عملیاتی در سال جاری و (CFO_{t+1}): جریان نقد عملیاتی در سال آتی و (ε_t): نشان دهنده مقادیر خطای الگوی تجربی است. متغیر $1/Asset_{t-1}$ نیز به منظور کنترل اندازه‌ی شرکت و کاهش ناهمسانی واریانس مقادیر خطابه الگوی تجربی اضافه شده است. از این الگوی

1. Quality of accounting information

2. Dechow, P. M. and I. D. Dichev

3. Dichev, D. and Tang, W

4. Kothari, S. and J. Zimmerman.

تجربی به عنوان شاخص کیفیت سود و مدیریت سود پرداخته می شود. برای محاسبه ی مقادیر خطا، رابطه شماره (۴) می بایست به تفکیک هر صنعت^۱ و هر سال به این معنی است که اگر در پژوهش خود ۱۲ صنعت طی دوره ی زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ (۶ سال) داشته باشد، الگوی مزبور را می بایست ۷۲ مرتبه (۶×۱۲) برآورد گردد. مکنیکولز^۲ (۲۰۰۲) شاخص دیگری از طریق تعدیل الگوی دیچو و دیچف (۲۰۰۲) ارائه نمود که الگوی آن به شرح زیر است:

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 / Asset_{t-1} + \beta_2 CFO_{t-1} + \beta_3 CFO_t + \beta_4 CFO_{t-1} + \beta_5 \Delta Sales_t + \beta_6 PPE_t + \varepsilon \quad (5)$$

مک نیکولز دو متغیر کنترلی به الگوی قبل اضافه نمود. لذا در این رابطه داریم:

$\Delta Salas_t$: تغییرات فروش در سال جاری نسبت به سال قبل و PPE_t : بیانگر جمع دارایی های ثابت (اموال، ماشین آلات و تجهیزات) هست. همه ی متغیرهای موجود در الگوی تجربی بر جمع کل دارایی های ابتدای سال تقسیم می شوند. مقادیر مدیریت سود برابر با باقی مانده های حاصل از تخمین الگوی مزبور در سطح مقطعی داده ها و به تفکیک هر صنعت و در هر سال خواهد بود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

الگوی جونز:

نخستین الگوی تجربی برآورد اقلام تعهدی اختیاری توسط جونز^۳ (۱۹۹۱) ارائه شد. الگوی مزبور به صورت زیر مطرح شد:

$$TACC_t / A_{t-1} = \beta_0 + \beta_1 / A_{t-1} + \beta_2 \Delta REV_t / A_{t-1} + \beta_3 PPE_t / A_{t-1} + \varepsilon \quad (6)$$

در این رابطه داریم:

$(TACC_t)$: بیانگر کل اقلام تعهدی، $(1 / A_{t-1})$ بیانگر تقسیم عدد ۱ بر جمع کل دارایی های ابتدای سال، (ΔREV_t) تغییرات کل درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل و (PPE_t) بیانگر جمع دارایی های ثابت (اموال، ماشین آلات و تجهیزات) به صورت ناخالص (قبل از کسر استهلاک انباشته) هست. ε_t : نیز نشان دهنده ی مقادیر خطای الگوی تجربی است. البته جونز معتقد بود که اقلام تعهدی غیر اختیاری (NDA_t) را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$NDA_t = \beta_1 / TA_{t-1} + \beta_2 \Delta REV_t + \beta_3 PPE_t \quad (7)$$

از سوی دیگر، اقلام تعهدی اختیاری (DA_t) برابر است با:

$$DA_t = TACC_t - NDA_t = \varepsilon \quad (8)$$

بنابراین، (DA_t) : اقلام تعهدی اختیاری، (ε_t) : همان مقادیر خطای الگوی است. مقادیر خطا یا باقی مانده های حاصل از تخمین الگوی تجربی بیانگر اقلام تعهدی غیرعادی بوده که همان اقلام تعهدی اختیاری می باشند. جونز اقلام تعهدی کل را به روش ترازنامه ای از طریق رابطه ی شماره ی (۳-۶) محاسبه کرده است.

$$TACC = (\Delta CA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STD) \quad (9)$$

در این رابطه داریم: $(TACC_t)$ بیانگر کل اقلام تعهدی، (ΔCA_t) بیانگر تغییرات دارایی های جاری در سال جاری نسبت به سال قبل $\Delta Cash, (CA_t - CA_{t-1})$: بیانگر تغییرات مانده ی وجه نقد در سال جاری نسبت به سال قبل، ΔCL : بیانگر تغییرات بدهی های جاری در سال جاری نسبت به سال قبل و ΔSTD : بیانگر تغییرات حصة ی (بخش) جاری بدهی های بلندمدت در سال جاری نسبت به سال قبل است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

الگوی تعدیل شده ی جونز:

الگوی جونز توسط دچو، اسلون و سوئینی^۴ (۱۹۹۵) با اضافه شدن یک متغیر اصلاح و به صورت زیر ارائه شد:

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 / TA_{t-1} + \beta_2 (\Delta REV_t - \Delta REC_t) + \beta_3 PPE_t + \varepsilon \quad (10)$$

در این رابطه داریم:

(ΔREC_t) : نشان دهنده ی تغییرات حساب ها و اسناد دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل هست. با کسر نمودن تغییرات حساب های دریافتی از تغییرات درآمد فروش $(\Delta REV_t - \Delta REC_t)$ ، متغیر جدید حاصل شده معادل تغییرات در درآمدهای فروش نقدی است. براساس مبانی نظری در الگوی دچو و همکاران (۱۹۹۵) بیان شد الگوی تجربی که جونز متغیر کل درآمدها (REV_t) غیر اختیاری فرض شده است؛ زیرا بخش غیر اختیاری اقلام تعهدی را با تغییرات درآمدها و دارایی های ثابت $(\Delta REV_t - PPE_t)$ نشان داده است. درحالی که بخش زیادی از درآمدهای غیر نقدی اختیاری می باشند. لذا از عبارات $(\Delta REV_t - \Delta REC_t)$

1. Industry

2. McNichols, M. F

3. Jones

4. Dechow P.M. R.G. Sloan, A.P. Sweeney

به جای (ΔREV_t) استفاده کردند تا بخش غیر اختیاری اقلام تعهدی به شکل دقیق تری محاسبه شود. با این کار، مقادیر خطای الگوی تجربی به صورت بهتری اقلام تعهدی اختیاری را نشان خواهد داد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

الگوی کازینک:

الگوی کازینک^۱ (۱۹۹۹) بر مبنای الگوی جونز، به صورت زیر ارائه شده است:

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 1/TA_{t-1} + \beta_2 (\Delta REV_t - \Delta REC_t) + \beta_3 PPE_t + \beta_4 \Delta CFO_t + \varepsilon \quad (۱۱)$$

در این رابطه داریم:

ΔCFO_t نشان دهنده تغییرات در جریان نقد عملیاتی نقد عملیاتی در سال جاری نسبت به سال قبل هست. کازینک متغیر جریان نقد عملیاتی را به عنوان متغیر کنترلی به الگوی تجربی اضافه نمود. دچو و همکاران (۱۹۹۵) همانند سایر پژوهشگران، به رابطه ای منفی میان جریان نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی دست یافتند. کازینک به منظور توضیح رابطه ای منفی اقلام تعهدی و جریان های نقدی، متغیر تغییرات جریان نقد عملیاتی را به عنوان یک متغیر کنترلی به الگوی جونز تعدیل شده اضافه نمود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

الگوی کوتاری و همکاران:

الگوی دیگری توسط کوتاری، لیون و ویزلی^۲ (۲۰۰۵) معروف به الگوی عملکرد به صورت زیر ارائه شده است:

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 1/TA_{t-1} + \beta_2 (\Delta REV_t - \Delta REC_t) + \beta_3 PPE_t + \beta_4 ROA_t + \varepsilon \quad (۱۲)$$

در این رابطه داریم:

(ΔROA_t) : نشان دهنده نرخ بازده دارایی ها (نسبت سود خالص به جمع کل دارایی ها) هست. برای هماهنگ شدن با سایر متغیرهای الگوی، سود خالص (NI_t) بر جمع کل دارایی های ابتدای سال تقسیم می شود.
الگوی اندازه گیری اقلام تعهدی غیر عادی یا اختیاری (DA) در غالب الگوی تورم زدایی شده:
نیکو مرام و همکاران (۱۳۸۸) به ترتیب برای الگوی جامع و ساده دی چاو و دیگران (۲۰۰۲) الگوی زیر را ارائه نمودند:

$$NDA = a + \beta_1 (1+k)(\Delta Sales - \Delta REC) + \beta_2 PPE + \beta_3 LagTA + \beta_4 GRSales + \beta_5 InfIndex + \varepsilon \quad (۱۳)$$

$$NDA = a + \beta_1 (1+k)(\Delta Sales - \Delta REC) + \beta_2 PPE + \beta_3 InfIndex + \varepsilon \quad (۱۴)$$

در این رابطه داریم: (ΔREC_t) : نشان دهنده تغییرات حساب ها و اسناد دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل است. با کسر نمودن تغییرات حساب های دریافتی از تغییرات درآمد فروش $(\Delta REV_t - \Delta REC_t)$ ، متغیر جدید حاصل شده معادل تغییرات در درآمدهای فروش نقدی است. کل درآمدهای (ΔREV_t) غیر اختیاری، تغییرات درآمدها و دارایی های ثابت $(\Delta REV_t - \Delta PPE_t)$ و $(INFIndex_t)$: شاخص نرخ تورم است.

الگوی اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری کوتاری^۳ (۲۰۰۵):

به منظور محاسبه اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری، از الگوی تجربی کوتاری استفاده شده است. اندازه گیری از الگوی کوتاری (۲۰۰۵) به منظور اقلام تعهدی اختیاری، منظور DA_2 ، به شرح زیر محاسبه می شود (کوتاری و همکاران ۲۰۰۵):

$$ACCR_{jt}/A_{jt-1} = \beta_1 [1/A_{jt-1}] + \beta_2 [(\Delta REV_{jt} + \Delta REC_{jt})/A_{jt-1}] + \beta_3 [PPE_{jt}/A_{jt-1}] + \varepsilon_{jt} \quad (۱۵)$$

باقیمانده از معادله $(۱۲-۱)$ ، DA_2 قبل از تعدیل برای عملکرد شرکت است. کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) نشان می دهند که اقلام تعهدی غیر عادی تعدیل نشده به میزان قابل توجهی در ارتباط با عملکرد شرکت است.

$$\frac{Acc_{it}}{A_{it-1}} = \alpha + \beta_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \beta_2 \frac{(\Delta Rev_{it} - \Delta Rec_{it})}{A_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱۶)$$

الگوی کنترلی برای اندازه گیری دقت نامتقارن بودن اقلام تعهدی در شناخت سود و زیان اقتصادی بال و شیواکمار^۴ (۲۰۰۶):

الگوی که کنترلی است برای دقت نامتقارن بودن اقلام تعهدی در شناخت سود و زیان اقتصادی است. DA_1 بر اساس الگوی زیر برآورد می شود (بال و شیواکمار ۲۰۰۶):

1.Kasznik, R
2.Kothari, Leone and Wasley
3.Kothari, S.P, Loutschina Elena, and Valeri, Nikolaev
4.Ball, R. and L. Shivakumar

رابطه (۱۷):

$$ACCR_{jt}/A_{jt-1} = \beta_1 [1/A_{jt-1}] + \beta_2 [(\Delta REV_{jt} + \Delta REC_{jt})/A_{jt-1}] + \beta_3 [PPE_{jt}/A_{jt-1}] + \beta_4 [CFO_{jt}/A_{jt-1}] + \beta_5 DCFO_{jt} \beta_6 [(CFO_{jt}/A_{jt-1}) * DCFO_{jt}] + \varepsilon_{jt}$$

$ACCR_{jt}$ = کل ارقام تعهدی شرکت j ، سال t ، از تفاوت سود قبل از ارقام غیرمترقبه و جریان نقدی حاصل از عملیات به دست می‌آید. A_{jt-1} = کل دارایی شرکت j ، سال $t-1$ ، ΔREV_{jt} = تغییر در فروش خالص شرکت j ، سال t ، ΔREC_{jt} = تغییرات در مطالبات شرکت j ، سال t ، PPE_{jt} = ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت j ، سال t ، CFO_{jt} = جریان‌های نقدی حاصل از عملیات شرکت j ، سال t ، $DCFO_{jt}$ = یک متغیر دمی است، اگر CFO_{jt} منفی باشد متغیر برابر ۱ است، در غیر این صورت برابر صفر است؛ و ε عبارت خطا است. اولین اندازه ما از ارقام تعهدی غیرعادی یا اختیاری، DA_1 ، تفاوت بین ارقام تعهدی واقعی و ارزش‌های اختیار شده ارقام تعهدی از روی معادله است.

الگوی‌های مبتنی بر کیفیت گزارشگری مالی:

این شاخص بر اساس الگوی‌های ژانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، مدرس و همکاران (۱۳۸۷) به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$TCA = a + B_1 CFO_{t-1} + B_2 CFO_t + B_3 CFO_{t+1} + B_4 REV_{i,t} + B_5 PPE_{i,t} + E \quad \text{رابطه (۱۸):}$$

TCA : کل ارقام تعهدی شرکت در دوره جاری که برابر است با سود عملیاتی منهای جریان نقدی عملیاتی؛

CFO_{t-1} : جریان نقد عملیاتی در دوره قبل؛

CFO_t : جریان نقد عملیاتی در دوره جاری؛

CFO_{t+1} : جریان نقد عملیاتی در دوره بعد؛

$REV_{i,t}$: تغییر در درآمد شرکت نسبت به دوره قبل؛

$PPE_{i,t}$: اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت در دوره جاری؛

E : ارقام تعهدی غیرعادی یا اختیاری که معیاری بر کیفیت گزارشگری مالی است. بدین صورت که هر چه مقدار باقیمانده الگوی تجربی کمتر باشد کیفیت گزارشگری مالی بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر باقیمانده الگوی بالا نشان‌دهنده آن بخش از ارقام تعهدی (متغیر وابسته الگوی تجربی) است که تابعی از جریان نقد سه دوره شرکت و تغییرات درآمد، اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات نیست.

$F.R.Q.$: عبارت است از کیفیت گزارشگری مالی که از حاصل ضرب قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری (باقیمانده الگوی ۲) در عدد منفی یک به دست می‌آید. باقیمانده‌های الگوی بالا نشان‌دهنده ارقام تعهدی غیرعادی یا ارقام تعهدی غیرمنتظره می‌باشند و از آنجاکه ارقام تعهدی غیرعادی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس دارند از این رو به پیروی از ژانگ و همکاران (۲۰۱۵)، مدرس و همکاران (۱۳۸۷) متغیر کیفیت گزارشگری مالی از حاصل ضرب قدر مطلق باقیمانده‌های الگوی مذکور (یعنی ارقام تعهدی غیرعادی) در عدد منفی یک به دست می‌آید.

۲-۶- پیشینه پژوهش

ستایش و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی، تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی و هزینه سرمایه سهام عادی جاری و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی می‌شود. یافته‌های بررسی ۱۰۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۷ بیانگر آن است که بین اندازه شرکت و نقدشوندگی جاری و آتی آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما رابطه معناداری بین کیفیت افشا و نقدشوندگی جاری و آتی شرکت وجود ندارد. افزون بر این، رابطه منفی و معناداری بین کیفیت افشا و هزینه سرمایه سهام عادی جاری و آتی شرکت وجود دارد. با این وصف، شواهدی دال بر وجود رابطه معنادار بین اندازه شرکت و هزینه سرمایه سهام عادی جاری و آتی آن مشاهده نشد.

پورحیدری و باقری (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثر کیفیت اطلاعات مالی افشا شده توسط واحد تجاری بر هزینه سرمایه سهام عادی است. در راستای دستیابی به این هدف، معنادار بودن ارتباط بین کیفیت اطلاعات و هزینه سرمایه سهام عادی آزمون شده است. کیفیت اطلاعات مالی در این پژوهش شامل ویژگی‌های قابلیت اتکا، مربوط بودن و پایداری سودهای گزارش شده توسط شرکت و صحت، دقت و فراوانی پیش‌بینی‌های سود انجام شده توسط مدیریت می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داده است که رابطه مثبت و معناداری بین کیفیت اطلاعات مالی افشا شده توسط واحد تجاری و هزینه سرمایه سهام عادی وجود دارد.

معزز قریاغ و دیدار (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثر مستقیم و غیر مستقیم (با حضور متغیر میانجی عدم تقارن اطلاعاتی) کیفیت سود بر هزینه سرمایه پرداخته است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد. یافته‌هایی تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت سود بر هزینه سرمایه تأثیر منفی دارد ولی تأثیر معنی‌دار کیفیت

سود بر عدم تقارن اطلاعاتی تاکید نگردید از طرف دیگر معنی دار عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه نیز تایید نشد ضمناً نقش عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین کیفیت سود و هزینه سرمایه مورد تایید قرار نگرفت.

حاجیه و سبحانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش از صورت های مالی ۹۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ جمع آوری شده است. بنابراین، می توانیم نتیجه بگیریم که کیفیت حسابرسی، باعث کاهش هزینه سرمایه شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می شود.

جوانی (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداخت. برای این منظور اطلاعات مالی ۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بررسی گردید. اجتناب مالیاتی با استفاده از سه متغیر نرخ مؤثر هزینه مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات اندازه گیری گردید. برای محاسبه هزینه حقوق صاحبان سهام نیز از الگوی تنزیل سود تقسیمی استفاده شد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین نرخ مؤثر هزینه مالیات و تفاوت دفتری مالیات با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و بین نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

بابایی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. برای سنجش هزینه حقوق صاحبان سهام از الگوی گوردون استفاده شد. برای بررسی تجربی این موضوع داده های ۵۲۵ سال - شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بررسی شد. یافته ها نشان داد که بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، ریسک سیستماتیک و اهرم مالی با هزینه حقوق صاحبان سهام در مراحل چرخه عمر شرکت (رشد، بلوغ، افول) رابطه معناداری وجود ندارد اما بین احتمال ورشکستگی با هزینه حقوق صاحبان سهام در مراحل چرخه عمر شرکت (رشد، بلوغ، افول) رابطه معنادار وجود دارد.

ملکیان و دیگران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها (شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران) انجام دادند. به منظور اندازه گیری شاخص مسئولیت پذیری اجتماعی آنان از روش پرسشنامه ای استفاده کرده اند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن بود که مالکیت دولتی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت پذیری اجتماعی دارد. همچنین تمرکز مالکیت دولتی نقش مثبتی در افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها ایفا می کند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی رابطه معناداری با مسئولیت اجتماعی ندارند.

پرنده (۱۳۹۵) در پایان نامه خود به بررسی نقش میانجی قدرت دولت بر رابطه بین رقابت در بازار محصول و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. جامعه آماری در پژوهش وی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران بوده اند که اطلاعات ۱۴۰ شرکت در سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ به عنوان نمونه آماری استخراج و با کمک الگوی های رگرسیونی به روش پانل دیتا نشان داده شده که تأثیر رقابت بازار محصول بر هزینه حقوق صاحبان سهام با اطمینان ۰/۹۵ معنادار است و همچنین کاهش قدرت دولت باعث بهبود رقابت بازار محصول و در نتیجه کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام می گردد.

رضایی و محمدپور (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه ی بین مسئولیت اجتماعی شرکت و هزینه سرمایه ضمنی انجام دادند. نمونه آماری شامل ۶۰ شرکت، در بازه زمانی ۹۴-۸۴ بود. نتایج حاکی از رابطه ی منفی و معناداری بین مسئولیت اجتماعی شرکت و هزینه سرمایه ضمنی آن ها بوده است.

هوکس و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی رابطه بین مفهوم هزینه حقوق صاحبان سهام و بازده مورد انتظار را بررسی کردند. آنها نشان دادند که مفهوم هزینه حقوق صاحبان سهام با بازده مورد انتظار تفاوت داشته و بطور متوسط بین بازده مورد انتظار و جریان وجوه نقد، رشد جریان وجوه نقد و اهرم مالی همبستگی وجود دارد. نتایج حاکی از وجود رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و میزان صرف ریسک بازار، رابطه بین هزینه سرمایه، رشد، اهرم مالی و ریسک، پیش بینی بازده آتی و خصوصیات محیط اطلاعاتی شرکت ها بود.

نازلی و غزالی (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و مسئولیت پذیری اجتماعی در شرکت های مالزی پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنان از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۱ و تعداد نمونه آنان ۸۷ شرکت غیر مالی بوده است. نتایج تحقیق با استفاده از داده های پانل نشان داد، هزینه حقوق صاحبان سهام با مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه معنادار دارد.

فریس و دیگران (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی مدیریت بر هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. برای آزمون فرضیه ها از اطلاعات شرکت های ۵۲ کشور در دوره زمانی ۱۹۹۹ الی ۲۰۱۲ استفاده کردند. نتایج آنان نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی معناداری وجود داشته و همچنین رابطه بین سرمایه اجتماعی مدیریت و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت های با محدودیت های مالی و فرصت های رشد قوی تر می باشد.

گیتزن (۲۰۱۶) با بررسی رابطه بین افشا و هزینه سرمایه شرکت های بورس اوراق بهادار لندن به این نتیجه رسیدند که بین

افشا و هزینه سرمایه رابطه‌ای منفی وجود دارد. البته، این رابطه فقط برای شرکت‌هایی معنادار است که سیاست‌های جسورانه حسابداری را اتخاذ می‌کنند.

ژانگ (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین افشا و هزینه سرمایه شرکت‌های بازار سرمایه چین پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین افشا و هزینه سرمایه رابطه‌ای معکوس وجود دارد.

مصطفی و دیگران (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان چرخه عمر شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام انجام دادند. با استفاده از تعداد مشاهدات ۸۰۲۰ در دوره زمانی ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۲ و استفاده از داده‌های پانل برای آزمون فرضیه‌ها، نتایج نشان داد که چرخه عمر شرکت در مراحل (افول، رشد و بلوغ) با هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط معنی دار دارد.

الیوا و دیگران (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین کیفیت سود و هزینه حقوق صاحبان سهام انجام دادند. برای اندازه‌گیری کیفیت سود از معیارهای اقلام تعهدی اختیاری سود، پایداری سود، پیش‌بینی پذیری سود و هموارسازی سود و برای اندازه‌گیری هزینه حقوق صاحبان سهام از مدل سه عاملی فاما فرنچ استفاده کردند. با استفاده از تعداد مشاهدات ۴۲۱۴ در دوره زمانی ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ نشان دادند که معیارهای کیفیت سود با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری دارند.

ژو (۲۰۱۷) رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام، در شرکت‌های دارای دعاوی مالیاتی را در بازه زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مسائل مالیاتی اظهار شده به وسیله شاخص نظارت اجتماعی با هزینه سهام عادی بالا ارتباط دارد. شرکت‌ها با افزایش امتیاز عملکرد اجتماعی خود از طریق کاهش دعاوی مالیاتی با دولت، می‌توانند هزینه سهام عادی خود را کاهش دهند.

سنگویتا (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر کیفیت افشا بر هزینه بدهی در شرکت‌های آمریکایی پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های با کیفیت افشای بالا، هزینه بدهی پایین‌تری دارند. افزون بر این، در موقعیت‌هایی که عدم قطعیت بازار راجع به شرکت بیشتر است، اهمیت نسبی افشا بیشتر است.

باتاسن (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین میزان افشا و هزینه سرمایه شرکت‌های آمریکایی پرداخت. نتایج حاکی از آن است که برای شرکت‌هایی که پی‌گیری تحلیلگران در آن‌ها پایین است، افزایش افشا باعث کاهش هزینه سرمایه می‌شود، اما برای شرکت‌هایی که پی‌گیری تحلیلگران در آن‌ها بالاست، شواهدی مبنی بر وجود رابطه بین میزان افشا و هزینه سرمایه یافت نشد.

دیاموند و ورجیا (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین افشا، نقدشوندگی و هزینه سرمایه شرکت‌های آمریکایی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که افشای اطلاعات عمومی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، می‌تواند از طریق جذب تقاضای فزاینده سرمایه‌گذاران بزرگ برای افزایش نقدشوندگی سهام، هزینه سرمایه شرکت را کاهش دهد.

تی سانگ هسیه و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در تایوان در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ برای ۶۴ شرکت، انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل به روش اقتصادسنجی انجام گرفت نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که مالکیت نهادی اثر معناداری بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در تایوان وجود دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

از منظر هدف کاربردی بشمار می‌آید و همچنین از منظر روش توصیفی-همبستگی و از منظر شیوه‌های گردآوری اطلاعات شبه تجربی- پس رویدادی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. به طوریکه که تعداد آنها ۸۳۲ مورد بوده است که از این تعداد ۲۵۷ مورد فرابورسی و مابقی بورسی بودند.

جدول (۱): انتخاب نمونه آماری

تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس	۸۳۲
تعداد شرکت‌های فرابورسی	۲۵۷
تعداد شرکت‌هایی که در دوره زمانی فعال نبوده اند	۱۴۶
شرکت‌هایی که پایان سال مالی انتهای اسفند نبوده و تغییر دوره داده اند	۱۳۲
شرکت‌های واسطه‌گری مالی	۸۹
توقف عملیاتی بیشتر از شش ماه	۳۴
عدم دسترسی به داده‌ها	۵۶
باقی مانده	۱۲۸

روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها همان روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی و جمع‌آوری داده‌ها هم مراجعه

به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های منتخب و مراجعه به سایت کدال بوده است. تجزیه و تحلیل نهایی داده ها هم با نرم افزارهای Eviews و Stata انجام شده است.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آنها

متغیر وابسته

هزینه سرمایه از نظر مفهومی در ارتباط با بازده مورد انتظار تعریف می شود؛ به عبارت دیگر، هزینه سرمایه به حداقل نرخ بازده قابل قبول برای سرمایه گذاری جدید گفته می شود. اگر نرخ بازده سرمایه گذاری شرکت از هزینه سرمایه آن بیشتر باشد و بدون بالا رفتن در جه ریسک، میزان بازده افزایش یابد ارزش شرکت افزایش خواهد یافت، هزینه سرمایه، میانگین موزون هزینه منابع تامین شده از محل بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام است (استیر و اسکرودر، ۲۰۱۰). در این پژوهش برای اندازه گیری آن به روش زیر عمل می کنیم.

$$K_e = D_1 \div P_0 + G_t \quad (۱۹) \text{ رابطه}$$

در رابطه فوق: G_t : نرخ رشد سود تقسیمی، K_e : معرف نرخ بازده مورد انتظار سهامداران، D : سود سهام مورد انتظار سال آتی، P : قیمت سهام در ابتدای سال، نرخ رشد مورد انتظار برای محاسبه سود سهام مورد انتظار، سود پیش بینی شده هر سهم ملاک عمل قرار گرفته و سپس سود سهام مورد انتظار بر اساس میانگین نسبت سود تقسیمی به کل سود در یک دوره سه ساله به شرح زیر اندازه گیری می شود.

$$PDPS_t = PEPS_t \times D_t \quad (۲۰) \text{ رابطه}$$

D_t : مجموع سود خالص سه سال اخیر / مجموع سود تقسیمی سه سال اخیر.

$PDPS_t$: سود سهام مورد انتظار.

$PEPS_t$: سود پیش بینی شده هر سهم.

متغیر مستقل: کیفیت اطلاعات حسابداری^۱

معیار در نظر گرفته شده برای کیفیت اطلاعات حسابداری، کیفیت سود از طریق اقلام تعهدی و اجزای تشکیل دهنده آن است. برای سنجش کیفیت سود از الگوی دجو و دیچو (۲۰۰۲) میزان تطابق اقلام تعهدی را با جریان های نقدی گذشته، حال و آینده نشان می دهد. خطای اندازه گیری اقلام تعهدی می تواند به صورت بالقوه توانایی اقلام تعهدی را در پیش بینی جریان های نقدی عملیاتی آتی و با بالعکس جریان های نقدی عملیاتی گذشته و حال تحریف نماید. در این تحقیق الگوی دجو و دیچو (۲۰۰۲) که توسط مک نیکولاس (۲۰۰۲) تعدیل شده می باشد، برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی از رابطه (۲۱) استفاده خواهد شد.

$$CACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 CFO_{it} + \beta_3 CFO_{it+1} + \beta_4 \Delta SALE_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲۱):

که در آن: $CACC$: اقلام تعهدی جاری، CFO : جریان نقدی عملیاتی، $\Delta SALE$: تغییرات فروش، PPE : بهای تمام شده دارایی های ثابت مشهود و ε : خطای برآورد الگوی تجربی است.

باقیمانده معادله بیانگر اشتباهات برآوردی در اقلام تعهدی جاری است که هیچ رابطه ای با جریان نقد عملیاتی ندارد و نمی توان از طریق تغییر در درآمد و سطح PPE تعریف کرد. براساس کار چن و همکاران (۲۰۱۱) از قدر مطلق باقیمانده به عنوان نماینده کیفیت سود استفاده می شود. ارزش مطلق دجو و دیچو (۲۰۰۲) در منفی یک ضرب می شود و بنابراین، ارزش بالاتر DD بیانگر کیفیت سود بالاتر است.

متغیر تعدیل گر: مالکیت سرمایه گذاران نهادی^۲ (INST)

یکی از ساز و کارهای موثر حاکمیت شرکتی که دارای اهمیت فزاینده ای است، ظهور سرمایه گذاران نهادی به عنوان مالکان شرکت ها بوده است. طبق نظر گیلان و استارکس (۲۰۰۳)، مالکان نهادی در شکل گیری بسیاری از تغییرات در سیستم های حاکمیت شرکتی نقشی اساسی دارند. همچنین، بر اساس نظر ولوری^۳ و جنکینز^۴ (۲۰۰۶)، این امر از فعالیت های نظارتی سرچشمه می گیرد؛ فعالیتی که مالکان با توجه به تئوری نمایندگی^۴ برای نظارت بر مدیریت انجام می دهند؛ که مالکیت نهادی از طریق رابطه ذیل بدست خواهد آمد. تعداد سهام در دست سهامداران نهادی تقسیم بر تعداد کل سهام شرکت، برای استخراج این متغیر از

1. Quality of accounting information

2. Ownership of institutional investors

3. Velury

4. Jenkins

یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی استفاده می‌شود.

$$\text{رابطه (۲۲):} = \frac{\text{تعداد سهام در دست سهامداران نهادی}}{\text{تعداد کل سهام شرکت}} = \text{مالکیت نهادی}$$

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی که می‌توانند به صورت بالقوه، بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را تحت تأثیر قرار دهند، به شرح زیر می‌باشند:

اندازه شرکت^۱

هر چه اندازه شرکت بزرگ تر باشد، شرکت از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود. (ثقفی و بولو، ۱۳۸۸). در این پژوهش از لگاریتم طبیعی فروش خالص شرکت برای سنجش اندازه شرکت استفاده می‌گردد:

$$\text{رابطه (۲۳):} \text{Size}_{i,t} = \text{Log } S_{i,t}$$

که در آن: $\text{Size}_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t و $S_{i,t}$: خالص فروش شرکت i در سال t می‌باشد (تی سانگ ۲۰۱۹).

اهرم مالی

در این تحقیق، اهرم مالی از طریق تقسیم مجموع بدهی به مجموع دارایی‌های شرکت و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{رابطه (۲۴):} \text{LEV}_{i,t} = \frac{TD_{i,t}}{TA_{i,t}}$$

به طوری که در آن: $\text{LEV}_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t ؛ $T_{i,t}$: مجموع بدهی‌های شرکت i در سال t و $TA_{i,t}$: جمع دارایی‌های شرکت i در سال t می‌باشد (تی سانگ ۲۰۱۹).

فرصت‌های رشد^۲

فرناندو و همکاران (۲۰۱۰) بر این باورند که شرکت‌های با فرصت‌های رشد بالاتر، ریسک بیشتری نیز دارند. در این مطالعه از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، برای سنجش فرصت‌های رشد شرکت استفاده می‌گردد که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{رابطه (۲۵):} \text{GUTH}_{i,t} = \frac{MV_{i,t}}{BV_{i,t}}$$

که در آن: $\text{GUTH}_{i,t}$: بی‌گر، فرصت‌های رشد شرکت i در سال t ؛ $MV_{i,t}$: بیانگر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t و همچنین، $BV_{i,t}$: بیانگر، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t م باشد (تی سانگ ۲۰۱۹).

الگوی مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از الگوی تسانگ و همکاران (۲۰۱۹) استفاده شده است. مشخصات الگوی مزبور به شرح رابطه (۲۶) می‌باشد:

رابطه (۲۶):

$$Ke_{it} = \beta_0 + \beta_1 CACC_{it} + \beta_2 INST_{it} + \beta_3 (CACC_{it} * INST_{it}) + \beta_4 GUTH_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در الگوی فوق: Ke : هزینه سرمایه، $CACC$: اقلام تعهدی (کیفیت اطلاعات حسابداری)، $INST$: مالکیت نهادی، $GUTH$: صت رشد، LEV : اهرم مالی، $SIZE$: اندازه شرکت، $\varepsilon_{i,t}$: جزء خطای وی رگ یون می‌باشد.

روش آماری

در مرحله نخست در بخش آمار توصیفی پارامترهای شرکت‌های نمونه شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ارائه شد. سپس ماتریس همبستگی به منظور بیان روابط بین متغیرهای پژوهش ارائه شد؛ سپس از آزمون آزمون ایم پاران شین به منظور بررسی پایایی متغیرهای پژوهش استفاده شد؛ در مرحله بعدی از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) برای بررسی ناهمسانی واریانس استفاده شد؛ سپس از آزمون جاک- برا جهت بررسی نوماال بودن توزیع اجزای اخلال الگوی بهره گرفته شد؛ در مرحله بعد از آزمون Xtserial به منظور آزمون خودهمبستگی بین اجزای اخلال الگوی استفاده گردید و در بخش نهایی برای انتخاب روش ترکیبی^۳ یا

1. size of the company

2. Tsung

3. Tsung

4. Growth opportunities

5. Tsung

6. Pooling

تلفیقی^۱ از آزمون F (لیمر) استفاده شده است. همچنین، برای انتخاب بین الگوی اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن نیز در مرحله بعدی مورد استفاده قرار گرفته سات و در نهایت آنالیز نهایی الگوی تجربی انجام گرفت.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل های انجام شده بر مبنای طرح پژوهش در این قسمت ارائه می شود. با بهره گیری از تکنیک های آماری مناسب که با روش تحقیق و نوع متغیرها سازگاری دارند، داده های جمع آوری شده دسته بندی، تجزیه و تحلیل و در نهایت فرضیه تحقیق مورد آزمون قرار می گیرد.

۴-۱- آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد الگوی تجربی و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. آمار توصیفی به محاسبه پارامترهای جامعه می پردازد و شامل شاخص های مرکزی و پراکندگی جامعه و غیره می باشد. در جدول شماره (۲) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، بیشینه، کمینه، انحراف معیار آورده شده است. میانگین کیفیت اطلاعات حسابداری ۱۲ درصد می باشد. برای اندازه گیری کیفیت اطلاعات حسابداری از الگوی دیچو وهمکاران (۱۹۹۵) استفاده شد که بر مجموع دارایی ها تقسیم شده است. در نتیجه می توان بیان داشت که کیفیت اطلاعات حسابداری ۱۲ درصد از مجموع دارایی های اول سال می باشد. هزینه سرمایه دارای مقدار میانگین ۶ درصد بوده است. همچنین مالکیت نهادی ۵۹ درصد می باشد.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرها

شرح	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
هزینه سرمایه	۰/۶۱	۰/۵۶	۰/۲۳۴	۰/۰۱۲	۰/۰۴۱
کیفیت اطلاعات حسابداری	۰/۱۲۷	۰/۰۹۷	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰۳	۰/۱۰۵
مالکیت نهادی	۰/۵۹۵	۰/۷۰۴	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴
اندازه شرکت	۱۳/۷۹۲	۱۳/۷۱۹	۱۹/۳۶۷	۹/۸۰۳	۱/۴۰۶
اهرم مالی	۰/۶۴۲	۰/۶۴۱	۲/۲۲۴	۰/۱۴۶	۰/۲۱۹
فرصت رشد	۲/۳۴۳	۱/۹۷۷	۴۰/۴۲۱	-۵۳/۲۱۷	۴/۳۳۱
تعداد مشاهدات	۷۶۸	۷۶۸	۷۶۸	۷۶۸	۷۶۸

۴-۲- ماتریس همبستگی پیرسون

جدول (۳) ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. نتایج نشان می دهد که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه همبستگی حدود ۲ درصد وجود دارد و با توجه به ضریب منفی می توان بیان داشت که افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری منجر به کاهش هزینه سرمایه می شود.

جدول (۳): ضریب همبستگی بین متغیرها

شرح	هزینه سرمایه	کیفیت اطلاعات حسابداری	مالکیت نهادی	اندازه شرکت	اهرم مالی	فرصت رشد
هزینه سرمایه	۱					
کیفیت اطلاعات حسابداری	۰/۰۲۵*	۱				
مالکیت نهادی	۰/۰۹۵*	۰/۰۱۹	۱			
اندازه شرکت	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۲۴۴*	۱		
اهرم مالی	۰/۰۳۸	۰/۰۶۲	۰/۱۷۸*	۰/۱۴۶*	۱	
فرصت رشد	۰/۰۹۰*	۰/۰۴۷	۰/۰۰۶	-۰/۰۶۵	-۰/۰۷۹*	۱

* معنادار در سطح خطای ۵ درصد مأخذ: محاسبات محقق

۴-۳- آزمون پایایی متغیرها

قبل از تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها پایایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در الگو، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. بدین منظور از آزمون ایم پساران شین استفاده شده است که نتایج آن در نگاره زیر ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطح احتمال تمامی متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین تمامی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند.

جدول ۴-۳- آزمون پایایی متغیرها

شرح	ایم پساران شین	
	آماره	احتمال
هزینه سرمایه	-۱۱/۴۵۴	/۰۰۰
کیفیت اطلاعات حسابداری	-۲۶/۱۷۳	/۰۰۰
مالکیت نهادی	-۷/۵۹۹	/۰۰۰
اندازه شرکت	-۸/۸۲۱	/۰۰۰
اهرم مالی	-۱۳/۱۷۱	/۰۰۰
فرصت رشد	-۲۴/۲۵۲	/۰۰۰

مأخذ: محاسبات محقق

۴-۴- آزمون ناهمسانی واریانس

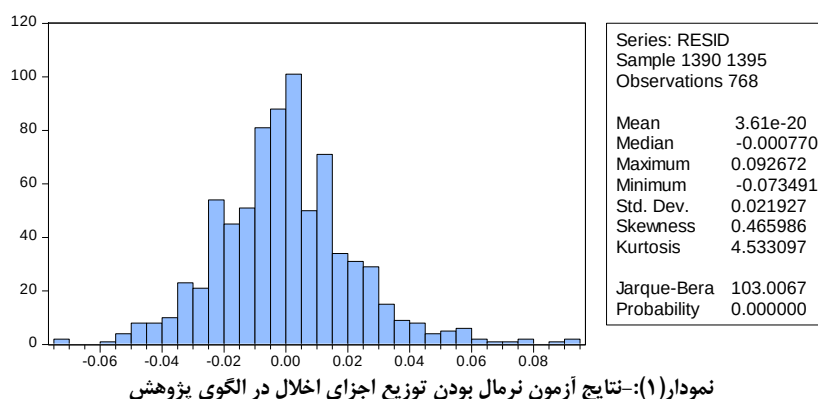
به منظور بررسی ناهمسانی واریانس در این پژوهش از آزمون نسبت درستنمایی (LR) استفاده شده است. بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در جدول شماره (۵) آورده شده است، در الگوی پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد (زیرا احتمال یا p -value محاسبه شده کمتر از ۰,۰۵ است). به منظور رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی (EGLS) استفاده شد.

جدول (۵): آزمون ناهمسانی واریانس

فرضیه صفر (H_0)	آماره χ^2 دو	p-value	نتیجه آزمون
واریانس‌ها همسانند	۳/۵۲۵	۰,۰۰۱۹	H_0 رد می‌شود (همسانی واریانس وجود ندارد)

۴-۵- آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص

فرض بر این است که جمله اخلاص به نحوی است که پراکندگی آن در مجاورت میانگین حداکثر است و هرچه از میانگین دورتر شویم پراکندگی در سمت راست و چپ آن به یک نسبت کاهش می‌یابد. این فرض به خصوص وقتی که حجم نمونه بزرگ باشد، معقول است. در صورت نقض این فرض، آزمون فرضیه و ساختن فاصله اطمینان در مورد پارامترهای رگرسیون به شیوه متداول از درجه اعتبار ساقط است. تعیین نرمالیتی توزیع اجزای اخلاص الگوی تجربی با استفاده از شیوه‌های متعددی امکان پذیر است. در این مطالعه از آزمون جاک-برا استفاده شده که فرضیه صفر این آزمون، بر نرمال بودن توزیع خطاها دلالت دارد. همان‌گونه که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود، از آنجا که مقدار احتمال آماره مزبور برای الگوی پژوهش (۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است، لذا فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع جزء اخلاص رد شده و می‌توان بیان نمود که اجزای اخلاص الگوی تجربی از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند. با این وجود، بر اساس قضیه حد مرکزی زمانی که اندازه نمونه به میزان کافی بزرگ باشد (بیشتر از ۳۰ مشاهده)، انحراف از فرض نرمال بودن بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز بوده و آماره‌های آزمون از توزیع مناسبی پیروی خواهند نمود (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹).



۴-۶- آزمون خودهمبستگی بین اجزای اخلال الگوی تجربی پژوهش

فرض مهم در الگوی رگرسیون خطی کلاسیک این است که متغیر وابسته یا جملات خطا، به طور نرمال توزیع شده باشند. با نظر گرفتن این فرض، برآوردکننده ها نیز به طور نرمال توزیع می شوند. با توجه به نقش قطعی آزمون های تشخیص در تجزیه و تحلیل نتایج، انجام آزمون هایی به منظور تأیید فرض نرمال بودن از اهمیت زیادی برخوردار است. برای کشف خودهمبستگی یکی از آزمون های موجود، آزمون Xtserial می باشد. این آزمون توسط ولدريج ارائه شده و مزیت آن در مقایسه با آزمون دوربین واتسون این است که در آن علاوه بر خودهمبستگی مرتبه اول، انواع دیگر خودهمبستگی قابل تشخیص است و در مواقعی که داده ها از نوع ترکیبی باشند، این آزمون نیز قابل استفاده است. در جدول (۶) نتایج آزمون خودهمبستگی برای آزمون الگوی تجربی در هر فرضیه آمده است. با توجه به اینکه P-Value مندرج در جدول (۶)، برای فرضیه پژوهش، کمتر از سطح معنی دار ۵٪ است، الگوی تجربی در این فرضیه ها دارای خودهمبستگی می باشد. به منظور رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی (EGLS) استفاده شد.

جدول (۶): نتایج آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلال در الگوی تجربی پژوهش

الگوی تجربی پژوهش	Wooldridge Test	
	آماره F	احتمال آماره
اول	۱۸/۸۵۱	۰,۰۰۰۰
خودهمبستگی		

مأخذ: محاسبات محقق

۴-۷- تعیین داده های ترکیبی

در پژوهش حاضر، الگوی های همانطور که در بخش روش شناسی پژوهش به آن اشاره شده است با استفاده از داده های ترکیبی (سال - شرکت) مربوط به ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تخمین زده می شود. بنابراین، مطابق آنچه در بخش روش شناسی پژوهش بیان شد، پیش از تخمین مدل با استفاده از داده های ترکیبی، باید در مورد روش مناسب به کارگیری این گونه داده ها در تخمین، تصمیم گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده ها (تفاوت ها یا اثرات خاص شرکت) وجود دارد یا اینکه می توان داده های مربوط به شرکت های مختلف را ادغام کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین های تک معادله ای، برای اخذ تصمیم اخیر از آماره آزمون F (لیمر) استفاده می شود. بنابراین، براساس نتایج این آزمون، درباره رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت ها و در نهایت درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده های پانل تصمیم گیری می شود. به طور کلی، در جدول (۷) نتایج آزمون چاو (آماره F) که مربوط به فرضیه و مدل پژوهش یاد شده بوده ارایه شده است. نتایج نشان می دهد که باید از روش داده هایی پانل استفاده گردد. لذا، برای تعیین و انتخاب مدل از بین الگوهای اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود.

جدول (۷): نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش ترکیبی (Pooling) یا تلفیقی (Panel)

فرضیه صفر (H0)	آماره	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
اثرات خاص شرکت معنی دار نیستند (روش Pooling مناسب است)	۱۲/۶۰۷	۱۲۷	۰,۰۰۰۰	H0 رد می شود (روش داده های پانل انتخاب می شود)

مأخذ: محاسبات محقق

۴-۸- آزمون هاسمن

همان‌طور که در قسمت بالا اشاره شد، با استفاده از نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب الگوی اثرات تصادفی یا الگوی اثرات ثابت استفاده می‌شود. به طور کلی، نتایج آزمون هاسمن در جدول (۸) ارائه شده است؛ بنابراین، این آزمون نتایج نشان می‌دهد که باید از روش اثرات ثابت برای برآورد الگوی تجربی نهایی پژوهش استفاده گردد.

جدول (۸): نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

آماره	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
۲۳/۷۶۴	۸	۰/۰۰۰۶	H_0 رد می‌شود

۴-۹- آزمون مدل و فرضیه پژوهش

۴-۹-۱- آزمون دوربین واتسون

یکی از مشکلات معمول در یک الگوی رگرسیون، وجود همبستگی بین جملات پسماند است. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون می‌باشد. به این ترتیب ویژگی‌های بهترین برآوردکننده خطی بدون تورش خدشه‌دار می‌شود و در نتیجه استنباط آماری قابل اعتماد نخواهد بود. آماره دوربین واتسون برای بررسی خطای تصریح در مدل استفاده می‌شود؛ به عبارت دیگر، اگر باقیمانده‌های رگرسیون، الگوی سیستماتیک و قابل توجهی از خود نشان دهند، خطای تصریح وجود خواهد داشت. به طور ساده، این همبستگی منعکس کننده این واقعیت است که بعضی از متغیرها که متعلق به مدل واقعی هستند، در اخلاص قرار گرفته‌اند که باید از آن خارج شده و به عنوان یک متغیر توضیحی صحیح وارد مدل شوند. بطور کلی اگر این آماره در بازه ۰٫۵-۲٫۵ قرار داشته باشد می‌توان گفت مشکل خودهمبستگی بین جملات خطا مشاهده نمی‌شود. آماره دوربین واتسون پس از برآورد ضرایب، مقدار ۱٫۶۴۱ را نشان می‌دهد که به معنی عدم وجود همبستگی پیاپی در جزء اخلاص می‌باشد. نتیجتاً مشکل خودهمبستگی سریالی در این فرضیه مشاهده نمی‌شود.

۴-۹-۲- آماره F فیشر

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده برای آماره F به میزان (۰٫۰۰۰) می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است.

۴-۹-۳- ضریب تعیین (R^2)

با توجه به ضرایب تعیین مدل‌های برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۸۷ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

۴-۹-۴- تعیین وجود چند هم خطی

هم‌خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم‌خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و این موضوع ممکن است با وجود بالا بودن R^2 ، مدل دارای اعتبار بالایی برخوردار نباشد؛ بنابراین، با توجه به نتایج مربوط به این آزمون که در ستون آخر جدول (۹) گزارش شده است، می‌توان گفت که مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ ($VIF < 10$) می‌باشد. ازاین‌رو، بین متغیرهای مستقل رابطه هم‌خطی وجود ندارد و الگوی تجربی برازش شده نیز دارای اعتبار می‌باشد.

جدول (۹): خلاصه نتایج آماری آزمون الگوی تجربی و فرضیه پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون تی	سطح معناداری	VIF
عرض از مبدا	-۰/۰۹۲	۰/۰۲۲	-۴/۰۲۱	۰/۰۰۰۱	-
کیفیت اطلاعات حسابداری	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۱	-۲/۸۵۹	۰/۰۰۴۴	۴/۹۴۴
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	-۰/۸۱۳	۰/۴۱۶۰	۲/۵۴۶
کیفیت اطلاعات حسابداری*مالکیت نهادی	۰/۰۴۲	۰/۰۱۶	۲/۶۵۲	۰/۰۰۸۲	۶/۵۰۲
اندازه شرکت	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	۷/۳۳۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۸۰
اهرم مالی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۱/۹۱۵	۰/۰۵۵۹	۱/۰۵۶
فرصت رشد	-۳/۹۷	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۴۵	۰/۸۰۶۰	۱/۰۱۳
آماره اف فیشر	۴۱/۴۹۱		آزمون دوربین واتسون		۱/۶۴۱
سطح معناداری F فیشر	۰/۰۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۷۵۳

۴-۹-۵- نتیجه آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: کیفیت اطلاعات حسابداری برهزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

ضریب برآوردی متغیر کیفیت اطلاعات حسابداری در جدول نشان دهنده وجود تأثیر معنادار بر هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰,۰۵ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰,۰۵ بدست آمده است. بنابراین می توان گفت کیفیت اطلاعات حسابداری برهزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود.

فرضیه دوم: مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

ضریب برآوردی متغیر مالکیت نهادی در جدول نشان دهنده عدم وجود تأثیر معنادار بر هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰,۰۵ است. زیرا میزان (p-value) محاسبه شده برای ضریب این متغیر تحقیق، بیشتر از ۰,۰۵ بدست آمده است. آزمون فرضیه دوم با استفاده از ضریب (مالکیت نهادی*کیفیت اطلاعات حسابداری) انجام شده است، نتایج نشان می دهد ضریب متغیر فوق در جدول نشان دهنده وجود تأثیر معنادار بر هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰,۰۵ است. زیرا میزان (p-value) محاسبه شده برای ضریب این متغیر تحقیق، کمتر از ۰,۰۵ بدست آمده است. بنابراین می توان گفت مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود.

۴-۹-۶- نتایج متغیرهای کنترلی

ضریب برآوردی متغیر اندازه شرکت در جدول نشان دهنده وجود تأثیر معنادار بر هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰,۰۵ است. زیرا میزان (p-value) محاسبه شده برای ضریب این متغیر تحقیق، کمتر از ۰,۰۵ بدست آمده است.

ضریب برآوردی متغیر اهرم مالی در جدول نشان دهنده عدم وجود تأثیر معنادار بر هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰,۰۵ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر تحقیق، بیشتر از ۰,۰۵ بدست آمده است.

ضریب برآوردی متغیر فرصت رشد در جدول نشان دهنده عدم وجود تأثیر معنادار بر هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰,۰۵ است. زیرا میزان (p-value) محاسبه شده برای ضریب این متغیر تحقیق، بیشتر از ۰,۰۵ بدست آمده است.

۵- نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر روش استنتاج استقرایی و از لحاظ طرح تحقیق نیز پس رویدادی است. جامعه آماری پژوهش نیز شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد، برای نمونه گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده گردید؛ پس از اعمال محدودیت های مورد نظر در این تحقیق نمونه نهایی شرکت بود؛ داده ها قلمرو زمانی این پژوهش طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ بود؛ در این پژوهش، برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه ای و مطالعات اسنادی استفاده شده که براین اساس، مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی لاتین و فارسی گردآوری گردید. سپس داده های لازم برای آزمون فرضیه های تحقیق از طریق مراجعه به صورت های مالی و یادداشت های توضیحی شرکت های منتخب، لوح های فشرده آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و دیگر پایگاه های مرتبط و نیز، از نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین استخراج شد. در محله بعد، پس از گردآوری و انتقال داده ها به صفحه گسترده نرم افزار Excel و اعمال محاسبات لازم برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز از نرم افزارهای اقتصادسنجی Eviews استفاده شد.

بنابراین، نتایج حاصل از برازش الگوی تجربی نشان داد که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. همچنین مشخص شد که مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. به طور کلی، نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش حاضر نشان داد که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه تأثیر معناداری دارد. به بیان دیگر، نتیجه حاصل از برازش الگوی رگرسیونی مربوط به فرضیه اول پژوهش نشان داد که در سطح خطای ۵ درصد نشان داد که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود. شایان ذکر است نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش های سنگو پتا (۲۰۱۷)، رضایی و محمدپور (۱۳۹۶) هم خوانی دارد. همچنین، در فرضیه دوم پژوهش حاضر به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه پرداختیم. به طوری که نتیجه حاصل از برازش الگوی رگرسیونی نشان داد که مالکیت نهادی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه را تعدیل می کند. شایان ذکر است نتیجه به دست آمده در این تحقیق، با یافته های سنگو پتا (۲۰۱۷)، رضایی و محمدپور (۱۳۹۶) هم خوانی دارد. با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر با یافته های پیشینه پژوهش هم خوانی دارد، می توان گفت که از پشتوانه تئوری قوی و محکمی برخوردار بوده و فرضیه های آن بر اساس مبانی نظری قابل اتکایی استوار است؛ بنابراین، بر اساس یافته های پژوهش حاضر، به سرمایه گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می گردد در هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری به مالکیت نهادی و کیفیت اطلاعات حسابداری توجه نموده و آن را به عنوان عاملی موثر بر الگوی های تصمیم گیری خود لحاظ نمایند. پیشنهاد می شود که سازمان های نظارت کننده مانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار اهمیت بیشتری برای موضوع کیفیت اطلاعات حسابداری قائل شوند. همچنین، با توجه به نتایج تحقیق و سوالاتی که طی انجام آن برای محقق مطرح گردید، جهت تکمیل این تحقیق و انجام تحقیقات بیشتر در حوزه های مرتبط با این پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می شود:

- تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- تأثیر انواع مالکیت بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- این پژوهش در سطح کل صنایع انجام شده و اجرای آن در سطح هر صنعت ممکن است به نتایج متفاوتی برای هر صنعت منجر شود.

منابع

- ابراهیمی کردلر، علی و حسنی آذر داریانی، الهام. (۱۳۸۵). بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی. شماره ۴۵. صص ۲۳-۳.
- احمد زاده، دیار، باور نهندی، یونس، برادران حسن زده، رسول. (۱۳۹۲). ارتباط بین ویژگی های کیفی حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام"، اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت.
- اسدی، غلامحسین و متنی مجق تپه، وحید. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر تغییر مدیریت بر مدیریت سود/ چشم اندازه مدیریت مالی و حسابداری. شماره ۱. صص: ۹۸-۱۱۴.

- اصغری، زهرا. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه بین ویژگیهای پیش‌بینی سود مدیریت و هزینه حقوق صاحبان سهام (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشگاه مازندران.
- اعتمادی، حسین، شفاخیبری، نصیبه. (۱۳۹۰). تأثیر جریان های نقد آزاد بر مدیریت سود و نقش کمیته ی حسابرسی در آن. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، تابستان ۱۳۹۰، دوره ۳، شماره ۱۰، صص: ۴۲-۱۸.
- کریس بروکس (۱۳۸۹). کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی / ترجمه و تالیف عباس افلاطونی، لیلی نیکبخت. تهران: انتشارات ترمه.
- امیری، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی، محافظه کاری و هزینه حقوق صاحبان سهام. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده مدیریت و حسابداری، تهران، ایران.
- آذر، عادل و مؤمنی، منصور (۱۳۷۷). آمار و کاربرد آن در مدیریت. جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
- بابایی، نعمت، جعفری، محبوبه و عسگری، محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. سومین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- بنی مهد، بهمن، یعقوب نژاد، احمد و وحیدی کیا، الهام. (۱۳۹۴). توان رقابتی محصول و هزینه حقوق صاحبان سهام. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. شماره ۲۶. صص: ۱۱۸-۱۰۷.
- بولو، قاسم و رحمانی فر، مسعود. رابطه میان شفافیت سود و هزینه حقوق صاحبان سهام. پژوهش های تجربی حسابداری مالی. شماره ۸. صص: ۸۰-۵۹.
- پرنده، عالیبه. (۱۳۹۵). بررسی نقش میانجی قدرت دولت بر رابطه بین رقابت در بازار محصول و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- پورحیدری، امید، باقری، ندا. (۱۳۹۲). ارتباط بین کیفیت اطلاعات مالی و هزینه سرمایه سهام عادی. راهبرد مدیریت مالی، (۱۱)، صص: ۳۵-۵۳.
- پورزمانی، زهرا، منصوری، فرناز. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت افشاء، محافظه کاری و رابطه متقابل آنها بر هزینه سرمایه سهام عادی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. شماره ۲۵. صص: ۱۰۲-۸۵.
- جوانی، قاسم. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام. پنجمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، تهران، همایشگران مهر اشراق.
- حاجیه، زهره و سرفراز، بهمن. (۱۳۹۳). رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های تجربی حسابداری مالی. دوره ۴. شماره ۲. صص: ۱۲۳-۱۰۵.
- حاجیه، زهره، سیحانی، ندا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۴، صص: ۱۴۶-۱۲۹.
- خواست خدائی، زهرا (۱۳۹۰). تأثیر ویژگی‌های پیش‌بینی سود توسط مدیران بر هزینه حقوق صاحبان سهام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- دستگیر، محسن؛ حسینی، احسان. (۱۳۹۲). مروری جامع بر مدیریت سود (بخش اول). مطالعات حسابداری و حسابرسی. سال دوم پاییز ۱۳۹۲، شماره ۷، صص: ۲۵-۱.
- رضایی، فرزین و محمدپور، مهدیه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی بین مسئولیت اجتماعی شرکت و هزینه سرمایه ضمنی. پژوهش های نوین در حسابداری و حسابرسی. شماره ۱. صص: ۱۳۸-۱۱۷.
- ستایش، محمدحسین؛ کاظم‌نژاد، مصطفی؛ ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، (۳)، صص: ۷۴-۵۵.
- فخاری، قاسم؛ (۱۳۹۴). هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگیهای سود؛ پایان نامه دکتری حسابداری؛ دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.
- ثقفی، دکتر علی، کردستانی، غلامرضا. (۱۳۸۳). بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، پاییز ۱۳۸۳، دوره ۱۱، شماره ۳۷، شماره پیاپی ۴۳۸، صص: ۷۲-۵۱.
- کرمی، غلامرضا، حسینی، علی،، رضوانی فرد، سعید. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سطح افشاء و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال ششم بهار ۱۳۹۲، سال ششم، شماره ۲۱، صص: ۹۲-۴۷.
- معرز قره باغ، سید امیر و حمزه دیدار، (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین کیفیت سود و هزینه سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر عدم تقارن اطلاعاتی، کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، مرکز همایشهای پژوهشگاه نیرو.

- Bassen, Alexander. , Hölz, Hanns. -Michael Holz. , Schlange, Joachim. (2006). The influence of corporate responsibility on the cost of capital: An empirical analysis. Available at: <http://ssrn.com/abstract=984406>.

- Behnam and Worcesha. (1996). Monitoring: Which institutions matter? Journal-of Financial Economics, 86(2), 279-305
- Botosan, C. A. (2017). Disclosure Level and the Cost of Equity Capital. The Accounting Review, Vol. 22, No. 3, pp. 323-349.
- Diamond, D. W. and Verrecchia, R. E. (2018). Disclosure, Liquidity, and the Cost of Capital. The Journal of Finance, Vol. 46, No. 4, pp.1325-1359.
- Espinosa, M.; Tapia, M. and Trombetta, M. (2008). Disclosure and Liquidity in a Driven By Orders Market: Empirical Evidence from Panel Data. Investigaciones Economicas, Vol. 32, No. 3, pp. 339-370.
- Ferris.S.P, Javakhadze.D, Rajkovic.T. (2016). The International Effect of Managerial Social Capital on the Cost of Equity. Journal of Banking and Finance.
- Gietzman, M. and Ireland, J. (2016). Cost of Capital, Strategic Disclosures and Accounting Choice. Journal of Business, Financial & Accounting, Vol. 23, No. 3&4, pp. 599-634.
- Hail, L., Leuz, C., (2006), International differences in the cost of equity capital: Do legal institutions and securities regulation matter? Journal of Accounting Research, 44, 485-531.
- Hor, F.C. (2010). Establishing talent management for company's succession planning through analytic network process: Application to an MNC semiconductor company in Taiwan, Computers and Mathematics with Applications60.Available from URL: www. Metana.ir/ userfiles //TMSMissing.
- Iles, P., Chuai, X. and Preece, D. (2010).Talent Management andHRM in Multinational companies in Beijing: Definitions, differences anddrivers', Journal of World Business,Vol. 45,No. 2. pp.179-189.
- Jon Ingham,Closing the talent management gap, Strategic HR Review, MelcrumPublishig Ltd, 2006.
- Khurana, Inder K., Martin, Xiumin, Pereira, Raynolde, (2006), Financial development and the cash flow sensitivity of cash, Journal of Financial Quantitative Analysis, 41, 787-807.
- Lewis and Heckman, (2006). R.E. Lewis and R.J. Heckman, Talent management : A critical review. Human Resource Management Review,Vol.16.pp. 139-154.
- Matoussi, H.; Karaa, A. and Maghraoui, R. (2004). Information Asymmetry, Disclosure Level and Securities Liquidity in the BVMT. Finance India, Vol. 18, pp. 547-557.
- Mishra, Dev R., Sadok El Ghouli. , Omran Guedhami. , Chuk C. Y. Kwok. , (2011). Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital?. Journal of Banking & Finance , Vol. 35, Issue 9, pp. 2388-2406.
- Nazli A. Ghazali M. (2016), Capital cost and corporate social responsibility disclosure: some Malaysian evidence. The international journal of business in society, Vol. 7 Iss 3 pp. 251 – 266
- Nonaka, I. and konno, N.(1998).The concept of "Ba" : Building a foundation for knowledge creation.California Management Review, Vol.40,No.3, pp.40 – 54.
- Opergis, R., Robin, A., & Sadka, G. (2012). Is financial reporting shaped by equity markets or debt markets? An international study of timeliness and conservatism. Review of Accounting Studies, 13(2-3), 168-205.
- Sengupta, P. (2017). Corporate Disclosure Quality and Cost of Debt. The AccountingReview, Vol. 73, No. 4, pp. 459-474.
- Shaw, K. W. (2003). Corporate disclosure quality, earnings smoothing and earnings timeliness. Journal of Business Research, (December), 56(12),
- Sloan, R. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows.about future earnings? The Accounting Review, 71(3), 289-315. July.
- Tsung(2019).Investigating the Effect of Institutional Ownership on the Relationship Between Accounting Information Quality and Cost of Capital in Companies Accepted in Taiwa.
- Zhang, L, Ding, S. (2016). The Effect of Increased Disclosure on Cost of Capital:Evidence from China. Review of Quantitative Financial Accounting, Vol. 27, pp. 383-401.

Institutional ownership effect on the relationship between accounting quality and cost of capital In Companies Listed in Tehran Stock Exchange

Fatemeh. Khatiri1 Yanesari

M.Sc. Student of Accounting, Lamei Gorgani Institute of Higher Education, Accounting Department, Gorgan, Iran,

Hossein Eslami Mofid Abadi (PhD)

Assistant Professor, Department of Accounting & Management, Shahriyar Branch, Islamic Azad University, Shahriyar, Iran (Corresponding Author)

E.mail: hosseineslami62@gmail.com

Seyed Mohammad Reza Khalilzade (PhD)

Assistant Professor, Lamei Gorgani Institute of Higher Education, Accounting Department, Gorgan, Iran,

Abstract

The purpose of this study was to investigate the impact of institutional ownership on the relationship between accounting information quality (AIQ) and cost of capital (CC) in listed companies in Tehran Stock Exchange (TSE). The study is descriptive-applied. The statistical population of the study is all companies listed in the stock exchange. The systematic elimination method was used for sampling. Hence, after applying the limitations in this study, the final sample was 128 companies. The data were collected during 2011-2018. Also, in this research, in first, the required information was collected through library and documentary studies. Then, the data needed to test the research hypotheses were extracted from the Tadbir Pardaz software and the Rahavard Novin software. Moreover, Eviews econometric software was also used to analyze the data. In generally, the results of the model fit showed that there is a significant effect on the quality of accounting information on cost of capital in listed companies in Tehran Stock Exchange. It was also found that institutional ownership had a significant effect on the relationship between the quality of accounting information and the cost of capital in companies listed on the Tehran Stock Exchange.

Keywords: Institutional ownership, Quality of accounting information, Cost of capital

تحلیل و بررسی ملاک‌های طبقه‌بندی مشاغل با توجه به فقه المکاسب

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۶

کد مقاله: ۴۶۴۶۳

روح‌الله آهنگران^{۱*}، میثم جاوید^۲

چکیده

اقتصاد و امور مادی همیشه در زندگی بشر، حتی زمانی که به زندگی اجتماعی روی نیآورده بود، رکن اساسی محسوب می‌گردید، لیکن امروزه با پیچیده شدن زندگی اجتماعی و خارج شدن جوامع از مراحل ابتدایی و برقراری روابط گسترده انسان‌ها، اقتصاد و نحوه کسب‌وکار جهش خیره‌کننده‌ای داشته و جلوه‌گری خاصی در جوامع پیدا کرده است. فعالیت‌های اقتصادی در جوامع بشری و در تمامی اعصار به دلیل تأثیرات متقابلی که میان شخص و اجتماع حکم فرماست به صورت مستمر مورد توجه بوده است. دین اسلام نیز با توجه به اهمیتی که فعالیت‌های اقتصادی بر جامعه دارد، نظام ارزشی را ایجاد کرده است تا مسلمانان با توجه به آن بتوانند به سعادت دنیوی و اخروی برسند. هدف از انجام این پژوهش تحلیل و بررسی ملاک‌های طبقه‌بندی مشاغل با توجه به فقه المکاسب می‌باشد تا نمای کلی از اهمیت فعالیت اقتصادی و شاخص ارزش‌گذاری در کسب و بررسی مشاغل مباح و محرمه نشان داده شود که در این راستا روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی و استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و فیش‌برداری می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد در دین اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است لذا برای حفظ اجتماع و عدم اختلال در نظام اقتصادی، مشاغل را طبقه‌بندی نموده تا علاوه بر تأکید و توجه ویژه به فعالیت کسب‌وکار برای تولید و امرار معاش، جامعه را نیز در انتخاب مشاغل صحیح و عقلایی هدایت و رهنمون سازد.

واژگان کلیدی: درآمد، طبقه‌بندی مشاغل، فقه المکاسب، کسب‌وکار، ارزیابی فقهی مشاغل، نظام اقتصادی، کسب مال حرام، شغل مباح

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز؛ (مسئول مکاتبات) r.ahangaran@chmail.ir

۲- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۱- مقدمه

با نگاهی هرچند گذرا به آموزه‌های دینی، مشخص می‌شود که پیوند عمیق و تأثیر متقابل میان دین و اقتصاد برقرار است. قرآن کریم، اصلاح امور اقتصادی جامعه را در کنار دعوت به توحید، از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران معرفی نموده چنانچه در آیه ۸۴ سوره هود به تلاش حضرت شعیب (ع) برای اصلاح امور اقتصادی یادآور می‌شود که بیان می‌دارد: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید که جز او، معبود دیگری نیست! پیمان و وزن را کم نکنید (یعنی دست به کم‌فروشی نزنید)» بنابراین در قرآن کریم این مسئله به‌وضوح روشن می‌سازد که برخی از انبیاء به‌طور مستقیم برای اصلاح امور اقتصادی و شاخص‌گذاری صحیح در کسب و درآمدزایی مداخله داشته و الگویی را به جوامع بشری تبیین نموده است. همانند آیات ۴۷ الی ۴۹ و ۵۴ الی ۵۶ سوره یوسف و برای تبیین جزئیات دقیق‌تر در کسب و نحوه درآمدزایی در آیات ۲۸۲ و نیز ۲۸۰، ۱۸۸، ۲۷۵ و ۲۸۳ می‌توان اشاره کرد. در اسلام از یک‌سو رفتارهای اقتصادی و کسب مشروع، به‌عنوان عبادت تلقی شده و از سوی دیگر انجام وظایف دینی و عبادت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به امور اقتصادی بوده و گاه آمیختگی و پیوند معناداری با فعالیت کسب‌وکار اقتصادی دارد که خود بیانگر پیوند ناگسستنی دین و اقتصاد و تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر است. (ایروانی، ۱۳۹۰: ۲۹)

بنابراین در اسلام فعالیت اقتصادی پایه و ستون دین به شمار رفته و در آیات و روایات بسیاری ذکر گردیده که اقتصاد را همانند جهاد قلمداد کرده؛ چرا که باعث عزت مسلمین خواهد شد. از دیدگاه قرآن، مال و اقتصاد قوام و ستون زندگی است؛ همانگونه که خدای متعال در آیه ۵ سوره نساء بیان فرموده «التي جعل الله لكم قیاما» و نیز بر طبق آموزه‌های نهج‌البلاغه یکی از چهار حق مردم به رهبر و امام توفیر فیئ یعنی تکثیر و فراوان ساختن سرمایه‌های عمومی و منابع طبیعی است. چرا که یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم حیا و قابلیت رشد و نمو ثروت است. از سویی اهداف متعالی اسلام بدون اقتصاد سالم امکان‌پذیر نیست و نیز برای جلوگیری از سلطه کفار و بیگانگان بر مسلمین، مسلمانان می‌بایست خودکفا باشند و دچار کم‌خونی اقتصادی نباشند (هوشمند و دیگران، ۱۳۸۷: ۳).

الف- بیان مسأله

یکی از ارکان‌های اساسی در زندگی اجتماعی، جهاد و کار و کوشش انسان‌ها می‌باشد. کار و فعالیت در جامعه دارای نقش و کارکرد اساسی است. کار و جهاد، یک جامعه را به مرزهای توسعه و ترقی نزدیک ساخته و باعث آبادانی و رشد آن سرزمین می‌شود، علاوه بر آن کار و فعالیت، نتایج ارزنده‌ای را در جسم و روح انسان دارد. با توجه به فواید و نتایج مثبت کار در اجتماع و روحیه فرد، آموزه‌های اسلام به کار و جهاد اهمیت زیادی می‌دهد (علوی زادگان، ۱۳۹۷).

اهداف اقتصادی، نقطه‌های مطلوب و خواسته‌هایی هستند که هر فعال اقتصادی، با توجه به فعالیت خود و کل نظام اقتصادی، راهبردها و سیاست‌های نظام‌مند را سامان می‌دهند همانند رفاه عمومی، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی در این مقوله است. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۱) پس توجه به طبقه‌بندی مشاغل و همچنین باید‌ها و نباید‌های نظام درآمد زایی در فقه المکاسب معطوف به رفع نیازهای ضروری بشر نبوده بلکه درصدد ایجاد عدالت اجتماعی و امنیت اقتصادی نیز می‌باشد. معیناً شناخت احکام فقهی در خصوص آداب تجارت و اکتساب بر هر مسلمانی به خصوص تاجران و کاسبان لازم و ضروری است، چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «یامعشرالتجار، الفقه ثم المتجر»؛ ای جمعیت تجار اول فقه و شناخت احکام (کاسبی کردن) و سپس کار تجارت پرداختن؛ و این جمله را سه بار تکرار فرمودند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۰/۵) پس علاوه بر اخروی دیدن داد و ستد لازم است با شناخت از آداب تجارت بر مسأله‌ی اخلاقی و سلوکی آن نیز اهتمام داشت تا در معاملات و داد و ستد در مسیر ربا و معاملات نامشروع قرار نگیرد.

کسی که اسلام را بررسی کند، می‌یابد که این دین، در حل مسائل اقتصادی با ادیان دیگر تفاوت دارد. ادیان گوناگون گاهی درباره مسئله‌ای معین، به‌ویژه علم اقتصاد، مواضع متفاوت دارند؛ اما موضع اسلام به حدی با ادیان دیگر تفاوت دارد که به آن چهره‌ای ممتاز می‌بخشد. این برجستگی با ملاحظه دو مسأله اجمالی برای ما روشن می‌شود. هر یک از این دو مسئله دارای فروع و تفصیلاتی است؛ که عبارت‌اند از:

أ. وجود مقدار بسیاری از مبادی و توجیهات و تشریعات و احکام که ناگزیر نظام اقتصادی ممتازی را پدید می‌آورد. این نظام چارچوب کاملی که بر رفتار اقتصادی محیط است، شمرده می‌شود و آن را در جهت معین و مطلوب سوق می‌دهد.
ب. وجود سخنان متعددی که در مجموع، داده‌های عینی را ارائه می‌دهند که به فهم رفتار اقتصادی افراد و گروه‌ها کمک می‌کند.

درباره مسئله اول، یعنی این‌که اسلام در جایگاه دین، دارای نظام اقتصادی خاص خود است، می‌گوییم: محقق قرآن و سنت، در هر سطح علمی و رفتاری که باشد، درمی‌یابد که قرآن و سنت شیوه رفتاری انسان در همه زمینه‌ها را در بردارد و بخش قابل توجهی از آن درباره رفتار اقتصادی است. این دو منبع اساسی دین اسلام، آن دسته از ارزش‌های اخلاقی و اصول اساسی را که

ساختار انگیزه‌های ذاتی در انسان را می‌سازد، ارائه می‌کنند. همچنین این دو منبع چارچوب قانونی و نهادهای اجتماعی را که رفتار اقتصادی درون آن‌ها شکل می‌گیرد، وضع می‌کنند. کل شریعت، این امور را بیان می‌کند؛ بنابراین، انسان برای درک کامل ژرفای شریعت در تبیین مؤلفه‌های عمومی نظام اسلام که شامل همه جوانب زندگی می‌شود و مؤلفه‌های نظام اقتصادی اسلام، کافی است یکی از کتاب‌های فقهی اگرچه ابتدایی را ملاحظه کند. شاید اشاره به دو نکته اساسی که این معنا را تأکید می‌کنند و آن را در چارچوب ویژه خود قرار می‌دهند، به صورت مختصر مفید باشد. قرآن کریم به طور قاطع، اسلام را روشی برای همه ابعاد زندگی معرفی می‌کند، آنجا که از زبان پدر انبیا، حضرت ابراهیم می‌گوید:

قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَأَشْرِيكَ لَهُ وَيَذْلِكُ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (انعام: ۱۶۲ و ۱۶۳). همچنین قرآن کریم تأکید می‌کند که دین به این سبب کامل و نعمت خداوند بر آفریدگانش تمام شد که اسلام را برای آنان برگزید تا برحسب مقتضای اسلام در همه فعالیت‌های انسانی در این دنیا به تعامل بپردازند. نکته دوم این است که دین اسلام، رفتار انسانی را از طریق کار فعال بر روی داده‌های مادی و اجتماعی که محیط و ابزار عمل را شکل می‌دهند، هم‌زمان در جهت تحقق هدف عبادت خداوند سامان می‌دهد. به عبارت دیگر، تحقق اهداف آخرتی فقط با احسان در این دنیا میسر است؛ هر آنچه کلمه احسان آن را اقتضا می‌کند، همچون ساختن و آباد کردن و اصلاح و تعمیر؛ بنابراین، کوشش انسانی در دنیا انحراف از رضایت خداوند نیست؛ بلکه اطاعت خداوند و راه وصول به خشنودی او است. اموری همچون ساختن زندگی مادی و تحسین آن و بهره‌برداری از آن، فی نفسه وسایل دستیابی به متاعی است که خداوند به ما بخشیده و کناره‌گیری و عقب‌نشینی از زندگی، گناهی است که خداوند آن را در قرآن و پیامبر در سنت محکوم کرده است. بر این اساس، به رغم این که هدف زندگی توفیق در آخرت است، تحقق این توفیق بدون آباد کردن و شکوفا ساختن این دنیا ممکن نیست. اصول اخلاقی اسلام، به ثروت به صورت وسیله‌ای برای ارضای انسانی و افزایش توان او برای تقرّب بیشتر به سوی خداوند می‌نگرد؛ بنابراین، اسلام نه تنها تلاش برای دستیابی به ثروت و بهره‌برداری از آن را محکوم نمی‌کند، بلکه شور و شوق دستیابی به درآمد بیشتر و اموال بیشتر و استفاده از آن‌ها را نیز رد نمی‌کند (قحف، ۱۳۸۴).

در این پژوهش با توجه به اهمیتی که اقتصاد در جامعه اسلامی دارد، هدف از این تحقیق تحلیلی بر ملاک طبقه‌بندی مشاغل از نگرش فقهی و بررسی مستندات روایی در ترغیب فعالیت‌های اقتصادی و تقسیم بندی مشاغل در پرتو احکام تکلیفی می‌باشد.

ب- پیشینه تحقیق

در طول چندین دهه گذشته با توجه به اهمیت موضوع تحقیقاتی زیادی در این رابطه صورت گرفته است و هر کدام از آن‌ها تلاش کرده‌اند تا جنبه‌ای اهمیت فعالیت اقتصادی را برای جامعه اسلامی بیان کنند و همچنین به توضیح نظام اقتصادی اسلام پرداخته‌اند.

سید امیرحسین بنی اشرف، طهماسب علی پوریانی، روح اله بهرامی و سجاد دادفر (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان پیامبر اسلام (ص) و مدیریت تعالی بخش در اقتصاد سیاسی به دنبال ارائه چارچوبی روشی برای فهم درست‌تر از مدیریت پیامبر (ص) در حوزه اقتصاد سیاسی و در رویارویی با اقتصاد سیاسی صدر اسلام است. رفتار مدیریتی پیامبر (ص) در مسیر تعالی بخشی است و ما می‌توانیم این تعالی بخشی را در مفهوم امروزی ایدئالیسم عینی گرا پی گرفته و قابل فهم نماییم و امروزه نیز به عنوان الگویی قابل قبول در مدیریت اقتصاد سیاسی از آن بهره‌مند شویم. همچنین بیان کرده‌اند که هر جامعه‌ای اعم از بدوی و مدنی، مبتنی بر یک شکل‌بندی سیاسی است که برای ماندگاری خود باید از یک ساز و کار اقتصادی بهره‌مند باشد. این ساز و کار اقتصادی در زمان جاهلی بر استفاده ابزاری از موقعیت جغرافیایی مکه به عنوان یک منطقه استراتژیک تجاری-دینی و نیز اقتصاد قبیله با مؤلفه‌هایی چون غارت، غنیمت و... مبتنی بوده است. با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی تحت رهبری حضرت محمد (ص) قابل انتظار است که نظام نوپای وی هم نیازمند بنیان و ساز و کاری اقتصادی بوده و اقتصاد اعراب جاهلی که به صورت و سیرت در وضعیتی بدوی و عمدتاً غیراخلاقی قرار داشت، مورد تأیید اسلام نباشد. وانگهی عبور از این ساختار و جایگزینی آن با نظامی جدید از مبادی و مبانی اقتصادی هم ممکن نبود.

مهدی اسفندیاری و محمدرضا زارع مهرجردی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلام در مورد حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست به بررسی نهادهای ارزشی نظام اقتصاد اسلام (به روش تحلیل منطقی) که مصالح فرد و جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد و به این نتیجه رسیده‌اند که نهادهای نظام اقتصادی اسلام می‌تواند با کاستن از اثرگذاری خارجی منفی زیست‌محیطی، تحقق توسعه پایدار و استیفای حقوق انسانی، بستر مناسبی را برای محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم کند.

حسین غفور زاده (۱۳۹۴) در مقاله تحت عنوان معیار اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی از دید آیه‌های اقتصادی قرآن کریم به بررسی تطبیقی معیار اخلاقی فعالیت‌های انسان درباره رفتارهای اقتصادی با عنایت به آیه‌های اقتصادی قرآن کریم پرداخته است.

محقق در ابتدا به توضیح مختصری از نظریه‌های اخلاق هنجاری پرداخته؛ سپس با بررسی آیه‌های اقتصادی قرآن کریم در قالب گزاره‌های اخباری و انشایی، مصداق‌هایی برای هر یک از این نظریه‌ها بیان شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با مصداق‌هایی که قرآن کریم در آیه‌های اقتصادی آورده، روح حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی باید فضیلت‌گرایی به معنای داشتن حُسن فاعلی و رعایت اعتدال در امور اقتصادی قرار گیرد و باید وظیفه‌گرایی نتیجه‌گرا به معنای ملتزم بودن به دستورهای الهی در زمینه اقتصادی و در عین حال توجه داشتن به نتیجه‌های سنت‌های اقتصادی قرآنی مد نظر فعالان اقتصادی قرار گیرد.

صمد عبدالهی عابد و مهری قبادی (۱۳۹۳) در پژوهش تحت عنوان راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی بیان کرده‌اند که در دنیای امروز که ابزار تولید و توزیع پیشرفت کرده، روابط اقتصادی به شدت پیچیده شده است و هر کشوری برای بهبود وضع اقتصادی خود تلاش می‌کند، به‌طوری که هر روز عرصه را برای رقیبان خود تنگ‌تر می‌سازد و اهمیت این امر وقتی مشخص می‌شود که تأثیرهای اقتصاد را بر سیاست و فرهنگ مشاهده کنیم. در جامعه جهانی امروز کشوری که اقتصاد آن ضعیف باشد، ناچار در مواردی مجبور است زیر بار تهاجم سیاسی و فرهنگی صاحبان اقتصاد باشد. در این مورد، کشورهایی که اقتصادی ضعیف دارند، دو کار اساسی باید انجام دهند و آن، تقویت تولید و استحکام بنیه‌های اقتصادی و نیز مقاومت در برابر فشارهای سیاسی و فرهنگی رقیبان برای حفظ هویت خود است. هدف آن‌ها از این تحقیق بررسی این امر است که چگونه می‌توان با استفاده از مؤلفه‌هایی که قرآن به جامعه ارائه می‌دهد، اقتصادی موفق داشته باشیم و تمدن اسلامی معاصر را شکل دهیم و به‌صورت عملی مورد استفاده قرار دهیم؛ بنابراین، در این جستار سعی خواهد شد تا پیشنهادهایی از قرآن کریم و روایات ارائه شود تا بر مشکلات اقتصادی جامعه فائق آییم.

ج- روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از لحاظ روش، تحلیلی - توصیفی می‌باشد. همچنین روش از لحاظ هدف کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای است. ابتدا با جستجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و استنادی همانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات علوم انسانی نور (نور مگز)، تبیان، مگ ایران و سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سپس مراجعه به کتابخانه‌های دیجیتال این پژوهش انجام گرفته است. معهدا مطالب آن بیشتر برگرفته از روایات و آیات قرآن کریم می‌باشد.

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- تعریف شغل

از نظر لغوی کار به معنی فعل و عمل می‌باشد و هرآنچه که از شخص صادر و خود را به آن مشغول کند. شغل را (بر وزن عنق و قفل) خوانده‌اند هر دو بمعنی مشغولیت‌اند. (قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۴). شغل مترادف کار و متضاد آن «خلأ» و «فراغ» می‌باشد. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹۷/۶) همچنین کاری که صاحبش را بخود معطوف دارد و فرصتی برای کاری دیگر نداشته باشد را شاغل می‌گویند. (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۱۱)

در اقتصاد، کار یکی از عوامل تولید کالا و خدمات می‌باشد و در عوض آن دستمزد پرداخت می‌گردد، عامل انسانی در جریان تولید است و در همه مکاتب فکری از جایگاه ممتازی برخوردار می‌باشد. کلسن، کار را چنین تعریف می‌کند: استفاده ایست که انسان از نیروی مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می‌برد (توسلی، ۱۳۹۸: ۹). مجموعه کارها و وظایف و مهارت‌های لازم در راه رسیدن به هدف‌های معین سازمان را «شغل» می‌گویند. (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۳۴۷).

کار می‌تواند به‌عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌کند و شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می‌شود. کار در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است، که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۵۱۷). به عقیده‌ی بعضی از صاحب‌نظران در تعریف کار به نوع خاصی از کار توجه نشده است؛ بلکه کار را در مفهوم عام سرچشمه‌ی انباشت ثروت و سرمایه و نهایتاً رشد و شکوفایی جوامع تلقی کرده‌اند. پولکس فن (Pollexfen) می‌گوید:

مردم سر چشمه ثروت‌های منقول بوده و افزایش ثروت از کار و زحمت آن‌ها ناشی می‌شود. (میک، ۱۳۵۸: ۲۲)

از نظر «لودیک اچ مای» اقتصاددان آمریکایی: هر گونه فعالیت انسانی، خواه ذهنی و جسمی و خواه معنوی و ایده‌ای که به تولید کالاها یا اقتصادی بیانجامد، کار نامیده می‌شود. به عقیده کارل مارکس: کار، عملی ست که ما بین انسان و طبیعت انجام می‌گیرد و فعلی ست که فاعل آن انسان و مفعول آن طبیعت است. از نظر اقتصاددانان لیبرال: کار عبارت است از استفاده‌ای که انسان از قوای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می‌کند.

کار در لغت فارسی در معانی مختلف استعمال شده است. به معنی شغل، عمل، پیشه، رفتار و کردار، آنچه در عالم خارج تحقق می‌یابد، ممارست، اشتغال، تمرین، حادثه، صنعت و هنر، رنج و زحمت، بنا و ساختمان، حاجت احتیاج وسیله معیشت است (فرهنگ معین، ۱۳۷۵: ۳/ ۲۷۸۹). کار و شغل فعالیتی بدنی یا فکری در جهت تولید و خدمت است و به‌طور کلی، کار فعالیتی است که از کسی خواسته شده و در مقابل آن، به وی مزد پرداخت می‌شود. (شررتزر، ۱۳۶۹: ۲۰۷)

شغل یعنی کاری که فرد مشغول به انجام آن است و از طریق آن هم انجام وظیفه می‌کند و هم امر معاش می‌نماید. اشتغال در فرهنگ نامه‌های اقتصادی به معنای مشغول بودن به کار تعریف شده است. بنابراین تعریف هرگونه فعالیتی که انسان اعم از زن و مرد در خانه یا بیرون خانه انجام دهد اشتغال است اما برخی از اقتصاد دانان قید مزد و پاداش را نیز بر تعریف اشتغال افزوده و بیان داشته‌اند: اشتغال مشغول بودن به کاری است که پاداش و مزد در برابر آن وجود داشته باشد. براساس این تعریف مفهوم اشتغال محدودتر شده و فقط شامل کارها و فعالیت‌هایی می‌شود که در قبال آن دستمزد پرداخت می‌شود اما تلاش‌هایی که مجانی صورت می‌گیرند مثل برخی از کارهای زنان در خانه مشمول اشتغال نخواهد بود.

۲-۲- تعریف فقه المکاسب

دانش و ادراک و مطلق فهم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲۲/۱۳)، علم به چیزی، درک و فهم آن چیز (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۶۳/۵)، دانستن، فهمیدن؛ فهم دقیق چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۴۲/۴)؛ درک اشیاء مخفی، فهم اشیاء دقیق (عبدالنصر، ۱۴۱۰: ۹/۱)؛ درک منظور و هدف گوینده؛ فهم دقیق مسائل نظری؛ جودت ذهن و سرعت انتقال (شهابی، ۱۳۷۵: ۳۰/۱)؛ پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۲) از جمله مفاهیم لغوی است که برای «فقه» به کار رفته و به استنباط احکام شرع کمک می‌کند. منظور از فقه، قوانین الزامی و غیر الزامی است که از طرف خداوند متعال برای بشر وضع گردیده است. همچنین در اصطلاح واژه فقه نزد فقها و اندیشمندان دینی به هر قانون الهی در شریعت اسلام را حکم نامیده و هر حکم، مشخص‌کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگان، از آنها انتظار دارد. (مشکینی، ۱۴۱۹: ۴۰۳) هدف این احکام، این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد؛ بنابراین علم و آگاهی یافتن به احکام شرعی از راه اثبات‌کننده و دانستن آن احکام شریعت از مجرای استدلال و برهان را «علم فقه» می‌گویند. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۷۹/۲) مع الوصف علم فقه علمی است که از منظرهای مختلف و متعدد به بررسی این قوانین می‌پردازد و در پیرامون آن بحث می‌کند. موضوعات فقهی مثل نماز، روزه، حج، معاملات و بسیاری از موضوعاتی که در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. چراکه پیشروی فقه در موضوعات حیات بشری تا آن‌جا است که اصل شریعت به پیش می‌تازد. تا هر کجا که دین به دخالت در پهنه‌های مختلف زندگی بشر پرداخته است، فقه نیز به آنها دست می‌یازد و به اظهار نظر و امر و نهی می‌نشیند. زندگی بشر و نیازهای او را می‌توان در سه حوزه تن و جسم، روح و روان و ارتباط با خدا، با خود و با سایر موجودات خلاصه کرد. فقه به تناسب هر کدام از این سه حوزه به راهنمایی می‌پردازد و فرامین الزامی یا غیرالزامی صادر می‌کند. (تقوی، ۱۳۷۴: ۲۱۱) یکی از موضوعاتی که در فعالیت روزمره زندگی مورد توجه بوده و فقه به آن می‌پردازد، مسئله‌ی معامله و کسب می‌باشد.

«مکاسب» جمع مکسب و «مکسب» مصدر میمی به معنای «ما یطلب به المال» می‌باشد؛ یعنی آن چیزی که به‌وسیله آن، مال طلب می‌شود و مال از آن به دست می‌آید. (تبریزی، ۱۴۱۶: ۵/۱) همچنین به فرآیند عملی و انجام دادن کاری که موجب گردد که بر انسان سود مالی رسد یا موجب دفع ضرر مالی گردد را کسب می‌گویند. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۸۰/۲) البته هرچند برخی واژه «مکاسب» را این گونه معنا نموده‌اند، لیکن ظاهر آن است که کسب به معنای طلب و سعی در طلب رزق و معنای اصلی آن، جمع کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۲/۱۳) پس کسب در لغت به معنای طلب معیشت و اکتساب به معنای طلب کسب است. همچنین کسب در اصطلاح به سعی و تلاش برای تحصیل معاش و روزی را می‌گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۱۶/۱) همچنین واژه «کسب» در ادبیات قرآن به معنای آنچه را که انسان برای خود انجام می‌دهد بیان شده است؛ و این عمل انجام دهنده می‌تواند در کار خیر و یا شر باشد و همچنین این نوع کسب علاوه بر مرد برای زنان نیز استعمال شده است. (نساء: ۳۴) بنابراین فقه المکاسب تبیین‌کننده قوانینی جامع زندگی در داد و ستد بندگان است که منشأ این قانون، الهی بوده که از طرف خداوند متعال برای زندگانی بشر آشکار گردیده تا موجب تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان شود.

۲- حق آزادی انتخاب شغل

از اهداف مردم سالاری دینی در عرصه اقتصاد، آزادی داشتن در فعالیت‌های اقتصادی به گونه‌ای که در انتخاب شغل و در نوع، میزان و کیفیت کالای تولیدی حق نظر و اختیار داشته و در عرصه حاکمیت دینی، شرایط بهره‌مندی از این نوع فعالیت‌های کسب‌وکار برای آنان فراهم باشد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳: ۱۱۲)

آزادی‌های اساسی دو نظر عمده وجود دارد که یکی حقوق طبیعی و فطری و و دیگری نظریه حقوق موضوعه است که ما آنها را ناشی از حق حیات، کرامت و آزادی انسان دانستیم که خدا به انسان اعطا کرده است.

کرامت، حیات و آزادی اعطا شده از سوی خداوند منشأ حقوق و آزادیهای دیگری برای انسان شده است. اولین اصل که زیر بنای زندگی اجتماعی است اصل مساوات و برابری است که دارای سه جنبه مساوات در حقوق و تکالیف، مساوات در اصل انسانیت و مساوات در برابر قانون است. دومین اصل، امنیت است که لازمه بهره برداری شخص از آزادیهای دیگر است و منظور از آن مصونیت از هر نوع تعرض به جان، مال، مسکن، حیثیت و شرف افراد است. براساس اصل اباحه هیچ منعی برای فعالیت‌های افراد وجود ندارد، مگر آنکه قانون آن را ممنوع ساخته باشد و بنابر اصل برائت، هیچ کسی را نمی‌توان به جرمی متهم کرد مگر آنکه قانون عمل وی را جرم دانسته باشد و بر همین اساس مسکن و شغل افراد مصون از تعرض است. (بهرامی، ۱۳۸۰: ۱۰۴)

از محورهای اصلی و مهم زندگی هر فردی، انتخاب شغل است و به‌طور کلی، انتخاب شغل برای هر فرد با توجه به جنبه‌های مختلف شغل و محیط کار وی، مفهومی متفاوت دارد. همچنین مرجع‌های ارزشی مؤثر در انتخاب شغل، در فرهنگ‌های مختلف هم متفاوت است. مذهب، جهان بینی، ارزش‌های جمعی و سنت‌های اجتماعی و تاریخی، مواردی هستند که بر انتخاب شغل، تأثیر می‌گذارند. دیدگاه یک نفر نسبت به خانواده، روابط اجتماعی، هنجارپذیری یا هنجارگریزی، انتخاب سرگرمی‌های روزانه و محتوای آنها، همگی ممکن است متأثر از نوع کار و وضعیت محیطی باشد که او در آن، مشغول به کار است. بایستگی‌های لازم در انتخاب شغل می‌تواند تسلط داشتن بر ابعاد مختلف و عالمانه نگرستن به آن شغل و همچنین اطلاع داشتن از ابعاد اجتماعی، فردی، اخلاقی و فقهی آن می‌باشد.

استوارت میل از فیلسوفان غربی اذعان دارد که افراد در انتخاب کار و شغل خود می‌بایست آزادانه رفتار کنند و اگر با رفتارهای قدرت طلبانه باعث ممانعت از این آزادی شویم عدالت حاکم نخواهد شد. (کری، ۱۳۷۹: ۱۰۵)؛ همچنین افرادی مانند آدام اظهار می‌دارند: انتخاب شغل افراد بر اساس آگاهی و تامل صورت می‌گیرد؛ در حالی که به نظر فروید^۲ کار و فعالیت و انتخاب شغل به‌طور ناآگاهانه محقق می‌شود؛ به عبارت دیگر عامل اجبار و فشار و اضطراب باعث می‌شود تا افراد هرکدام کاری را انتخاب کنند. (شفیع آبادی، ۱۳۷۲: ۹۳)

در دین مبین اسلام، آزادی در انتخاب شغل و حرفه را به رسمیت شناخته و در مقابل آن یعنی تحمیل شغل را مذموم دانسته است. البته برخی از مشاغل به لحاظ آنکه با شأن و کرامت انسانی و نیز آزادی معنوی و درونی انسان در تضاد می‌باشند، از دایره مشروعیت خارج کرده است. در زمان حکومت امیرمؤمنان علی (ع) عده‌ای نزد ایشان آمده و درخواست کردند که دستور حکومتی داده و قناتی را در منطقه مورد نظر آنان بوده و انباشته از خاک شده را خالی کرده و مجدد این قنات را احیاء نمایند. حضرت فرمود: «من کسی را به کاری که دوست ندارد مجبور نمی‌کنم» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۴۵۱/۱)

یکی از مباحث مهم در فعالیت‌های تجاری آزادی انتخاب شغل است زیرا حق آزادی انتخاب شغل باعث افزایش بهره‌وری و کارآمدی انسان‌ها در فعالیت‌های تجاری می‌شود. پیامبر(ص) می‌فرماید: «همگان تلاش و کوشش کنید اما توجه داشته باشید که هرکس برای کاری که آفریده شده لایق‌تر است و آن را با سهولت و آسانی انجام می‌دهد» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳: ۴۸۲). همچنین خداوند متعال، انسان‌ها را در حد توان و ظرفیت آنان مکلف کرده است و کاری فراتر از قدرت و توانایی آدمیان درخواست ننموده است. (بقره: ۲۸۹)

۳- طبقه‌بندی مشاغل در فقه اسلامی

مقصود از طبقه‌بندی شغل در فقه اسلامی، با توجه به آنکه مجموعه‌ای از تکالیف واجبی در کسب و کار وجود دارد که عدم ملاحظه در آن تکالیف از سوی صاحبان مشاغل، می‌تواند برای آنان حرمت تکلیفی و وضعی را به دنبال داشته باشد. (مفید، ۱۴۱۳: ۵۸۷) همچنین در کنار تکلیف شرعی برای صاحبان کسب و کار، مجموعه‌ای از وظائف و رسالت‌های اخلاقی توصیه شده نیز وجود دارد که البته با رعایت نمودن آن موجب حرمت وضعی نمی‌شود و حقوق و کسب درآمد را حرام نمی‌کند؛ اما با ملاحظه در روش استحصال و رزق جویی برای متصدیان کسب و پیشه در چارچوب اسلامی لازم می‌گردد. (مفید، ۱۴۱۳: ۵۹۰) انتخاب افراد در روش کسب و کار از محورهای مهم زندگی محسوب می‌گردد که با توجه به جهات گوناگون کسب و موقعیت شغلی او مفاهیم متفاوتی را در بر می‌گیرد. بایستگی‌های گوناگونی مانند مذهب، جهان بینی، ارزش‌های جمعی و سنت‌های اجتماعی و تاریخی در ارزش‌گذاری کسب و انتخاب شغل وجود دارد اما آنچه که در انتخاب روش کسب و کار در جوامع اسلامی ضروری می‌باشد، شاخص ارزشی تأثیر گذار انتخاب شغل در مدار رضایت حق تعالی است؛ بنابراین؛ کارکرد فقه اسلامی در طبقه‌بندی مشاغل، بررسی و تشخیص رفتار مکلف می‌باشد که شامل قصد و نیت طرفین در اجرای معامله (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۲۲/۸)، چگونگی بهره جستن از

1 Adams

2 Froid

لوازم کسب و پیشه (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۱)، نحوه‌ی انتخاب الگوی درآمدزایی در مدار عقل و شرع (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۰۶/۳) و متجلی نمودن وجدانیات در اجتماع برای تبیین اخلاق حرفه‌ای در پیشه‌وری و سلوک اکتساب است. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۰۲/۴)

۴- ملاک‌های طبق بندی مشاغل

ملاک اصلی در طبقه‌بندی مشاغل و فضای کسب‌وکار مطابق با بیان شریف امام صادق (ع) در حدیث تحف العقول، به آن اموری بستگی دارد که بندگان خداوند برای عبادت کردن به آن امور ایستایی داشته و قوام زندگی بندگان بر آن امور وابسته است. پس هرگاه آن امور به هرجهتی از جهات به صلاح و باعث پایداری آنان در بندگی کردن باشد، خرید و فروش و نگهداری و بکار بردن و بخشیدن و عاریه آن نیز حلال می‌گردد، همچنین اگر به صلاح نبوده و در آن فساد برایشان باشد نیز حرام می‌گردد. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۲) همانطور که هدف از خلقت انسان، پرستیدن و بندگی خداوند است (ذاریات: ۵۶) لذا ارزش‌گذاری در مشاغل و نحوه کسب روزی نیز در پرتو همان بندگی می‌باشد.

اگرچه مشهور فقها همانند محقق حلی، اکتساب و درآمدزایی را به سه دسته‌ی احکام حرام، مکروه و مباح تقسیم بندی نموده اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۲) اما شیخ انصاری با متذکر شدن به این نوع تقسیم بندی، دو عنوان واجب و مستحب را اضافه کرده که مجموعاً پنج دسته از احکام را شامل می‌گردد.

ایشان با افزودن این دو عنوان، یادآور ارزش‌گذاری مشاغل در روایات شده چنانچه در وصف مشاغل و مکاسب واجب (عینی-کفایی) به شغل و حرفه طبابت اشاره نموده که گاهی به دلیل ناممکن بودن انجام آن توسط دیگران، از حالت واجب کفایی خارج گردیده به واجب عینی می‌رسد. همچنین اشاره‌ای به مشاغل مستحبی مانند زراعت و چوپانی می‌کند و آن را با استناد به روایات از قسم مشاغل و مکاسب مستحبی بر می‌شمارد. (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳/۱) البته قابل ذکر است که توسعه این تقسیم بندی قبل از شیخ انصاری در کتب بزرگانی مانند علامه حلی (حلی، ۱۴۱۳: ۵/۲)، ابن فهد حلی (حلی، ۱۴۰۷: ۳۳۳-۳۳۴) و شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۱۸/۳) اشاره شده است.

با اضافه شدن این دو عنوان درمی‌یابیم که زندگی اجتماعی و نیازمندی‌های آدمی در مسائل اقتصادی، امنیتی و نظامی، فرهنگی، سیاسی به ناچار شغل‌ها و تخصص‌های متفاوتی می‌طلبد و یک انسان از عهده برآوردن تمام نیازهای خود برنمی‌آید؛ و این مهم نیز مطابقت با حدیث تحف العقول دارد.

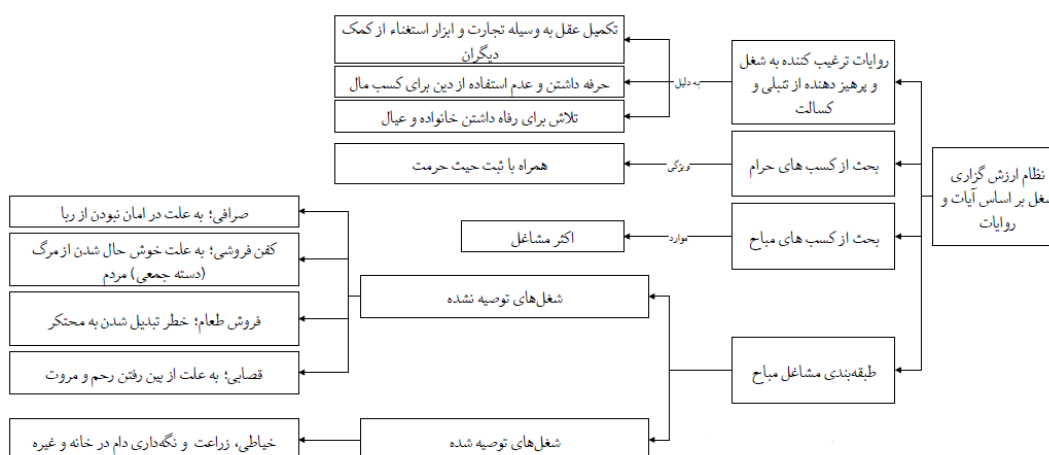
معیارهای حاکم بر طبقه‌بندی مشاغل در فقه امامیه با بررسی روایات، می‌توان چهاردسته را متصور شد تا بدین طریق؛ نظام صحیح ارزش‌گذاری مشاغل و روش اکتساب را در نگاه اسلام بدست آورد. این چهار دسته به شرح ذیل است:

اولین دسته روایات؛ روایات ترغیب‌کننده به فعالیت اقتصادی (پذیرش شغل).

دومین دسته روایات؛ مکاسب محرمه

سومین دسته روایات؛ روایات باب شغل‌های مباح

چهارمین دسته روایات؛ بیان‌کننده فضیلت مشاغل (کشوری: ۱۳۹۸).



شکل ۱- نظام ارزش‌گذاری مشاغل بر اساس آیات و روایات (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

۵-۱- روایات ترغیب‌کننده به فعالیت اقتصادی (پذیرش شغل)

نخستین دسته از روایات در خصوص تشویق عموم انسان‌ها به پذیرش شغل و انجام فعالیت های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به روایات مأثوره از سوی معصومین (علیهم السلام) آشکار می گردد که پذیرش شغل؛ آموزش و بهره گیری از یک حرفه، مورد توصیه این بزرگواران بوده و از طرفی نیز جامعه مسلمین را به پرهیز از کسالت و تن پروری دعوت نموده اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۵/۵) بنابر این دسته از روایات؛ نظامی از ارزش‌ها برای پذیرفتن شغل مطرح گردیده که با وجود آن می‌تواند پایه طبقه‌بندی مشاغل مورد نظر قرار بگیرد. (همان، ۶). بهبود بخشیدن به وضع زندگی و تدارک برخی از برنامه‌های اقتصادی در جامعه نه تنها نقص و عیبی برای یک انسان مسلمان به حساب نمی‌آید، بلکه ناشی از قوت ایمان و اراده استوار او در راه رسیدن به اهداف والای معنوی است. (پاک نیا، ۱۳۹۰: ۴۹) در همین راستا امام صادق (ع) بیان می‌دارد: «کوچیدن برای یک مسلمان عاقل شایسته نیست مگر در سه مورد: بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی (سفرهای تجاری). کسب توشه آخرت (سفرهای زیارتی)، رسیدن به لذت‌های حلال (سفرهای تفریحی)» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۳/۱۷). البته در سلسله سند این روایت یک فرد مجهول به نام محمد بن مروان، باعث تضعیف روایت گردیده است اما با توجه به روایات دیگر بعنوان یک مؤید می‌توان بر صحت این روایت اذعان داشت. (شعیری، بی‌تا: ۱۸۱-۱۸۲) لذا در کنار جایگاه ارزشمند برای تاجر و کاسب از نظرگاه اسلام، چنانچه فردی یک نوع کسب و محل درآمد زایی را برای خویش بر می‌گزیند اگر بر مدار شرع و عقل و در پرتو رسیدن به اهداف والای انسانی و معنوی باشد؛ آن عنوان کسب نیز گرانمایه خواهد بود.

در بسیاری از روایات ارزش بالایی برای کار در نظر گرفته شده است و آن را از واجبات در نظر گرفته‌اند. در روایت گرانمایی از پیامبر اکرم (ص) نقل گردیده است: طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ کار کردن برای کسب روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است (شعیری، بی‌تا: ۱۳۹). همچنین در احادیث مشابه به این مضمون نیز مطرح شده است که پس از نماز واجب، کار کردن و اکتساب از واجبات خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۱۰۰) و چنانچه از پیامبر اکرم پرسیده شد که کدام کسب انسان پاکیزه‌تر است؟ فرمود: کار کردن مرد با دست خود. (نوری، ۱۴۰۸: ۲۴/۱۳)

همچنین در توصیه اکید امیرمؤمنان علی (ع) نسبت به کسب‌وکار در ناداری و دارایی اشاره گردیده و بیان می‌کند «وَأُصِیْکُمْ ...وَالْاِکْتِسَابُ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۹۰)

از دیدگاه پیشوایان دینی؛ تلاش برای امر تجارت و اکتساب را به افراد، عزت بخش معرفی کرده اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۵) و همواره سفارش بر فعالیت تجاری و اکتساب داشته‌اند. چنانچه در کتاب وسائل الشیعه حرّ عاملی، بخشی بعنوان (باب کراهت در ترک تجارت) که بیش از ۱۴ روایت در این زمینه بیان شده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳/۱۷)؛ که نمونه آن بدین ترتیب است: از اصحاب امام صادق (ع) به نزد امام رفت و ایشان از ز وضعیت معاذ پرسید. به حضرت پاسخ داده شد که تجارت را ترک کرده است. حضرت فرمود کار شیطان است، کسی که تجارت را ترک کند دو سوم عقلش رفته است. آیا ندانسته است که قافله‌ای از شام وارد شد و پیامبر از آنها جنس خرید و تجارت کرد و در آن سود نمود. پس بدهکاریش را پرداخت کرد. (همان، ۱۷).

همچنین در روایات دیگر برای فعالیت کسب و تجارت، نقش عبادی و ابزاری برای ارتقای معنوی انسان‌ها بر شمرده چنانچه پیامبر گرامی اسلام (ص) در رابطه با اهمیت فعالیت اقتصادی به‌عنوان آموزش دهنده گناهان یاد کردند و ارزش و مقام کار را بالاتر از نماز و صدقه قرار داده‌اند و ایشان می‌فرمایند:

إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذَنْبًا لَا يُكْفَرُهَا صَلَاةٌ وَ لَصَدَقَةٌ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يُكْفَرُهَا قَالَ الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ؛ بعضی از گناهان به‌وسیله نماز و صدقه هم آمرزیده نمی‌شوند. سؤال شد یا رسول الله! پس چه چیز موجب آمرزش آن است؟ فرمود: جدیت و تلاش در طلب معیشت (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۷: ۵۶) در همین راستا است که حضرت طلب روزی را قسمت اعظم عبادت برمی‌شمارند؛ «الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُهُ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ؛ عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است» (شعیری، بی‌تا: ۱۳۹). در برخی از روایات از فعالیت اقتصادی به‌عنوان جهاد یاد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «الكاد على عياله كالمجاهد في سبيل الله؛ آن که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش کند، همانند رزمنده در راه خدا است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۸/۵) اما این دسته از روایات نیز خود در چند دسته جزئی‌تر تقسیم می‌شوند؛ که صورت ذیل هستند:

- تکمیل عقل به وسیله تجارت و ابزار استغنا از کمک دیگران
- حرفه داشتن و عدم استفاده از دین برای کسب مال
- تلاش برای رفا داشتن خانواده و عیال (کشوری، ۱۳۹۸).

برخی از مردم که از فهم معنی گسترده عبودیت کاستی داشتند، کسب‌وکار را مظهر دنیاپرستی دانسته و تنها نماز و دعا و مانند آن را مظهر عبودیت می‌پنداشتند. از همین رو نیز ترک کار کرده و به عبادت مشغول شدند. در حالی که روح عبادت گوش به فرمان بودن است، آن فرمان هر چه خواهد باشد. به همین جهت معصومین علیهم السلام با بیانات مناسب این اندیشه جاهلانه را ارشاد و این کج‌روی را اصلاح کرده‌اند و سخنانی در نکوهش ترک طلب روزی و اشتغال بیان فرموده‌اند. شیخ اعظم انصاری با آن

اوقات و مشغله های علمی، هنگامی که کتاب مکاسب را نگارش نمود؛ پی بر اهمیت کسب و کار در اسلام برده و از این جهت یک حجره ای برای خویش در اوایل محیط حوزه علمیه محل تدریس فراهم نمود تا بتواند هر روز مقداری تجارت و کسب کند و سپس تدریس و تعلیم نماید. (نوری همدانی، ۱۳۹۳)

۵-۲- مکاسب محرمة

دین اسلام که همه بخش های زندگی انسان ها را مورد توجه قرار داده است، نظام اقتصادی منظمی را ارائه داده است تا مسلمین بتوانند از طریق آن بهره جسته و با ارزش اقتصادی علاوه بر تأمین نیازهای خود بتوانند موجبات عزت خود را فراهم سازند. انسان ها در انتخاب شغل، دارای اختیار هستند و می توانند هر حرفه ای را که به آن علاقه دارند و شرایط آن نیز فراهم است دنبال کنند. اما از انجام بعضی کارها که با تکامل معنوی و روحی شان سازگاری ندارد و در واقع به ضررشان تمام می شود منع شده اند. در طبیعت کارهایی وجود دارند که انجامشان از سوی خداوند متعال و شرع مقدس ممنوع اعلام شده و به عنوان کارهای حرام مطرح شده اند این گونه کار ها به گونه ای هستند که علاوه بر ضرر و زیان اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی، موجب سقوط معنوی و دوری از ارزش های الهی و انسانی می شوند.

کسب حرام با ابزاری همانند شغل و درآمدزایی نادرست پدید می آید و با توسل بر روش باطل در درآمد زایی می تواند به سبب آن، تاثیر شگرف منفی در زندگی بشر داشته باشد، لذا یکی از مباحث حائز اهمیت در فقه اسلامی، موضوع درآمدزایی صحیح و کسب حلال در زندگی است. احکام بسیاری در منابع اسلامی برای تبیین این مهم وجود دارد؛ چرا که انسان باید در این حوزه بیشترین توجه و دقت را داشته باشد تا زندگی پاک و سالمی در دنیا داشته و مسیر کمالی خود را به خوبی پیماید.

کسب مال حرام، انباشتن، خوردن و ساختن از حرام، پیامدهای ناگوار و خطرناکی در جنبه های مختلف زندگی انسان در پی خواهد داشت که شماری از بازتاب آن شامل برهم خوردن نظم اجتماعی، سپری کردن عمر بیهوده، هدررفت ثروت و سرمایه، تشکیل و امتداد نسل فاسد، به اجابت نرسیدن دعا و بطلان عبادات و در نهایت فراگیر شدن ظلم و گرفتاری انسان در آخرت. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۹: ۴۱)

خدای متعال در قرآن کریم همه بندگان را به کسب روزی حلال دعوت نموده و می فرماید وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (مائده: ۸۸) و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید و از [مخالفت] خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.

در این آیه به صراحت بیان کرده است که مسلمان باید از شغل های که باعث حرام خوری هستند باید دوری کنند و به شغل های روی آورند که دارای روزی حلال هستند. اسلام فعالیت های اقتصادی را مد نظر قرار داده است که هم دارای عدالت اسلامی باشند و هم به توسعه جامعه کمک کنند.

در جای دیگر می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره: ۱۶۸) ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام های شیطان پیروی نکنید چه اینکه او دشمن آشکار شماست. «کُلُوا» در این آیات کنایه از انواع تصرفات است که شامل تغذیه نیز می گردد؛ بنابراین بر شخص مسلمان واجب است که در حد ضرورت و به قدر توان، کار کند و مخارج خود و خانواده اش را تأمین سازد. شغل انسان باید مباح باشد و نیز مالی را که صرف هزینه های زندگی خود می کند، بایستی حلال باشد. اولیای گرامی اسلام همواره پیروان خود را از پستی و ذلت درخواست و طلب از دیگران باز می داشتند و می کوشیدند تا آنان را به عزت و بزرگواری عادت دهند؛ از آنان می خواستند که حتی در سخت ترین شرایط از کار شرافتمندانه برای امرار معاش خود دست برندارند و با سعی و کوشش، خود را از دیگران بی نیاز سازند. از این رو در اسلام معامله و کسب و کارهایی مانند خرید و فروش نجاسات، مال غصبی و چیزهایی که منافع معمولی آن حرام است، مانند فیلم ها و نوارهایی که استفاده آن ها جایز نباشد و... حرام و باطل معرفی شده اند (رکنی، ۱۳۹۷). پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ الَّذِي لَا يَصْطَلَا مِنْ السُّخْتِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹۴/۱۷) پول حاصل از فروش شراب، مهریه زن فاجر، بهای سگ که منافع حلال ندارد حرام است. بعضی از مشاغل هم هستند که انسان را در معرض گناه قرار می دهند مانند مواردی که شخص را ناگزیر از ارتباط بیش از اندازه با نامحرم می کند که این معیار مهم حتماً باید از جانب زن و مرد در انتخاب شغل مورد توجه قرار گیرد. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «هر کس که از چیزهای شبهه ناک دوری گزیند دین و آبروی خود را از ارتکاب به محرمات برکنار داشته و هر که در چیزهای شبهه ناک افتد در حرام خواهد افتاد مانند چوپانی که اطراف قرق (چراگاه) گوسفند چراند. بیم می رود که در قرق افتد.» (پاینده، ۱۳۳۴، ۱۴۱۴)

در بخش گذشته اشاره گردید که بر اساس روایت تحف العقول از بیان شریف امام صادق (ع) که ایشان اموری را حلال شمرده اند که قوام بندگی در آن موارد ایستایی دارد. همچنین در کتاب دعائم الاسلام نیز حضرت فرمودند: تجارت و کسب شامل همه معاملات و صور حلال داد و ستد می شود که فروشنده بداند چه چیزی جایز است بخرد و چه چیز جایز نیست. بطور کلی خرید و فروش چیزهایی جایز است که خوراک مردم است و قوام امورشان به صورتی سالم وابسته به آنها است، ... اما کسب های حرام

عبارت است از خرید و فروش هر چیزی که در آن فساد باشد، یا چیزی باشد مشتمل بر فساد نظیر داد و ستد ربایی یا فروختن مردار و یا گوشت خوک یا شراب، یا فروش آنچه که در زمره لِهو محسوب بگردد. (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۸/۲)

به طور کلی چند شاخص و اصل مهم برای تشخیص کسب و کار حلال نمایان می گردد. نخست آن؛ اصل احتیاج عمومی (آلتی یحتاج إليها العباد)، اصل سودمندی عمومی (آلتی منها منافعهم)، اصل قوام بودن اجتماعی (وبها قوامهم) و همچنین بر مبنای (و فیها بلغة جميع حوائجهم) می توان به اصل پاسخگویی به نیازمندی های عمومی توده ها اشاره کرد. (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۸۱/۶)

بنابراین، کسب حرام می تواند بر زندگی بشر اثر وضعی گذاشته و علاوه بر حرمت تکلیفی بر عناوین برخی از مشاغل، حرمت وضعی را نیز برای آنان ایجاد نماید.

۵-۳- روایات باب شغل های مباح

بسیاری از مشاغل در اسلام مباح می باشد و بنابر اصل اباحه می توان برای کسب و درآمد زایی از ابزار آن شغل بهره مند گشت. مباح بودن یعنی عملی است که انجام و ترک آن بر مکلف مساوی است؛ نه عذابی دارد و نه پاداشی؛ مانند راه رفتن. هر آنچه در موارد چهارگانه واجب حرام مستحب مکروه نباشد در قلمرو مباحات تلقی می گردد (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۲۲).

با تتبع در روایات در می یابیم که دو دیدگاه برای مشاغل مباح در نظر گرفته شده است و در اسلام به دو گونه فعالیت اقتصادی مباح اذعان شده است. نخستین آن در رابطه با مشاغل مباحی که بسیار توصیه گردیده و نوع دیگر آن، مشاغلی است که از آن نهی شده است.



شکل ۲- طبقه بندی مشاغل مباح (ماخذ: کشوری، ۱۳۹۸)

نهی این نوع مشاغل از نوع تکلیفی نیست بلکه به جهت آثار فردی و تأثیرگذاری منفی بر بعضی از افرادی می باشد که ظرفیت لازم برای اشتغال در آن کسب را ندارند. چنانچه امام صادق (ع) در حدیثی در جواب یکی از شیعه ها به او پیشنهاد می کند که فرزندش را در چند شغل نگمارد. امام صادق (ع) به آن شیعه بیان می کند که فرزند خود را در صرافه نگمارد چرا که باعث ربا می شود و فرمودند اند "فَإِنَّ الصِّيرْفَى لَا يَسْلَمُ مِنَ الرِّبَا"، اگر او را به زرگری بفرستی، سر از ربا در می آورد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰/۵).

چون که زرگری از شغل ها و معاملاتی است که به سرعت ربا در آن پیدا می شود. مثلاً در تبدیل طلا به طلا، اگر یک گرم اضافه تر شود، این مشمول ربا می گردد. اگر ظرفیت برای آن فرد ایجاد نکرد می تواند او را به صورت ناگهانی و یا تدریجی به گناه آلوده سازد و به مهلکه حرام خواری بکشانند؛ بنابراین می تواند چنین مشاغلی مخاطره آمیز باشد. اگرچه اصل شغل حرام نیست ولی چون ممکن است بدون ایجاد ظرفیت مقدمه گناه را فراهم سازد و گناه هم روح انسان ها را ویران می سازد، لذا شغل مکروهی است و از آن نهی شده است (تهرانی، ۱۳۸۹).

"و لَا تُسْلِمُهُ بَيْعَ الْأَكْفَانِ فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسْرُهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ"، حضرت در ادامه فرمودند: فرزندت را به کفن فروشی هم نفرست. بعد در ادامه حدیث دارد: "و لَا تُسْلِمُهُ جَزَّاراً"، جزار یعنی سلاخ؛ حضرت فرمودند: فرزندت را به کار سلاخی نگمار! در روایت دیگری که آن هم از امام صادق (علیه السلام) است آمده است که امام صادق از پیغمبر اکرم نقل می کند: "عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام) قال: إن رسول الله (ص) قال: " پیغمبر فرمودند که من به خاله ام غلامی را هدیه دادم و گفتم: "إِنِّي أُعْطِيتُ خَالَتِي غُلَامًا وَ نَهَيْتُهَا أَنْ تَجْعَلَهُ قَصَبًا"، این غلام را برای کار قصابی نگذار! "أَوْ حِجَّامًا أَوْ صَائِنًا" "صائع" همان زرگر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰/۵).

در روایاتی دیگر دیده می شود که پیامبر و امامان پیروان خود را به انجام این دسته از شغل ها تشویق کردند همانند کشاورزی. هارون واسطی که از اصحاب امام صادق (علیه السلام) است، می گوید: "سَأَلْتُ جَعْفَر بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام عَنْ الْفَلَّاحِينَ" از امام صادق (علیه السلام) درباره فلاحان سؤال کردم؛ "فَقَالَ هُمْ الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِذْ بَسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ كَانَ خِيَّاطًا لِلْفَلَّاحِينَ" حضرت فرمودند: آن ها کشاورز بودند و هیچ

کاری نزد خداوند از کشاورزی بهتر نیست. هیچ پیغمبری نبود مگر آن که زراعت می کرد جز اِدریس که خیاط بود. من این روایت را برای مقابله با روایت قبلی آورد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۸۴/۶).

نتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق می توان نتیجه گرفت که اسلام به عنوان آیینی کامل و جامع، برای همه جوانب مادی و معنوی زندگی، دستور و توصیه های دقیق ارائه داده که با عمل نمودن به آن می توان به اقتصادی پویا و در مدار عقل دست یافت. فعالیت های تجاری به اندازه ای در اسلام حائز اهمیت هستند که در بسیاری از روایات آن را همانند جهاد دانسته اند چرا که باعث می شود که مسلمان از عزت نفس بالایی برخوردار باشد و اجازه ندهد که کفار و بیگانگان بر آن حکم برانند. آزادی در انتخاب شغل همراه با قیودی است که از دیدگاه اسلام برای حفظ نظام اقتصادی مورد نظر قرار گرفته است. در وهله نخست، اسلام همگان را برای پذیرش شغل و فعالیت های تجاری و کسب دعوت نموده و سپس برای بهبود رفاه در جامعه و حاکمیت عقلانی در فضای کسب و کار در راستای رسیدن به ارزش های معنوی و مادی، مشاغل را طبقه بندی می نماید. اگر برگزیدن شغل در امتداد تباهی و ایجاد یا استمرار فساد باشد، آن شغل از دیدگاه فقه اسلامی مطرود بوده و توصیه به عدم پذیرش چنین مشاغلی دارد. از ملاک های اصلی طبقه بندی مشاغل نخست، تلاش برای کسب روزی حلال و سپس توجه به عدم اختلال در نظام اقتصادی و حفظ نظم اجتماعی برای توسعه امت اسلامی می باشد. چنانچه عقل و شرع در طبقه ای از مشاغل حاکم شود، نوعی عبادت محسوب گشته و می تواند سبب قوام جامعه اسلامی گردد. پس توجه به طبقه بندی مشاغل و همچنین باید ها و نبایدهای نظام درآمد زایی در فقه المکاسب معطوف به رفع نیازهای ضروری بشر نبوده بلکه درصدد ایجاد عدالت اجتماعی و امنیت اقتصادی نیز می باشد؛ بنابراین شاخص ارزشی تأثیر گذار انتخاب شغل در مدار رضایت حق تعالی جای دارد و لذا کارکرد فقه اسلامی در طبقه بندی مشاغل، بررسی و تشخیص رفتار مکلف می باشد. از بایستگی های لازم در انتخاب شغل می تواند تسلط داشتن بر ابعاد مختلف و عالمانه نگریستن به آن شغل و همچنین اطلاع داشتن از ابعاد اجتماعی، فردی، اخلاقی و فقهی آن می باشد.

منابع

- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، نشر دارالصادر، چاپ سوم
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم، نشر جامعه مدرسین، چاپ دوم
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، قم، نشر مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ دوم
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶)، مکاتیب الاثمه علیهم السلام، قم، نشر دارالحدیث، چاپ اول
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، قم، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول
- ایروانی، جواد (۱۳۹۰)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم
- بستانی، فواد افراهم (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، تهران، نشر اسلامی، چاپ دوم
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول
- بروس ای. شرتزر، (۱۳۶۹)، بررسی و برنامه ریزی زندگی شغلی، ترجمه زندی پور، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول
- بهرامی، قدرت الله (۱۳۸۰)، نظام سیاسی اجتماعی اسلام، قم، نشر دفتر نمایندگی ولی فقیه سپاه پاسداران، چاپ اول
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴)، نهج الفصاحه، ترجمه مرتضی فرید تنکابی، نشر فرهنگ اسلامی
- پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۹۰)، لقمه پاک و تأثیر آن در زندگی، قم، نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۶)، إرشاد الطالب إلی التعلیق علی المکاسب، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم
- تقوی، سید مرتضی (۱۳۷۴)، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم، مجله فقه اهل بیت، سال اول، ش ۲.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۸)، جامعه شناسی کار و شغل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۹)، معیار انتخاب شغل از دیدگاه ائمه (ع) دلیل کراهت داشتن برخی شغلها از نگاه ائمه (ع)، <https://hawzah.net/fa/News/View/87183>
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
- حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، چاپ اول
- حکیمی، محمدرضا؛ محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۰)، الحیاء، مترجم: علی آرام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول

- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۹)، کار و تلاش، رمز موفقیت: مجموعه متنهای برنامه ای درباره همت و تلاش، تهران، نشر مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، چاپ اول
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۹۳)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ هشتم
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول
- رکنی، محمد تقی (۱۳۹۷)، کسب و کار، درآمد حلال و حرام، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، <https://hawzah.net/fa/Article/View/96591>
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دائره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول
- شهابی، محمود (۱۳۷۵)، ادوار فقه، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم
- شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵)، رسائل الشریف المرتضی، قم، نشر دار القرآن الکریم، چاپ اول
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، مطبعه حیدریه، چاپ اول، بی تا.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۲)، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه ای، تهران، انتشارات رشد، چاپ اول
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، نشر دارالکتب العربی، چاپ دوم
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، نشر المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، نشر مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول
- عبدالناصر، جمال (۱۴۱۰)، موسوعة الفقه الاسلامی، قاهره، نشر وزارة الأوقاف والشؤون الاسلامیة
- علوی زادگان، نسترن (۱۳۹۷)، نگاهی به جایگاه و اهمیت کار در اسلام، انتشارات پژوهش: بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی
- فلاحزاده، محمد حسین (۱۳۸۴)، آموزش فقه، قم، انتشارات الهادی، چاپ بیست و چهارم
- قحف، منذر (۱۳۸۴)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، مترجم: سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی سال پنجم ۱۳۸۴ شماره ۱۸.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب العلمیة، چاپ ششم
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷)، الدعوات / سلوة الحزین، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)، چاپ اول
- کری، جان (۱۳۷۹)، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر طرح نو، چاپ اول
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، کتاب اصول کافی، مترجم: حسین استادولی، تهران: انتشارات دارالثقلین، ۱۳۹۰
- کشوری، علی (۱۳۹۸)، دوره مقدماتی فقه المکاسب، جلسه دوم، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی- <http://nro-di.blog.ir/1398/07/01>
- گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۷، چاپ چهارم، ص ۵۱۷.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم
- معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی، ۵ جلد، تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد بغدادی (۱۴۱۳)، المقنعة، قم، نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۹)، مصطلحات الفقه و معظم عناوین الموضوعیة، قم، نشر الهادی، چاپ اول
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت- قاهره، نشر دارالکتب العلمیة، چاپ سوم
- میک، رونالد (۱۳۸۵)، پژوهشی در نظریه ارزش کار، ترجمه م. سوداگر، تهران، انتشارات پازند.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول
- نوری همدانی، حسین (۱۳۹۳)، آرشیو دروس خارج فقه (کتاب البیخ)، سایت مدرسه فقاقت، <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/noori/feqh/93/931028/>
- هوشمند، محمود؛ عصفوری، مهدی و ملکی، مریم (۱۳۸۷)، ابزارهای اقتصادی تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی از منظر اسلام (با تکیه بر اندیشه امیر المومنین (ع))، محل انتشار: همایش اقتصاد اسلامی و توسعه
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۷)، نظام اقتصادی علوی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم

The analysis and investigation of job classification criteria based on *fiqh-al-makasib*

Rohollah Ahangaran¹, Meysam Javid²

Abstract

The economy and financial affairs have always been considered as a fundamental element in humans' life even when they have not turned to social life, but today, the economy and the way of doing business have taken a stunning leap forward and been manifested in societies in a special way as the social life has become more complicated and the societies have exited the initial stages and the humans' broad relationships have been established. Due to the governing society-individual interactions, the economic activities in human societies have continuously received lots of attention throughout the ages. Considering the importance of economic activities in the society, the Islam religion has created a value system so that Muslims can *attain worldly* and supreme *felicity*. The purpose of this research was to analyze and investigate the job classification criteria based on *fiqh-al-makasib* to show an overview of the importance of economic activity and valuation index in business and to investigate the permissible and forbidden jobs. This research was conducted using descriptive-analytical method and library documents and *indexing* forms. Results of this research showed that the economic activities and income earning are of considerable importance in Islam religion. Therefore, in order to protect the society and prevent the disorder in the economic system, it has classified jobs to not only pay special attention to and emphasize the business activity for production and subsistence, but also to direct the society to choose the right and rational jobs.

Keywords: Income, Jobs classification, Fiqh-al-makasib, Business, Jurisprudential evaluation of jobs, Economic system, Making money through illegal ways, Permissible job

1 PhD student of jurisprudence (fiqh) and principles of law major, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: r.ahangaran@chmail.ir

2 PhD student of jurisprudence (fiqh) and principles of law major, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: meys99@yahoo.com

بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌ها

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۰

کد مقاله: ۲۱۳۳۴

سعیدبرزگر^{۱*}، زینت خاتمی^۲

چکیده

مالکیت مدیریتی و برخورداری بیشتر اطلاعات توسط مدیریت شرکت و تمایل مدیران به افشای نامتقارن اخبار، منجر به ایجاد ریسک آتی سقوط قیمت سهام می‌شود. پدیده سقوط قیمت سهام، کاهش شدید بازده را به دنبال دارد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌ها است. بدین منظور داده‌های ۱۱۵ شرکت تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتیجه برآورد مدل‌های پژوهش با استفاده از داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد که بین متغیر مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می‌یابد. به علاوه هزینه نمایندگی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار است. بدین معنی که تأثیر مالکیت مدیریتی بر افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند، بیشتر است.

واژگان کلیدی: مالکیت مدیریتی، هزینه‌های نمایندگی، ریسک سقوط قیمت سهام

۱- دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Saeedbarzegar@gmail.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری، واحد قزوین، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

۱- مقدمه

به دنبال تخصصی شدن فعالیت شرکت‌ها و در نتیجه تفکیک مدیریت از مالکیت، مدیران به‌عنوان نماینده سهامداران شرکت را اداره می‌کنند. از آنجاکه تابع مطلوبیت طرفین درگیر در رابطه نمایندگی متفاوت است، بین آن‌ها تضاد منافع به وجود می‌آید. طبق متون تئوری نمایندگی، در صورت عدم وجود قراردادهای بهینه، مدیران می‌توانند از مزایای اطلاعاتی خود استفاده نموده و درگیر انجام رفتار فرصت‌طلبانه برای کسب منافع خود به هزینه سهامداران بلندمدت شوند (ودیدی و رستمی، ۱۳۹۳). اطلاعات موجود در بازار سرمایه بر چگونگی تفسیر سرمایه‌گذاران و واکنش آن‌ها نسبت به اطلاعات مالی افشا شده توسط شرکت‌ها اثر می‌گذارد و بنابراین بر میزان توانایی مدیریت در تأثیرگذاری بر بازار از طریق گزارشگری مالی دستکاری شده نیز مؤثر است. لذا عدم تقارن در اطلاعات مالی فی‌مابین استفاده‌کنندگان درون و برون‌سازمانی ایجاد شده از سوی مدیران از طریق دست‌کاری سود و گزارش‌های مالی، سبب ایجاد بازده غیرعادی مثبت یا منفی خواهد شد (نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین مدیران همواره انگیزه دارند تا اطلاعات و اخبار منفی را از سرمایه‌گذاران پنهان کرده و آن را در شرکت انباشت کنند. با افزایش منابع در اختیار مدیریت، تعداد افراد ذینفع شرکت افزایش می‌یابد و موجب بروز تضاد منافع می‌شود. مدیران که در کانون این تضاد منافع قرار دارند، با ارائه اطلاعات مالی سعی می‌کنند این تضاد منافع را کاهش دهند. آنان انگیزه دارند که وضعیت شرکت را مطلوب جلوه داده و اغلب به علت اختیارات مدیریت در ارائه گزارش‌ها، فرصت اعمال این رویه را نیز به دست می‌آورند. تمایل مدیران به افشای نامتقارن اخبار، منجر به ایجاد ریسک آتی سقوط قیمت سهام می‌شود (کردستانی و خاتمی، ۱۳۹۵). بر این اساس هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار تهران می‌باشد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

موضوع تغییرات ناگهانی قیمت سهام، به دو صورت سقوط و جهش قیمت سهام رخ می‌دهد. با توجه به اهمیتی که سرمایه‌گذاران برای بازده سهام خود قائل هستند، پدیده سقوط قیمت سهام که منجر به کاهش شدید بازده می‌شود، در مقایسه با جهش، بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. سقوط قیمت سهام، یک تغییر منفی بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه مهم اقتصادی رخ می‌دهد. سقوط قیمت، یک پدیده فراگیر در سطح بازار است. بدین معنی که کاهش قیمت تنها به یک سهام خاص محدود نمی‌شود بلکه تمام سهام موجود در بازار را شامل می‌شود (کردستانی و خاتمی، ۱۳۹۵). در رابطه با ویژگی نخست، هانگ و استین^۱ (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که بسیاری از تغییرات بزرگی که بعد از جنگ جهانی در شاخص (S & P500) رخ داده است و به ویژه سقوط بازار در اکتبر ۱۹۸۷، به دلیل افشای اخبار مربوط به یک رویداد مهم و قابل توجه نبوده است. ویژگی دوم تعریف فوق، ناشی از یک عدم تقارن تجربی و قابل توجه در تغییرات بازده بازار است. بدین معنی که تغییرات بزرگ در قیمت یا به عبارتی بازده بازار بیشتر به صورت کاهش و کمتر به صورت افزایش بوده است. این عدم تقارن را می‌توان از طریق مشاهده مستقیم داده‌های تاریخی مربوط به بازده بازار، به وضوح ملاحظه کرد. به طور کلی بخش وسیعی از ادبیات مربوط به بازار سهام، بیانگر آن است که بازده سهام در طول زمان نشان‌دهنده چولگی منفی یا نوسان نامتقارن است (چن و همکاران^۲، ۲۰۰۱). سومین ویژگی تعریف سقوط قیمت سهام، این است که سقوط، پدیده‌ای است که تمام بازار را در بر می‌گیرد. بدین معنی که این پدیده به تمام انواع سهام موجود در بازار سرایت می‌کند. هانگ و استین (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که این موضوع به این دلیل است که در زمان وقوع پدیده سقوط، همبستگی بین انواع سهام موجود در بازار افزایش می‌یابد. آن‌ها اثبات کردند که بررسی روند داده‌های تاریخی مربوط به قیمت بازار اوراق اختیار خرید سهام نشان می‌دهد که در مواردی که شاخص قیمت اختیار خرید سهام با کاهش مواجه بوده است، همبستگی بین انواع مختلف اوراق اختیار خرید افزایش یافته است. میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند انباشت و مخفی کنند، در شرکت‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران برای انباشت و عدم افشای اخبار منفی، به هزینه‌ها و منافع آن بستگی دارد. در شرایطی که هیچگونه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران وجود ندارد، مدیران انگیزه‌ای برای افشای نامتقارن اطلاعات ندارند؛ زیرا در چنین شرایطی هزینه‌های نگهداری و عدم افشای اخبار منفی بیش از منافع آن خواهد بود؛ اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بالا است، هزینه‌های عدم افشای اخبار منفی و انباشت آن‌ها در داخل شرکت، کمتر از منافع آن خواهد بود و بنابراین مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده و آن‌ها را افشا نکنند (کوثراری و همکاران^۳، ۲۰۰۹).

یکی از پدیده‌های منفی که به طور معمول در بازارهای اوراق بهادار رخ می‌دهد، نبود اطلاعات متقارن است. اکثر سرمایه‌گذاران و کارگزاران آنچه که در بازار در حال وقوع است را با بررسی شاخص‌های بازار تفسیر می‌کنند. بر اساس تئوری عدم تقارن

1. Hong and Stein
2. Chen and et al
3. Kothari and et al

اطلاعاتی، مدیران شرکت‌ها، مزیت اطلاعاتی نهانی از درون شرکت دارند. مدیران به‌عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به‌طور بالقوه سعی دارند که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند. همچنین ممکن است دارایی‌ها و سرمایه واحد تجاری بهتر از وضعیت واقعی به نظر رسد و انگیزه سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی در واحد تجاری افزایش یابد. در این صورت شکاف اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی به وجود آید که در اصطلاح عدم تقارن اطلاعاتی نامیده می‌شود (پتاچی^۱، ۲۰۱۵). عدم تقارن اطلاعات، باعث ایجاد تفاوت بین ارزش ذاتی یک سهام و ارزش برآورد شده آن سهام به وسیله سرمایه‌گذاران می‌شود و از این مجرا به اتخاذ تصمیم‌های نامناسب اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران منجر می‌شود (کیم و ژانگ^۲، ۲۰۱۰).

رابطه نمایندگی قراردادی است که براساس آن صاحب کار یا مالک یا، نمایند عامل را از جانب خود منصوب نموده و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کند. اگرچه این فرض وجود دارد که هر دو طرف در رابطه نمایندگی به دنبال حداکثر کردن منافع خود هستند، اما بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران به عنوان نمایندگان سهامداران، ممکن است به گونه‌ای عمل نمایند یا تصمیم‌هایی را اتخاذ نمایند که الزاماً موجب به حداکثر رساندن ثروت سهامداران نگردد مطابق این تئوری باید ساز و کار کنترلی یا نظارتی کافی برای محافظت سهامداران از تضاد منافع ایجاد شود. چنانچه مدیریت برخلاف هدف اصلی شرکت، یعنی حداکثر کردن ثروت سهامداران، تصمیم‌گیری و عمل کند، سهامداران متحمل هزینه‌های نمایندگی همچون هزینه‌های نظارت مدیر توسط مالک، هزینه‌های التزام و زیان باقیمانده. خواهند شد. تئوری نمایندگی، هزینه‌های نمایندگی را به عنوان هزینه‌های مرتبط با اهداف متفاوت بین نمایندگان (مدیران) و مالکان (سهامداران)، تعریف می‌کند. هزینه‌های نمایندگی، به‌طور ذاتی زمانی ایجاد می‌شوند که مدیران، منابع سازمانی را به جای حداکثر کردن ثروت سهامداران، در جهت منافع خود به کار می‌گیرند. درواقع، این هزینه ناشی از تضاد منافع بین مدیران و سهامداران شرکت‌ها است. عدم تقارن اطلاعاتی، بدان معنی که مدیران در مقایسه با سهامداران اطلاعات بهتر یا بیشتری در اختیار دارند، علت اصلی این تضاد منافع است (خواجه‌وی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ بنابراین انتظار می‌رود مالکیت مدیریتی یعنی برخورداری بیشتر از اطلاعات توسط مدیریت شرکت و عدم افشای به موقع اخبار بد منجر به ریسک سقوط قیمت سهام شود. همچنین می‌توان بیان کرد که عدم تقارن اطلاعاتی، بین مدیران و سرمایه‌گذاران موضوعی بنیادی برای سرمایه‌گذاران و ناظران بازار محسوب می‌شود. عدم تقارن اطلاعاتی به طور مستقیم بر عملکرد بازارهای اوراق بهادار تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که افزایش آن باعث کاهش کارایی بازار و ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود (آجینکیا و همکاران، ۲۰۰۵).

عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران، تابع مجموعه‌ای از عواملی به شرح زیر است:

انحصاری بودن بازار محصولات شرکت: اقتصاددانان معتقدند که انحصاری بودن بازار محصولات شرکت، مسائل و مشکلات نمایندگی آن را افزایش می‌دهد. از این‌رو، شرکت‌هایی که در بازارها و صنایع انحصاری فعالیت می‌کنند، محیط اطلاعاتی مبهم‌تری دارند و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران در این گونه شرکت‌ها بیشتر است. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران قادر نخواهند بود عملکرد شرکت را به آسانی مورد ارزیابی قرار دهند (دالیوال و همکاران، ۲۰۰۸).

عدم حضور سرمایه‌گذاران نهادی در ترکیب سهامداران شرکت: سهامداران نهادی، دارای توان بالقوه تأثیرگذاری بر فعالیت‌های مدیران به طور مستقیم از طریق مالکیت و به طور غیرمستقیم از طریق مبادله سهام خود هستند. یکی از نقش‌های با اهمیت سهامداران نهادی، فراهم نمودن مکانیسمی برای انتقال اطلاعات به بازارهای سرمایه یا به عبارت دیگر به سایر سهامداران است. سهامداران نهادی می‌توانند اطلاعات محرمانه‌ای را که از مدیران شرکت کسب می‌کنند، به سایر سهامداران منتقل کنند. هر چه میزان سطح مالکیت نهادی در شرکت‌ها افزایش یابد، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سایر اشخاص ذینفع کاهش خواهد یافت (آجینکیا و همکاران، ۲۰۰۵).

کمتر از ۵۰ درصد بودن مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره شرکت: اثر بخشی حضور مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره از آنجا نشأت می‌گیرد که مدیران غیرموظف به دلیل منافعتشان حاضر به تبانی با مدیران اجرایی نیستند. علت این موضوع آن است که مدیران غیرموظف، در سایر شرکت‌ها دارای سمت‌های اجرایی مدیریت یا تأثیر تصمیم‌گیری هستند و به این دلیل از انگیزه بالایی برای کسب شهرت به عنوان متخصص امر تصمیم‌گیری و برخورداری از فرصت‌های شغلی بهتر در آینده برخوردار هستند. عدم هم‌سویی انگیزه‌های مدیران موظف و غیرموظف، باعث بهبود نظارت بر مدیریت شرکت، بهبود عملکرد شرکت و همچنین کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. از این‌رو، حضور اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، عدم تقارن اطلاعاتی بین ارکان داخلی و خارجی شرکت را کاهش می‌دهد که این موضوع به نوبه خود، منجر به افزایش کیفیت افشای اطلاعات می‌شود (آجینکیا و همکاران، ۲۰۰۵). هدف مدیران پیشینه‌کردن ثروت سهامداران است. با این وجود، مدیرانی که مالکیت قابل ملاحظه‌ای در شرکت ندارند، ممکن است تصمیم‌هایی را اتخاذ کنند که در راستای منافع سهامداران نباشد. چنین تضادهایی

1. Petacchi
2. Kim and Zhang
3. Ajinkya and et al
4. Dhaliwal and et al

منجر به شکل‌گیری مشکلات نمایندگی شده و هزینه‌های سنگینی را بر شرکت تحمیل می‌کند. مطابق با نظریه نمایندگی افزایش مالکیت مدیریتی به همسویی تصمیم‌های مدیریت با منافع سهامداران کمک می‌کند و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را محدود می‌کند. برای حل این مشکلات، حاکمیت شرکتی به عنوان مسأله‌ای مهم در زمینه توسعه‌ی فرآیندهای مالی ظهور کرده است. با این حال مطالعه جامعی در رابطه با تأثیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام انجام نشده است. چنین مطالعه‌ای می‌تواند اطلاعات مهمی در مورد رابطه برخی ویژگی‌های مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام ارائه دهد.

یانگ و لتو^۱ (۲۰۱۸) با بررسی این موضوع که آیا ساختار مالکیت شرکت، کیفیت حسابرسی و ساختار هیئت مدیره با ریسک سقوط قیمت سهام آینده مرتبط است یا نه دریافتند که یک ساختار قوی‌تر مالکیت و کیفیت حسابرسی بالاتر با یک ریسک سقوط قیمت سهام پایین‌تر ارتباط دارد. همچنین ساختار هیئت مدیره به طور قابل توجهی با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه ندارد. حبیب و حسن^۲ (۲۰۱۷) به بررسی توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه‌گذاری و ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که توانایی مدیریتی، سرمایه‌گذاری کمتر از حد را کاهش، سرمایه‌گذاری بیش از حد را تقویت و در مجموع سبب افزایش انحراف در سطح سرمایه‌گذاری مورد انتظار می‌شود. همچنین توانایی مدیریتی، ریسک سقوط قیمت آتی سهام را به طور معناداری افزایش می‌دهد. به علاوه کیفیت گزارشگری مالی مطلوب، ریسک سقوط قیمت آتی سهام را کاهش می‌دهد.

حبیب و حسن (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه استراتژی کسب و کار و ارزشگذاری بیش از حد حقوق صاحبان سهام بر خطر سقوط قیمت سهام به صورت تجربی اثر سطح استراتژی کسب و کار شرکت بر خطر سقوط قیمت سهام آینده و این که ارزشگذاری بیش از حد حقوق صاحبان سهام تا چه حد این ارتباط را تعدیل می‌کند مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها دریافتند شرکت‌های با استراتژی پیشگام (تهاجمی) بیش از شرکت‌های تدافعی در معرض خطر سقوط قیمت سهام آینده و ارزشگذاری بیش از حد حقوق صاحبان سهام هستند که این امر نیز خطر سقوط قیمت سهام آینده را افزایش می‌دهد.

چن و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین سقوط قیمت سهام و تعدیل اهرم شرکت‌ها در ۴۱ کشور مختلف پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد در شرکت‌هایی که سقوط قیمت سهام آن‌ها بیشتر بوده است، تمایل کمتری به تعدیل اهرم عملیاتی مشاهده شده است و این ارتباط منفی در کشورهایی که از اطلاعاتی شفاف‌تری برخوردار هستند، ضعیف‌تر است.

کوسندیس و همکاران^۳ (۲۰۱۴) به بررسی رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و حسابداری محافظه‌کارانه بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که میان محافظه‌کاری مشروط و ریسک سقوط قیمت سهام در آینده رابطه منفی برقرار است که از شواهد ارائه شده در ادبیات موجود پشتیبانی می‌کند اما از آن مهم‌تر شواهد جدید نشان داد که محافظه‌کاری نامشروط نیز با ریسک سقوط قیمت سهام در آینده رابطه منفی دارد. علاوه بر این برخی شواهد نشان داد سطح محافظه‌کاری نامشروط بر رابطه میان محافظه‌کاری مشروط و ریسک سقوط قیمت سهام در آینده تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، به نظر نمی‌رسد ویژگی‌های حسابرسی، از توانایی پیش‌بینی ریسک سقوط قیمت سهام برخوردار باشد.

کیم و ژانگ (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و خطر ریزش قیمت سهام پرداختند. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری، انگیزه‌های مدیران را برای بیش‌نمایی عملکرد و افشا نکردن اخبار بد محدود کرده، از این رو، خطر ریزش قیمت سهام را کاهش می‌دهد. همچنین، آن‌ها با استفاده از هزینه‌های تحقیق و توسعه، وضعیت بازار محصولات شرکت و ترکیب سهامداران شرکت به عنوان متغیرهای موثر بر عدم تقارن اطلاعاتی، توانایی محافظه‌کاری برای کاهش خطر ریزش آتی قیمت سهام بیشتر است.

ذبیحی و دریاباری (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین افشای ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر اساس مدل نیرواتو و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه معنادار منفی بین افشای مسئولیت اجتماعی مربوط به روابط کارکنان، مشارکت اجتماعی و تولید با ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد. این در حالی است که بین مسئولیت اجتماعی مربوط به محیط‌زیست و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر اعتماد به نفس کاذب مدیران (خوش‌بینی مدیران) و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از برآوردهای داده‌های پانلی در مدل‌های رگرسیون لجستیک و رگرسیون تعمیم یافته، حاکی از آن است که خوش‌بینی مدیران، ریسک سقوط قیمت سهام را بر اساس هر سه شاخص اندازه‌گیری آن، به طور

1. Yeung and Lento
2. Habib and Hasan
3. Kousenidis and et al

معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد همچنین، خوش‌بینی مدیران بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار بوده و این رابطه را تشدید می‌نماید.

کردستانی و خاتمی (۱۳۹۵) بررسی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و حسابداری محافظه‌کارانه با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتیجه برآورد مدل‌های پژوهش با استفاده از داده‌های ترکیبی نشان داد بین محافظه‌کاری نامشروط و ریسک آتی سقوط قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین سطح محافظه‌کاری نامشروط، نقش محافظه‌کاری مشروط در جلوگیری از ریسک آتی سقوط قیمت سهام محدود نمی‌کند. به‌علاوه بین کیفیت بالاتر حسابداری با ریسک آتی سقوط قیمت سهام رابطه معناداری یافت نشد.

خدارحمی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج برآورد مدل‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون لجستیک و مدل داده‌های ترکیبی، نشان داد بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، رابطه مستقیم وجود دارد؛ بنابراین با افزایش میزان عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک سقوط آتی قیمت سهام افزایش می‌یابد.

عرب یار محمدی و عبدلی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین برخی اجزای حاکمیت شرکت‌ها با سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ پرداختند. اجزای حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این پژوهش شامل درصد مالکیت سهامداران نهادی، نسبت تمرکز مالکیت سهام، درصد سهامداران مدیریتی، استقلال هیئت مدیره می‌باشند. نتایج آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که بین هیچکدام از اجزای حاکمیت شرکتی و سقوط قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

ودیدی و رستمی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر نوع مالکیت نهادی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک و داده‌های ترکیبی نشان داد که مالکیت نهادی تأثیر مثبت معناداری بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام (متغیر نوسان پایین به بالا) دارد. لیکن با تقسیم مالکیت نهادی به فعال و غیرفعال نتایج نشان داد که اثر مثبت مالکیت نهادی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام، ناشی از مالکیت نهادی غیرفعال است و مالکان نهادی فعال نقش نظارتی در کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام دارند؛ به عبارت دیگر مالکیت نهادی فعال تأثیر منفی و مالکیت نهادی غیرفعال تأثیر مثبت بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام (متغیر نوسان پایین به بالا) دارند.

کردستانی و موسویان خلیل آباد (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر رقابت اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران آگاه را بر قیمت‌گذاری عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که با افزایش تعداد مالکان نهادی به عنوان معیار رقابت اطلاعاتی، قیمت‌گذاری عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد؛ اما تأثیر تمرکز مالکیت نهادی به عنوان دیگر معیار رقابت اطلاعاتی در پژوهش مزبور بر قیمت‌گذاری عدم تقارن اطلاعاتی تأیید نشد.

۱-۲- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: مالکیت مدیریتی، ریسک سقوط آتی قیمت سهام را افزایش می‌دهد.

فرضیه دوم: تأثیر مالکیت مدیریتی بر افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند، بیشتر است.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی است که به توصیف همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه می‌پردازد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل‌های رگرسیون بر مبنای پانل برآورد شدند. اطلاعات مورد نیاز از شرکت‌های تولیدی فعال در بورس اوراق بهادار تهران که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند بوده، طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ جمع‌آوری شدند. با توجه به محدودیت‌های اعمال شده نمونه پژوهش شامل ۱۱۵ شرکت می‌باشد. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در آمار توصیفی اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی، انحراف از قرینگی و انحراف از کشیدگی در مورد بانک‌های نمونه محاسبه می‌شود. در آمار استنباطی از آزمون هم‌خطی (عامل تورم واریانس)، آزمون مانایی متغیرها، آزمون چاو، آزمون هاسمن و آزمون همسانی واریانس بهره گرفته می‌شود. همچنین از روش‌های رگرسیون حداقل مربعات معمولی و حداقل مربعات تعمیم‌یافته که شامل آزمون‌های معتبری نظیر تی استیودنت و F فیشر جهت آزمون معنی‌دار بودن

ضرایب رگرسیون و آزمون معنی‌دار بودن معادله رگرسیون است استفاده می‌گردد؛ و برای توصیف تغییرات متغیرهای پژوهش نسبت به یکدیگر از ضریب تعیین و برای بررسی خود همبستگی داده‌ها از آزمون دوربین- واتسون^۱ استفاده می‌شود.

۳-۱- متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

ریسک سقوط قیمت سهام (Crash Risk): برای اندازه‌گیری متغیر ریسک سقوط قیمت سهام از معیار چولگی منفی بازده سهام (NCSKEW) استفاده می‌شود. ابتدا با استفاده از رابطه (۱) بازده ماهانه خاص شرکت محاسبه می‌گردد:

$$RET_{F_{i,t}} = LN(1 + \omega_{i,t}) \quad (۱)$$

$RET_{F_{i,t}}$: بازده ماهانه خاص شرکت i در ماه t طی سال مالی است.

$\omega_{i,t}$: باقیمانده رابطه (۲)

$$RET_{M_{i,t}} = \delta_0 + \delta_1 RM_{i,t+2} + \delta_2 RM_{i,t+1} + \delta_3 RM_{i,t} + \delta_4 RM_{i,t-1} + \delta_5 RM_{i,t-2} + \omega_{i,t} \quad (۲)$$

$RET_{M_{i,t}}$: بازده سهام شرکت i در ماه t طی سال مالی است.

$RM_{i,t}$: بازده بازار در ماه t است. برای محاسبه بازده ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه کسر شده و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می‌شود (فروغی و میرزایی، ۱۳۹۱).

سپس با استفاده از بازده ماهانه خاص شرکت، چولگی منفی بازده سهام به دست می‌آید. چن و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند که نشانه‌های سقوط قیمت سهام از یک سال قبل از وقوع این پدیده شکل می‌گیرد و یکی از این نشانه‌ها وجود چولگی منفی در بازده سهام شرکت است؛ بنابراین، شرکت‌هایی که در سال گذشته چولگی منفی بازده سهام را تجربه کرده‌اند، با احتمال بیشتری در سال آینده با پدیده سقوط قیمت سهام مواجه خواهند بود. هانگ و استین (۲۰۰۳) نیز بیان کردند که چولگی منفی بازده سهام یک راه جایگزین برای اندازه‌گیری عدم تقارن در توزیع بازده است. برای محاسبه چولگی منفی بازده سهام از رابطه (۳) استفاده می‌شود:

$$NCSKEW_{i,t} = - \left(\frac{(N(N-1)^{\frac{3}{2}}) \sum RET_{F_{i,t}}^3}{(N-1)(N-2)(\sum RET_{F_{i,t}}^2)^{\frac{3}{2}}} \right) \quad (۳)$$

$NCSKEW_{i,t}$: چولگی منفی بازده ماهانه خاص شرکت i طی سال مالی t است.

N : تعداد ماه‌هایی که بازده آن‌ها محاسبه شده است.

$RET_{F_{i,t}}$: بازده ماهانه خاص شرکت است.

متغیر مستقل

مالکیت مدیریتی (MO): این متغیر به صورت مجموع درصد سهام هر یک از اعضای هیات مدیره در شرکت محاسبه می‌شود. برای تعیین مالکیت مدیریتی از نسبت تعداد سهام در دست هیئت مدیره و تعداد کل سهام منتشره شرکت بدست می‌آید.

متغیر تعدیل‌گر

هزینه نمایندگی (Agency costs): در این پژوهش هزینه‌های نمایندگی از طریق رابطه (۴) به دست می‌آید.

$$Agency\ costs = FCF \times Tobins_Q \quad (۴)$$

FCF : جریان‌های نقد آزاد شرکت است.

کیوتوبین از طریق رابطه (۵) به دست می‌آید.

$$Q.Tobin_{i,t} = \frac{MVE_{i,t} + BVD_{i,t}}{TA_{i,t}} \quad (۵)$$

$MVE_{i,t}$: ارزش بازار سهام شرکت i در سال مالی t است.

$BVD_{i,t}$: ارزش دفتری بدهی‌های شرکت i در سال مالی t است.

$TA_{i,t}$: جمع کل دارایی‌های شرکت i در سال مالی t است (نخیلی و همکاران، ۲۰۱۷).

بالاتر بودن این معادله (چنانچه اعداد به دست آمده از میانه بالاتر باشد) نشان دهنده هزینه نمایندگی بالا و پایین تر بودن آن (چنانچه اعداد به دست آمده از میانه پایین تر باشد) بیانگر هزینه های نمایندگی پایین می باشد.

متغیر کنترلی

ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB): عبارت است از نسبت ارزش بازار سهام شرکت در پایان سال به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

بازده دارایی (ROA): بازده دارایی ها از تقسیم سود خالص بر کل دارایی های شرکت i در پایان سال مالی t بدست می آید.
اهرم مالی (Lev): اهرم مالی نشان دهنده میزان استفاده از بدهی ها در ساختار سرمایه شرکت است که از نسبت مجموع بدهی به مجموع دارایی شرکت i در پایان سال مالی t به دست می آید.
اندازه شرکت (Size): اندازه شرکت عبارت است از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت i در پایان سال مالی t .

۳-۲- مدل پژوهش

مدل فرضیه های پژوهش از طریق رابطه (۶) به دست می آید.

$$CRASH\ RISK_{i,t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 MO_{i,t} + \alpha_2 MTB_{i,t} + \alpha_3 ROA_{i,t} + \alpha_4 LEV_{i,t} + \alpha_5 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (6)$$

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای کل نمونه آماری در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	اندازه شرکت	بازده دارایی ها	اهرم مالی	ارزش بازار به دفتری	مالکیت مدیریتی	ریسک سقوط قیمت سهام	هزینه نمایندگی
حداقل	۱۰/۹۵۴	-۰/۴۸۹	۰/۱۲۰	۰/۳۶	۰/۱۴۱	-۰/۴۵۰	۰/۰۴۱
حداکثر	۱۴/۹۹۸	۰/۹۲۴	۰/۹۵۵	۵/۹۱۷	۰/۶۲۷	۰/۶۸۷	۰/۵۳۲
میانگین	۱۲/۴۱۱	۰/۲۴۱	۰/۶۱۰	۲/۵۷۰	۰/۳۰۰	۰/۱۸۴	۰/۲۵۱
میانه	۱۲/۲۲۷	۰/۲۵۴	۰/۶۹۳	۲/۶۳۲	۰/۲۹۵	۰/۱۹۷	۰/۲۷۱
انحراف معیار	۱/۱۱۰	۰/۱۳۲	۰/۲۶۴	۱/۴۱۰	۰/۱۹۴	۰/۲۰۰	۰/۱۵۱
چولگی	۰/۸۰۶	-۰/۸۹۶	-۰/۴۹۶	۲/۴۱۶	۰/۳۲۶	-۰/۸۶۴	-۰/۶۰۳
کشیدگی	۳/۰۱۶	۰/۶۲۰	۲/۰۳۱	۸/۳۵۵	۱/۷۴۶	۴/۲۹۶	۲/۳۱۶

همانطور که ملاحظه می شود در جدول شماره (۱)، میانگین متغیر ریسک سقوط قیمت سهام نشان می دهد که به طور متوسط ریسک سقوط قیمت سهام ۱۸/۴ درصد می باشد؛ و میانگین اندازه شرکت، بازده دارایی ها، اهرم مالی، ارزش بازار به دفتری و مالکیت مدیریتی شرکت های مورد مطالعه به ترتیب برابر با ۱۲/۴۱۱، ۰/۲۴۱، ۰/۶۱۰، ۲/۵۷۰ و ۰/۳۰۰ است. همچنین متغیر بازده دارایی ها، با توجه به انحراف معیار آن (۰/۱۳۲) از نوسان و پراکندگی کمتری نسبت به دیگر متغیرهای پژوهش برخوردار است. تمامی متغیرها از حداقل انحراف معیار برخوردار هستند که نشان از انسجام مناسب داده های نمونه انتخابی دارد. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. ضریب کشیدگی میزان کشیدگی منحنی فراوانی را نسبت به منحنی نرمال استاندارد نشان می دهد. اگر کشیدگی حدود سه باشد، یعنی منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضع متعادل و نرمالی دارد، اگر این مقدار بزرگتر از عدد سه باشد منحنی برجسته و اگر کمتر از عدد سه باشد منحنی پهن می باشد. در این پژوهش بیشترین و کمترین کشیدگی به ترتیب در متغیر ارزش بازار به دفتری و بازده دارایی ها است.

۲-۴- نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌دارد که مالکیت مدیریتی، ریسک سقوط آتی قیمت سهام را افزایش می‌دهد.

جدول (۲) آزمون رگرسیون و معناداری مدل فرضیه اول

نام متغیر	ضرایب برآوردی	انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
ثابت	۰/۱۱۷	۰/۱۰۲	۱/۱۴۷	۰/۰۹۲۷
مالکیت مدیریتی	۰/۴۰۸	۰/۰۹۲	۴/۴۳۴	۰/۰۲۵۱
ارزش بازار به دفتری	-۰/۲۲۴	۰/۰۵۲	-۴/۳۰۷	۰/۰۲۶۲
بازده دارایی‌ها	-۰/۵۷۱	۰/۴۸۱	-۱/۱۸۷	۰/۱۰۳۹
اهرم مالی	-۰/۸۰۳	۰/۲۰۳	-۳/۹۵۵	۰/۰۳۱۳
اندازه شرکت	۰/۲۳۹	۰/۰۸۱	۲/۹۵۱	۰/۰۴۱۵
دوربین - واتسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین شده	آماره F	سطح معناداری
۲/۱	۰/۵۷	۰/۵۶	۴۸/۰۶۵۱۹	**۰/۰۰۰

*سطح خطای ۵ درصد و **سطح خطای ۱ درصد

با توجه به جدول شماره (۲) آماره دوربین - واتسون برابر با ۲/۱ می‌باشد و این نشان می‌دهد به خطاها همبستگی وجود ندارد چرا که بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. ضریب تعیین تعدیل شده این آزمون برابر با ۰/۵۶ می‌باشد که نشان م‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (ریسک سقوط قیمت سهام) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای یک درصد، می‌توان گفت که مدل پژوهش از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد. همچنین ضریب برآوردی متغیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط قیمت سهام برابر با ۰/۴۰۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می‌یابد. تأثیر متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری و اهرم مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام منفی است. متغیر بازده دارایی‌ها به دلیل بزرگتر بودن از سطح خطای ۵ درصد بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر گذار نمی‌باشد. تأثیر متغیر اندازه شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام مثبت است. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل پژوهش از سطح خطای ۵ درصد کوچکتر است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد مالکیت مدیریتی، ریسک سقوط آتی قیمت سهام را افزایش می‌دهد.

۳-۴- نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم بیان می‌دارد که تأثیر مالکیت مدیریتی بر افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند، بیشتر است.

جدول (۳) آزمون رگرسیون و معناداری مدل فرضیه دوم

نام متغیر	ضرایب برآوردی	انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
ثابت	۰/۳۰۶	۰/۰۷۵	۴/۰۸۵	۰/۰۳۹۸
مالکیت مدیریتی	۰/۷۸۱	۰/۱۳۲	۶/۷۸۱	۰/۰۰۱۵
هزینه نمایندگی	۲/۰۳۲	۰/۸۱۵	۲/۴۹۳	۰/۰۱۹۳
هزینه نمایندگی در مالکیت مدیریتی	۰/۶۱۳	۰/۱۱۰	۵/۵۲۲	۰/۰۱۱۸
ارزش بازار به دفتری	-۱/۵۵۶	۰/۴۰۲	-۵/۴۵۱	۰/۰۱۳۲
بازده دارایی‌ها	-۰/۱۸۲	۰/۱۲۵	-۱/۰۷۱	۰/۱۳۵۱
اهرم مالی	-۰/۲۹۸	۰/۰۴۳	-۶/۷۶۷	۰/۰۰۲۶
اندازه شرکت	۱/۵۱۶	۰/۴۹۲	۳/۶۰۸	۰/۰۴۷۷
دوربین - واتسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین شده	آماره F	سطح معناداری
۱/۸	۰/۵۸	۰/۵۷	۴۲/۰۳۲۵۱	**۰/۰۰۰

*سطح خطای ۵ درصد و **سطح خطای ۱ درصد

با توجه به جدول شماره (۳) آماره دوربین - واتسون برابر با $1/8$ می‌باشد و این نشان می‌دهد به خطاها همبستگی وجود ندارد چرا که بین $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد. ضریب تعیین تعدیل شده این آزمون برابر با $0/57$ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند ۵۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (ریسک سقوط قیمت سهام) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای یک درصد، می‌توان گفت که مدل پژوهش از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

همچنین ضریب برآوردی متغیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط قیمت سهام برابر با $0/781$ بوده که نشان می‌دهد بین متغیر مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می‌یابد. ضریب برآوردی متغیر هزینه نمایندگی بر ریسک سقوط قیمت سهام برابر با $2/032$ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر هزینه نمایندگی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش هزینه نمایندگی، ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می‌یابد.

ضریب برآوردی متغیر هم‌افزایی هزینه نمایندگی در مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط قیمت سهام برابر با $0/613$ می‌باشد که نشان می‌دهد هزینه نمایندگی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار است. تأثیر متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری و اهرم مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام منفی است. متغیر بازده دارایی‌ها به دلیل بزرگتر بودن از سطح خطای ۵ درصد بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار نمی‌باشد. تأثیر متغیر اندازه شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام مثبت است. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل پژوهش از سطح خطای ۵ درصد کوچکتر است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد تأثیر مالکیت مدیریتی بر افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند، بیشتر است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

ساختار مالکیت و چارچوب‌های قانونی از اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل سیستم حاکمیت شرکتی هستند که بعد مالکیت مدیر یکی از آن عوامل می‌باشد. طبق مطالعات گذشته این دیدگاه وجود دارد که در اختیار داشتن درصد زیادی از حق رای توسط مدیران و ایجاد ابهام در موقعیت مدیران، باعث تضعیف فرآیند نظارت توسط سهامداران بیرونی می‌شود که امکان و احتمال تعدیل ارقام حسابداری توسط مدیران را فراهم می‌کند و کاهش کیفیت گزارشگری را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر، سطوح بالای مالکیت مدیریتی ممکن است با معاملات دارندگان اطلاعات نهانی همراه باشد که آن نیز منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی شرکت می‌شود. عدم تقارن اطلاعاتی، بین مدیران و سرمایه‌گذاران موضوعی بنیادی برای سرمایه‌گذاران و ناظران بازار محسوب می‌شود. عدم تقارن اطلاعاتی به طور مستقیم بر عملکرد بازارهای اوراق بهادار تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که افزایش آن باعث کاهش کارایی بازار و ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود.

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بود. بدین منظور داده‌های ۱۱۵ شرکت تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این پژوهش از نوع کاربردی است که به توصیف همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه می‌پردازد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل‌های رگرسیون بر مبنای پانل برآورد شدند. نتایج آزمون فرضیه اول حاکی از این است که بین متغیر مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می‌یابد. همچنین نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که هزینه نمایندگی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار است. بدین معنی که تأثیر مالکیت مدیریتی بر افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند، بیشتر است. به طور خلاصه، در این پژوهش شواهدی ارائه می‌شود که مالکیت مدیریتی یک پیش‌بینی معتبر از ریسک سقوط قیمت سهام در آینده است. یافته‌های پژوهش حاضر مغایر با نتایج پژوهش یانگ و لنتو (۲۰۱۸) می‌باشد اما با نتایج پژوهش خدارحمی و همکاران (۱۳۹۵) همسو است.

همچنین یافته‌های پژوهش پیامدهای مهمی در زمینه مالکیت مدیریتی و حاکمیت شرکتی دارد که نشان می‌دهد هیئت مدیره نیاز به احتیاط خاصی در خصوص انگیزه‌های مدیران اجرایی خود دارند. همچنین براساس نتایج پژوهش می‌توان پیشنهاد نمود که سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در مورد ریسک سقوط قیمت سهام، به مالکیت مدیریتی، اندازه، اهرم مالی، ارزش بازار به دفتری، بازده دارایی‌ها و هزینه‌های نمایندگی شرکت توجه لازم را داشته باشند. به علاوه پیشنهاد می‌شود که سهامداران عمده و اعضای هیئت مدیره، ساز و کارهای نظارتی بیشتری را برای مدیران اتخاذ کنند تا فرصت‌های دستکاری مدیریتی از طریق داشتن اطلاعات اضافی و عدم افشای اطلاعات توسط مدیریت کاسته شود. همچنین با توجه به تأکید نتایج بر انگیزه‌های نمایندگی مدیران، به قانون‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا با اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای عملی در راستای ایجاد شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی،

توانایی مدیران را در توسعه طلبی محدود، به طوری که تا حدودی از ناکارایی سرمایه‌گذاری و ریسک سقوط قیمت سهام پیشگیری شود.

دسترسی آسان به اطلاعات مربوط به معیارهای حاکمیت شرکتی و دیگر متغیرها، همچنین گسترش بازه زمانی پژوهش به منظور افزایش کیفیت پژوهش‌ها باید در تفسیر یافته‌ها به‌عنوان محدودیت مورد توجه قرار گیرد. همچنین در نظر گرفتن دیگر معیارهای ریسک سقوط قیمت سهام همچون سیگمای حداکثری و نوسان پایین به بالا و انجام پژوهش با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی پویا و روش گشتاورهای تعمیم یافته می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد توجه علاقمندان قرار گیرد.

منابع

- خداحمی بهروز، فروغ‌نژاد حیدر، شریفی محمدجواد، طالبی علیرضا، (۱۳۹۵)، «تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۳۹-۵۸.
- ذبیحی علی، دریاباری آناهیتا سادات، (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه بین افشای ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر اساس مدل نیروانتو و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۶۱-۷۶.
- عرب یار محمدی محسن، عبدلی محمد رضا، (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین برخی اجزای حاکمیت شرکت‌ها با سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار»، دومین همایش ملی حسابداری، مدیریت و اقتصاد ایران، صص ۱-۷.
- فروغی داریوش، میرزایی منوچهر، (۱۳۹۱)، «تأثیر محافظه‌کاری شرطی حسابداری بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۱۷-۷۷.
- کردستانی غلامرضا، خاتمی زینت، (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و حسابداری محافظه‌کارانه با ریسک سقوط قیمت سهام»، مجله علمی- پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- کردستانی غلامرضا، موسویان خلیل آباد سید حمیدرضا، (۱۳۹۲)، «رقابت بین سرمایه‌گذاران آگاه برای کسب اطلاعات محرمانه و قیمت گذاری عدم تقارن اطلاعاتی»، مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۴۴-۱۲۷.
- نصیر زاده فرزانه، عباس‌زاده محمد رضا، ذوالفقار آرانی محمدحسین، (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر خوش‌بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام»، فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۷۰-۳۵.
- ودیعی نوقایی محمدحسین، رستمی امین، (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر نوع مالکیت نهادی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۶۶-۴۳.
- Ajinkya, B., Bhojraj, S. And Sengupta, P., (2005). The Association between outsider Directors and Institutional Investors and the Properties of Management Earning Forecast. Journal Of Accounting Research, 43, 343-376.
- Chen, J., H. Hong, and J. Stein. (2001). Forecasting Crashes: Trading Volume, Past Returns, and Conditional Skewness in Stock Prices. Journal of Financial Economics 61(3): 345-381.
- Chen, x., Zhanf., F., Zhang., s. (2015). CEO Duality and stock price crash risk. Available at: www. ssrn.com.
- Dhaliwal, D.S., Huang, S.X., Khurana, I., Pereira, R., (2008). Product Market Competition and Accounting Conservatism. Availble At URL: http://www.Ssrn.Com.
- Habiba, A. and Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, investment efficiency and stock price crash risk, Research in International Business and Finance, 42(2017) 262-274.
- Hong, H., Stein, J.C. (2003). Differences of Opinion, Short-Sales Constraints, and Market Crashes. The Review of Financial Studies. 16:487-525.
- Kim, J. B., and L. D. Zhang. (2010). Does Accounting Conservatism Reduce Stock Price Crash Risk? Available at URL: Http://Www.Ssrn.Com.
- Kim, J.-B., Li, Y., Zhang, L., 2011b. Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. Journal of Financial Economics 100, 639-662.
- Kothari, S.P., Shu, S., Wysocki, P.D. (2009). Do Managers Withhold Bad News? Journal of Accounting Research, 47(1): 241-276.

- Nekhilia, M, Haithem, N, Tawhid, Ch, Claudia, R. (2017). Corporate social responsibility disclosure and market value: Family versus nonfamily firms. *Journal of Business Research* 77: 41-52.
- Petacchi, R. (2015). Information asymmetry and capital structure: Evidence from regulation FD, *Journal of Accounting and Economics* 59(2): 143-162.
- Yeung, W. H. and Lento, C. (2018). Ownership structure, audit quality, board structure, and stock price crash risk: Evidence from China, *Global Finance Journal*, Volume 37, August 2018, Pages 1-24.

Investigating the Impact of Management Ownership on the Crash Risk of Stock Price Future in Firms

Abstract

Management ownership and more information by the company's management and the willingness of managers to disclose asymmetric news leads to a future risk of falling stock prices. The fall in stock prices has led to a sharp drop in returns. The purpose of this study is to investigate the effect of management ownership on the risk of future stock price collapse in companies. For this purpose, the data of 115 manufacturing companies accepted in Tehran Stock Exchange during the years 1390-1395 were analyzed. The result of estimating research models using combined data shows that there is a direct and direct relationship between management ownership and the risk of falling stock prices, that is, with the increase of management ownership, the risk of falling stock prices increases. In addition, the cost of representation affects the relationship between managerial ownership and the risk of falling stock prices. This means that the impact of managerial ownership is on the increased risk of future stock price collapse in companies with higher representation costs.

Keywords: Management Ownership, Agency Cost, Crash Risk of Stock Price

رابطه مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام با عملکرد مالی و مالیاتی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۶

کد مقاله: ۲۱۱۷۸

سید مهدی هاشمی فیض آبادی^{۱*}، اکرم فیض آبادی^۲

چکیده

با توجه به اهمیت موضوع پویایی مجامع عمومی سهامداران، تاکنون پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده است و یافته‌های نظری نیز پیامدهای ناهمخوانی را پیش‌بینی نموده‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام با عملکرد مالی و مالیاتی است. این پژوهش به لحاظ روش از نوع توصیفی-همبستگی است. در این راستا از سه معیار میزان بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین جهت اندازه‌گیری عملکرد مالی و معیار اجتناب مالیاتی جهت اندازه‌گیری عملکرد مالیاتی بهره‌برده شده است. با بهره‌گیری از مدل رگرسیون چند متغیره، نتایج حاصل از بررسی ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین میزان مشارکت سهامداران و عملکرد شرکت وجود دارد. به این ترتیب در شرکت‌هایی که مجامع پویاتری دارند میزان بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین بیشتر است. بعلاوه نتایج نشان می‌دهد بین میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مشارکت سهامداران، عملکرد شرکت، اجتناب مالیاتی، راهبری شرکتی، پویایی مجمع

۱- معاون مالی و اقتصادی شرکت خدمات اداری شهر (وابسته به شهرداری تهران) (مسئول مکاتبات) hashemi-f@tehran.ir

۲- کارشناس تحلیل و بازخورد شهرداری منطقه ۲

۱- مقدمه

هر شرکتی با هدف حداکثر نمودن ثروت سهامداران خود تشکیل می‌شود و مدیریت شرکت به‌منظور دستیابی به هدف مذکور، به دنبال افزایش سودآوری، بازدهی و بهبود عملکرد است؛ بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد یک ضرورت به شمار می‌رود. یکی از عواملی که ممکن است بر عملکرد شرکت تأثیرگذار باشد و در متون حسابداری توجه چندانی به آن نشده است مشارکت سهامداران در مجامع عمومی است. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران نظیر بوئل (۲۰۰۶) مجامع عمومی صاحبان سهام بالاترین ارگان در شرکت به شمار می‌رود. نوک (۲۰۰۲) اظهار می‌دارد که مجمع عمومی سهامداران سه کارکرد مهم دارد: اول اینکه، مجموع‌های را فراهم می‌آورد که در آن مدیریت می‌تواند نسبت به مالکان شرکت پیرامون عملکردش پاسخگو باشد. دوم اینکه، اجتماعی جهت بحث پیرامون موضوعات مهم شرکت ایجاد می‌کند و در نهایت اینکه امکان ایجاد مکانی برای تصمیم‌گیری پیرامون شرکت را فراهم می‌آورد. طبق ماده ۷۲ قانون تجارت، مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. بر اساس ماده ۸۹، مجمع عمومی عادی باید سالی یک‌بار در موقع که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورت‌حساب دوره و عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حساب‌های سال مالی تشکیل شود. علاوه انتخاب مدیران، بازرسان و حساب‌رسان شرکت در حوزه اختیارات مجمع عمومی صاحبان سهام است. به این ترتیب، از نقطه‌نظر قانونی، مجمع عمومی سهامداران یک سازوکار بسیار مهم در امر نظارت شرکتی تلقی می‌شود چراکه ابزاری جهت پاسخگویی مدیریت در مورد اقداماتش است. به لحاظ تئوریک، بدون برگزاری نشست سالانه، مدیریت عملاً پاسخگوی اعمال خود به صاحبان شرکت نیست و می‌تواند بدون سیستم کنترل و توازن مناسب ریاست کند. هرچه حضور سهامداران در مجامع بیشتر باشد اعضای هیئت‌مدیره تحت فشار بیشتری قرار خواهند گرفت و مجبور به پاسخگویی خواهند بود. به عبارت دیگر با افزایش پویایی مجمع، تلاش هیئت‌مدیره برای پاسخگویی نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر اینکه این نشست‌های سهامداران فرصت نظارت بر شرکت و اعمال کنترل بر مدیریت را برای سهامداران فراهم می‌آورد فرصت مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری‌های شرکت را نیز به آن‌ها می‌دهد. از سوی دیگر چنین گردهمایی‌هایی توسط سهامداران در نهایت می‌تواند منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌ها گردد (لهمن و ویگانده، ۲۰۰۲).

شایان‌ذکر است اگرچه برگزاری نشست‌های سالانه یک ضرورت در امر نظارت در شرکت‌ها تلقی می‌شود با این حال آنچه مهم‌تر است میزان مشارکت در این نشست‌ها است. در حال حاضر یکی از نگرانی‌های عمده فعالان بازار سرمایه مشارکت پایین سهامداران در مجامع است. از آنجایی که مشارکت بالاتر می‌تواند به بازتابی گسترده‌تر از منافع مالکان در روند اداره امور شرکت منجر شود، مطلوب‌تر است. این امر مشابه با وضعیت دموکراسی در امور سیاسی است. در سیاست نیز نرخ مشارکت بالای رأی‌دهندگان به این نتیجه منجر می‌شود که اکثر دیدگاه‌های شهروندان در نظارت بر کشورشان بازتاب داده شود. علاوه بر این، نرخ مشارکت بالا به جلوگیری از منفعت‌طلبی عده‌ای سودجوی خاص که تنها بخش کوچکی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند کمک می‌کند. استدلال مشابه را می‌توان در مورد روند تصمیم‌گیری در مجامع عمومی نیز بیان کرد. اگر تنها بخشی از سهامداران در این مجامع شرکت کنند، آنگاه گروه‌هایی که مالک بخش‌های کوچکی از سهام هستند نفوذ نامتناسبی در نظارت شرکت خواهند داشت (سیگر، ۲۰۰۲).

در متون حسابداری، فعالیت‌های راهبری شرکتی به عنوان مجموع‌های از روابط بین مدیریت، هیئت‌مدیره، سهامداران و دیگر ذینفعان تعریف شده است که موجب هدایت و کنترل اثربخش شرکت می‌گردد. راهبری شرکتی زمانی مؤثر خواهد بود که سهامداران در مجامع مشارکت بالایی را نشان دهند. این امر منجر به تصمیمات آگاهانه خواهد شد (بوئل، ۲۰۰۶). به اعتقاد وی، ایجاد مشارکت بیشتر سرمایه‌گذاران خرد در شرکت‌ها، عامل مهمی در ایجاد اصول راهبری شرکتی کارآمد تلقی می‌شود. اصول راهبری کارآمد منجر به پایداری فعالیت‌های شرکت شده و ریسک‌های سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (برانیا و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس یافته‌های لهمن و ویگانده (۲۰۰۲) ابزارهای اصول راهبری شرکتی می‌تواند منجر به عملکرد بهتر شرکت شود؛ زیرا سهامدار نیز در بلندمدت بازده بالاتری را برای سرمایه‌گذاری خود درخواست می‌کند؛ بنابراین انتظار می‌رود حضور بالای سهامداران در مجامع عاملی اثرگذار در بهبود عملکرد شرکت باشد. اهمیت بررسی این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که در دهه‌های اخیر با جدایی مالکیت از مدیریت و وجود تضاد منافع بین آن‌ها و نیز وقوع رسوایی‌های مالی، ارزیابی عملکرد مدیران موردتوجه بسیار قرار گرفته است و جزء لاینفک پاسخگویی به شمار می‌رود. ارزیابی عملکرد شرکت به معنای سنجش میزان خروجی‌های شرکت نسبت به ورودی‌های آن است. الگوها و روش‌های متعددی جهت ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها وجود دارد. آنچه اهمیت دارد این است که متغیرهای به کار رفته در این الگوها بایستی به گونه‌ای انتخاب شوند که نتایج آن نیاز استفاده کنندگان را برآورده کرده و با بهبود عملکرد موجب تداوم فعالیت‌های شرکت و استفاده بهینه منابع در سطح خرد و کالان گردد (رضایی و امیرحسینی، ۱۳۹۶).

همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد هدف اصلی هر شرکتی از تأسیس، حداکثر ساختن ثروت سهامداران خود است و مسئولیت هیئت‌مدیره ایجاد حاکمیت کارآمد بر امور شرکت در راستای منافع سهامداران است. وجود مالیات بر درآمد شرکتها باعث کاهش عایدات واحد تجاری می‌گردد؛ بنابراین یکی از اقداماتی که می‌تواند در جهت حداکثر ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران انجام پذیرد، استفاده از راهکارهایی است که از طریق آن‌ها مالیات پرداختنی کاهش یابد. از اجتناب مالیاتی به عنوان یکی از راهکارهای کاهش میزان مالیات پرداختنی یاد می‌شود. اجتناب از مالیات نوعی بهره‌برداری از خلاءهای قانونی در قوانین و مقررات مالیاتی در جهت کاهش مالیات است؛ بنابراین اجتناب مالیاتی برخلاف فرار مالیاتی که نوعی تخلف قانونی است فعالیتی به ظاهر قانونی تلقی می‌شود چراکه بدون شکستن خطوط قوانین و در چارچوب قوانین مالیات صورت می‌گیرد. این پدیده می‌تواند موجب شود که ثروت از دولت به سهامداران شرکت منتقل شود (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

عدهای معتقدند که پویایی مجامع و میزان حضور سهامداران در مجامع یکی از اصول راهبری شرکتی تلقی می‌شود (بوئل، ۲۰۰۶). از یک سو انتظار می‌رود هر چه مکانیزم‌های راهبری شرکتی قویتر باشد، با توجه به وظیفه هیئت‌مدیره در حداکثر کردن ثروت سهامداران، اجتناب از مالیات بیشتری انجام گیرد. از سوی دیگر با عنایت به بحث تئوری نمایندگی به دلیل آنکه راهبری شرکتی بر شفافیت اطلاعات و از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی تأکید دارد، انتظار می‌رود راهبری شرکتی خوب بتواند با استفاده از مکانیک‌های نظارتی و راهبری، سوءاستفاده از اجتناب از مالیات را کاهش دهد (دسای و دهارمپالا، ۲۰۰۶).

با توجه به مطالب مذکور این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا میزان مشارکت سهامداران در مجمع عمومی صاحبان سهام بر عملکرد مالی و مالیاتی شرکت تأثیر دارد یا خیر؟ در این پژوهش جهت اندازه‌گیری عملکرد مالی از سه معیار بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین و جهت اندازه‌گیری عملکرد مالیاتی از معیار اجتناب مالیاتی استفاده شده است. از آنجایی که تاکنون هیچ پژوهش داخلی یا خارجی به بررسی تأثیر پویایی مجامع عمومی سهامداران بر عملکرد مالی و مالیاتی نپرداخته است، یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌تواند ادبیات موجود را در حوزه اهمیت و جایگاه پیامدهای پویایی مجامع توسعه دهد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

در جوامع امروزی علاوه بر سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و مالی نوع دیگری از سرمایه موردبحث قرار گرفته است که سرمایه اجتماعی نام دارد. سرمایه اجتماعی، حاصل انباشت منابع بالقوه و بالفعلی است که در شبکه‌های بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افراد عضو یک گروه ایجاد می‌شود. سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت و بهبود عملکرد سازمان قلمداد می‌شود. هرگاه یک جامعه یا نهادی بتواند مشارکت اعضای خود را برای دستیابی به اهداف خاص یا حل مسأله‌های جلب نماید می‌توان گفت آن جامعه دارای سرمایه اجتماعی است. به عبارت دیگر مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. یکی از ابزارهای توسعه و برنامه‌ریزی در دنیای امروزی، توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه است. به عبارت دیگر، مشارکت فرآیندی است که دربرگیرنده انواع کنشهای فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. (پاتنام، ۱۹۹۳). یافته‌های پژوهشگران حاکی از تأثیر سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد سازمان است (احمدی و فیض آبادی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر مشارکت سهامداران در مجامع عمومی بر عملکرد شرکت است.

از دیدگاه حقوقی کلیدی‌ترین کارکرد جلسات سهامداران این است که به سهامداران فرصت احقاق حقوقشان، به ویژه حقوق نظارتی شان را می‌دهد. سیگر (۲۰۰۲) موارد زیر را از جمله کارکردهای مهم مجمع سهامداران بر می‌شمرد: اولین کارکرد، کارکرد انتخاب است که مهمترین ابزار اعمال قدرت سهامداران است. این نکته زمانی برجسته می‌گردد که انتخاب بازرس قانونی و حسابرس در حیطه وظایف مجمع تعیین گردیده است. دومین کارکرد، کارکرد کنترل است. سهامداران حقوق کنترلی خود را از طریق مجامع عمومی تجربه می‌کنند. یک ابزار مهم در اعمال حقوق کنترل، حق اظهارنظر از سوی سهامداران پیرامون مسائل شرکت در مجمع عمومی و ارائه پیشنهادها و یا اظهار مخالفت در این جلسه است. علاوه بر این، سهامداران حقوق کنترلی خود را از طریق عزل مدیریت و از طریق سلب اعتماد خود از وی اعمال می‌کنند. البته در مورد حقوق کنترل، ذکر این نکته مهم است که اعمال برخی از حقوق کنترل نیاز به برخی از حداقل مشارکتها از سوی سهامداران دارد. به عنوان مثال، به منظور اعمال حقوق در وهله اول، جلسه مجمع باید از سوی سهامداران درخواست شده باشد. طبق ماده ۹۵ قانون تجارت، سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت‌مدیره خواستار شوند و هیئت‌مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند درغیراینصورت درخواست کنندگان می‌توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند وگرنه آنگونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به

دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نمایند. دستیابی به این حد نیاز می‌تواند در شرکتهای بزرگ دشوار باشد زیرا میلیونها سهامدار وجود دارد که یکدیگر را نمی‌شناسند و کمبود ابزاری کارآمد برای سازماندهی سهامداران احساس می‌شود. به علاوه طبق ماده ۸۷ در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلأً بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به این ترتیب سازماندهی موثر سهامداران کوچک و غیردولتی به منظور دستیابی به این آستانه حداقل، دشوار خواهد بود و بعید است که سهامداران کوچک در چنین امری موفق شوند و موقعیت کنترل و نظارتشان در برابر مدیریت تضعیف خواهد شد. سومین کارکرد، کارکرد اطلاعات است. جلسه سهامداران به سهامداران فرصت تحقق حقوق اطلاعاتی شان را می‌دهد. سهامداران شرکت بایستی از وضعیت فعلی شرکت و برنامه های آتی آن آگاه باشند. هر سهامدار حق مطلع شدن را دارد. از این رو سهامداران اگر می‌خواهند این حق را اعمال کنند باید در جلسات مجامع شرکت کنند. سهامداران در این جلسات می‌توانند سوالات خود از مدیریت را مطرح نمایند. چهارمین کارکرد این است که چنانچه مدیریت خواستار تصویب اقدامات برنامه ریزی شده خاصی در جلسه سهامداران باشد سهامداران می‌توانند بر تصمیمات تجاری شرکت به طور مستقیم تأثیرگذار باشند؛ و در آخر اینکه جلسه سهامداران قدرت تأثیرگذاری بر تصمیمات اساسی شرکت نظیر افزایش یا کاهش سرمایه و تغییر اساسنامه را نیز دارد که چیزی فراتر از تصمیمات تجاری است (سیگر، ۲۰۰۲).

در ایران، طبق قانون تجارت، وظایف رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره و عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی، انتخاب هیئت مدیره، بازرس و حسابرس بر عهده مجمع سهامداران است. بنابراین با توجه به کارکردها و اختیاراتی که برای مجامع سهامداران ذکر شد این مجامع می‌تواند در نقش یک مکانیزم نظارتی اثربخش تلقی شود که پاسخگویی بیشتر از سوی مدیریت و بالطبع تلاش بیشتر از سوی وی در جهت تحقق اهداف شرکت را به دنبال خواهد داشت. به لحاظ تئوریک، بدون برگزاری نشستهای سالانه مدیریت عملاً به صاحبان شرکت پاسخگو نخواهد بود و بدون هیچ کنترل و نظارتی بر آنها ریاست خواهد کرد. اثربخشی مجامع به سطح مشارکت سهامداران در همه امور شرکت بستگی دارد زیرا سهامدار می‌تواند بیشترین حق نظارت خود را در قبل و حین مجمع اعمال نماید؛ بنابراین از آنجایی که سهامداران همیشه خواستار بازده بالاتری برای سرمایه گذاری خود هستند انتظار می‌رود با پویاتر شدن مجامع و حضور و مشارکت هرچه بیشتر سهامداران و بالطبع پاسخ خواهی بیشتر و نظارت بیشتر از سوی آنها، عملکرد شرکت بهبود یابد. برای اندازه گیری عملکرد شرکتهای از چهار نوع داده استفاده می‌شود که عبارت اند از:

الف- دادهای حسابداری مانند بازده داراییها و بازده حقوق صاحبان سهام،

ب- دادههای مدیریت مالی مانند بازده هر سهم،

ج- داده های اقتصادی نظیر ارزش افزوده اقتصادی و

د- داده های تلفیقی نظیر نسبت کیوتوبین (جوادی و فتاحی، ۱۳۹۵).

در این پژوهش جهت اندازه گیری عملکرد مالی از سه معیار بازده داراییها، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین استفاده شده است. بازده داراییها نشان دهنده کارآمدی مدیریت در استفاده مناسب از داراییها در جهت تولید سود است. بازده حقوق صاحبان سهام میزان کارآمدی مدیریت در خلق سود خالص برای سهامداران را نشان می‌دهد. در نسبت کیوتوبین نیز به این موضوع پرداخته می‌شود که اگر ارزش بازار شرکت بیش از ارزش دفتری داراییهای آن باشد، مدیریت بطور بهینه از داراییهای خود استفاده نموده است. به لحاظ نظری، پیرامون نحوه تأثیرگذاری مشارکت سهامداران (در نقش یک مکانیزم نظارتی و ابزار راهبری شرکتی) بر میزان اجتناب مالیاتی دو تحلیل رقیب وجود دارد. از یکسو انتظار می‌رود رابطه مثبتی میان پویایی مجامع و اجتناب مالیاتی وجود داشته باشد. به این ترتیب که هرچه مشارکت سهامداران بیشتر باشد هیئت مدیره تلاش بیشتری جهت حداکثر کردن ثروت سهامداران خواهد نمود؛ بنابراین از آنجایی که اجتناب از مالیات می‌تواند ابزاری برای افزایش ثروت سهامداران باشد با افزایش میزان مشارکت، میزان اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با تلقی نمودن مجامع پویا به عنوان یک سازوکار راهبری شرکتی که موجب افزایش صحت و شفافیت اطلاعات می‌گردد انتظار می‌رود هرچه میزان مشارکت سهامداران افزایش یابد سوءاستفاده از اجتناب از مالیات کاهش یابد (دسای و دهامایالا، ۲۰۰۶).

البته باید این نکته را به خاطر داشت که قدرت مجمع سهامداران به شدت تحت تأثیر توزیع مالکیت سرمایه سهام است. سهامداران عمده که بخشهای بزرگی از سهام شرکت را در اختیار دارند می‌توانند مدیران موردنظر خود را تعیین کنند و در نتیجه به شدت امور اجرایی شرکت را تحت تأثیر قرار دهند. به این ترتیب قدرت از سهامداران به سهامداران عمده منتقل می‌شود که باعث می‌شود وجود قدرت در خارج از جلسات مجمع احساس شود (سیگر، ۲۰۰۲). بامز و شمیتز (۱۹۹۹) بیان می‌کنند شکست بازار در شرکتهای دولتی که مالکیت سهام آنها بسیار پراکنده است، وجود دارد چرا که سرمایه گذارانی که مالک تنها سهم کوچکی هستند انگیزه ای برای سرمایه گذاری وقت و پول زیادی برای نظارت بر سرمایه گذاری آنها نخواهند داشت و ترجیح می‌دهند به لحاظ

عقلانی بی تفاوت باشند. به لحاظ تجربی، به رغم اینکه رابطه مکانیزم های راهبری شرکتی نظیر تمرکز مالکیت (بایراکدارو قلو و همکاران، ۲۰۱۳ و بولای و همکاران، ۲۰۱۷) و سهامداران نهادی (وینتیال و قرقینا، ۲۰۱۲، شیفرت و همکاران، ۲۰۰۵ و اسعدی، ۱۳۹۵) با عملکرد مالی و با اجتناب مالیاتی (آرمسترونک و همکاران، ۲۰۱۳ و باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹) بررسی شده است تاکنون پژوهشی پیرامون رابطه مشارکت سهامداران در مجامع عمومی سهامداران با عملکرد مالی و مالیاتی صورت نگرفته است.

با توجه به تحلیل ها و یافته های ذکر شده پیرامون تأثیر میزان مشارکت سهامداران در مجمع عمومی صاحبان سهام بر عملکرد مالی و مالیاتی شرکت، فرضیات پژوهش به شرح زیر تدوین می گردد:

فرضیه ۱: بین میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام و بازده دارایی ها رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه ۲: بین میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه ۴: بین میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش بر اساس چگونگی جمع آوری داده ها، از نوع پس رویدادی یا شبه تجربی و به لحاظ روش از نوع توصیفی-همبستگی است. داده های مورد نیاز این پژوهش از طریق بانکهای اطلاعاتی رایانه ای (نرم افزار ره آورد نوین) و سایت کدال جمع آوری شده است.

جامعه آماری این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری با شرایط زیر مورد تعدیل قرار گرفته است. شرکتهایی در جامعه آماری قرار گرفتند که شرایط زیر در مورد آنها صدق کند: ۱- بانکها و شرکت های بیمه و سرمایه گذاری به واسطه فعالیت خاص کنار گذاشته شدند. ۲- سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود، ۳- بین سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ تغییر سال مالی نداشته باشند، ۴. اطلاعات مورد نیاز آنها در دوره زمانی پژوهش در دسترس باشد. با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۹۵ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

جزئیات در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱- تعیین تعداد نمونه (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

تعداد	شرح
۵۱۰	تعداد کل شرکت های عضو در بورس تهران در پایان سال ۹۵
(۷۴)	شرکتهایی که طی دوره ۸۸ تا ۹۵ در بورس عضویت نداشتند.
(۳۸)	بانکها، شرکت های سرمایه گذاری، بیمه
(۱۱۳)	شرکتهایی که دارای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند نبودند.
(۱۹۰)	تعداد شرکتهایی که داده آنها در دسترس نبود.
۹۵	تعداد شرکت های نمونه

۳- مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش، یعنی رابطه بین میزان مشارکت سهامداران و بازده داراییها، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره (بر مبنای ادبیات گذشته نظیر بوالی و همکاران، ۲۰۱۷) به شرح زیر استفاده می شود

$$ROA = a_0 + a_1 Participation + a_2 Size + a_3 LEV + a_4 INS + a_5 INB + a_6 GOV + a_7 MAN + a_8 Rank + a_9 Tenure + a_{10} Age + \sum Year + \sum Industr$$

ROA: بازده داراییها است که حاصل تقسیم سود ویژه پس از کسر مالیات بر کل داراییها است (بوالی و همکاران، ۲۰۱۷)
Participation: درصد سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام، Size: اندازه شرکت است که حاصل لگاریتم متوسط دارایی و فروش است (بوالی و همکاران، ۲۰۱۷)، LEV: اهرم مالی که حاصل تقسیم بدهیها بر داراییها است، INS: درصد مالکیت سهامداران نهادی شامل بانکها، بیمهها، شرکتهای سرمایه گذاری، صندوقهای بازنشستگی، صندوقهای سرمایه گذاری و هلدینگها (وینتیال و قرقینا، ۲۰۱۲) INB: استقلال هیئت مدیره که حاصل تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر کل اعضای هیئت مدیره است (بوالی و همکاران، ۲۰۱۷) GOV: درصد سهامی که در اختیار شرکتهای دولتی است؛

منظور از شرکتهای دولتی شرکتهایی هستند که بیش از ۹۰ درصد سهام آن‌ها در دست دولت، نهادهای عمومی یا شرکتهای دولتی است، MAN: درصد سهامی که در اختیار هیئتمدیره شرکت است (وینتیال و قرقینا، ۲۰۱۲)، Rank: رتبه موسسه حسابرسی است. به این ترتیب که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی یا مؤسسات دارای رتبه الف جامعه حسابداران رسمی، حسابرسی شود یک در غیر این صورت صفر، Tenure: دوره تصدی است که عبارت است از تعداد سالهایی که یک شرکت توسط یک موسسه حسابرسی خاص حسابرسی می‌شود، Age: لگاریتم سن شرکت (بوالی و همکاران، ۲۰۱۷)، Year: سال موردبررسی و Industry: صنعت مورد بررسی. شایان ذکر است که سال و صنعت به صورت صفر و یک کدگذاری شده اند.

جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش، یعنی رابطه بین میزان مشارکت سهامداران و بازده حقوق صاحبان سهام، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$ROE = a0 + a1participation + a2Size + a3LEV + a4INS + a5INB + a6GOV + a7MAN + a8Rank + a9Tenure + a10Age + \sum Year + \sum Industr$$

: بازده حقوق صاحبان سهام است که حاصل تقسیم سود ویژه پس از کسر مالیات بر کل حقوق صاحبان سهام است (بوالی و همکاران، ۲۰۱۷).

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش، یعنی رابطه بین میزان مشارکت سهامداران و نسبت کیوتوبین، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$QTobin = a0 + a1participation + a2Size + a3LEV + a4INS + a5INB + a6GOV + a7MAN + a8Rank + a9Tenure + a10Age + \sum Year + \sum Industr$$

QTo : حاصل تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است. کیوتوبین حاصل تقسیم مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار بدهیها بر ارزش دفتری داراییها است. از آنجاییکه در متون مالی به این نکته اشاره شده است که ارزش بازار بدهیها با ارزش دفتری بدهیها تاحدی یکسان است نسبت کیوتوبین به صورت تقسیم ارزش بازار 8 حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام قابل محاسبه است (پرفکت و وایل، ۱۹۹۴ و فرناندز، ۲۰۱۶).

جهت آزمون فرضیه چهارم پژوهش، یعنی رابطه بین میزان مشارکت سهامداران و اجتناب مالیاتی، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$TaxAvoid = a0 + a1participation + a2Size + a3LEV + a4INS + a5INB + a6GOV + a7MAN + a8ROA + a9Rank + a10Tenure + a11Age + a12Growth + \sum Year + \sum Industr$$

$TaxAv$: اجتناب مالیاتی است که از طریق شاخص نرخ موثر مالیاتی محاسبه می‌شود. به این ترتیب هزینه مالیات در هر سال بر سود ویژه قبل از کسر مالیات تقسیم میگردد (جبهارت، ۲۰۱۷). Growth: رشد فروش است که حاصل تفاضل فروش سال جاری و سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل است (هوی و همکاران، ۲۰۱۳).

۴- تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در جدول ۲ نمایش داده شده است. به طور متوسط حدود ۸۱ درصد سهامداران در مجامع عمومی عادی حاضر میشوند و حدود ۳۹ درصد سهام شرکت ها در اختیار سهامداران نهادی، ۱۰ درصد در اختیار نهادها و شرکتهای دولتی و ۶۱ درصد در اختیار هیئتمدیره بوده است. بعلاوه ۶۳ درصد از اعضای هیئتمدیره غیرموظف بوده اند.

نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه اول در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس نتایج ارائه شده در این جدول، ضریب رگرسیونی متناظر با مشارکت سهامداران ۰/۱۹۶ و سطح معناداری متناظر با آن ۰/۰۰۰ است؛ با عنایت به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه اول پژوهش با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌شود. به عبارت دیگر بین میزان مشارکت سهامداران و بازده داراییها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میان	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
Participation	۰/۰۶	۱	۰/۸۳۷	۰/۸۰۹	۱۴/۱۴۷	-۱/۳۲۴	۲/۸۵۴
ROA	-۰/۳۴	۰/۶۳	۰/۱۰۷	۰/۱۲۳	۰/۱۳۹	۰/۶۰۲	۱/۴۷۰
ROE	-۳/۶۸	۴/۶۷	۰/۲۸۰	۰/۲۶۶	۰/۴۳۱	-۰/۳۶۷	۴۴/۴۳۲
QTobin	-۵۱/۷۹	۳۴/۹۲	۲/۱۷۹	۲/۳۳۴	۳/۸۵۷	-۵/۶۱۷	۸۷/۹۶۷
Size	۹/۹۹	۱۸/۴۴	۱۳/۶۳۰	۱۳/۶۷۸	۱/۴۵۹	۰/۵۴۰	۰/۸۲۵
LEV	۰/۱۴۷	۰/۰۹	۰/۵۸۴	۰/۵۸۲	۰/۲۱۵	۱/۰۰۷	۵/۴۲۹
INS	۰	۰/۹۸	۰/۳۱۲	۰/۳۹۲	۰/۳۲۲	۰/۳۱۶	-۱/۳۶۴
INB	۰	۱	۰/۶۰۰	۰/۶۳۰	۰/۲۳۳	-۰/۸۴۱	۰/۶۷۴
GOV	۰	۰/۹۱	۰/۰۱۴	۰/۰۹۷	۰/۱۵۲	۲/۰۰۸	۴/۳۶۴
MAN	۰	۰/۹۹	۰/۶۶۴	۰/۶۱۱	۰/۲۵۶	-۰/۸۲۹	-۰/۲۲۷
Rank	۰	۱	۱	۰/۷۳۶	۰/۴۴۱	-۱/۰۷۴	-۰/۸۴۸
Tenure	۱	۷	۲	۲/۲۷۵	۱/۴۲۸	۱/۲۲۲	۱/۳۳۹
Age	۲/۲۰	۴/۱۹	۳/۷۳۷	۳/۵۷۸	۰/۴۱۳	-۰/۷۷۴	-۰/۳۰۸
Growth	-۰/۹۳	۷/۸۲	۰/۱۴۵	۰/۲۰۳	۰/۵۰۳	۷/۰۲۶	۸۹/۵۱۲

جدول ۳- نتایج حاصل از برازش مدل اول پژوهش

$ROA = a_0 + a_1Participation + a_2Size + a_3LEV + a_4INS + a_5INB + a_6GOV + a_7MAN + a_8Rank + a_9Tenure + a_{10}Age + \sum Year + \sum Industry$			
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۱۵۴	-۲/۲۶۱	۰/۰۲۵
Participation	۰/۱۹۶	۴/۹۴۳	۰/۰۰۰
Size	۰/۰۵۳	۶/۷۰۸	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۳۶۱	-۱۵/۸۱۴	۰/۰۰۰
INS	۰/۰۷۲	۳/۹۱۱	۰/۰۰۰
INB	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳۰	۰/۹۷۶
GOV	-۰/۱۷۸	-۳/۹۴۶	۰/۰۰۰
MAN	۰/۰۵۲	۲/۱۳۵	۰/۰۳۴
Rank	۰/۰۰۶	۰/۵۵۵	۰/۵۸۰
Tenure	-۰/۰۰۳	-۰/۲۸۸	۰/۷۷۴
Age	۰/۰۰۱	۰/۰۵۳	۰/۹۵۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰۳		
آماره F	۳۲/۵۹۳		
سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۱/۱۵۶		

در جدول ۴، نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه دوم نشان داده شده است. در این مدل، رابطه میان مشارکت سهامداران و بازده حقوق صاحبان سهام مورد بررسی قرار میگیرد. همانگونه که مشاهده می شود رابطه بین مشارکت سهامداران و بازده حقوق صاحبان سهام مثبت و در سطح ۹۵٪ معنادار (ضریب = ۰/۴۶۵ و سطح معناداری = ۰/۰۱۷) است. به این ترتیب با افزایش میزان مشارکت سهامداران، بازده حقوق صاحبان سهام نیز افزایش می یابد.

جدول ۴- نتایج حاصل از برازش مدل دوم پژوهش

$ROE = a_0 + a_1 Participation + a_2 Size + a_3 LEV + a_4 INS + a_5 INB + a_6 GOV + a_7 MAN + a_8 Rank + a_9 Tenure + a_{10} Age + \sum Year + \sum Industry$			
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۰/۳۰۸	-۰/۹۳۴	۰/۳۵۱
Participation	۰/۴۶۵	۲/۴۱۲	۰/۰۱۷
Size	۰/۰۹۲	۲/۳۷۲	۰/۰۱۸
LEV	-۰/۱۰۴	-۰/۹۴۱	۰/۳۴۷
INS	۰/۱۰۵	۱/۱۷۰	۰/۲۴۳
INB	-۰/۰۷۳	-۰/۶۱۳	۰/۵۴۰
GOV	-۰/۵۰۳	-۲/۳۰۲	۰/۰۲۲
MAN	۰/۰۲۶	۰/۲۲۱	۰/۸۲۵
Rank	۰/۰۵۷	۱/۱۰۲	۰/۲۷۱
Tenure	-۰/۰۵۲	-۱/۰۱۷	۰/۳۱۰
Age	-۰/۰۳۸	۰/۵۸۹	۰/۵۵۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۴۵		
آماره F	۳/۲۶۳		
سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۱/۸۴۷		

در جدول ۵، نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه سوم نشان داده شده است. در این مدل، رابطه میان مشارکت سهامداران و نسبت کیوتوبین مورد بررسی قرار می گیرد. همانگونه که مشاهده می شود رابطه بین مشارکت سهامداران و نسبت کیوتوبین مثبت و در سطح ۹۵٪ معنادار (ضریب = ۴/۷۹۵ و سطح معناداری = ۰/۰۰۰) است. به عبارت دیگر هرچه میزان مشارکت سهامداران افزایش یابد نسبت کیوتوبین نیز افزایش می یابد.

جدول ۵- نتایج حاصل از برازش مدل سوم پژوهش

$QTobin = a_0 + a_1 Participation + a_2 Size + a_3 LEV + a_4 INS + a_5 INB + a_6 GOV + a_7 MAN + a_8 Rank + a_9 Tenure + a_{10} Age + \sum Year + \sum Industry$			
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۶/۸۰۰	۳/۴۱۳	۰/۰۰۱
Participation	۴/۷۹۵	۴/۱۲۲	۰/۰۰۰
Size	-۰/۰۳۴	-۰/۱۴۵	۰/۸۸۴
LEV	۰/۸۱۷	۱/۲۲۰	۰/۲۲۴
INS	-۱/۳۵۸	-۲/۵۱۳	۰/۰۱۳
INB	-۲/۵۸۵	-۳/۵۸۴	۰/۰۰۰
GOV	-۰/۱۳۹	-۰/۱۰۶	۰/۹۱۶
MAN	۰/۲۲۴	۰/۳۱۳	۰/۷۵۴
Rank	۰/۳۸۱	۱/۲۲۴	۰/۲۲۲
Tenure	-۰/۳۳۳	-۱/۰۷۶	۰/۲۸۳
Age	-۱/۵۳۲	-۳/۹۰۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۷۸		
آماره F	۹/۱۱۷		
سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۱/۵۶۳		

همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود ضریب رگرسیونی متناظر با مشارکت سهامداران ۵۳/۰ و سطح معناداری متناظر با آن ۰/۲۶۵ است؛ با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه چهارم پژوهش با اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود. به عبارت دیگر بین مشارکت سهامداران و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۶- نتایج حاصل از برازش مدل چهارم پژوهش

$TaxAvoid = a_0 + a_1 participation + a_2 Size + a_3 LEV + a_4 INS + a_5 INB + a_6 GOV + a_7 MAN + a_8 ROA + a_9 Rank + a_{10} Tenure + a_{11} Age + a_{12} Growth + \sum Year + \sum Industry$			
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۰۷۸	۰/۹۶۶	۰/۳۳۵
Participation	۰/۰۵۳	۱/۱۱۶	۰/۲۶۵
Size	-۰/۰۰۷	-۰/۷۵۹	۰/۴۴۹
LEV	-۰/۰۰۴	-۰/۱۱۸	۰/۹۰۶
INS	-۰/۰۵۹	-۲/۷۴۴	۰/۰۰۶
INB	-۰/۰۰۷	-۰/۲۶۴	۰/۷۹۲
GOV	-۰/۱۰۰	-۱/۹۰۴	۰/۰۵۸
MAN	۰/۰۴۵	۱/۶۰۳	۰/۱۱۰
ROA	۰/۲۰۰	۲/۸۸۵	۰/۰۰۴
Rank	-۰/۰۲۲	-۱/۸۰۹	۰/۰۷۲
Tenure	۰/۰۱۵	۱/۲۴۴	۰/۲۱۴
Age	۰/۰۱۷	۱/۰۹۲	۰/۲۷۶
Growth	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۶	۰/۹۵۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۷۵		
آماره F	۵/۶۴۶		
سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۱/۵۹۳		

نتیجه گیری و بحث

علیرغم اینکه در طول چند دهه گذشته تالشهای بسیاری جهت حمایت از حقوق سهامداران توسط فعالان و دست اندرکاران بازار سرمایه صورت گرفته است پژوهشگران چندان به پیامدهای مثبت یا منفی حضور و مشارکت سهامداران نپرداخته‌اند. این در حالی است که بسیاری از صاحبانظران بر نقش مشارکت بالای سهامداران و پویایی مجامع در ایجاد راهبری شرکتی کارآمد و بهبود عملکرد شرکت اذعان دارند. به این ترتیب پژوهش حاضر به بررسی تأثیر میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام بر عملکرد مالی میپزدازد. به علاوه با توجه به اینکه در طی سالهای گذشته یکی از دغدغه های اصلی، اطلاع از شفافیت گزارشگری مالیاتی به منظور جلوگیری از اتخاذ بی رویه سیاست های جسورانه مالیاتی شرکتها و در نتیجه کاهش درآمدهای مالیاتی کشور است، در این پژوهش، تأثیر میزان مشارکت سهامداران در مجمع بر عملکرد مالیاتی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا جهت اندازه گیری عملکرد مالی از سه معیار بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین و جهت اندازه گیری عملکرد مالیاتی از معیار اجتناب مالیاتی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین میزان مشارکت سهامداران و عملکرد شرکت وجود دارد. به این ترتیب در شرکتهایی که مجامع پویاتری دارند میزان بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین بیشتر است. می توان گفت این نتایج تا حدی سازگار با تئوری سرمایه اجتماعی در علم جامعه شناسی است. طبق این تئوری، سرمایه اجتماعی بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت و بهبود عملکرد سازمان قلمداد می‌شود. این یافته ها همخوان با نتایج بایراکدارو قلو و همکاران (۲۰۱۳) و وینتیلا و قرقینا (۲۰۱۲) و در تناقض با یافته‌های شیفرت و همکاران (۲۰۰۵) و بوالی و همکاران (۲۰۱۳) است.

در ادامه نتایج نشان می‌دهد بین میزان مشارکت سهامداران حاضر در مجمع عمومی صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. به این ترتیب می توان گفت در ایران، سهامداران کمتر مسائل مالیاتی را مدنظر قرار میدهند و اتخاذ رویه های اجتناب مالیاتی از سوی شرکتها تابعی از عوامل دیگری به جز پویایی مجامع است. این نتیجه همخوان با نتایج اسعدی (۱۳۹۵) و باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) و در تناقض با یافته های آرمسترونک و همکاران (۲۰۱۳) است.

بنابراین، در مجموع، با توجه به تأثیر مثبتی که سهامداران بر عملکرد مالی دارند می توان به متصدیان بازار سرمایه پیشنهاد نمود که بسترهای الزم برای پیاده سازی سازوکارهای مختلف جهت افزایش مشارکت سهامداران در مجامع نظیر برگزاری مجامع به صورت مجازی و الکترونیکی را فراهم آورند. به سرمایه گذاران بالقوه و تحلیلگران نیز پیشنهاد می گردد هنگام ارزیابی و تصمیم گیری پیرامون شرکت، حضور سهامداران بالفعل در مجامع را مورد توجه قرار دهند. چراکه حضور پررنگ تر سهامداران در مجامع می تواند نقش بسزایی در بهبود عملکرد شرکت داشته باشد.

یکی از محدودیتهای این پژوهش عدم استفاده از سایر معیارهای سنجش اجتناب مالیاتی نظیر تفاوت مالیات ابرازی و قطعی بوده است چراکه شرکتها در ایران مالیاتهای قطعی و ابرازی خود را با حداقل دو سال تأخیر افشا می نمایند. در صورت استفاده از این معیار قلمرو زمانی کاهش می -یافت. به این ترتیب ممکن است به کارگیری سایر معیارها در سنجش متغیرها موجب تغییر نتایج گردد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی، تأثیر پویایی مجامع عمومی سهامداران بر عملکرد غیرمالی نظیر کیفیت محصول، رضایتمندی مشتری، سهم از بازار محصول و ... نیز مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- احمدی، علیاکبر و فیضآبادی، حوریه. (۱۳۹۰) بررسی ارتقا سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد سازمان (نمونه موردی: سازمانهای ستادی شهرداری تهران)، مدیریت دولتی، ۳(۶)، صص ۳۵-۵۴
- اسعدی، عبدالرضا. (۱۳۹۵) حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت های هلدینگ و تابعه در بورس اوراق بهادار تهران، راهبرد مدیریت مالی، ۴(۴) صص. ۱۲۹-۱۵۱.
- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها، پژوهش های حسابداری مالی، ۳(۵) صص. ۶۵-۸۵
- برارنیا ادبی، قربان؛ بشیری، ندا و حسینی مقدم، سید روح اهلل. (۱۳۹۴) مجمع مجازی سهامداران در خدمت اصول راهبری شرکت ها ارائه مدلی برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری رسمی، ۲۹(۴۱) صص. ۷۱-۸۳
- جوادی، نوید و فتاحی، سیروس. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر پاداش مدیران بر ساختار سرمایه و عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، راهبرد مدیریت مالی، ۴(۱۴)، صص ۶۹-۹۴
- رضایی، نسرين و امیرحسینی، زهرا. (۱۳۹۶). ارزیابی عملکرد با استفاده از نسبت های مالی به شیوه الگوریتم درخت تصمیم گیری"، راهبرد مدیریت مالی، ۵(۱۷) صص. ۱۸۵-۲۰۵
- Ahmadi, S. A. A. & Feizabadi, H. (2011). "Investigating Social capital and effect of that on the organization improvement Case study: Staff Organizations of Tehran municipality", Journal of Public Administration, 3(6), pp.35-88 (In Persian).
- Armstrong, C. Blouin, J. Jagonlizer, A. & Larcker, D. (2013). "Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance". Rock Center for Corporate Governance working paper series.
- Asadi, A. (2017). "Corporate Governance and Holding Companies and Subsidiaries Performance in Tehran Stock Exchange", Journal of Financial Management Strategy, 4(4), pp.129-151 (In Persian).
- Babajani, J. & Abdi, M. (2010). "Relationship between Corporate Governance and Enterprises Taxable Profit", Journal of Financial Accounting Research, 2(3), pp.65-85 (In Persian).
- Bararnia, A. G. Bashiri, N. & Hosseini Moghaddam, S. R. (2015). "Shareholders' virtual meeting in serving principles of corporate governance providing a model for companies listed in Tehran Stock Exchange", Journal of Certified Public Accountant, 29 (41), pp.77-83 (In Persian).
- Baums, T. & Schmitz, R. (1999). "Shareholder Voting in Germany", Downloaded on 16/06/2005 from: www.jura.uni-frankfurt.de/ifawz1/baums/Arbeitspapiere.html.
- Bayrakdaroglu A. Ersoy E. & Citak L. (2013). "Is There a Relationship Between Corporate Governance and Value-based Financial Performance Measures? A Study of Turkey as an Emerging Market", Asia-Pacific Journal of Financial Studies, 41(2), pp.224-239.
- Beuthel, B. (2006). "Electronic Corporate Governance: Online and Virtual Shareholder Meetings and Shareholder Participation in Switzerland and Germany", Dissertation of the University of St.Gallen, Zürich, Switzerland.

- Buallay, A. Hamdan. A. & Zureigat, Q. (2017). "Corporate Governance and Firm Performance: Evidence from Saudi Arabia, Australasian Accounting", Business and Finance Journal, 11(1), pp.78-98.
- Desai, M. Dharmapala, D. (2006), "Corporate Tax Avoidance and High Powered Incentives". Journal of Financial Economics, (79), pp.145-179.
- Fernandez, M. R. (2016), "Social responsibility and financial performance: The role of good corporate governance", BRQ Business Research Quarterly, 19(2), pp.137-151.
- Gebhart, M. S. (2017). "Measuring Corporate Tax Avoidance – An Analysis of Different Measures", Junior Management Science, 3, pp.43- 60. - Hanlon, M. & Heitzman S. (2010). "A Review of Tax Research", Journal of Accounting and Economics, p.50.
- Hoi, C. K. Wu, Q. & Zhang, H. (2013). "Is Corporate Social Responsibility (CSR) Associated with Tax Avoidance? Evidence from Irresponsible CSR Activities". The Accounting Review, 88(6), pp.2025-2059. Javadi, N. & Fatahi, S. (2016). "The Effect of the Executive Compensation on the Capital Structure and Financial Performance of Companies Listed in Tehran Stock Exchange". Journal of Financial Management Strategy, 4(14), pp.69-94 (In Persian).
- Lehmann E. and Weigand J. (2002). "Does the Governed Corporation Perform Better? Governance Structures and Corporate Performance in Germany", European Finance Review, 4, pp.157-195. - Perfect, S.B. & Wiles K.W. (1994), "Alternative construction of Tobin's Q. An empirical comparison", Journal of Empirical Finance, 1(3-4), pp. pp.313-341. - Putnam, R. (1993). "Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy", Princeton University Press, Princeton.
- Rezaee, N. and Amirhosseini, Z. (2017). "Evaluation of Financial Performance Using Decision Tree Algorithm Method". Journal of Financial Management Strategy, 5(17), pp.185-205 (In Persian). 16
- Seifert, B. Gonenc, H. & Wright, J. (2005). "The international evidence on performance and equity ownership by insiders, blockholders, and institutions". Journal of Multinational Financial Management 15, pp.171- 191.
- Vintila, G. & Gherghina, S. C. (2012). "An Empirical Investigation of the Relationship between Corporate Governance Mechanisms, CEO Characteristics and Listed Companies' Performance", International Business Research, 5(10), pp.175-191.

پیامدهای قاچاق کالا و ارز در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۲۲۰۶۶

مهدی سراوانی^۱، حسین کیخا^۲، معصومه دهمرده^{۳*}

چکیده

از زمان اعمال فشارها و تحریم‌های غرب و به‌ویژه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد اقتصادی و تجاری، مسئولان و سیاست‌گذاران کشور و به‌ویژه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی را در دستور کار قرار دادند. اقتصاد مقاومتی به مفهوم شناسایی و کنترل اهرم‌های فشار بر اقتصاد است. این نوع اقتصاد بر عکس تصور ظاهری فاقد پیشینه نظری نیست و حداقل در سطح کشورهایی همچون هند تحت استعمار انگلستان و یا غزه فلسطین دارای تجربه تاریخی است. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که الگوی اقتصادی متناسب با نظام سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است و همچنین رویکردی مبتنی بر تلاش جهت کاهش وابستگی‌ها به خارج، مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای رسیدن به خوداتکایی. بر این اساس سؤالی که در این پژوهش مطرح شده، این است که «رواج قاچاق کالا و ارز چه تأثیراتی در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی داشته است؟» «وجود قاچاق کالا و ارز با گسترش فقر و بیکاری در جامعه، از میان رفتن سرمایه و تولیدات داخلی، تحریم‌های آمریکا، تعطیلی بنگاه‌های اقتصاد داخلی، کنار گذاشتن ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی، ضررهای جانی و مالی و ... باعث عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور شده است»، فرضیه‌ای است که برای سؤال اصلی این پژوهش ارائه شده است. همچنین روش تحقیق به کار گرفته شده در پژوهش فوق از حیث هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، قاچاق کالا، تولید ملی، تحریم، جمهوری اسلامی ایران.

۱- کارشناس ارشد نرم‌افزار

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی (مسئول مکاتبات) m.dahmarde180@yahoo.com

۱- مقدمه

اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» حکایت از نگاه جدیدی به علم اقتصاد است و نوع تازه‌ای از اقتصاد را می‌خواهد معرفی نماید؛ اقتصادی متناسب با کشورهایی چون ایران که در معرض تهدیدها و تحریم‌ها هستند. ویژگی و تمایز این چنین کشورهایی در این است که دارای یک اقتصاد مقابله‌کننده با حرکت عمومی اقتصاد جهانی هستند. از دیدگاه اقتصاددانان، اقتصاد مقاومتی فضایی است برای مواجه شدن با استقلال وابسته و مصرف‌گرایی. چنین اقتصادی منفعل نیست و در برابر اهداف سلطه اقتصادی می‌ایستد و سعی می‌کند تا ساختار اقتصادی‌اش را بر اساس اهداف و ایدئولوژی خاص خود تغییر داده و تلاش دارد، اقتصاد را در راستای ارزش‌ها و نگرش‌های خود قرار دهد. در اقتصاد مقاومتی حوزه‌های فشار شناسایی و دولت سعی به رفع تحریم و یا بی‌اثر کردن آن‌ها می‌کند که برای این موضوع، مدیریت عقلانی و هوشمندانه لازمه اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود تا بتواند بر روی تولید داخلی تمرکز کند. این نوع اقتصاد بسیار پویا و فعال است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۴).

آمادگی نهادهای اقتصادی و تعامل همکاری میان دولت و مردم برای تحقق این اهداف بسیار ضروری است و برآیند تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی منجر به حذف فعل قاچاق کالا، تثبیت نوسانات نرخ ارز، افزایش اشتغال، تثبیت عمومی قیمت‌ها، توسعه بخش خصوصی و مدیریت می‌شود؛ اما رخداد چنین عواملی در اقتصاد مقاومتی به سادگی امکان‌پذیر نیست (سیمی و مارتین، ۲۰۱۰: ۳۱). در سال‌های اخیر با افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای، عبارت اقتصاد مقاومتی به ادبیات اقتصادی ایران وارد شده است. این عبارت برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ در دیدار فعالان اقتصادی و کارآفرینان با مقام معظم رهبری مطرح شد. در این جلسه مقام معظم رهبری واژه «اقتصاد مقاومتی» را به کار بردند و آن را دلیلی برای مواجه شدن با فشارهای اقتصادی دشمنان ایران و همچنین آمادگی کشور برای تغییر دانستند. سؤالی که اکنون پیش می‌آید این است که موانع اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ نقش مؤلفه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و ... در عدم تحقق اقتصاد مدیریتی کدامند؟ فرض اصلی و اساسی این پژوهش این است که اقتصاد مقاومتی به واسطه ناکارایی‌ها و موانع متعدد در حوزه‌های مختلف تاکنون تحقق نیافته است.

۲- طرح مسئله

چالش‌های اقتصادی از مهم‌ترین مسائل و دشواری‌های دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ چالش‌هایی که در تنگنانهایی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، بیشتر از همیشه پیامدهای نامطلوب خود را برای کشور و مردم آشکار ساخته و می‌سازد (هفته‌نامه خریدار، ۱۳۹۵). توسعه اقتصادی در دهه‌های اخیر به عنوان آرمانی بی‌بدیل، همواره دل‌مشغولی‌های فراوانی برای جوامع بشری، به‌ویژه جوامع در حال توسعه پدید آورده است. در سال‌های اخیر با افزایش تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و با هدف متوقف ساختن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، واژه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با کارآفرینان مطرح گردید (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). اقتصاد مقاومتی بنا به فرموده مقام معظم رهبری به مفهوم اقتصادی که برای یک ملت حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند، می‌باشد. بی‌تردید عوامل بسیار گسترده‌ای در سطوح گوناگون بر عدم تحقق توسعه اقتصادی و به‌ویژه اقتصاد مقاومتی، نقش‌آفرینی می‌کنند. یکی از عوامل مؤثری که تأثیر مستقیم بر عدم تحقق اقتصاد مقاومتی دارد، قاچاق کالا و ارز در مرزهای آبی و خاکی جمهوری اسلامی ایران است (فتحی و یگانه، ۱۳۸۷: ۲۸).

قاچاق به‌طور کلی و قاچاق کالا و ارز به‌طور خاص در سال‌های اخیر از مشکلات ساختاری کشور به شمار می‌رود. از آثار قاچاق کالا بر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توان به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، تولید داخلی، درآمدهای مالیاتی، گمرکی و درآمدهای ارزی-ریالی و افزایش هزینه‌های دولت، بیکاری و کند شدن توسعه مناطق مرزی، گسترش فقر و ایجاد بحران‌های اجتماعی، تأثیر بر کالاهای داخلی و زیان تولیدکنندگان داخلی، اختلال در نظام تولید و توزیع، اختلال در سیاست‌های اقتصادی دولت، پول‌شویی و بروز مشکلات پولی، افزایش انحصار و رانت‌خواری و آثار فرهنگی و تأثیر آن بر سلامت جامعه و مصرف‌کنندگان اشاره نمود که جلوگیری از بروز این‌گونه پیامدها و اثرات منفی آن بر اقتصاد باعث رونق اقتصاد و به دنبال آن بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور خواهد شد (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳).

متأسفانه ناهماهنگی و نبود همگرایی درباره تحقق شعارهای اقتصادی در کشور و دستان نامرئی به نام قاچاق کالا و ارز، برای ضربه زدن به تولید داخلی، بازار را بی‌ثبات و طبیعی است که در یک بازار بی‌ثبات اقتصادی، تولیدات داخلی نمی‌توانند رشد کنند. تبلیغات در سطح بازار در حمایت از محصولات خارجی به قدری پرهیاهو و اغواکننده است که هر اراده‌ای برای خرید کالای ایرانی را خنثی می‌کند. مردم به کالای ایرانی بی‌اعتماد و این بی‌اعتمادی جدا از توطئه‌های خارجی، ثمره به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی نادرست و سودجویی برخی از آفازده‌ها و پدروخوانده‌های مافیایی است که در کار قاچاق کالا و ارز فعالیت دارند. عدم وجود زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، تک‌محصولی و اتکا به منابع زیرزمینی نیز از دیگر مشکلاتی است که تحقق اقتصاد مقاومتی را با

مشکل مواجهه ساخته است. بسیاری از طرح‌های اقتصادی نیمه‌کاره رها و بنگاه‌های تولیدی در حالت نیمه تعطیل شدند. این مشکلات باید با مدیریت جهادی برطرف و با رونق بخشیدن به اقتصاد و استحکام پایه‌های اقتصادی در راه تحقق اقتصاد مقاومتی تلاش کرد.

۳- پیشینه و سوابق تحقیق

برخی از پژوهش‌های مربوط به تأثیر قاچاق کالا و ارز بر عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران که تاکنون انجام شده به شرح ذیل می‌باشند: «چالش‌های پیش‌روی اقتصاد مقاومتی»، عنوان پژوهشی است که منصور آخوندی و رضا سعادت‌ی در پنجمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش‌آفرینی ارائه کردند. غفور حمیدی و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بررسی آثار و پیامدهای قاچاق کالا بر رونق اقتصادی» در سال ۱۳۹۵، به بررسی عوامل مؤثر قاچاق کالا بر رونق اقتصادی کشور پرداخته و در ادامه قاچاق کالا را یکی از انواع جرائم اقتصادی دانستند که منجر به بی‌ثباتی نظام اقتصادی کشور شده است. خسرو اسفندیاری صفا و حبیب‌الله دهقان در مقاله‌ای تحت عنوان «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری» به تشریح بیانات مقام معظم رهبری پرداختند. «موانع تحقق اقتصاد مقاومتی» مقاله دیگری است که در سال ۱۳۹۴ توسط محمدحسین پژوهنده در فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی - اسلامی به چاپ رسیده است. مؤلف در این مقاله اقتصاد مقاومتی را تنها راه حفظ عزت و کرامت جمهوری اسلامی ایران در تقابل با سیاست‌های خصمانه غرب برشمرده است.

۴- تعریف عملیاتی

الف- تعریف اقتصاد: یکی از معانی اقتصاد، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. از دیدگاه «ارسطو» علم اقتصاد؛ یعنی مدیریت خانه. به نظر «آدام اسمیت» اقتصاد، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است. از نظر «استوارت میل» اقتصاد، عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع. بنا به گفته «ریکاردو» اقتصاد، علم است و از نقطه نظر «آلفرد مارشال» اقتصاد، عبارت است از مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه‌ای (خلیلی، ۱۳۹۱: ۲۴). فرهنگ معین، اقتصاد را از نظر لغوی میانه نگاه داشتن، به اندازه خرج کردن و تعادل در دخل و خرج تعریف و نیز علم اقتصاد را یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی معرفی می‌کند که مربوط به کیفیت دخل، خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر است و همچنین اصول و قوانینی است که به موجب رعایت آن‌ها، رفاه و سعادت جامعه بشری حاصل می‌گردد. همچنین اقتصاددانان غربی (اکنونیست‌ها)، از علم اقتصاد به عنوان منابع محدود برای تأمین نیازها و خواسته‌های نامحدود یاد می‌کنند (عربیون و منوچهری آملی، ۱۳۹۱: ۹۶).

ب- تعریف مقاومت: واژه «مقاومت» برگرفته از فعل ثلاثی «قام» می‌باشد و به معنای به پا خواستن و پایدار ماندن است. فرهنگ معین، «مقاومت» را از نظر لغوی، ایستادگی و برابری کردن معرفی می‌کند و آن را از نظر اصطلاحی در مباردت به نبرد تدافعی، وضعیتی می‌داند که فرماندهی آن را موضع مقاومتی معرفی کرده و بر اساس همین موضع مقاومتی با تمام قوای خود مباردت به نبرد می‌کند (عربیون و منوچهری آملی، ۱۳۹۱: ۹۶).

ج- اقتصاد مقاومتی: در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه‌ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشور مورد بحث قرار گرفته است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در «علم اقتصاد» و «برنامه‌ریزی اقتصادی» مفهوم و عمل مقاومت به معنای بهینه‌یابی در هر شرایطی نهفته است (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۳).

د- قاچاق: قاچاق عبارت است از نقل و انتقال‌های مخفیانه کالاها از خارج به داخل یا از داخل به خارج از کشور، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوطه. در واقع قاچاق نوعی تجارت نامطلوب کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و اقتصاد کشور را از مسیر صحیح آن منحرف و دستیابی به هدف‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. قاچاق اصولاً یک فعالیت غیرعادی است که با بروز آن در اقتصاد هر کشوری، اعتبار و منزلت اجتماعی آن کشور در جامعه تجارت جهانی خدشه‌دار می‌شود (درویش و اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۳).

۵- روش انجام تحقیق

با توجه به اهمیت مطالب و به روز بودن آن‌ها و ملاحظات مرتبط با متغیرها و گزاره‌های دخیل در روند تحقیق و ابعاد گسترده تأثیر قاچاق کالا و ارز بر عدم تحقق اقتصاد مقاومتی، این تحقیق از حیث هدف کاربردی است؛ اما با توجه به اهمیت مطالب و ملاحظات مرتبط با متغیرها و گزاره‌های دخیل در روند تحقیق؛ روش تحقیق از نظر ماهیت توصیفی و تحلیلی است.

۶- ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری

- مقام معظم رهبری ده ویژگی را برای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مطرح فرموده‌اند: (نمودار ۱ و ۲)
- تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان به‌ویژه عدالت اجتماعی؛
 - توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا؛
 - تکیه بر ظرفیت‌های داخلی در عین حال استفاده حداکثر از امکانات بیرون کشور؛
 - رویکرد جهادی (حرکت علمی، پر قدرت، با برنامه و مجاهدانه)؛
 - مردم‌محوری با واگذاری فعالیت اقتصادی به مردم (فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه)؛
 - امنیت اقلام راهبردی و اساسی (به‌ویژه غذا و دارو)؛
 - کاهش وابستگی به نفت؛
 - اصلاح الگوی مصرف؛
 - فسادستیزی و امنیت اقتصادی به‌ویژه از طریق شفاف‌سازی و ایجاد فضای رقابتی و باثبات؛
 - دانش‌محوری به‌ویژه با توجه به نیروی انسانی.
 - همچنین مقام معظم رهبری چهار نکته اصلی را به عنوان انگیزه و عوامل تهیه این سیاست‌ها ذکر کرده‌اند:
 - ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور (سرمایه‌های انسانی، معدنی، زیربنایی و جغرافیایی)؛
 - مشکلات مزمن و دیرپای اقتصادی (وابستگی به نفت، تورم، بیکاری و ...)
 - تهدیدهای اقتصادی جهانی؛
 - بحران‌های اقتصادی خارجی (گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴، ۱۳۹۳: ۳).

۷- الگوهای اقتصاد مقاومتی

در خصوص اقتصاد مقاومتی می‌توان ۵ الگو به صورت زیر ارائه داد:

۱-۷- اقتصاد موازی

الگوی اول از اقتصاد مقاومتی، الگوی اقتصاد موازی است؛ یعنی همان طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز می‌بایست برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کرد؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید.

۲-۷- اقتصاد ترمیمی

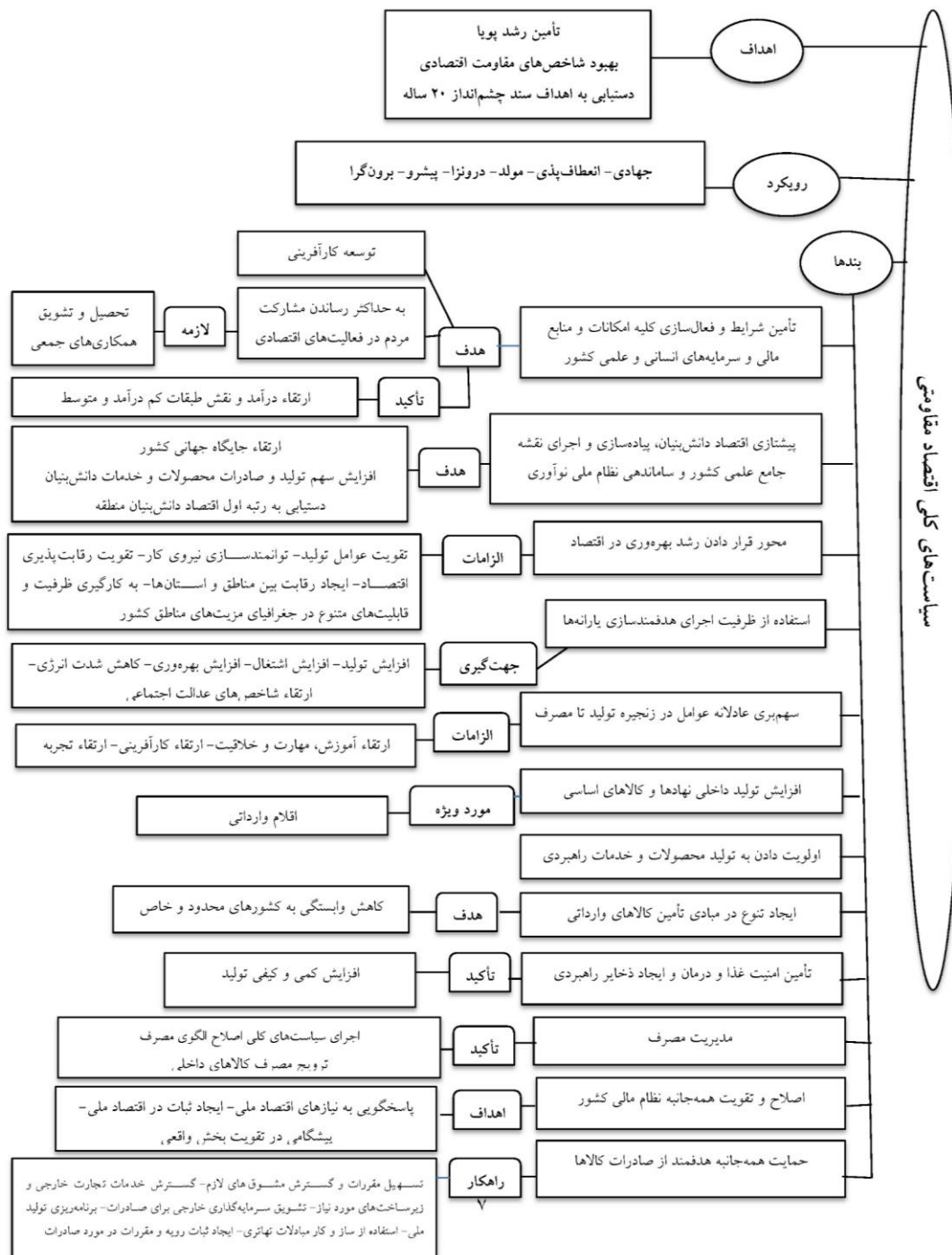
الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی، عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است. ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور بر حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست.

۳-۷- اقتصاد دفاعی

الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی جمهوری اسلامی ایران در برابر آن هجمه است؛ بنابراین زمانی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم.

۴-۷- اقتصاد الگو

چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ برخلاف ۳ الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد ما در پی اقتصاد ایده‌آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه نخست اقتصاد منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز شکل تمدن بزرگ اسلامی باشد (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۴).



۹- موانع تحقق اقتصاد مقاومتی

به طور کلی موانع اقتصاد مقاومتی را بر اساس تئوری فنریت اقتصادی می‌توان در چهار حوزه اصلی تقسیم‌بندی کرد. هر حوزه از اجزا و ارکان مختلفی تشکیل شده‌اند، اما ارکان مطرح شده در اینجا، آن‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را بر اقتصاد مقاومتی دارند. از دید «برینگلیو و همکارانش» این چهار حوزه عبارتند از:

الف- نبود ثبات اقتصادی کلان: ثبات اقتصادی همان تعامل میان مجموعه عرضه و تقاضاهای اقتصادی است. اگر مجموعه هزینه میان عرضه و تقاضا در تعادل باشد، این اقتصاد دارای تعادل درونی، موقعیت مالی پایدار، نرخ پایین تورم و نرخ بیکاری نزدیک به نرخ طبیعی است و در عین داشتن تعادل بیرونی و حجم بدهی‌ها در چنین اقتصادی پایین است. این متغیرها به

شدت تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها هستند و نشان از این دارند که چگونه دولت می‌تواند با بحران‌ها و تحریم‌های اقتصادی مواجه شود (جهانیان، ۱۳۹۵: ۱۷۰). به طور کلی اقتصاد کلان بر سه متغیر استوار است:

- کسری بودجه در نرخ تولید ناخالص داخلی (ساجدی، ۱۳۹۳: ۸).
- بالا بودن نرخ تورم و بیکاری (هوشمند، ۲۰۱۲: ۳).
- عدم وجود اقتصاد دانش‌بنیان (حجازی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۵).

ب- ناکارآمدی بازارها در اقتصاد خرد: دانشمندان علوم اقتصادی، بازارها و کارآمدی آن‌ها را از طریق سازوکارهای قیمت بررسی می‌کنند و آن را بهترین روش برای تخصیص منابع می‌دانند. اگر بازارها متعادل باشند بحران‌ها و شوک‌های بیرونی را در خود جذب و حل می‌کنند و در اقتصادهایی که بازارها متعادل نیستند، در صورت رخداد بحران و تحریم به سادگی به هم می‌ریزند و تخصیص منبع و بودجه بدان‌ها مؤثر نخواهد بود و باز هم باعث ایجاد هزینه در بخش رفاهی می‌شود و خود را در برون‌ریزی و طغیان نقدینگی، وجود منابع بیکار و بلااستفاده و هدر رفت یا کمبود کالاها در بازارها نشان می‌دهد (امیری‌طهرانی، ۱۳۹۴: ۳۳). در کارآمدی بازارها در اقتصاد خرد دو جزء اصلی از میان چند جزء مطرح است که در اقتصاد مقاومتی بسیار مؤثرند که عبارتند از:

- گستردگی و چیرگی دولت (اردکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵).
- نبود تجارت آزاد (رهروانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹).

ج- عدم نظارت و مدیریت مناسب: نظارت و مدیریت مناسب عاملی ضروری در یک سیستم اقتصادی است تا بتواند به درستی عمل کند و در عین حال مقاوم باشد. در این بخش، بحث مدیریت قوانین و حقوق مالکیت فکری مطرح است. نبود مکانیسم‌های مناسب در موقع بروز بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی منجر به هرج و مرج اجتماعی و اقتصادی می‌شود یا آن را آسیب‌پذیر می‌کند. در واقع وضع ساختارهای قانونی و ایجاد امنیت در قوانین مالکیت فکری از اجزای بسیار مهم نظارت و مدیریت مناسب محسوب می‌شود و در کنار آن استقلال قضایی، بی‌طرفی دادگاه‌ها، حمایت از حقوق مالکیت معنوی و یکپارچگی سیستم قانونی و سیاسی نیز باید وجود داشته باشد؛ اما وجود خلأ در موارد یاد شده در کشور ایران و همچنین بوروکراسی اداری طولانی و دست و پاگیر و عدم توانایی در کاهش فرآیندهای طولانی اداری باعث زمین‌گیر شدن اقتصاد مقاومتی شده است و در این بین باید فساد مالی و اداری که به صورت فراگیر در بیشتر بخش‌های سه قوه وجود دارد را اضافه کرد (پژوهنده، ۱۳۹۴: ۱۹۰). در این زمینه تحقیقات نشان می‌دهد که ایران پیشرفت و یا تغییر چشم‌گیری نداشته است و از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴، اقدامات کافی در این زمینه صورت نگرفته است (رنجبر اردکانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

د- توسعه پایین اجتماعی: یکی از اجزای دیگر اقتصاد مقاومتی، توسعه اجتماعی است و تمرکز آن بر این است که روابط اجتماعی به درستی بنا شده باشد و بتواند دستگاه اقتصادی را به درستی عمل کند. برای مشخص کردن توسعه اجتماعی شاخص‌های متعددی وجود دارد، مانند درآمد و پراکندگی آن، میزان جمعیت افراد فقیر، نرخ بلندمدت بیکاری که بیانگر این است بخشی از جمعیت یک کشور مهارت پایین یا شغل دائم ندارند و یا میزان و سطح آموزش آن‌ها پایین است (متقی، ۱۳۹۲: ۵). نکات اشتراک همه نظریه‌پردازان در خصوص اقتصاد مقاومتی، جایگاه و ارزش آن در رونق تولید داخلی و انعطاف‌پذیری آن در بحران‌ها و تحریم‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی است تا هر کشوری اقتصاد مقاومتی را در دستور کار خود قرار دهد.

۱۰- عوامل گسترش و شکل‌گیری معضل قاچاق کالا و ارز در ایران

قاچاق در کشور ایران به یک مسئله ملی تبدیل شده و با رشد فزاینده قاچاق، اقتدار دولت که همان سیاست ملی می‌باشد هم از طرف قاچاقچیان و هم از طرف مردم به زیر سؤال می‌رود. گروه اول یعنی قاچاقچیان از این جهت که دولت را یارای مقابله با خود نمی‌بینند و گروه دوم یعنی مردم که عجز دولت را در قلع و قمع قاچاق یا حتی کاهش میزان آن به وضوح مشاهده می‌کنند (شهدادی و خواجه عسگری، ۱۳۸۳: ۱۱۱). به طور کلی، قاچاق آثاری بر جامعه می‌گذارد که عبارتند از:

- مالیات‌ها و محدودیت‌های بیش از حد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).
- عوامل اقتصادی: عوامل اقتصادی مانند افزایش بیکاری، پایین بودن میزان درآمد، نبود سرمایه‌گذاری اساسی در صنایع و افزایش بیکاری باعث رواج و گسترش قاچاق در سطح کشور شده است.
- عوامل قانونی: عوامل قانونی مانند بی‌ثباتی در قوانین و مقررات و شفاف نبودن آن‌ها و افزایش تعرفه‌های گمرکی، دخالت بیش از حد دولت و ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی نیز یکی دیگر از عوامل افزایش فعل منفی قاچاق است.
- عوامل جغرافیایی: عوامل جغرافیایی مانند مرزهای گسترده آبی و خاکی، موقعیت و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه از مؤلفه‌های دیگر رواج انواع قاچاق در مرزهای جمهوری اسلامی ایران است (نمک‌شناس، ۱۳۸۴: ۲۴).

- گسترش فقر در جامعه: با افزایش قاچاق کالا، فقر در جامعه گسترش پیدا می‌کند؛ زیرا قاچاق کالا موجب انحراف سرمایه‌گذاری برای اشتغال‌زایی می‌شود و کاهش تولیدات ملی، منجر به کاهش درآمد سالانه می‌گردد و بدین ترتیب با خروج منابع سرمایه‌گذاری از حیطه فعالیت‌های مولد و ورود آن به قاچاق کالا، فقر در جامعه بیش از پیش گسترش پیدا می‌کند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).
- سودآوری بالای کالای قاچاق در مقابل ریسک پایین
- پرداخت یارانه به برخی از کالاها در داخل کشور
- بالا بودن تعرفه‌های گمرکی
- بوروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد
- محرومیت ساکنان مناطق مرزی (عیسی‌آبادی و شاه‌قلعه، ۱۳۹۱: ۵۵).
- کاهش درآمدهای ارزی
- ضرر تولیدکنندگان داخلی
- ایجاد اختلال در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی
- تهاجم فرهنگی
- تغییر الگوی مصرف در جامعه (آقایی بجستانی و مرادی حقیقی، ۱۳۹۱: ۷۲).
- تحولات بازار ارز
- تورم
- بیکاری (تقی‌نژاد عمران و نیکپور، ۱۳۹۲: ۵۸).
- حجم دولت
- درآمد سرانه
- شاخص باز بودن اقتصاد (زراءنژاد و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۹).

۱۱- پیامدهای اقتصادی ناشی از قاچاق کالا و ارز

- شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی،
- کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه،
- کاهش سطح تولید ناخالص ملی،
- کاهش اشتغال،
- هدر رفتن منابع ارزی کشور،
- توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی،
- کاهش رفاه مصرف‌کنندگان،
- عدم عضویت ایران در سازمان‌ها و مجامع تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای به دلیل بالا بودن حقوق و عوارض ورودی بالا (نصیری، ۱۳۹۴: ۴۳).

۱۲- راهکارهای مقابله با پیامدهای قاچاق کالا و ارز بر اقتصاد ایران

آمار قاچاق کالا و ارز در کشور نشان می‌دهد که قاچاق تنها با کشف و مبارزه موردی قابل برطرف شدن نیست و ضروری است که برنامه‌های اصلاح ساختار، فرهنگ‌سازی، نظارت بر بازار مصرف، حمایت مردم در مبارزه با قاچاق و اصلاح نظام تعرفه‌ای و قوانین گمرکی و نظارت سازمان استاندارد و سایر سازمان‌های نظارتی و ... باید با سودجویی و بی‌تفاوتی و عملکرد ناشایست قاچاقچیان و سودجویان مرتبط با آن مقابله کنند. هم‌اکنون تولیدکنندگان داخلی در زمینه قیمت تمام شده کالا در مقایسه با نمونه‌های وارداتی توان رقابت ندارند. از سویی وقتی قیمت تمام شده کالا بالا باشد و قدرت رقابت هم مهیا نباشد، طبیعتاً تولیدکننده را به سمت کاهش کیفیت کالا برای پایین آوردن قیمت تمام شده آن سوق می‌دهد که این خود عاملی در جهت افزایش انگیزه و زمینه‌های لازم برای قاچاق کالا به کشور است. ادامه چنین روندی تولید را تضعیف کرده و بهترین زمینه برای رشد واسطه‌گری در کشور و قاچاق کالا را فراهم می‌کند؛ به طوری که متأسفانه امروز هر فردی با اندک سرمایه‌ای که با تعطیلی واحدهای تولیدی خود به دست می‌آورد، به واسطه‌گری می‌پردازد. موضوع اساسی دیگر و همان طور که بیان کردیم قاچاق کالا از مبادی ورودی قانونی و غیرقانونی است که در صورت کنترل و نظارت دقیق این ورودی‌ها هم از حجم و میزان قاچاق و هم از

آسانی قاچاق کالا به کشور کاسته خواهد شد. گام بعدی در مقابله با قاچاق کالا، شناسایی و پاسخ دادن به تقاضای جامعه و مصرف کننده است که در این زمینه نیز به چند موضوع از جمله قیمت و کیفیت مناسب، خدمات پس از فروش، تنوع و طراحی باید توجه داشت. (ماندگار، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

۱۳- راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی دیگر از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد در عرصه جهانی و تحقق آن می باشد. برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم است تعامل و همکاری سازنده‌ای بین مردم و دولت صورت گیرد. از مهم ترین وظایف دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تثبیت شدت نوسانات نرخ ارز
- افزایش سطح اشتغال
- تثبیت سطح عمومی قیمت ها
- ارتقای سهم بخش خصوصی در اقتصاد

وظایف مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی:

- مدیریت مصرف
- قناعت (ساده زیستی و دوری از تجملات)
- ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

۱۴- سیاست های تقنینی پیشگیرانه حاکم بر نظام مبارزه با قاچاق کالا

مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مصادیق دیگر آن، نیازمند تبیین یک استراتژی منسجم و اتخاذ سیاست کیفری مناسب است. پراکندگی قوانین و مقررات مربوط به این امر و توسعه شبکه های قاچاق بین المللی و تنوع مصادیق قاچاق، با توجه به روش ها و ابزار جدیدی که قاچاقچیان به کار می برند، ضرورت تدوین و تصویب یک قانون جامع و کارا که با همه اشکال قاچاق بتوان مبارزه کند را ایجاد کرد که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ این ضرورت را برطرف نمود. در این خصوص توجه به موارد زیر ضروری است:

اتخاذ رویکرد پیشگیرانه مقدم بر رویکرد مقابله گرایانه (صفایی آتشگاه، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

قضازدایی و اتخاذ ضمانت اجراهای اداری همراه ضمانت اجراهای کیفری:

الف- مجازات های مالی

ب- مجازات های ترهیبی (آقازاده، ۱۳۸۱: ۵۷).

۱۵- سیاست های پیشگیرانه تقنینی هم گرایانه در نظام مبارزه با قاچاق ایران

تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، قوانین متعددی در حوزه قاچاق در کشور وجود داشت که از مهم ترین عوامل واگرایی و تشتت رویه مبارزاتی و مقابله با قاچاق کالا به شمار می رفت، اما در عمل قانونی جامع که از انسجام کافی برخوردار باشد، در این حوزه وجود نداشت. به همین دلیل نیز از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بسیاری از قوانین از جمله قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۱۳۱۲، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ و قانون جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایط نقلیه موتوری دریایی مصوب ۱۳۳۶، به کلی منسوخ شدند و همچنین موادی از برخی قوانین مصوب دیگر همچون قانون تأسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مصوب ۱۳۷۰، قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ و بسیاری قوانین دیگر نیز نسخ گردیدند.

به عقیده کارشناسان، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بسیاری از ضعف های موجود در حوزه مبارزه با قاچاق را پوشش داده و در عمل عمده خلأهای قانونی را مرتفع کرده است. اگرچه در این باره اختلاف نظرهایی میان صاحب نظران وجود دارد، اما در هر حال، قانون جدید درصدد برطرف کردن نقایص قوانین گذشته بوده و با توجه به این نقایص تدوین شده است. به هر صورت ذکر مزایای مطرح شده به معنای تأیید کامل قانون یا موارد ذکر شده نیست، بلکه در این مبحث نگاه ما به پیشرفت های نسبی کسب شده در زمینه های مطرح شده بوده است. لذا درباره مزایای قانون جدید موارد زیادی را می توان نام برد که در ادامه به ذکر اجمالی آن ها بسنده می شود:

۱۵-۱- سیاست استفاده از تجربه‌های جهانی

یکی از مواردی که می‌توان به آن در قانون جدید به عنوان نوآوری اشاره کرد، این است که با ترجمه هم‌زمان قانون بیش از شش کشور جهان که از ناحیه قاچاق در معرض آسیب بوده‌اند، نقاط قوت اقتباس و با یک مطالعه تطبیقی فشرده، از قوانین ضد قاچاق سایر کشورها استفاده مطلوب به عمل آمد.

۱۵-۲- سیاست توجه به مباحث پیشگیرانه و بازدارندگی مجازات‌ها

از ویژگی‌های بسیار مهم این قانون، پیشگیری از وقوع جرم با استفاده از فن‌آوری‌های نوین از جمله Rfid و الزام مراجعی که متولی واردات کالا هستند به نصب ایران کد جهت شناسایی کالاهایی که از مجاری قانونی و با نظارت دولت وارد می‌شوند، نسبت به کالاهای قاچاق و غیرقانونی و غیراستاندارد است (زارع‌مهدوی و سهرابی، ۱۳۹۶: ۸۴).

۱۵-۳- سیاست ارائه تعریف از قاچاق کالا

در راستای هم‌گرایی برداشت‌ها و تفاسیر حقوقی و قضایی، قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز با روش ترکیبی، فعل قاچاق را تعریف کرده و مصادیق را به طور کامل ذکر کرده است.

۱۵-۴- سیاست تناسب احکام با نیازهای اقتصادی روز کشور

برای هم‌گرایی نظام حقوقی و اقتصادی، قانون جدید با توجه به شرایط حال حاضر و با توجه به تحولات پیش آمده در اقتصاد و به طور کلی در قاچاق کالا و متناسب با نیازمندی‌های حال حاضر کشور تدوین شده است. سیاست طبقه‌بندی مجازات‌ها بر اساس نوع کالا (مجاز، مجاز مشروط، ممنوعه و یارانه‌ای).

۱۵-۵- سیاست تعیین مجازات‌های مناسب و متناسب با جرم

ماده ۱۸؛ هر شخص که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه‌های نقدی زیر محکوم می‌شود:

الف- کالای مجاز: جریمه نقدی یک تا دو برابر ارزش کالا،

ب- کالای مجاز مشروط: جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا،

ج- کالای یارانه‌ای: جریمه نقدی معادل دو تا چهار برابر ارزش کالا،

د- ارز: جریمه نقدی ارز ورودی، یک تا دو برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی، دو تا چهار برابر بهای ریالی آن.

۱۵-۶- مشخص شدن صلاحیت‌های ذاتی مراجع رسیدگی‌کننده در راستای هم‌گرایی مراجع

قضایی و اداری

سیاست استفاده از ظرفیت دیپلماسی در راستای افزایش هم‌گرایی‌های منطقه‌ای و جهانی، فی‌الواقع استفاده از ظرفیت دستگاه دیپلماسی در فراسوی مرزها و برطرف شدن خلأ قاچاق کالاهای خاص مثل قاچاق میراث فرهنگی و خاویار، بخشی از ویژگی‌ها و مزیت‌های قانون جدید است.

۱۵-۷- برطرف کردن خلأهای قضایی

با توجه به جامعیت این قانون، محیط مانور قضایی گسترده شده و قضات می‌توانند با توجه به شواهد و قرائن پرونده، تصمیم مناسبی اتخاذ کنند. به عنوان مثال، سابقاً در تشدید مجازات، مرز معینی در قانون مشخص نشده بود. در قوانین سابق در رابطه با تشدید مجازات سخن به میان آمده بود، ولی در زمینه نحوه تشدید سکوت شده بود که قانون جدید از این ایرادات مبرا است و به قضای کمک بسیار خوبی در اتخاذ رأی مناسب خواهد کرد. همچنین قانون جدید در زمینه شناسایی و توقف اموال متهم مقررات خوبی را پیش‌بینی کرده است.

۱۵-۸- توجه به الکتریکی کردن رویه‌های تجاری و گمرکی

در راستای هم‌گرایی دستگاه‌های مسئول، به منظور پیشگیری از جرم در فصل دوم قانون جدید، وزارت صنعت و معدن و تجارت موظف به پیش‌بینی سامانه نرم‌افزاری جامع برای یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرآیند تجارت شده است و همین طور کلیه

دستگاه‌های مرتبط با تجارت خارجی کشور موظف به همکاری در این زمینه شده‌اند؛ وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و راه و شهرسازی نیز موظف به تجهیز مبادی ورودی و خروجی و مسیرهای حمل‌ونقل به امکانات فنی مناسب و الکترونیکی کردن کلیه اسناد ورود، صدور، عبور و حمل‌ونقل و نظایر آن شده‌اند.

۹-۱۵- سیاست توجه به مناطق مرزی و معیشت مرزنشینان در جهت هم‌گرایی مردم و مسئولان
در ماده ۸ به تأمین نیازهای ناشی از انجام عملیات مأمورانی اشاره شده است که به موجب قانون، متکفل امر مبارزه با قاچاق کالا هستند که یقیناً در اقتدار مأمورین در انجام وظایف محوله مؤثر است.

۱۰-۱۵- سیاست توجه به آموزش مستمر نیروهای دست‌اندرکار در راستای هم‌گرایی عقبه فکری و بازوهای عملیاتی نظام مبارزه با قاچاق کالا
در ماده ۹ قانون، به آموزش مأمورین در حین خدمت و به‌کارگیری افراد با تجربه اشاره شده است. همچنین برگزاری رزمایش‌های سراسری و منطقه‌ای و کارگاه‌های آموزشی با محوریت دستگاه‌های کاشف مورد توجه بوده است.

۱۱-۱۵- تعیین مجازات ویژه برای قاچاق سازمان‌یافته و حرفه‌ای
از آنجا که همواره بیشترین ضربه‌ها را به اقتصاد و امنیت ملی یک کشور قاچاقچیان سازمان‌یافته و حرفه‌ای وارد می‌کنند، ضروری است ضمانت اجرایی شدید که متناسب با میزان جرم و ضرری که آن‌ها وارد می‌کنند، وجود داشته باشد. قانون جدید چنین نیازی را به خوبی برطرف کرده و مجازات‌های شدیدی را برای این دسته از قاچاقچیان در فصل پنجم (مواد ۲۸ تا ۳۳) در نظر گرفته است (خانی و شیر، ۱۳۹۲: ۶۴).

۱۵- عزم و اراده ملی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز
مبارزه با قاچاق جز با عزم و اراده ملی ممکن نیست. با توجه به وضعیت موجود در کشور و هدر رفتن سرمایه‌های ملی باید از دولت، مجلس و همه نهادهای زیربنا در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز خواست که افق نگاهشان و چشم‌انداز کارشناسانه‌شان را بدون سلیقه و یا آزمایش، با هدف رسیدن به آسایش و آرامش و رفاه شهروندی جدی‌تر و مصمم‌تر دنبال کنند. فرهنگ‌سازی اقتصادی هدفمند و کارشناسانه را از عوامل مؤثر در مقوله پیشگیری از شیوع رجوع به معضل قاچاق در کشور می‌دانیم و از اصحاب رسانه درخواست می‌شود تا رونمایی اقتصاد و معیشت را آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به سمت و سوی سلامت اقتصادی هدایت نمایند. بی‌شک اهمال و تصمیم‌گیری‌های متفرق و ناهماهنگ در مبارزه قاطع و همه‌جانبه با این معضل باعث هدر رفت ظرفیت و سرمایه فکری و اجرایی بخشی از نیروی انسانی جوان و اقتصاد کشور خواهد شد که قطعاً برای آینده کشور خسارت‌بار و ناگوار خواهد بود. در این راستا مسئولان باید عمل شوند که ملت احساس کند، دستگاه‌های مختلف نظام کمر همت به جدیت بسته‌اند و دلسوزانه با هنجارشکنی‌ها و آلودگی‌ها و مظاهر مختلف مفاسد مقابله می‌کنند.

۱۶- نتیجه‌گیری

عمده‌ترین مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ناشی از قاچاق کالا است. بیکاری، تعطیلی واحدهای تولیدی، از دست رفتن سرمایه‌های ملی، زمین خوردن بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان و ...؛ همه نتیجه این معضل بزرگ اقتصادی یا بهتر بگوییم این انگل اقتصادی است. بسیاری از تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بازار داخلی و حتی برخی از فروشندگان از نبود عزم جدی برای مبارزه با قاچاق کالا به شدت گلایه دارند. دولت هم در این میان معتقد است، جلوگیری از قاچاق به تنهایی پاسخگو نیست و باید با فرهنگ‌سازی مردم را به نخریدن کالاهای قاچاق ترغیب کرد؛ اما کارشناسان می‌گویند برخی از قوانین و عملکرد دستگاه‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران باعث واگرایی در بخش‌های مختلف نظام مبارزه با قاچاق کالا و ارز شده است. سیاست اجازه فروش، آسیب‌شناسی سیاست‌های واکنشی نظام مبارزه با قاچاق کالای جمهوری اسلامی ایران در بخش کالاهای مکشوفه قاچاق و فروش آن‌ها در بازار داخل کشور شده است. علی‌رغم توصیه‌های مکرر مقام رهبری مبنی بر انهدام کالاهای قاچاق جزء آن دسته که امکان باز صادرات را دارند، عموماً رسیدگی به کالاهای مکشوفه قاچاق و سیاست‌گذاری در مورد آن‌ها یکی از مسائلی است که می‌تواند نقشی اساسی در زمینه مبارزه با قاچاق کالا داشته باشد. رویکرد و توجه ویژه مقام معظم رهبری در امر مبارزه با قاچاق کالا و تحقق اقتصاد مقاومتی، متأسفانه هنوز در بین مسئولین مربوطه با این سازوکار اقتصادی کشور جا باز نکرده و تعدد نهادهای مبارزه با قاچاق کلاً و ارز؛ عملاً خود مانعی در تحقق این امر شده است. انتظار می‌رود نهادهای دولتی

و بخش‌های خصوصی با رونق بنگاه‌های تولید داخلی و رفع موانع حضور و مشارکت مردمی در این خصوص، اقدامات سازنده‌تر و برنامه‌ریزی جهادگونه را در پیش بگیرند.

به طور کلی، دو تغییر عمده باید رخ دهد تا اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران تحقق یابد: نخست اینکه در منظومه هدف‌های نظام اقتصادی اسلام استقلال اقتصادی در اولویت اول قرار گیرد و به تبع آن اولویت‌بندی اصول راهبردی نظام تغییر کرده و سیاست‌های کلی متناسب با تغییرهای جدید تنظیم شود. دوم اینکه جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولین واجب فرض شود.

در اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید شده است که با اجرای سیاست‌های به هنگام در خصوص واگذاری‌های دولتی به مردم، عملکرد مدیریتی و بهره‌وری بهبود یابد و مسیر حرکت از اقتصاد دولتی به اقتصاد پویا فراهم شود. از طرف دیگر می‌دانیم که بخش خصوصی تحت تأثیر و فشار و محدودیت‌های کمتری نسبت به بخش دولتی می‌باشد. بر این اساس تقویت نقش و عملکرد این بخش‌ها می‌تواند تا حدودی از مشکلات ناشی از تحریم‌ها بکاهد و مقاومت اقتصاد را در مقابله با محدودیت‌های پیش رو بالا ببرد. با استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی؛ مردمی کردن اقتصاد؛ تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، توانمندسازی بخش خصوصی؛ کاهش وابستگی به نفت؛ جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای غیرنفتی؛ بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش‌بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور؛ حمایت از تولید ملی؛ فعال کردن واحدهای تولیدی کوچک و متوسط؛ تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جایگزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی؛ مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ مدیریت درست منابع ارزی؛ مدیریت مصرف و فرهنگ‌سازی برای جلوگیری از اسراف؛ استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات؛ حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مکررات؛ صیانت از وحدت و همبستگی. نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

۱۶-۱- پیشنهاداتی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک. کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه. فعال‌سازی سیستم‌های حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی.

افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین‌آلات در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات هم‌زمان با تولید علم و تولید دانش فنی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان. تداوم سیاست‌های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی مانند گندم، روغن، شکر یا حداقل ترتیباتی برای یک اقتصاد ترکیبی مقاومتی در این باره و با توجه به فقدان طبیعی استعداد کشور برای خودکفایی کامل، نوع همسازی با دیگر کشورها و قانون‌های اقتصادی دنیا باید در راستای اهداف استراتژیک کشور شکل گیرد.

توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاست‌های بهینه در این فرآیند.

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در روند تأمین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل‌دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خودکفایی کامل یا حداقل خوداتکایی در تولید و تأمین این اقلام لازمه اقتصاد مقاومتی است. نباید اجازه داد در مورد فشارها و تهدیدهای اقتصادی، بزرگ‌نمایی شود. ضمن آن که تحریم کاغذ پاره نیست و نباید از آن استقبال کرد.

کاهش اتکا به نفت از طریق کاهش واردات و افزایش صادرات غیرنفتی یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت مانند پتروشیمی. برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک‌های منطقه‌ای و متکثر کردن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچک‌تر.

تلاش برای جلوگیری از اجماع در قبال نظام اسلامی در سطح بین‌الملل. باید این مهم با توجه به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد جهانی و جاذبه‌های اقتصادی و تجاری ایران و توانایی‌های شکل گرفته در توسعه اقتصادی و فناوری کشور ساماندهی شود.

ایجاد شرکت‌های مشترک یا ایجاد ارتباطات مؤثر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی با برخی از مؤسسات خارجی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تعامل و تأمین در موارد ضروری در فناوری و تجهیزات فنی و کالا به نحوی که با وجود تلاش استکبار، امکان

مداخله و فشار خارجی در این خصوص فراهم نشود، ضمن اینکه ایجاد این گونه ارتباطات بین بخش خصوصی کشور با همتایان خارجی آن‌ها مؤثرتر خواهد بود.

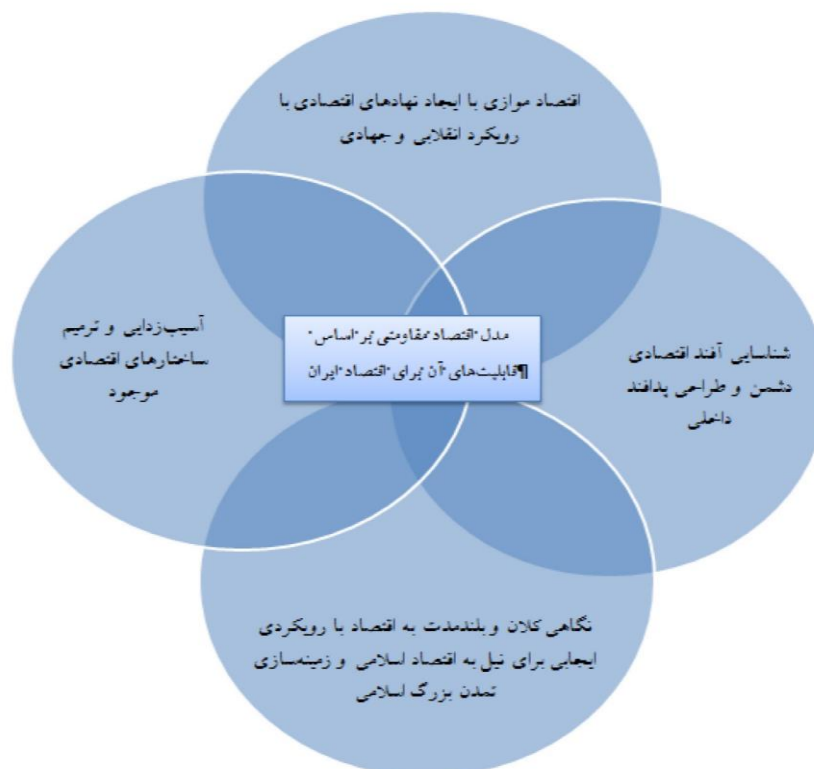
تلاش برای جلوگیری از ایجاد اجماع و تحریم بانکی و وجود تحرک برای ارتباطات مؤثر بانکی و بیمه و حمل و نقل با استفاده از امکانات خارج از سلطه قدرت‌های مخالف.

مراقبت از توانمندی حمل و نقل کشور و جلوگیری از ایجاد انسداد و محدودیت توسط استکبار در قبال حمل و نقل به ویژه حمل و نقل دریایی و واکنش مناسب در صورت نزدیک شدن دشمن به این عرصه.

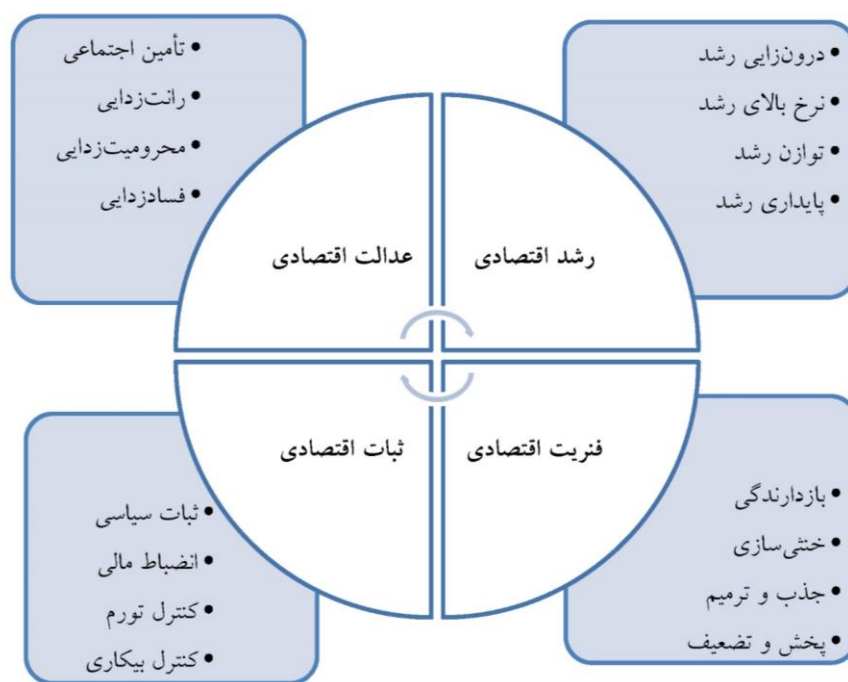
شکل‌گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی دیپلماسی اقتصاد مقاومتی نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص‌های روزمره اقتصادی وارد می‌شود، اما دستاوردهای مقاومت کشور دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند همچون خودکفایی در تکنولوژی‌ها و فناوری‌های برتر (هسته‌ای) استقلال در سیاست خارجی و ... خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارهای کوچک و هدایت شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تأمین امنیت غذایی مردم.

برقراری ارتباطات فراوان متکثر بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی که برای نظام است که غیرقابل کنترل است و احتیاط در ارتباطات بزرگ که مورد تهدید واقع شود.

در مجموع حمایت از تولید ملی و توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های داخلی در زمینه‌های مختلف اعم از کشاورزی، صنعتی و ...، فاصله گرفتن از اقتصاد تک محصولی و رانتی در راستای کاهش وابستگی اقتصادی به نفت و رفع تهدیدات احتمالی، توجه به نخبگان و استفاده از فناوری‌های نوین و حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان، مهار سوداگری و فساد و عدم نگاه باندی و جناحی به منابع و مدیریت اقتصادی کشور و اجماع نظر بین مسئولین بر سر منافع ملی و حیاتی کشور، مردمی‌سازی اقتصاد و تلاش برای تقویت بخش خصوصی و ایجاد رقابت سالم و کارساز برای دست یافتن به توسعه اقتصادی، تعامل مثبت با اقتصاد جهانی و عدم روی رویی با آن و اخذ تجربه‌های موفق جهانی و بومی‌سازی آن‌ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم و حیاتی می‌باشند. در نمودارهای زیر مدل اقتصاد مقاومتی بر اساس قابلیت‌های آن برای اقتصاد اسلامی ایران پیشنهاد شده است.



نمودار ۳- مدل پیشنهادی تحقیق (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)



نمودار ۴- مدل پیشنهادی تحقیق (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

منابع

- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۱)، سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو جرائم گمرکی، ارومیه: پیک سبحان.
- آقای بیجستانی، فاطمه و محمود مرادی حقیقی (۱۳۹۱)، حمایت از تولید ملی و پیشگیری از قاچاق کالا، فصلنامه دانش انتظامی سمنان، سال دوم، شماره ششم.
- اسدی، علی (۱۳۹۳)، نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم.
- امیری‌طهرانی، محمدرضا (۱۳۹۴)، مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی، مجله جستارهای اقتصادی، شماره ۲۳.
- اردکانی و همکاران، عباسعلی (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهبردها، فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، شماره ۱.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۰۵/۰۲).
- تقی نژاد عمران، وحید و معصومه نیکپور (۱۳۹۲)، اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن؛ مطالعه موردی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال دوم، شماره ۸.
- جهانیان، منوچهر (۱۳۹۵)، نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصاد مقاومتی، فصلنامه علمی- پژوهشی گردشگری و توسعه، شماره ۹.
- خلیلی، حسام‌الدین (۱۳۹۱)، مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی، کارگاه دوره دوم، سال پنجم.
- خانی، علی و عباس شیر (۱۳۹۲)، کاستی‌های جرم‌انگاری مفاسد اقتصادی در سیاست کیفری ایران، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، شماره ۶.
- حجازی‌نیا، رؤیا (۱۳۹۵)، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت دانش با رویکرد تحقق اقتصاد مقاومتی، مجله رشد فناوری، شماره ۴۷.
- غفور حمیدی و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بررسی آثار و پیامدهای قاچاق کالا بر رونق اقتصادی» در سال ۱۳۹۵.
- درویش، امیرحسین و ایرج اسماعیلی (۱۳۸۴)، قاچاق کالا و ارز، نابسامانی اقتصادی و یا جرم، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی.
- رنجبر اردکانی، صمد (۱۳۹۶)، موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹.

- رهروانی و همکاران، حسین (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با رویکردهای خصمانه آمریکا و عربستان سعودی در بازار نفت، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۱۵.
- زراءنژاد، منصور و صالح ابراهیمی (۱۳۹۱)، قاچاق کالا در ایران و رابطه آن با اقتصاد رسمی آزمون علیت گرنجر (۱۳۵۳-۱۳۸۶)، دو فصلنامه بررسی‌های حقوقی، سال دوم، شماره چهارم.
- زارع‌مهدوی، قادر و محمد سهرابی (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با قاچاق کالا، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۷.
- ساجدی، محمد (۱۳۹۳)، اندیشکده اقتصاد: راهکار تحقق اقتصاد مقاومتی، کنگره پیشگامان پیشرفت، مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت.
- شهدادی، علی و خواجه عسگری، (۱۳۸۳). طرح جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز در استان هرمزگان بندرعباس، معاونت سیاسی و امنیتی استانداری، هرمزگان.
- صفایی آتشگاه، حامد (۱۳۹۳)، بررسی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بر پایه یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.
- عیسی‌آبادی، ابوالفضل و صفی‌اله شاه‌قلعه (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره دوم.
- عربیون، ابوالقاسم و محمود منوچهری آملی (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و کشاورزی راهکارهایی برای ارتقای بخش کشاورزی در دوران گذران اقتصاد مقاومتی، مجله آینده‌نگر، شماره چهاردهم.
- فشاری، مجید و جواد پورغفار (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶.
- گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ (۱۳۹۳)، معاونت قوانین؛ اداره کل تدوین قوانین، دوره نهم، سال سوم.
- ماندگار، سهراب (۱۳۹۰)، عزم ملی برای مبارزه با قاچاق، بوشهر: نشریه داخلی دبیرخانه کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- ماندگار، سهراب (۱۳۹۶)، عوامل قاچاق و آثار آن؛ راه‌های پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با قاچاق، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۴.
- متقی، افشین و سمیرا متقی (۱۳۹۲)، سبک‌ها و الگوهای مصرف و اقتصاد مقاومتی، همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، جهاد دانشگاهی.
- نصیری، شهرزاد (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و ارز و تأثیر آن بر اقتصاد ملی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، بزهکاری و شرایط اقتصادی، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- نمک‌شناس، رضا (۱۳۸۴)، بررسی پدیده قاچاق سوخت در استان سیستان و بلوچستان، مجله اقتصادی، شماره ۴۳ و ۴۴.
- هوشمند، محمود (۲۰۱۲)، اعتبارات خرد مالی با هدف کاهش فقر و ایجاد فرصت‌های شغلی: زمینه‌ساز تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، همایش اقتصاد مقاومتی؛ ابعاد و راهکارها.

بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۹

کد مقاله: ۵۱۶۵۸

فرزین خوشکار^۱، مجید مرادی^۲، مریم صابری^۳

چکیده

هدف اصلی مقاله، بررسی تأثیر مرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ می‌باشد؛ که در این راستا هموارسازی سود به‌عنوان متغیر وابسته و ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، به‌عنوان متغیر مستقل می‌باشد؛ تمرکز مالکیت نیز به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر می‌باشد. اندازه بانک، اهرم مالی، نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و نسبت جریان نقدی عملیاتی نیز، به‌عنوان متغیرهای کنترل می‌باشند. نمونه آماری تحقیق ۱۷ بانک بوده و روش پژوهش هم از نوع توصیفی-همبستگی با رویکرد کاربردی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری از روش کتابخانه‌ای و در بخش آزمون فرضیات از روش اسناد کاوی صورت‌های مالی می‌باشد. به‌طور کلی روش آزمون فرضیات از روش همبستگی و رگرسیون چندگانه است. نتایج تحقیق نشان داد بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد و تمرکز مالکیت نیز موجب ضعیف شدن این ارتباط می‌شود. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نیز گویای ارتباط مستقیم و معناداری بین اهرم مالی و هموارسازی سود بوده و بین اندازه بانک و نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره با هموارسازی سود ارتباط معکوس و معناداری مشاهده گردید، همچنین بین نسبت جریان نقدی عملیاتی و هموارسازی سود رابطه معناداری یافت نشد.

واژگان کلیدی: هموارسازی سود، مطالبات مشکوک الوصول، تمرکز مالکیت

۱- نویسنده مسئول، مدرس گروه حسابداری و مدیریت موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران

۲- عضو هیأت علمی گروه حسابداری موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه ایران

۱- مقدمه

پدیده هموارسازی سود در طول نیم قرن اخیر موضوع موردعلاقه‌ای برای محققین حسابداری و مالی بوده است. این پدیده به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که به منظور کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود شکل می‌گیرد. علیرغم کنترل‌هایی که مقامات نظارتی انجام می‌دهند، به عقیده اکثر محققان، مدیران شرکت‌ها، بنابر دلایل مختلفی، سود دوره جاری شرکت را افزایش یا کاهش می‌دهند. مدیران شرکت‌ها با توجه به نوع صنعت و شرایط زمانی و مکانی، از روش‌های مختلفی برای هموارسازی سود استفاده می‌کنند. از جمله این روش‌ها، زمان‌بندی تحصیل و فروش دارایی‌ها، تعدیل ذخایر مطالبات مشکوک الوصول، تغییر روش‌های حسابداری، تغییر برآوردهای حسابداری و تصمیمات اقتصادی می‌باشد.

صنعت واسطه‌گری مالی از جمله صنایعی است که به لحاظ نوع کار و ترکیب دارایی‌ها از وضعیت خاصی برخوردار می‌باشد که اکثر روش‌های هموارسازی در این صنعت مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و به همین دلیل، در اکثر تحقیقاتی که در مورد موضوع هموارسازی سود انجام گرفته است، بانک‌ها و شرکت‌های واسطه‌گری مالی از جامعه آماری مورد مطالعه کنار گذاشته شده‌اند. از جمله روش‌هایی که در این گونه شرکت‌ها می‌تواند به عنوان ابزاری برای هموارسازی سود بکار رود، تعدیل ذخایر مطالبات مشکوک الوصول می‌باشد.

سیاست‌های حسابداری بر بسیاری تصمیمات استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تأثیرگذار است. بخشی از این سیاست‌ها موجب تغییر ثروت اقتصادی یا جریان‌های نقدی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود، برخی دیگر نیز بر رفتار افراد مانند مشتریان، کارکنان و مردم عادی نسبت به شرکت اثر می‌گذارد که این اثرات می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. نتایج اقتصادی حاصل از سیاست‌ها و رویه‌های مختلف حسابداری در طیف استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی متفاوت است. سیاست‌های متفاوت حسابداری برای یک سرمایه‌گذار یا بستانکار، بر تصمیمات مالی‌اش تأثیرگذار خواهد بود و در مورد واحد تجاری به سبب افشای اطلاعات می‌تواند به تغییر در قیمت سهام آن شرکت منجر گردد.

۲- بیان مسئله

سود به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ای حسابداری است که همواره برای مقاصد مختلفی نظیر ارزش‌گذاری سهام، ارزیابی عملکرد مدیریت شرکت‌ها و مواردی از این قبیل مورد توجه بوده است. وقوع بحران‌های مالی در سالهای اخیر سبب نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی شد و اعتبار سامانه گزارشگری مالی در جلب اعتماد عموم را خدشه‌دار ساخت. از این رو پژوهشگران و تحلیلگران مالی نیز توجه خود را از تأکید صرف بر رقم سود به سوی کیفیت سود معطوف کردند. سودهای کم کیفیت می‌تواند سبب تخصیص ناکارآمد منابع و در نتیجه انتقال نامناسب ثروت شود. در این راستا دستیابی به کیفیت مطلوب سود، نیازمند وجود سازوکارهای از جمله استقرار حاکمیت شرکتی مناسب در سطح شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است (نوردن و استون، ۲۰۱۷).

هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری برای کاستن از نوسانات در سود انجام می‌گیرد. به بیان دیگر هموارسازی سود در محدوده اصول و استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری حاصل می‌شود. در هموارسازی سود به واسطه جابجایی که در درآمدها و هزینه‌ها انجام می‌گیرد سود یک یا چند دوره مالی تغییر یافته و تعدیل می‌شود، در واقع می‌توان گفت هموارسازی سود عمل عالمانه‌ای است که توسط مدیریت انجام می‌شود. هموارسازی سود عبارت است از اعمال نظر مدیریت شرکت در تقدم و تاخر ثبت حسابداری هزینه‌ها و درآمدها یا به حساب گرفتن هزینه‌ها یا انتقال آن‌ها به سال‌های بعد، به طوری که باعث شود شرکت در طول چند سال متوالی از روند سود بدون تغییرات عمده برخوردار باشد. هدف مدیریت این است که شرکت را در نظر سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه، باثبات و پویا نشان دهد. به عنوان مثال یک معامله بعنوان هزینه در صورت سود و زیان به جای افشای آن در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، دو شیوه گزارشگری متفاوت است که یک نوع اطلاعات را انتقال می‌دهد، اما تأثیر آن‌ها بر اعداد حسابداری به عنوان مبنایی برای قراردادهای کتبی بین شرکت با طرف قراردادش فرق می‌کند (آلانیس و همکاران، ۲۰۱۸).

پدیده هموارسازی سود در طول نیم قرن اخیر موضوع موردعلاقه برای محققین حسابداری و مالی بوده است. این پدیده به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که به منظور کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود شکل می‌گیرد (الهیاری و سرتاجی، ۱۳۹۳). علیرغم کنترل‌هایی که مقامات نظارتی انجام می‌دهند، به عقیده اکثر محققان، مدیران شرکت‌ها، بنابر دلایل مختلفی سود دوره جاری شرکت را افزایش یا کاهش می‌دهند. مدیران شرکت‌ها با توجه به نوع صنعت و شرایط زمانی و مکانی، از روش‌های مختلفی برای هموارسازی سود استفاده می‌کنند. از جمله این روش‌ها، زمان‌بندی تحصیل و فروش دارایی‌ها، تعدیل ذخایر مطالبات مشکوک الوصول، تغییر روش‌های حسابداری، تغییر برآوردهای حسابداری و تصمیمات اقتصادی می‌باشد (عبدی و زارعی، ۱۳۹۴).

منظور از نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول همان ریسک اعتباری بانک می‌باشد. میزان ریسک اعتباری یکی از شاخص‌های مهم و تاثیر گذار در مدیریت ریسک است. ریسک اعتباری است که از قصور طرف قرارداد، یا در حالتی کلی‌تر ریسکی است که از «اتفاقی اعتباری» به وجود می‌آید. بدین صورت که قرض‌دهنده‌ها از بازپرداخت وامی که به قرض‌گیرنده داده بودند، نگران بودند. به همین خاطر گاهی اوقات ریسک اعتباری را 'ریسک نکول' هم گویند. ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهدات قرارداد را انجام دهد. به طور کلی‌تر ریسک اعتباری را می‌توان به‌عنوان ضرر محتمل که در اثر یک رخداد اعتباری اتفاق می‌افتد، بیان کرد (نورانی، ۱۳۸۵).

منظور از تمرکز مالکیت این است که عمده سهام شرکت در اختیار افراد محدودی است که مالکیت متمرکز گویند. در صورتیکه که تعداد مالکان زیاد و درصد مالکیت پایین باشد عدم تمرکز می‌گویند. دمستر و لن (۱۹۸۵) که صاحب-نظران مباحث مربوط به ساختار مالکیت می‌باشند، سه شاخص برای محاسبه میزان تمرکز مالکیت معرفی کرده‌اند که شامل: میزان مالکیت بیست سهامدار بزرگ، میزان مالکیت پنج سهامدار بزرگ و شاخص هرفیندال است (خورشیدی، ۱۳۹۲).

ایجاد بحران در سیستم بانکی به علت عدم بازگشت مطالبات، به دلیل وابستگی گسترده فعالیت‌های سایر بخش‌های اقتصادی به بانک، جهت تجهیز منابع، به سرعت قابل تسری به بخش‌های مختلف اقتصاد بوده و در نتیجه می‌توان کل نظام اقتصادی را با مخاطراتی مواجه سازد. به همین علت، شناسایی عوامل ایجاد مطالبات غیر جاری و راهکارهای کنترل و جلوگیری از آن، برای سیاستگذار، امری ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد (خلیلی و احمدی، ۱۳۹۵).

سیاست‌های حسابداری بر بسیاری تصمیمات استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تأثیرگذار است. بخشی از این سیاست‌ها موجب تغییر ثروت اقتصادی یا جریان‌های نقدی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود، برخی دیگر نیز بر رفتار افراد مانند مشتریان، کارکنان و مردم عادی نسبت به شرکت اثر می‌گذارد که این اثرات می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. نتایج اقتصادی حاصل از سیاست‌ها و رویه‌های مختلف حسابداری در طیف استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی متفاوت است. سیاست‌های متفاوت حسابداری برای یک سرمایه‌گذار یا بستانکار، بر تصمیمات مالی‌اش تأثیرگذار خواهد بود و در مورد واحد تجاری به سبب افشای اطلاعات می‌تواند به تغییر در قیمت سهام آن شرکت منجر گردد (جوادی و رضایی، ۱۳۹۶).

بنابراین مسئله اصلی تحقیقی حاضر بدینگونه می‌باشد که: آیا تمرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود بانکهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است؟

۳- پیشینه تحقیق

تحقیقات پیشین، انگیزه ی بانک‌ها را در بکارگیری ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و نتایج به دست آمده را مورد بررسی قرار داده و بر روی انگیزه‌های مدیریت و دیگر متغیرهای تصمیم‌گیری در مورد میزان و نحوه ذخیره‌گیری مطالبات مشکوک الوصول متمرکز شده است. اغلب مطالعات گذشته در حوزه ی مدیریت سود به طور کلی تاثیر عوامل حاکمیت شرکتی نظیر مالکان نهادی و تمرکز مالکیتی که ممکن است توانایی مدیران را برای انجام مدیریت (هموارسازی) سود محدود نماید، نادیده گرفته اند که این موضوع خود، انگیزه ای برای انجام مطالعه حاضر می‌باشد. با سابقه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع و نتایج حاصل در داخل و خارج از کشور و نظرات علمی موجود در رابطه با موضوع تحقیق، موارد به شرح ذیل، قابل ذکر است.

جوادی و رضایی (۱۳۹۶) رابطه بین هموارسازی سود و اندازه شرکت را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران به استثناء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری های مالی در یک بازه زمانی ۷ ساله از ۱۳۸۸-۱۳۹۴ را مورد مطالعه قرار داد و منتج گردید اگر چه مدیران شرکت‌ها، هموارسازی سود انجام می‌دهند ولی رابطه معنی داری بین هموارسازی و اندازه شرکت وجود ندارد. همچنین از آزمون t و چهار مدل رگرسیون دو متغیره برای آزمون تاثیر هموارسازی سود بر ارزش شرکت استفاده نمود که نتایج نشان دهنده عدم تاثیر هموارسازی سود بر افزایش ارزش این شرکت‌ها بود.

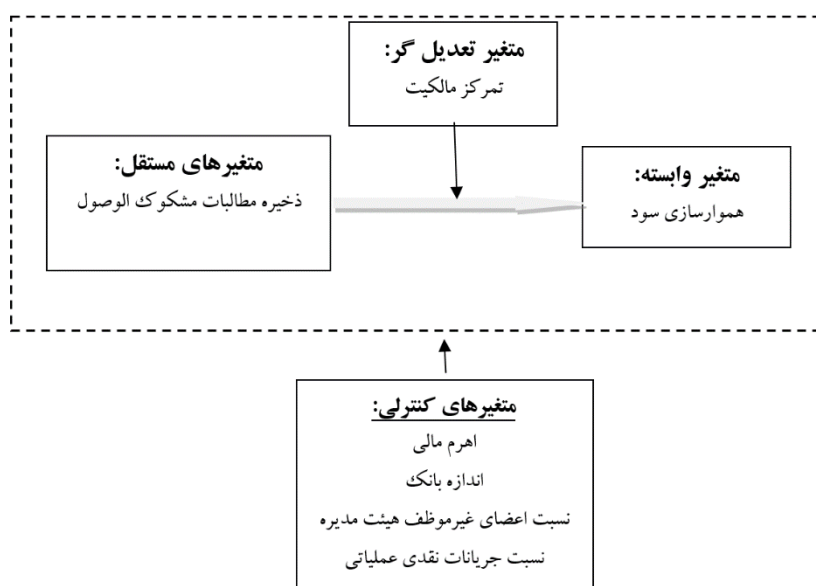
خلیلی و احمدی (۱۳۹۵) به بررسی میزان ارتباط تغییرات نرخ ذخایر مطالبات مشکوک الوصول با سودهای گزارش شده، با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره پرداخت. نتایج این آزمون بیانگر وجود ارتباط معنی دار بین تغییرات نرخ ذخایر مطالبات مشکوک الوصول با سودهای گزارش شده می‌باشد که این موضوع حاکی از وجود پدیده هموارسازی سود در سیستم بانکی است. در بررسی جداگانه ای، میزان تاثیر متغیر (میزان نیاز به تامین مالی خارجی) بر سطح هموارسازی سود در سیستم بانکی مورد آزمون قرار گرفته است. نتیجه این آزمون وجود رابطه معنی دار بین میزان نیاز به تامین مالی خارجی و هموارسازی را تایید نکرده است. در نهایت سطح هموارسازی سود در بانکهای دولتی و خصوصی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصله نشان دهنده رد نشدن فرضیه بالاتر بودن سطح هموارسازی سود در بانکهای خصوصی نسبت به بانکهای دولتی بود.

آلایانیس و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود بانک‌ها پرداخته اند. هموارسازی سود به‌عنوان متغیر وابسته و ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به‌عنوان متغیر

مستقل می‌باشد. تمرکز مالکیت نیز به عنوان متغیر تعدیل گر می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد و تمرکز مالکیت نیز موجب ضعیف شدن این ارتباط می‌شود. بواتیر و همکاران (۲۰۱۶) به طور تجربی طریق های که بانک از ذخیره مطالبات مشکوک الوصول (LLP) برای هموارسازی سود خود تحت تاثیر ساختار مالکیت و محیط نظارتی استفاده می کند را مورد بررسی قرار داده و بدین منظور پایگاه داده ای برای بانک های تجاری اروپایی طی سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ با اطلاعات کامل ساختار مالکیتی بانکها ایجاد و همچنین از متد خوشه ای برای تمایز بین درجه تمرکز مالکیت بانک ها استفاده شده است. در این تحقیق شواهدی مبنی بر اینکه بانک ها با ساختار مالکیتی متمرکز از LLP برای هموارسازی سود خود استفاده می کنند، یافتیم. این رفتار در کشورهای با رژیم نظارتی قوی یا کیفیت بالای حسابرسی خارجی اما مستقل از سطح حمایتی سهامدار، نوع شرکت حسابرسی (۵ حسابرس بزرگ و یا شرکت های دیگر) نوع سهامدار کل، سطح ریسک پذیری بانک و سطح بدهی غیر بیمه ای کمتر به چشم می خورد. بانکها با ساختار مالکیت پراکنده این رفتار مدیریت سود را از خود نشان نمی دهند. از طرفی یافته های تحقیق منتج به این واقعیت گردید که بانکها با سطح تمرکز مالکیتی بالا از LLP برای هموارسازی سود خود در کشورهای با سیستم نظارتی ضعیف یا کیفیت حسابرسی خارجی ضعیف استفاده می کنند که این امر ضعف و عملکرد نادرست مکانیزم های حکومتی داخلی و خارجی را نشان می دهد و این مساله خود، نیاز به مکانیزم های حکومتی قانونمند را مطرح می سازد.

۴- فرضیات تحقیق

- ۱- بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- تمرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول با هموارسازی سود تأثیر معناداری دارد.



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق (آلایانیس و همکاران، ۲۰۱۸)

مدلهای رگرسیونی آزمون فرضیات بصورت زیر می‌باشد (آلایانیس و همکاران، ۲۰۱۸):

$$1) ES_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CR_{i,t} + \beta_2 FL_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 OUTD_{i,t} + \beta_5 OCF_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$2) ES_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CR_{i,t} + \beta_2 CO_{i,t} * CR_{i,t} + \beta_3 FL_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 OUTD_{i,t} + \beta_6 OCF_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن: ES= هموارسازی سود، CR= ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، OUTD= اعضای غیرموظف هیئت مدیره، CO= تمرکز مالکیت، FL= اهرم مالی، SIZE= اندازه بانک، OCF= نسبت جریانات نقدی عملیاتی

۵- روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیق همبستگی و از حیث هدف، از نوع کاربردی و از بعد زمان، گذشته نگرد و از لحاظ توجه و نتایج، نتیجه گرا می باشد. از لحاظ نحوه و دقت بررسی، این تحقیق از نوع سری زمانی می باشد. یعنی نمونه آماری تنها در یک دوره زمانی مشخص از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷، جهت جمع آوری داده های مورد نیاز، مورد بررسی، قرار گرفته اند.

۵-۱- روش گردآوری اطلاعات

در این تحقیق، برای جمع آوری اطلاعات، مرتبط با مبانی تئوریک و ادبیات پژوهش، از روش مطالعه کتابخانه ای، استفاده شده است و با مراجعه به کتب و مقالات و پایان نامه ها، اطلاعات لازم برای این بخش، جمع آوری شده است و برای جمع آوری اطلاعات مالی، از اطلاعات و ارقام موجود در بورس اوراق بهادار تهران، استفاده شده است. به همین جهت، اطلاعات مورد نیاز از گزارش های مالی منتشر شده، از سوی بانک ها، سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و همچنین، نرم افزار بانک اطلاعاتی ره آورد نوین، استخراج شده است.

۶- تعاریف متغیرها

الف) متغیر وابسته: هموارسازی سود (ES)

جهت محاسبه میزان هموارسازی سود بانک ها از فرمول زیر استفاده شده است (الایانیس، ۲۰۱۸):
نسبت ضریب تغییرات برای تغییر در سری زمانی سود تقسیم بر ضریب تغییرات برای تغییر در سری زمانی فروش.

$$CV\Delta I = \frac{\sqrt{\sum(\Delta I - \Delta I)^2/n - 1}}{\Delta I}$$

$$CV\Delta S = \frac{\sqrt{\sum(\Delta S - \Delta S)^2/n - 1}}{\Delta S}$$

ΔI = تغییر سود در یک دوره، ΔS = تغییر فروش در یک دوره، ضریب تغییرات = CV، میانگین فروش = I،
میانگین فروش = I،

ب) متغیر مستقل

۱) نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول (CR)

نسبت مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول از صورت های مالی بانک استخراج می شود.

ج: متغیر تعدیل گر تمرکز مالکیت (CO)

در این تحقیق به منظور محاسبه میزان تمرکز مالکیت از شاخص هرفیندال هریشمن^۱ استفاده شد که برابر با مجموع مجذور درصد سهم مالکیت هر یک از سهامداران می باشد.

د: متغیر کنترلی

۱) اهرم مالی (FL)

در این پژوهش، برای اندازه گیری اهرم مالی بانک از تقسیم ارزش دفتری بدهی های بلندمدت بر کل دارایی ها استفاده می - شود (جندقی، ۱۳۹۱).

$$FL = BV / TOTL \text{ ASSETS}$$

BV = ارزش دفتری بدهی های بلند مدت

1. Herfindahl Index = $\sum si^2$

۲) اندازه بانک (SIZE)

اندازه بانک از طرق مختلفی مانند داراییها محاسبه می‌شود که در این پژوهش از طریق داراییها محاسبه شده است. یعنی لگاریتم نبری کل داراییها به عنوان معیار سنجش اندازه بانک می‌باشد (نورانی، ۱۳۸۵).

(کل داراییها) $\ln$ = اندازه بانک

۳) نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره (OUTD)

نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره؛ از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف به تعداد کل اعضای هیئت مدیره بدست می‌آید.

۴) جریان نقدی عملیاتی (OCF)

برای محاسبه جریان نقدی عملیاتی از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$OCF = NI + NCC + \Delta WC$$

که در آن: NI سود خالص و NCC هزینه های غیرنقدی که می‌بایست به سود خالص اضافه شود؛ زیرا این نوع هزینه ها موجب کاهش سود خالص شده اما از بابت آن وجهی خارج نشده است مانند استهلاک (ریکاردو^۱، ۲۰۱۲).

۷- تجزیه و تحلیل داده ها

۷-۱- آمار توصیفی متغیر های تحقیق

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشدگی
هموارسازی سود	۸۵	۰/۳۵۸۷	۰/۱۲۹۵	۰/۰۴۳۲	۰/۶۱۳۲	۳/۹۸۰	۵/۷۷۵۳
ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	۸۵	۰/۳۵۸۸	۰/۱۵۴۳	۰/۱۹۸۴	۰/۵۹۹۳	۲/۱۷۶	۳/۹۲۳۴
تمرکز مالکیت	۸۵	۰/۲۹۹۲	۰/۱۳۱۴	۰/۰۷۳۲	۰/۷۳۲۵	۱/۹۹۳	۴/۱۶۵
اندازه شرکت	۸۵	۱۴/۱۸۷۹	۳/۰۵۳۶	۹/۵۱۰۷	۱۷/۲۹۶۵	۲/۲۱۹	۸/۲۱۱
اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۸۵	۰/۳۲۶۵	۰/۱۷۷۳	۰/۲۰۰	۰/۴۰۰	۳/۱۶۵	۵/۲۶۵
اهرم مالی	۸۵	۰/۵۹۲۴	۰/۱۳۰۴	۰/۳۳۱۶	۰/۶۴۸۲	۲/۳۳۷	۳/۱۷۲
نسبت جریان نقدی عملیاتی	۸۵	۰/۴۷۶۹	۰/۱۴۰۹	۰/۲۷۶۹	۰/۷۱۴۳	۳/۰۹۳	۳/۸۹۳

با توجه به جدول ۱، میانگین هموارسازی سود شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۳۵۷۸ بوده و کمترین و بیشترین مقدار آن به ترتیب برابر با ۰/۰۴۳۲ و ۰/۶۱۳۲ می‌باشد. بررسی میزان چولگی و کشدگی این متغیر که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می‌دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال نیست. با توجه به نگاره ۲، آماره توصیفی متغیرهای تحقیق؛ بالاترین میانگین مربوط به متغیر اندازه شرکت و کمترین میانگین مربوط متغیر تمرکز مالکیت می‌باشد. بالاترین انحراف معیار مربوط به متغیر اندازه شرکت و کمترین انحراف معیار مربوط به متغیر هموارسازی سود می‌باشد.

۷-۲- آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق

در جدول ۲ نتایج آزمون K-S برای متغیر هموارسازی سود شرکت‌های نمونه ارائه شده است :

جدول ۲: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
هموارسازی سود	۸۵	۳/۸۸۳	۰/۰۰۰

با توجه به این که برای متغیر هموارسازی سود، سطح اهمیت آماره K-S کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که متغیر مدیریت سود از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند.

نرمال بودن متغیر وابسته، شرط لازم برای مدل‌های رگرسیون است، بنابراین لازم است قبل از آزمون فرضیه‌ها این متغیر نرمال سازی شود. در این پژوهش برای نرمال سازی داده‌ها از تابع انتقال جانسون^۱ بهره گرفته شده و توسط نرم افزار ۱۶ Minitab مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. نتایج حاصل از آزمون K-S بعد از فرآیند نرمال سازی داده‌ها به شرح جدول ۳ می‌باشد.

جدول ۳: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق بعد از فرآیند نرمال سازی

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
هموارسازی سود	۸۵	۱/۵۹۸	۰/۱۶۵

با توجه به جدول ۳، از آنجایی که بعد از نرمال سازی داده‌ها سطح اهمیت (Sig) آماره کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر وابسته بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۱۶۵)، بنابراین فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و بیان‌گر این است که متغیر هموارسازی سود بعد از فرآیند نرمال سازی، دارای توزیع نرمال می‌باشند.

۳-۷- بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

۱- هموارسازی سود، ۲- ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، ۳- تمرکز مالکیت، ۴- اندازه شرکت، ۵- اعضای غیرموظف هیئت مدیره، ۶- اهرم مالی، ۷- نسبت جریانات نقدی عملیاتی

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۱	۰/۱۷۶ Sig(004)	-۰/۳۸۵ Sig(001)	-۰/۴۸۹ Sig(021)	-۰/۳۳۶ Sig(000)	۰/۱۸۸ Sig(002)	۰/۲۹۱ Sig(107)
۲		۱	۰/۲۳۸ Sig(563)	۰/۴۱۰ Sig(338)	۰/۰۱۲ Sig(018)	۰/۳۳۲ Sig(199)	۰/۱۶۴ Sig(083)
۳			۱	۰/۵۸۳ Sig(225)	۰/۴۲۸ Sig(153)	۰/۱۱۲ Sig(115)	۰/۰۰۳ Sig(034)
۴				۱	۰/۲۳۸ Sig(063)	۰/۴۷۸ Sig(173)	۰/۳۱۹ Sig(216)
۵					۱	۰/۵۱۱ Sig(229)	۰/۰۱۱ Sig(042)
۶						۱	۰/۲۴۰ Sig(095)
۷							۱

۴-۷- بررسی هم خطی میان متغیرهای تحقیق

جدول ۵: آزمون هم خطی

متغیرها	مقدار ویژه	شاخص وضعیت
ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	۲,۶۸۹	۴,۵۵۴
تمرکز مالکیت	۳,۴۲۲	۵,۳۱۴
اندازه شرکت	۳,۹۰۹	۵,۱۰۹
اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۴,۲۶۵	۶,۳۸۴
اهرم مالی	۴,۸۲۱	۷,۶۲۲
نسبت جریانات نقدی عملیاتی	۵,۱۶۵	۸,۱۹۳

همان گونه که مشاهده می‌نماید؛ مقادیر ویژه نزدیک به صفر همبستگی داخلی پیش بینی‌ها زیاد است و تغییرات کوچک در مقادیر داده‌ها، منجر به تغییرات بزرگ در برآورد ضریب معادله رگرسیون منجر می‌شود. مقادیر ویژه نشان‌دهنده‌ی احتمال همبستگی داخلی بین متغیرها می‌باشد.

شاخص وضعیت با بیشتر از ۱۵ نشاندهنده احتمال هم خطی بین متغیرهای مستقل است و مقادیر بیش از ۳۰ بیانگر مشکل جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود می‌باشد (حساس یگانه و دیگران، ۱۳۸۸). از طرفی تمامی شاخص‌های وضعیت کوچکتر از ۱۵ می‌باشند که نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل است.

۷-۵- سایر مفروضات کلاسیک رگرسیون چندگانه

برای سنجش اعتبار مدل و بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک، لازم است، علاوه بر بررسی عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، آزمون‌هایی در ارتباط با نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسانی واریانس‌ها، استقلال باقیمانده‌ها و عدم وجود خطای تصریح مدل (خطی بودن مدل) نیز انجام شود.

برای آزمون نرمال بودن جملات خطا، از آزمون‌های مختلفی، میتوان استفاده کرد. یکی از این آزمون‌ها، آزمون جاکوبو برا میباشند. در این تحقیق نیز، از این آزمون استفاده شده است که نتایج آن حاکی از آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل تحقیق، در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند، به طوریکه احتمال مربوط به این آزمون، بزرگتر از ۵٪ میباشند.

یکی دیگر از مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، همسانی واریانس باقیمانده‌ها میباشند. در صورتیکه واریانس‌ها، نا همسان باشند، بر آورد کننده، خطی نا اریب بوده و کمترین واریانس را، نخواهد داشت. در این مطالعه، برای بررسی همسانی واریانس‌ها، از آزمون برش - پاگان است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچکتر از ۰/۰۵ میباشند، فرضیه صفر، مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و میتوان گفت، مدل، دارای مشکل نا همسانی واریانس میباشند. در این مطالعه، برای رفع این مشکل، در برآورد، از روش برآورد حداقل مربعات، تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. همچنین در این مطالعه، برای آزمون همبسته نبودن باقیمانده‌ها که یکی از مفروضات تجزیه و تحلیل رگرسیون میباشند و خود همبستگی نامیده میشود، از آزمون دوربین واتسون () $D - W$ استفاده شده است. با توجه به نتایج اولیه برآورد مدل مقدار آماره دوربین واتسون از آنجائیکه ما بین ۱/۵ و ۲/۵ میباشند، میتوان نتیجه گرفت، باقیمانده‌ها مستقل از هم میباشند. علاوه بر این، برای آزمون اینکه، مدل دارای رابطه خطی است و اینکه، آیا مدل، مورد نظر تحقیق از نظر رابطه خطی بودن و یا غیر خطی بودن، درست تبیین شده است یا خیر، از آزمون رمزی استفاده گردیده است. با توجه به اینکه سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگتر از ۰/۰۵ میباشند، بنا براین فرضیه صفر این آزمون، مبتی بر خطی بودن مدل، تایید شده و مدل دارای خطای تصریح نمیباشد. خلاصه نتایج آزمون‌های فوق در جدول‌های زیر، ارائه شده است:

جدول ۶: نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری برای مدل اول

آماره Jarque-Bera		آماره Breusch-Pagan		آماره Durbin-Watson		آماره Ramsey	
P-Value	X^2	P-Value	F	D	F	P-Value	F
۰/۱۷۶۸	۱/۷۹۳۴	۰/۰۰۰۰	۴/۲۹۰۹	۲/۱۷۶	۸/۲۷۶۹	۰/۴۲۵۴	

جدول ۷: نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری برای مدل دوم

آماره Jarque-Bera		آماره Breusch-Pagan		آماره Durbin-Watson		آماره Ramsey	
P-Value	X^2	P-Value	F	D	F	P-Value	F
۰/۱۹۳۲	۱/۴۳۶۶	۰/۰۰۰۰	۳/۳۲۷۶	۱/۸۰۳	۷/۱۹۸	۰/۱۵۴۶	

۷-۶- نتایج آزمون چاو و هاسمن

جدول ۸: نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل اول

آزمون	تعداد	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	۸۵	F	۴/۱۶۵۷	۵	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۸۵	X^2	۶/۳۲۶۷	۶	۰/۰۰۰۰

جدول ۹: نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل دوم

آزمون	تعداد	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	۸۵	F	۶/۰۳۲۶	۵	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۸۵	X^2	۵/۴۴۳۷	۶	۰/۰۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن؛ فرضیه آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان‌گر این است که می‌توان از روش داده‌های پانل استفاده نمود. همچنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه

آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه پذیرفته می‌شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود. با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های چاو و هاسمن و نتایج آزمون مفروضات و نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل تحقیق با استفاده از روش داده‌های پانل و به صورت اثرات ثابت برآورد می‌شود.

۷-۷-۲- آزمون فرضیه‌های تحقیق

۷-۷-۱- آزمون فرضیه اول

جدول ۱۰: نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره فرضیه اول

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌دار
متغیر وابسته	Y	هموارسازی سود	—	—	—
مقدار ثابت	α	آلفا	-۳/۴۲۶	-۲/۹۳۲	۰/۰۰۰
متغیر مستقل	X1	ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	۰/۵۲۱*	۴/۱۱۲	۰/۰۰۰
متغیرهای کنترل		اندازه شرکت	-۰/۱۷۶*	-۴/۰۹۸	۰/۰۰۰
		اهرم مالی	۰/۲۲۹*	۳/۳۸۷	۰/۰۰۰
		نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	-۰/۶۹۳*	-۳/۱۷۶	۰/۰۰۰
		نسبت جریان نقدی عملیاتی	۰/۳۲۶	۱/۶۸۳	۰/۱۲۵
		دوربین واتسون	۲/۱۷۶	—	—
		آماره F	۹/۲۱۶	—	۰/۰۰۰
	R	ضریب همبستگی	۰/۶۲۲	—	—
	R Square	ضریب تعیین	۰/۳۸۶	—	—
	Adjusted R Square	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۸۵	—	—

*: سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۵ می‌باشد.

همانگونه که این نگاره نشان می‌دهد، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره ($p\text{-value} < 5\%$) تأثیر معناداری بر هموارسازی سود شرکت دارند و نسبت جریان نقدی عملیاتی هیچ تأثیری بر هموارسازی سود شرکت ندارد. ضریب متغیرها نشان می‌دهد که تأثیر اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است.

متغیرهای ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت تأثیر مستقیم و معنادار دارد و متغیر اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد.

مثبت بودن ضریب متغیر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول (۰/۵۲۱) حاکی از تأثیر مستقیم نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بر هموارسازی سود شرکت‌ها می‌باشد؛ به‌طوری‌که با افزایش ۱ واحدی ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، هموارسازی سود نیز به میزان ۰/۵۲۱ واحد افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تأیید فرضیه اول پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بر هموارسازی سود شرکت تأثیر معنادار و مستقیم دارد. با توجه به مقدار آماره F الگوی رگرسیون برازش شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، این متغیرها ۳۸/۵ درصد از تغییرات هموارسازی سود شرکت را توضیح می‌دهند. آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

جدول ۱۱: نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه دوم

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی دار
متغیر وابسته	Y	هموارسازی سود	—	—	—
مقدار ثابت	α	آلفا	۰/۱۱۲	۲/۱۶۵	۰/۰۰۱
متغیر مستقل	X1	ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	۰/۱۸۴*	۲/۰۹۳	۰/۰۰۲
متغیر تعدیلگر	X2	تمرکز مالکیت* ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	-۰/۲۲۹*	-۴/۲۷۶	۰/۰۰۰
متغیرهای کنترل		اهرم مالی	۱/۸۳۲*	۴/۰۱۱	۰/۰۰۰
		اندازه شرکت	-۰/۴۷۸*	-۳/۴۳۸	۰/۰۰۰
		نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	-۱/۶۹۰*	-۳/۱۰۹	۰/۰۰۰
		نسبت جریان نقدی عملیاتی	۰/۱۷۷*	۱/۶۶۲	۰/۱۰۹
		دوربین واتسون	۱/۸۰۳	—	—
		آماره F	۷/۳۲۵	—	۰/۰۰۰
R		ضریب همبستگی	۰,۷۹۳	—	—
R Square		ضریب تعیین	۰,۶۲۸	—	—
Adjusted R Square		ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۶۲۷	—	—

*: سطح معنی داری برابر با ۰/۰۵ می باشد.

همانگونه که این نگاره نشان می دهد، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، تمرکز مالکیت، اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره ($p\text{-value} < 5\%$) تأثیر معناداری بر هموارسازی سود شرکت دارند و نسبت جریان نقدی عملیاتی هیچ تأثیری بر هموارسازی سود شرکت ندارد. ضریب متغیرها نشان می دهد که تأثیر نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است.

متغیرهای ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت تأثیر مستقیم و معنادار دارد و متغیر تمرکز مالکیت، اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد. مثبت بودن ضریب متغیر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول (۱/۸۴) حاکی از تأثیر مستقیم ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بر هموارسازی سود شرکت ها می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، هموارسازی سود ۰/۱۸۴ واحد افزایش می یابد.

منفی بودن ضریب متغیر تمرکز مالکیت (-۰/۲۲۹) حاکی از تأثیر معکوس تمرکز مالکیت بر هموارسازی سود شرکت ها می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی تمرکز مالکیت، هموارسازی سود نیز به میزان ۰/۲۲۹ واحد کاهش می یابد. با مقایسه ضرائب متغیر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول در جداول (۴-۹) و (۴-۱۰)؛ فرضیه دوم تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که تمرکز مالکیت موجب کاهش تأثیر مستقیم ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بر هموارسازی سود شرکت می شود. با توجه به مقدار آماره F الگوی رگرسیون برازش شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، این متغیرها ۶۲/۷ درصد از تغییرات هموارسازی سود شرکت را توضیح می دهند. آمار دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد پس می توان نتیجه گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

۷-۷-۳- نتایج آزمون مربوط به متغیرهای کنترلی

در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده؛ از آن جایی که احتمال آماره t برای ضرائب متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد؛ در نتیجه وجود رابطه معنی داری میان اندازه شرکت، اهرم مالی و اعضای غیرموظف با هموارسازی سود شرکت ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. منفی بودن ضریب متغیر اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره حاکی از تأثیر معکوس اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت ها می باشد؛ و مثبت بودن ضریب متغیر اهرم مالی؛ حاکی از تأثیر مستقیم اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت ها دارد. نسبت جریانات نقدی عملیاتی بر هموارسازی سود تأثیر معناداری ندارد.

ردیف	فرضیه	نتیجه
۱	ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بر هموارسازی سود تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه تأثیر مستقیم و معنادار
۲	تمرکز مالکیت بر رابطه بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول با هموارسازی سود تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه کاهش تأثیر

۸ - بحث و نتیجه گیری

هموارسازی سود به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که از جانب مدیریت شرکت و به طور عمدیه برای کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود انجام می‌شود. به طور عام، پژوهشگران بر این باورند که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای یک روند سودآوری یکنواخت و ثابت باشند و شرکت‌هایی که سود پر نوسانی گزارش می‌کنند، ریسک بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند. تحلیلگران مالی، سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. به همین دلیل، مدیران برای نشان دادن تصویری مطلوب از شرکت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه‌ای قوی دارند تا سود را مدیریت کنند (یوجا و بروسا^۱، ۲۰۱۱).

هموارسازی سود، عدم اطمینان از جریان‌های نقدی آتی شرکت را برای سهامداران بیشتر می‌کند که این موضوع منجر به عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و مدیران می‌شود (باتاچاریا و همکاران^۲، ۲۰۱۲). مدیریت سود فرصت طلبانه در مواقعی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است، بیشتر اتفاق می‌افتد (ترومن و تیتمن^۳، ۱۹۸۸).

-پیشنهادهای

این تحقیق با توجه به شواهد حاصل از مطالعه و نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، پیشنهادهایی برای سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سهامداران و مدیران شرکت‌ها به شرح زیر دارد:

براساس نتایج فرضیه اول مبنی بر تأثیر مستقیم و معنادار ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بر هموارسازی سود به مدیران بانک‌ها توصیه می‌شود:

تدوین استانداردهای قوی اعطای اعتبار به وام گیرندگان و طرف‌های مقابل.

توجه به تغییرات اقتصادی از جمله تحریم‌ها، تورم، ارز و

بانک‌ها باید ریسک اعتباری موجود در تمامی محصولات و فعالیت‌هایشان را شناسایی و مدیریت نمایند. بانک‌ها باید مطمئن شوند که ریسک محصولات و فعالیت‌های جدید، قبل از ارائه یا تعهد انجام، به کمک روش‌های مناسب مدیریت ریسک و کنترل‌های کافی تحت بررسی قرار گرفته و پیش‌تر توسط هیات مدیره یا کمیته مناسب دیگری به تصویب رسیده است.

بانک‌ها بایستی اطمینان حاصل کنند که اعطای اعتبار به درستی مدیریت شده و سطح اعتبارات در سطحی است که با استانداردهای احتیاطی و حدود مجاز داخلی هم خوانی دارد. بانک‌ها باید سیستم کنترل‌های داخلی را پایه ریزی و تقویت نمایند به نحوی که مطمئن شوند هرگونه استثناء نسبت به خط مشی‌ها، روش‌ها و حدود، به موقع به رده مناسب مدیریتی جهت اقدام گزارش می‌شود.

افزایش درصد مالکیت مدیریتی در بانک و واگذاری بخشی از سهام شرکت به مدیران در جهت همسو کردن منافع آنان با سهامداران و کاهش هموارسازی سود.

استفاده از حساب‌رسان و مؤسسات حسابرسی خبره در جهت حسابرسی دقیق‌تر صورت‌های مالی در جهت اطلاع رسانی بهتر به سهامداران و کاهش هموارسازی سود توسط مدیران شرکت.

براساس نتایج فرضیه دوم مبنی بر اینکه تمرکز مالکیت موجب کاهش ارتباط ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود می‌گردد به مدیران بانک‌ها توصیه می‌شود.

در زمان بالا رفتن ذخایر مطالبات مشکوک الوصول؛ نظارت خود را بر روی رفتار مدیران بیشتر کرده و بخشی از سهام شرکت را به مدیران واگذار شود و تمرکز مالکیت را بالا ببرند؛ زیرا این امر موجب کاهش هزینه نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود می‌گردد و مدیران خود را در سود و زیان شرکت سهیم می‌دانند.

1 - Ujah and Brusa

2 - Batacharia et al

3 - Trueman and Titman

با توجه به تأثیر معکوس اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود توصیه می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران الزاماتی مبنی بر بکارگیری تعداد بیشتر اعضای غیرموظف هیئت مدیره برای شرکت‌ها در نظر بگیرند. زیرا این امر موجب شفافیت و سطح بالاتر افشای اطلاعات می‌گردد.

با توجه به تأثیر معکوس و معنادار اندازه شرکت بر هموارسازی سود؛ توصیه می‌شود کسانی که قصد ورود به بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری بر روی سهام شرکت‌ها را دارند و بحث افشای و شفافیت اطلاعات برای آنان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ بر روی شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که اندازه بزرگتری دارند زیرا در شرکت‌های بزرگتر هموارسازی سود کمتر اتفاق می‌افتد.

-پیشنهادهای جهت تحقیقات آتی

با توجه به نتایج تحقیق به دانشجویان پیشنهاد می‌شود موضوع این پژوهش را در زمینه‌های زیر انجام دهند :

- ۱- بررسی رابطه بین نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود به تفکیک صنعت در بورس تهران
- ۲- مطالعه تأثیر نوع مالکیت بر روی روابط بین نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود
- ۳- بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود شرکت‌ها با استفاده از الگوریتم ژنتیک و شبکه‌های عصبی مصنوعی
- ۴- بررسی رابطه بین نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود به تفکیک مراحل چرخه عمر در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

منابع

- ابراهیمی، امراه، (۱۳۹۳)، تأثیر هزینه مطالبات مشکوک الوصول بر شفافیت سود و زیان بانک‌ها، نشریه حسابدار رسمی شماره ۸
- ابویسانی، براتعلی (۱۳۹۵). بررسی راههای افزایش سودآوری در نظام بانکی (مورد مطالعه: بانک ملت). پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش بانکداری.
- احمدپور احمد، رستایان امیر؛ (۱۳۹۰)؛ " بررسی رابطه اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام با نوسانات بازده سهام و ارزش بازار شرکت در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست های اقتصادی وزارت دارایی.
- احمدپور احمد؛ رستایان امیر؛ (۱۳۹۱)؛ " رابطه بین معیارهای ریسک و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۶، صفحات ۴۵-۴۷.
- احمدزاده، موسی، نوری، روح اله، اسفیدانی، محمدرحیم، اکبری، محسن، (۱۳۹۶) بررسی ساختار سرمایه و منابع مالی بانک کشاورزی و آرایه راهکارهایی مناسب جهت بهینه کردن آن، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۳۸.
- احمدیان، علی اشرف (۱۳۹۴). مدیریت ریسک اعتباری، چالش پیشروی تامین مالی در سیستم بانکی ایران. انتشارات بوم سازه (پایگاه سیویلیکا)
- ارمشی، مینا (۱۳۹۳). شناسایی متغیرهای مؤثر بر ریسک اعتباری مشتریان حقیقی بانک سامان (شعب شمال کشور)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی
- ازواجی، علالدین، (۱۳۹۶). ارزیابی اثرات سیاست‌های آزادسازی مالی و تغییرات نرخ بانکی بر توسعه بخش مالی در اقتصاد ایران با استفاده از تکنیک VECM، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال هفتم.
- باقری، حسن (۱۳۹۴). تحلیل عوامل مؤثر بر سودآوری بانکهای تجاری (بانک رفاه). فصلنامه تحقیقات اقتصادی، س ۷، ش ۲۱.
- جندقی غلامرضا (۱۳۹۱). آمار و کاربرد آن در مدیریت و اقتصاد. : علم گستر کریمه.
- جوادی محمدرضا و رضایی فاطمه (۱۳۹۶). رابطه بین هموارسازی سود و اندازه شرکت را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران به استثناء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری های مالی در یک بازه زمانی ۷ ساله از ۱۳۸۸-۱۳۹۴. مدیریت مالی. دوره چهارم - شماره ۱/۱.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- حساس یگانه یحیی (۱۳۸۹) تأثیر گزارش حسابرسان مستقل بر تصمیم گیری استفاده‌کنندگان. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی. دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲، صفحه ۴۱-۶۰
- خاکی غلامرضا (۱۳۷۹). روش تحقیق. نشر بازتاب. تهران.
- خلیلی، رضا، احمدی سیروس (۱۳۹۵)، هموارسازی سود از طریق تعدیل ذخایر مطالبات مشکوک الوصول در بانک‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران

- خورشیدی، رزیتا، (۱۳۹۲)، ارزیابی کفایت ذخیره مطالبات لاوصول بانک ملت برای پوشش مطالبات غیر قابل وصول، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران
- رسیان، امیر (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین معیارهای حسابداری ارزیابی عملکرد و ارزش افزوده اقتصادی (EVA) در بورس اوراق بهادار تهران"، نامه اقتصادی مفید، سال سیزدهم، شماره ۶۰ ص ۶۱-۸۸.
- سرمد، زهره (۱۳۸۳). تشریح مؤلفه های یک مقاله مبتنی بر تحقیقات تجربی. فصلنامه دانش مدیریت. ۳۷ و ۳۸، شماره ۰، پاییز ۱۳۷۶.
- سید جوادین، سید رضا. شمسی یزدانی، شمسی (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر قصد استفاده مشتریان از خدمات بانکداری اینترنتی (مطالعه موردی بانک سامان). فصلنامه دانش مدیریت. دوره ۱۸، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰
- عبدی، امیر، زارعی ایوب (۱۳۹۴)، عوامل موثر بر ناکارایی ذخیره مطالبات مشکوک الوصول بانکها، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران
- عزیزی سرخنی، مهدی؛ الهقلیزاده آذری، مهدی؛ کردلوئی، حسین. (۱۳۹۵) بررسی زیرساختهای موجود بانک تجارت برای استقرار بانکداری الکترونیکی. فصلنامه علمی ترویجی مدیریت (پژوهشگر)، ۵ (۱۱-۱۰): ۱۱-۱۰.
- علامتی، اصغر، قائمی، محمد حسین؛ قیطاسوند، محمود و توجکی محمود، (۱۳۹۵)، ارتباط بین ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هموارسازی سود در بانکها، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران
- عونی، لیلا (۱۳۹۲). شناسایی عوامل موثر بر سودآوری بانکهای تجاری (مورد مطالعه: بانک رفاه). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- قرهچه، منیژه؛ عبدالباقی، عبدالمجید؛ حمیدی زاده، محمدرضا. (۱۳۹۵). "عوامل و محرکهای توسعه بانکداری الکترونیکی در ایران: مطالعه موردی بانک رفاه". فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۵، تابستان، صفحات ۱-۲۳.
- کیمیایری، محمد علی. محمدجعفر امینی، محمد جعفر حمید طباطبایی آرانی لیلا حسینی (۱۳۹۴). مدل ریسک اعتباری بازپرداخت تسهیلات مشتریان اعتباری بانک (موردی حوزه شهرضا بانک ملی ایران. دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشکده مهندسی صنایع و سیستم های مدیریت.
- مومنی منصور (۱۳۸۷). "مباحث نوین تحقیق در عملیات." : انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- نورانی حسین (۱۳۸۵). تاثیر هموارسازی سود بر بازده شرکت ها. نشریه حسابداری.
- نورشاهی، کبری و حسن فرج اله زاده دهکردی، (۱۳۹۶)، اصول حسابداری ۲، تهران، انتشارات چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- Abou EI Sood, H. (2016). "Loan loss provisioning and income smoothing in US banks pre and post the financial crisis, " International Review of Financial Analysis. Vol, 25. no. 64-72
- Acharya, V.V., Carpenter, J., Gabaix, X., John, K., Richardson, M., Subrahmanyam, M., Sundaram, R., Zemel, E., (2016). Corporate governance in the modern financial Sector. In: Restoring Financial Stability: How to Repair a Failed System. John Wiley & Sons Inc., Hoboken, NJ
- Adams, R., Mehran, H., (2017). Is corporate governance different for bank holding companies? Economic Policy Review: Federal Reserve Bank of New York 9, 123-142.
- Ben osman, D. Mersenie, F.(2015). "Income Smoothing by Economy Sector," Journal of Busines Finance and Accounting. vol, 3.No, 91-102.
- Bikker, J.A. and Metzmakers, P.A. (2015). "Bank Provisioning Behaviour and procyclicality" The Netherland Bank. October.
- Bowatir, A., Hasan, I. and Lozano – Vivas, A. (2016) Loan Loss provision decision: An empirical analysis of the Spanish depository institution. Journal of international Auditing and Taxation 14: 55-77.
- Burgstahler, D. and Dichev, I. (2015). "Earnings Management to Avoid Earnings Decreases and Loses". Journal of Accounting and Economics, No 24.
- Chen, p.k. Yang, D.C. Hu, M. (2014). "Income Smoothing and Firm Characteristics". Accounting Enquiries. Vol, 7. No, 1.
- Killy K. (2015). Regulation of Bank Capital and Portfolio. Journal of Finance. Vol. 35, N. 5, pp: 1235-1250
- Kuan. Hui Lee. (2011), "The world price of liquidity risk." Journal of Financial Economics. 99, Pp: 136-161.

- Laeven, L – and Majnoni, G.(2013). “ Loan Loss Provisioning and Economic Slowdowns: Too Much, Too Late?”. The World Bank, Washington, DC.
- Liu, Weimin. (2016), "A liquidity-Augmented Capital Asset Pricing Model," Journal of Financial Economics, 82. Pp: 631–671.
- Longstaff, F. (2014), Asset pricing in markets with illiquid assets, University of California, Los Angeles- Finance Area; National Bureau of Economic Research (NBER).
- Manoj Atolia, Tor Einarsson, Milton Marquis. (2011), "Understanding liquidity shortages during severe economic downturns." Journal of Economic Dynamics & Control, 35. Pp: 330–343.
- Markous. C. (2018), "How should liquidity be measured?" Pacific-Basin Finance Journal, 11. Pp: 45–59.
- Noura, Jamie John McNutt, Philip E. Strahan, Hassan Tehranian (2012), "Liquidity risk management and credit supply in the financial crisis." Journal of Financial Economics, 101. Pp: 297–312.
- Nourdon, K. Stown, M. (2017). “managerial Incentives for Income Smoothing Theory Bank Loan Loss Provision,” The Accounting Review.
- Paoula, J.A., Phillips, R.L. and Westfall, P.A. (2015). Markets vs. management: what ‘drives’ profitability? Strategic Management Journal 17, 653–664.
- Piqueira, N. (2006), Trading activity, illiquidity costs and stock returns, working paper, Princeton University, Social Science Electronic Publishing, Inc.
- Ramlall, Indranarain (۲۰۱۷), ‘Bank-Specific, Industry-Specific and Macroeconomic Determinants of Profitability in Taiwanese Banking System: Under Panel Data Estimation’, International Research Journal of Finance and Economics, ISSN 1450-2887 Issue 34 (2009)
- Rietveld, P., & schipper, Y. (2012). Explaining employment growth in small industrial enterprises: Dose policy matter?, Vrije university, Tinbergen Institute Amsterdam .
- Robinson, W. T. and J. Chang (2016). Are Sutton’s Predictions Robust? Empirical Insights Into Advertising, R&D, and Concentration. Journal of Industrial Economics, 44.4, December, 389-408.
- Rumelt, R. (2010). How much does industry matter? Strategic Management Journal 12, 167–185.
- Scherer, F.M. and Ross, D. (2017) Industrial Market Structure and Economic Performance. (3rd ed.). Houghton Mifflin, Boston, MA.
- Sterjuse Lountice. Ahmed, Carolyn Takeda, Shawn Thoma. (2018) Bank loan loss Provisions: a reexamination of capital management, earnings management and signaling effects. Journal of Accounting and Economics (28) : 1-25.

امنیت انرژی و دیپلماسی ایران در ژئوپلیتیک انرژی منطقه بین سال‌های (۲۰۱۷-۲۰۲۰)

جواد گنج خانلو^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۴

کد مقاله: ۵۴۰۷۹

چکیده

امروزه انرژی با توجه به نقش حیاتی آن در استمرار توسعه سیاسی و اقتصادی جزء اهداف و برنامه‌های اصلی کشورهای جهان است. با توجه به اینکه ذخایر انرژی در مناطق خاصی از جهان متمرکز است؛ ضرورت تأمین امنیت تولید و انتقال این منابع به بازارهای مصرف از استراتژیک‌ترین مباحث موجود در سیاست خارجی عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی است. در همین راستا دیپلماسی و در رأس آن دیپلماسی انرژی اهمیت بسزایی در مدیریت انتقال این منابع دارد و بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها، موقعیت جغرافیایی و به تبع آن ژئوپلیتیک انرژی آن کشور و نحوه ارتباط آن با جهان خارج و همسایگان است. کشور ایران علی‌رغم قرار گرفتن در مرکز منطقه‌ای معروف به بیضی انرژی و دارا بودن سهم عمده‌ای از تولید انرژی جهان، همچنین دارا بودن موقعیت بسیار مهم گذرگاهی و ضریب بالا در تأمین امنیت انرژی، از نفوذ و تسلط به بازار انرژی متناسب با موقعیت ژئوپلیتیک خود برخوردار نبوده و در حال حاضر تحت تأثیر برنامه‌ها و سیاست‌های تحمیل‌شده‌ای قرار دارد که از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مثل؛ عربستان سعودی و آمریکا در منطقه و بازار انرژی تبیین و اعمال می‌گردد. در مقاله پیش رو، ضمن برشمردن بنیان‌ها و مولفه‌های ژئوپلیتیک انرژی و ابزار موردنیاز در این حوزه به بررسی نقش و جایگاه ایران در منطقه و تبیین دیپلماسی انرژی و سرفصل‌های آن پرداخته شده و پس‌ازآن، وضعیت ژئوپلیتیک انرژی و دیپلماسی انرژی ایران موردبررسی و درنهایت به ارائه برخی راهکارها برای دستیابی به یک حضور مؤثر در بازارهای جهانی انرژی کشور منتج خواهد شد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک انرژی، امنیت ملی، دیپلماسی انرژی، امنیت انرژی، ژئواکونومی

۱- دانشجوی دکترا جغرافیای سیاسی، دبیر نظام پیشنهادات شهرداری منطقه ۶

۱- مقدمه

انرژی یکی از اصلی ترین نیازهای جوامع انسانی امروز است که نه تنها بر بسیاری از منازعات و روابط میان دول مختلف تاثیرگذار است، بلکه می توان گفت بسیاری از این مناقشات و تعامل ها اساسا به علت دست یابی به آن بوقوع می پیوندد. اهمیت انرژی که با وقوع انقلاب صنعتی بیش از گذشته مشهود شد، با تغییر گرایش جهان از مصرف زغال سنگ به نفت در ابتدای قرن اخیر رویکردی تازه یافت، چرا که بر خلاف زغال سنگ که معادن آن در اختیار کشورهای جهان صنعتی بود، منابع نفتی پراکندگی یکسانی در سطح جهان نداشته و عمدتا در منطقه خلیج فارس و نیز امریکای شمالی قرار داشتند که رفته رفته نقش کشورهای حاشیه خلیج فارس در این میان پررنگ تر شد. به عنوان مثال در سال ۱۹۴۰، امریکای شمالی ۷۳٪ تولید جهانی نفت را عهده دار بود اما با گذشت زمان نقش کشورهای خاورمیانه (البته بیش تر کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و امارات که نام دارند) در تامین انرژی جهان پررنگ تر شد و با گذشت حدود سه دهه، در سال ۱۹۷۵، کشورهای pg5 نزدیک به نیمی از تولید نفت خام جهانی را به خود اختصاص دادند و سهم امریکای شمالی تا حدود یک سوم کاهش یافت. دراین میان نقش دیپلماسی و به طور خاص آن دیپلماسی انرژی در شکل دادن به نحوه تولید و توزیع و انتقال آن در بازارهای انرژی جهان بسیار مهم و متمایز می باشد.

با توجه به اینکه پایه و اساس اقتصاد اغلب کشورهای تولید کننده انرژی برپایه درآمدهای حاصل از اقتصاد انرژی می باشد. ازطرفی؛ سهم عمده ای از اقتصاد کشورهای مقصد یا خریدار انرژی نیز تابع این محصول می باشد. به همین دلیل هر دو گروه تولید کنندگان و مصرف کنندگان انرژی به دنبال تغییر، تعدیل و تنظیم بازارهای جهانی انرژی در جهت منافع اقتصادی خود می باشند.

به همین لحاظ منطقه خاور میانه و خلیج فارس و دریای عمان و سرزمین های حوزه دریای خزر یا همان بیضی انرژی که این منطقه، حدود ۷۰ درصد ذخایر نفتی و ۴۰ درصد ذخایر تثبیت شده گاز طبیعی جهان را شامل می شود. به جهت تاثیرگذاری مستقیم بر اقتصاد جهانی به واسطه دارا بودن سهم عمده ای از انرژی جهانی، علاوه بر دارا بودن موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک در حوزه انرژی از موقعیت ویژه اکونومیک هم برخوردار می باشد. قرارگرفتن ایران بین دوحوزه بسیارمهم دریای خزر و خلیج فارس، اهمیت ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و ژئواکونومیکی خاصی به ایران بخشیده است. این نقش در زمینه های سسیاسی و به لحاظ جغرافیایی و انتقال انرژی بی بدیل باشد، حال آنکه به رغم داشتن توانایی های ساختار ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، ایران از نفوذ ژئوپلیتیکی مناسبی در تعاملات منطقه ای و جهانی برخوردار نمی باشد؛ و غالباً درحوزه انرژی (نفت و گاز) تحت تاثیر سیاست ها و اقدامات بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای از قبیل عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا می باشد.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری بوده و با توجه ماهیت موضوعی آن، توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق مطالعات کتابخانه ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب و مقالات و برخی سایت های اینترنتی معتبرگردآوری شده است. در این مقاله با برشمردن بنیان ها و مولفه های ژئوپلیتیک انرژی و ابزار مورد نیاز دراین حوزه به بررسی نقش و جایگاه ایران در منطقه پرداخته است.

۱-۲- ژئوپلیتیک

باتغییر وتحولات به وجود آمده در نظام بین الملل، همواره مفهوم ژئوپلیتیک نیز دچار دگرگونی می گردید. گاهی دستیابی به خشکی، گاهی تسلط بر دریاها و آزاد و زمانی دیگر تسلط، برمنابع انرژی و معدنی، جوهرمفهوم ژئوپلیتیک برتر را تشکیل می داد. کارل هاس هوفر بنیانگذار مکتب آلمانی ژئوپلیتیک می گوید، ژئوپلیتیک تحقیق در خصوص رابطه میان زمین و سیاست است. ریمون آرون در کتاب جنگ و صلح، ژئوپلیتیک را عبارت از طراحی جغرافیایی روابط راهبردی همراه با تحلیل اقتصادی - جغرافیایی منابع وتفسیر نگرش های دیپلماتیک حاصل ازحیات جوامع بشری و محیط زیست پیرامون می داند. ژئوپلیتیک علاوه بر بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست یک کشوربه تفسیر وقایع نیزمی پردازد و می تواند تحولات آینده را تحلیل وگمانه زنی کند (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰)

۲-۲- ژئوپلیتیک انرژی

ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه و نقش و اثر انرژی و جنبه ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملتها و دولتها می پردازد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵) می توان ژئوپلیتیک انرژی را مطالعه و بررسی تاثیرگذاری متغییر انرژی بر سیاست و

تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جهت کسب، افزایش و حفظ قدرت تعریف کرد. شاید بتوان انرژی را از مهمترین متغیرهای تعیین کننده جایگاه خاور میانه در عرصه بین المللی در دوران معاصر دانست (رحیم صفوی، مهدیان، ۱۳۸۹)

۲-۳- ژئواکونومی

ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به طور ذاتی در دوعنصر از سه عنصر تشکیل دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، درحوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در اینصورت ژئواکونومی به عنوان بعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد که در زیرمجموعه جغرافیای سیاسی قرار دارد. به نظر می‌رسد یک تعریف سه بخشی از ژئواکونومی میتواند تا حدود زیادی جامعیت داشته باشد: ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیک؛ و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملتها بر اهداف ژئوپلیتیک کشور است. (مختاری هشی، ۱۳۹۷)

۲-۴- امنیت انرژی

امنیت انرژی به تولید و مصرف روان انرژی (بویژه نفت و گاز) اطلاق می‌شود، چنانچه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج، تولید و حمل و نقل (تولید، توزیع و مصرف) آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، عرضه، ترانزیت و حفاظت از خط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب انرژی، تعیین سیاست های انرژی، تغییرات آب و هوایی و محیط‌زیستی ناشی از مصرف برخی سوخت‌ها و انرژی‌های جایگزین را در بر می‌گیرد. (رحیم صفوی، مهدیان، ۱۳۸۹)

امنیت انرژی یکی از مهمترین اجزا و موضوع محوری مباحث مربوط به سیاست انرژی است؛ چراکه توسعه اقتصادی کشورها و مناطق مختلف جهان چه در سطح خرد و چه در سطح کلان به آن مرتبط است. هنگامی که از امنیت انرژی صحبت می‌شود، منظور کاربرد مفهومی آن است که جریان آزاد انرژی بر اثر ایجاد یک رشته حوادث و اتفاقات بحرانی، منقطع نشود و کارایی نظام اقتصادی بین‌الملل را مختل نکند. از این رو لازم است که ابتدا میان امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی تفکیک قائل شویم؛ چرا که مسئله امنیت انرژی، یک مسئله و منظومه چند بعدی است که از زوایای مختلف قابل بررسی است. منظور از امنیت عرضه آن است که به مصرف کنندگان این تضمین داده شود که وقوع یک رشته حوادث غیر قابل پیش بینی، همچون سهولت دسترسی به منابع قابل اطمینان، مسیر ترانزیتی امن، خطرهای متوجه ساختارها و تأسیسات و عوامل همچون بلایا و آسیب های طبیعی، تروریسم، جنگ، آشوب ها و ناآرامی های سیاسی، شورش های مدنی و مؤلفه هایی نظیر آن جریان عرضه انرژی و یا مقدار آن را متوقف نکند. همچنین امنیت عرضه انرژی شامل تضمین خطوط انتقال انرژی نیز شده، به گونه ای که جریان آزاد و مداوم آن تحت تأثیر خواست و اراده سیاسی صادرکنندگان منقطع نشود؛ اما منظور از امنیت تقاضای انرژی این است که عرضه کنندگان تمایل دارند برای انرژی ای که تولید کرده و برای آن هزینه های زیادی صرف نموده اند، تقاضای مکفی وجود داشته باشد؛ چراکه در غیر این صورت، هزینه های فرصت های ازدست رفته زیادی را به دلیل معطلی سرمایه گذاری شان تحمل کنند. همچنین امنیت تقاضا، امنیت صنعت نفت و محیط زیست، ابعاد و زوایای دیگر امنیت انرژی را تشکیل می‌دهند. (عظیمیان، مدرس، محمد علی پور، ۱۳۹۵) در نظام چندقطبی معطوف به تک قطب دستورکار بین المللی عمدتاً توسط قدرت هژمون تعیین می‌شود. قدرت هژمون همچنین در تعیین اهداف، منافع و مقابله با معارضین خود از آزادی عمل بیشتری در مقایسه با ساختار دوقطبی و چندقطبی برخوردار است. نمونه‌ای از این تدوین دستورکار بین المللی را می‌توان در حوزه تعیین مسیر خطوط انتقال انرژی ملاحظه کرد (شفائی، اصولی، رسولی، ۱۳۹۳)

۲-۵- امنیت ملی

بنابراین کشورها برای منافع ملی خود به دنبال برقراری یک «سیستم امنیتی» در منطقه هستند. در برقراری این سیستم امنیتی، کشورها تا جایی که توان داشته باشند و در حد امکان به دنبال نفوذ مستقیم خود در این سیستم هستند. منظور از ترتیبات امنیتی در یک منطقه «مجموعه تلاشهای کشورهای منطقه برای برقراری یک سیستم امنیتی در منطقه است؛ حال چه این سیستم امنیتی درون منطقه ای تعریف شده باشد چه برون منطقه ای». بوزان و همفکرانش بر این عقیده اند که گرچه «امنیت ملی» و «امنیت بین‌المللی» وابستگی متقابل و دوطرفه‌ای به یکدیگر دارند، دنبال کردن هر کدام از آن دو به تنهایی کاری بیهوده است که نتیجه نخواهد داشت و سرانجام آن یا منزوی شدن در روابط بین‌الملل است یا حل شدن در سیستم مستقیم جهانی و همین جاست که توجه به امنیت منطق های را عقلانی ترین و ساده ترین راه برای نیل به اهداف امنیتی می‌دانند (حافظ نیا، فرجی، ۱۳۹۳)

امنیت ملی یعنی؛ دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تامین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد. (روشندل، ۱۳۹۴)

امنیت ملی واجد ابعاد دوگانه سلبی و ایجابی است. در بعد سلبی به نفی، رفع و تقلیل تهدید و در بعد ایجابی به ارتقا و بهینه سازی وضعیت زیست بوم جوامع از نظر اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی اشاره دارد. از این منظر میتوان حسب تعریف مک نامارا که امنیت ملی را توسعه پایدار همه جانبه و متوازن تعریف میکرد مهمترین اهداف عمده امنیت ملی عبارتند از: ۱. حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛ ۲. تحقق رفاه مردم و ثبات کشور؛ ۳. حفظ و اشاعه ارزشهای ملی و اقتصادی؛ ۴. فراهم کردن امکانات فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی (یوسفی جویباری، صیدی محمدی، فتاحی، ۱۳۹۳)

۲-۶- دیپلماسی

ابزارها و شیوه های تامین امنیت ملی در طی قرن بیستم و سال های آغازین قرن بیست و یکم دچار تحول شده است. استفاده از ابزارسخت نظامی اولویت کاربردی خود را تا حدود زیادی از دست داده و جای خود را به ابزار نرم و سیاسی واگذار کرده است و در روابط بین الملل نقشی بسزا یافته است. «دیپلماسی» بنا به تعریف، دیپلماسی به دانش ارتباط میان سیاست مداران و سران کشورهای جهان گفته می شود. دیپلماسی وسیله ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن به جای جنگ از راه توافق به هدف های خود می رسد و بنابراین تعریف، آغاز جنگ شکست دیپلماسی است (آشوری، ۱۳۶۴) از سوی دیگر، محور دیپلماسی «توافق» بر سر موضوعی مشخص است که این موضوع می تواند یک نیاز و یا هدف مشترک میان سیاست مداران باشد. تجارت و اقتصاد، فرهنگ، دین و یا سایر نیازهای جامعه جهانی می توانند محور این توافق یا دیپلماسی قرار گیرند. بدین ترتیب دیپلماسی یک کشور می تواند متشکل از لایه های گوناگون نظیر دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی فرهنگی و یا سایر موارد باشد. (مستکین، ۱۳۸۴)

۲-۷- دیپلماسی انرژی

دیپلماسی انرژی از یک سو، به ابعاد اقتصادی واز سوی دیگر، به ابعاد امنیتی، منافع و قدرت ملی مرتبط است. به این ترتیب، دیپلماسی انرژی درحالی اهمیت بیشتری برای ایران یافته است که با ارزیابی دقیق شرایط زمانی و واقعیات جهانی، منطقه ای و بین المللی، و نیز توجه به اثرگذاری این بخش برکنشهای متقابل نیرو های داخلی، شاخص ترین بخش اقتصادی کشور در تعاملات بین المللی است. با مورد ملاحظه قرار دادن خط مشی امنیت انرژی نزد کشور های گوناگون (اعم از صادرکننده و واردکننده این منابع) (پوراحمدی، ذوالفقاری، ۱۳۸۸)

تعاریف گاه به طورمتناقض از دیپلماسی انرژی صورت می گیرد. منظور از دیپلماسی انرژی، کنش متقابلی است که معطوف به نگاه بلندمدت و راهبردی به بسط همکاری بین المللی و جهانی انرژی و بر بستری از همکاری بین المللی، ابزار تشویق و حمایت از سرمایه گذاری های چندجانبه در زمینه تولید و تجارت است. (پوراحمدی، ذوالفقاری، ۱۳۸۸)

دیپلماسی انرژی به عنوان یک برنامه متقن، منسجم و کارآمد می تواند بازارهای هدف انرژی جهانی را تشخیص داده و با تحلیل آن ها، برنامه هایی برای حضور مؤثر در این بازارها ارائه کند و در مقابل تحولات جهانی عرصه انرژی (نظیر معاهدات و توافقات بین المللی چون نوباکو و یا تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز) رویکردهای مناسب را به سیاست گذاران کشور دیکته کرده و در نهایت سید صادرات انرژی آنان را تعیین کند. (بشیان، ظریف و همکاران، ۱۳۹۵)

دیپلماسی انرژی در واقع محصول تلاش کشورها برای بهره گیری از ابزار انرژی برای تحقق اهداف و منافع ملی در عرصه سیاست خارجی است. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

بدین ترتیب، مسأله دسترسی به منابع انرژی اعم از فسیلی، اتمی، خورشیدی و غیره؛ همچنین انتقال انرژی از مکان های برخوردار به مکان ها و فضاها بدون انرژی و نیازمند و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی؛ همچنین تکنولوژی ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است. (صادقی، دهقانی فیروزآبادی، آجیلی، ۱۳۹۷) بعنوان مثال؛ پیشبرد سیاست خارجی قطر با مقوله صادرات گاز و امنیت ملی این کشور گره خورده است. قطر در عرصه سیاست خارجی درصدد تبدیل شدن به یک بازیگر تأثیرگذار در سطح منطقه ای است. بدین منظور این کشور از عنصر دیپلماسی انرژی به خوبی استفاده کرده است. از همان ابتدا، سیاستگذاران انرژی این کشور راهبرد تبدیل شدن به یک عربستان گاز طبیعی را برای این کشور طراحی کردند. بدین ترتیب قطر از سالهای دهه ۱۹۸۰ تلاش کرده تا خود را به عنوان ((عربستان دیگری در گاز طبیعی مایع)) مطرح کند. تنوع مقاصد صادراتی که با راهبرد توسعه صادرات گاز طبیعی مایع همراه شده، به این کشور اجازه میدهد تا نقش بسیار فعالی را در بازار جهانی

انرژی ایفا کند. صادرات گاز مایع از طریق دریا دسترسی بسیار قابل توجهی برای این کشور به ارمغان آورده است. به گونه‌ای که قطر در حال حاضر در بیشتر نقاط جهان مقصد صادراتی دارد. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

تحقق فرآیند معطوف به دیپلماسی انرژی، صرفاً در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که زمینه‌های لازم برای چندجانبه گرایی و تحرک بین المللی فراهم شود. به این ترتیب، پیگیری فرایند معطوف به دیپلماسی انرژی، نیازمند بهره گیری از استراتژی توسعه منابع و گسترش همکاری ها در بازار جهانی می باشد.

به موازات چندجانبه گرایی پیگیری موضوع دیپلماسی انرژی نیازمند مشارکت با کشورهای منطقه، قدرتهای بزرگ، شرکت های چند ملیتی، بازارهای منطقه ای و بازارهای جهانی است. هریک از کشورها، شرکت ها و سازمان های یاد شده، نقش تفکیک شده ای در ارتباط با دیپلماسی انرژی ایفا می نمایند. به طور کلی پیگیری دیپلماسی انرژی نیازمند ایجاد زیرساخت هایی است که امکان مشارکت و همکاری چندین بازیگر را امکان پذیر می سازد. (مادسن، ۱۳۸۶) شاخص های آن را می توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

الف. دسترسی به بازارهای جهانی؛

ب. جذب سرمایه خارجی به طور مستقیم - غیرمستقیم، دوجانبه - چندجانبه؛

ج. حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش های اقتصاد جهانی؛

د. خار شدن بازار نفت از انحصار شرکت های بزرگ چندملیتی که قادر به کنترل تولید، بازار و قیمت کالا می باشد؛

ه. تنوع بخشی به مسیرهای انتقال انرژی که از طریق الگوهای چندجانبه حاصل میگردد؛

و. مدیریت کنترل قیمت در شرایط بی ثباتی و ناپایداری در اقتصاد جهانی؛

ز. مبارزه با اقدامات تروریستی که می تواند در انتقال انرژی اختلال ایجاد نماید.

۲-۸- دیپلماسی انرژی، سیاست خارجی و امنیت ملی

سیاست خارجی عملگرایانه ترین بخش از مطالعات و پژوهش های بین المللی است که میتواند به طور مستقیم در راستای منافع و نیازهای ملی باشد (خسروی، میرمحمدی، ۱۳۹۳) اهمیت اقتصاد در دیپلماسی تا جایی است که میتوان گفت در دوره ما مفهوم دیپلماسی به طور ذاتی تغییر یافته است و امروزه دیپلماسی به عنوان استفاده از نفوذ سیاسی توسط دولتها برای ترفیع منافع اقتصادیشان در بازارهای بین المللی تعریف میشود (میرزائی، عباس زاده فتح آبادی، صدری علی بابالو، ۱۳۹۳)

با افزایش اهمیت اقتصاد در قدرت ملی کشورها دستیابی به منابع انرژی به عنوان یکی از اصلی ترین انگیزه ها برای تبیین رفتار دولتها به ویژه دولتهای بزرگ در عرصه سیاست خارجی است. بررسی روندهای موجود در ساختار جدید اقتصاد سیاسی بین الملل مؤید آن است که در این ساختار؛ انرژی از ارکان مهم سازنده هژمونی بوده و نقشی استراتژیک در رویکردهای قدرتهای بزرگ جهانی در این خصوص ایفا میکند (صادقی، ۱۳۹۱)

غالب شدن گفتمان اقتصادی سبب شده تارویکردهای عملگرایانه بیش از پیش رفتار منطقه ای و بین المللی کشورها را شکل دهد. در عین حال این تغییر گفتمان سبب رقابت کشورهای بزرگ برای دستیابی به منابع اقتصادی نیز شده است. قدرت های بزرگ با درک ضرورت تضمین توسعه اقتصادی خویش در بلندمدت، تسلط بر ذخایر اقتصادی را مورد توجه قرار داده اند. انرژی های فسیلی به جهت وابستگی شدید اقتصاد جهانی به جایگاه برجسته ای صعود کرده، به گونه ای که امروز نفت و گاز، یک کالای استراتژیک محسوب میشود. طبیعی است که چنین اهمیتی کانونهای اصلی دارنده آن را نیز صاحب چنین امتیازی میکند (محمدی، غم پرور، ۱۳۹۳)

از جمله معیارهای دیگری که میتواند تأثیر دیپلماسی انرژی بر سیاست خارجی را مورد ارزیابی قرار دهد، حضور در مجامع انرژی است. بالطبع جایگاه و درصد تأثیرگذاری در مجامع انرژی به عنوان نهادهای تصمیم ساز میتواند نشان دهنده موفقیت یک کشور در دستیابی به منافع و اهداف ملی باشد. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

پرستیژ و اعتبار بین المللی از جمله شاخص هایی است که میتواند جایگاه دیپلماسی انرژی را در سیاست خارجی کشورها نشان دهد. از آنجاکه دیپلماسی انرژی عرصه تعامل و برهمکنش اقتصاد و سیاست است. از سوی دیگر، هدف مهم کشورها در عرصه سیاست خارجی، ارتقای منزلت در سطح بینالمللی است، دیپلماسی انرژی میتواند با تلاش برای ایجاد فضایی از رشد و توسعه اقتصادی این مهم را یاری کند. چرا که به نظر میرسد بدون یک اقتصاد پویا و فعال نمیتوان به منزلت بین المللی دست یافت؛ بنابراین اگر سیاست خارجی در صدد ارتقای منزلت بین المللی است باید به عرصه اقتصاد توجه ویژه ای داشته باشد. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

۹-۲- جایگاه و اهداف جمهوری اسلامی ایران در الگوی دیپلماسی انرژی

توزیع نامتوازن منابع انرژی در عرصه جهانی و روند خالی شدن نامتوازن منابع، در ژئوپلیتیک انرژی برخی کشورها را در جایگاه صادر کنندگان و برخی دیگر را وارد کنندگان عمده قرار داده است. موضوعیت اخیر که در ارتباط با رقابت برای بازارها و مواد خام قرار دارد، متعاقب تغییر در نظام اقتصاد سیاسی جهانی و در مرتبه دیگر به تغییر در نهاد دولتها باز می گردد. زیرا طبق برآورد، ایران برخوردار از ۷ درصد منابع معدنی، ۱۱ درصد ذخایر نفت و ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان است بنابراین، حاکم شدن منطق اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منافع جدیدی در منطقه و جهان برای کشور پدیدار ساخته و فرصت های نوینی را ایجاد می کند (جوادی ارجمند، ۱۳۸۶)

اقتصاد جهانی تابعی از ضرورت های امنیت ملی قدرتهای بزرگ و نیازهای سیاست بین الملل محسوب می شود. بسیاری از نظریه پردازان روابط و امنیت بین الملل تلاش میکنند تا موضوع مربوط به راهبرد امنیت انرژی را براساس ضرورت های سیاست بین الملل تنظیم نمایند. (تریلین، ۱۳۹۰) سیاستگذاری اقتصاد سیاسی در سطح بین المللی به گونه ای است که سیاست های راهبردی و اقداماتی همانند تحریم، موازنه درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده براساس ضرورت های نظام جهانی شکل می گیرد؛ محور اصلی سیاستگذاری اقتصادی نفت را باید براساس راهبردهای اقتصاد جهانی تحلیل کرد که با محوریت آمریکا انجام میشود. از آنجا که آمریکا نیروی متعادل کننده نهادهای اقتصاد جهانی است، بنابراین از قابلیت لازم برای هماهنگ سازی موضوعات مربوط به نفت و گاز، اقتصاد، امنیت و قدرت راهبردی کشورهای منطقه ای برخوردار است. به عبارت دیگر، کشورهایی که در کنترل اقتصاد جهانی نقشی را به عهده دارند، هر اقدام خود را براساس ضرورت های راهبردی تنظیم میکنند.

ایالات متحده میدانند که ساختار اقتصادی ایران براساس اقتصاد نفت پایه می چرخد و با ارز به دست آمده از فروش آن، ارز مورد نیاز خود را به اقتصاد کشور تزریق میکند؛ از اینرو تلاش میکند تا با کمک اتحادیه اروپا برای تغییر رفتار ایران در برنامه هسته ای، منبع درآمد ایران را قطع کرده و شریان اقتصادی کشور را مختل نماید و با تحریم نفتی عملاً ایران را از بخش اعظم درآمد خود محروم کرده و از ورود دلار به ایران جلوگیری کند. در ایران با کاهش درآمدهای ناشی از تحریم نفت و مشکلات ناشی از ت آمین ارز برای منابع و کالاهای سرمایه ای، تأسیسات تولیدی و زیربنایی مانند صنایع خودروسازی، در معرض ورشکستگی قرار گرفتند (غلامی، ۱۳۹۰) تحریم های اقتصادی مانعی سخت در برابر دستیابی به این هدف بوده اند. همچنین تحریم ها می که از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شد، بخش وسیعی از اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد؛ به گونه ای که علاوه بر محدودیت های روابط تجاری و محدودیت بر سرمایه گذاری خارجی، به منظور فلج کردن اقتصاد ایران، ممنوعیت هایی در روابط مالی بانکی و صادرات نفت در نظر گرفته شد و تحریم های اقتصادی با ایجاد مانع بر سر راه صادرات نفت و ارتباطات پولی و مالی ایران و ناکارآمدی داخلی، منجر به کندی روند توسعه اقتصادی شد. بیشک نفت و گاز مهمترین و درعین حال سیاسی ترین کالای اقتصادی جهان است که همواره در تحولات سیاسی و اجتماعی دولت های نفتی نقش قابل توجهی را ایفا کرده است (عسکری، ۱۳۸۹) تحریم اقتصادی و محدودسازی راهبردی ایران، بخشی از سیاست گذاری اقتصاد سیاسی نفت و تابعی از نیازهای راهبردی اقتصاد جهانی و امنیت بین المللی است. (مصلی نژاد، ۱۳۹۴)

در عرصه خارجی، دیپلماسی انرژی ایجاب می کند تا اقدامات ویژه ای برای شکل دادن به روابط مناسب و روبه پیشرفت با کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک که از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی حائز اهمیت می باشند، صورت بگیرد. از این رو، درحالی که به واسطه خاص بودن نظام جمهوری اسلامی، ایران با عمده روند های جاری بین المللی ناسازگاری و عدم تطابق دارد، باید برای تحقق اهداف کلان خود و برای پیشبرد آن ها به ائتلاف و درنهایت، اتحاد بیندیشد؛ زیرا حجم محدود قدرت جمهوری اسلامی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بدون ائتلاف با دیگر واحد های سیاسی توانایی جامه عمل پوشاندن به تمامی اهداف بلند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی سیاست خارجی ایران را ندارد (سریع القلم، ۱۳۷۰)

۱۰-۲- ژئوپلیتیک انرژی و منابع نفت و گاز خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز

منطقه خلیج فارس با توجه به داشتن منابع عظیم انرژی، مهم ترین خطوط کشتیرانی و منابع عظیم شیلات و منابع بسیار غنی کانی و معدنی از مهم ترین و حساس ترین مناطق دنیاست. در ارتباط با ذخایر انرژی، این منطقه به علت داشتن منابع عظیم نفت و گاز، همواره مورد توجه کشورهای بزرگ بوده است. اهمیت راهبردی این منطقه برای دنیا به خصوص کشورهای صنعتی که به شدت به منابع انرژی وابسته اند، طی سال های آینده به شدت افزایش خواهد یافت. حدود ۵۲ درصد ذخایر اثبات شده فعلی دنیا در خلیج فارس و بخش اعظم آن در محدوده پنج کشور عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات قرار دارد. (حافظ نیا، فرجی، ۱۳۹۳)

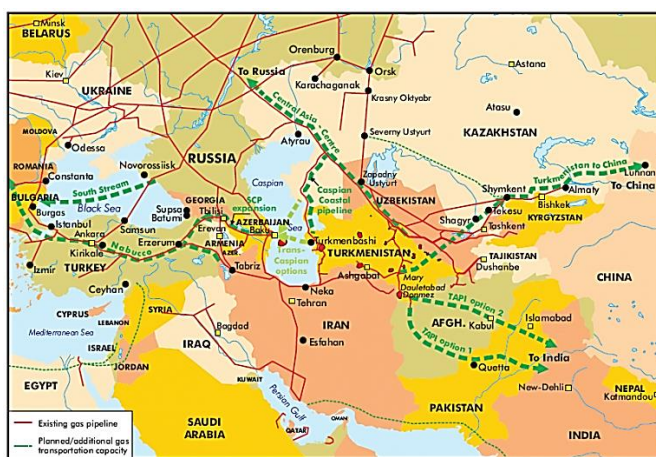
دسترسی نداشتن جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز به آب های آزاد، سبب شد تا گونه ای وابستگی به کشورهای مسیر انتقال یا ترانزیت پدید آید که بر ژئوپلیتیک منطقه اثرگذار است؛ بدین معنا که چگونگی انتقال انرژی از یک موضوع بازرگانی و

اقتصادی به موضوعی سیاسی و ژئواستراتژیک تبدیل می شود؛ به سخن روشن تر، موضوع انتقال انرژی کشورهای این منطقه به چالشی سیاسی- امنیتی و ژئوپلیتیک تبدیل شده است. (یزدانی، ملبوس باف، ۱۳۸۷) در واقع، می توان گفت، منابع انرژی بار دیگر به نقشه ژئوپلیتیک حوزه دریای خزر شکل می دهد. این منابع انرژی و به ویژه ذخایر نفت و گاز طبیعی، اکنون در منطقه مایه شکاف و کشمکش شده است؛ با وجود منابع سرشار نفت و گاز، مشکل اساسی کشور های این حوزه دسترسی نداشتن به آب های آزاد است؛ پیش از این تنها راه انتقال نفت و گاز این کشورها، خط لوله روسیه بود، ولی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و گریز این کشورها از وابستگی به روسیه، اکنون چگونگی انتقال نفت و گاز این حوزه یکی از مشکلات کشورهای کرانه دریای خزر شده است. (یزدانی، ملبوس باف، ۱۳۸۷)

۲-۱۱- نقش و جایگاه ایران در امنیت ترانزیت انرژی منطقه

بر اساس جدیدترین آمار موجود، تاکنون حدود ۱۵۰۰ میلیارد بشکه نفت خام در سطح جهان شناسایی شده است. از نقطه نظر ذخایر اثبات شده نفت خام، ونزوئلا با برخورداری از حدود ۲۹۶ میلیارد بشکه نفت خام، عربستان سعودی با داشتن حدود ۲۶۴ میلیارد بشکه و جمهوری اسلامی ایران با داشتن حدود ۱۵۱ میلیارد بشکه نفت خام اثبات شده، به ترتیب اولین، دومین و سومین دارندگان ذخایر نفتی اثبات شده جهان هستند. از نقطه نظر میزان صادرات نفت خام، عربستان سعودی با تولید روزانه حدود ۸ میلیون بشکه مقام اول جهان، جمهوری اسلامی ایران با حدود ۳/۵ میلیون بشکه در روز مقام دوم و ونزوئلا با صادرات حدود ۲/۸ میلیون بشکه نفت خام در روز، مقام سوم صادرکنندگان عمده نفت در جهان را دارا می باشند. در زمینه ذخایر گاز، روسیه با داشتن ۴۶ هزار میلیارد مترمکعب اولین دارنده ذخایر گازی جهان، جمهوری اسلامی ایران با ۳۳ هزار میلیارد مترمکعب و قطر با ۲۵ هزار میلیارد مترمکعب، به ترتیب دومین و سومین دارندگان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان می باشند. علیرغم وجود چنین منابع اقتصادی، میزان صادرات انرژی ایران به بازارهای جهانی بسیار محدود می باشد. این امر نشان می دهد که در وهله اول، استراتژی گسترش بازاریابی اقتصاد ایران مورد توجه قرار نگرفته است. دوم اینکه، محدودیت های بین المللی عامل اصلی حاشیه ای شدن ایران در ارتباط با بازار انرژی می باشد و سوم اینکه، دیپلماسی انرژی می تواند زمینه های لازم برای عبور ایران از تحریم های اقتصادی و بین المللی را فراهم سازد. (خادم، ۱۳۸۵)

با عنایت به مسیر های عبوری انرژی منطقه و موقعیت ایران در این مسیر ها (شکل ۱) از طرفی مجاورت ایران با دو بازار بزرگ مصرف انرژی (بازار جنوب آسیا در قسمت شرقی و اتحادیه اروپا در قسمت غربی)، باعث بالا رفتن ظرفیت ژئواکونومی این کشور برای در اختیار گرفتن محوریت انرژی در منطقه و جهان شده است. کشور ایران به واسطه داشتن این موقعیت بی همتای ژئوپلیتیک و ژئواکونومی دارای توان تاثیرگذاری بالایی در مناسبات بین المللی در حوزه تولید مواد هیدروکربنی می باشد. (مرکز مطالعات بین المللی انرژی، ۱۳۸۶)



شکل ۱- (گل کرمی، ۱۳۹۷)

محصول بودن کشورهای حوزه دریای خزر در خشکی وعدم دسترسی آنها به آبراه های بین المللی برای انتقال انرژی خود به بازارهای جهانی سبب شده است که انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی به یک مساله منطقه ای و بین المللی تبدیل شود. برای انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی مسیریهای مختلفی پیشنهاد شده است که بیشتر از آنکه شرایط اقتصادی و فنی مدنظر قرار گیرد، تحت تاثیر ملاحظات سیاسی است. همواره کشور ایران به عنوان مناسب ترین گزینه انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی

مطرح است ولی اجرایی شدن این پروژه باتوجه به مخالفت های شدید آمریکا با چالش هایی روبه رو است. (دستجردی، انصاری زاده و همکاران، ۱۳۹۷)

علاوه بر آن نتایجی مثل جایگاه اقتصادی بهتر، امنیت بیشتر، همگرایی و همکاری مناسب منطقه ای مناسب تر از پیامدهای عبور انرژی از ایران است که می تواند کمک شایانی به ارتقاء جایگاه ایران در معادلات سیاسی و اقتصادی نظام بین الملل بنماید. ولی در ایفای یک نقش کارساز در جلب فرصت های ترانزیت انرژی منطقه، دستگاه سیاست خارجی این کشور با مشکلات و موانعی روبرو بوده است که مهمترین آنها رقابت فشرده منطقه ای و فرامنطقه ای و تحریم ایالات متحده بر علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. (دستجردی، انصاری زاده و همکاران، ۱۳۹۷)

۲-۱۲- فرصت های ژئوپلیتیکی ایران

جمهوری اسلامی ایران، دارای توان بالایی در نظام جهانی انرژی است. این توان بالای نقش آفرینی در نظام اقتصاد سیاسی بین المللی ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی است که این کشور از آن برخوردار است. ایران با ۱۲ کشور در چهار جهت مختلف جغرافیایی هم مرز است و باتوجه به قرار گرفتن در حد فاصل منطقه مهم دریای خزر و خلیج فارس از گذشته های دور به عنوان چهار راه مواصلاتی شرق به غرب و شمال به جنوب و مسیر طبیعی انتقال کالا (جاده ابریشم) مطرح بوده است. (صادقی، دهقانی فیروزآبادی، آجیلی، ۱۳۹۷)

موقعیت ژئوپلیتیکی به عنوان یکی از شاخص های مزیت نسبی در تولید و انتقال ذخایر اقتصادی محسوب می شود. جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در خلیج فارس را می توان بر اساس قابلیت های مربوط به جزایر منطقه ای در خلیج فارس، عمق دریایی خلیج فارس و قابلیت ایران برای کنترل کانال های تردد کشتی های نفتکش از منطقه مورد توجه قرار داد. (صادقی، دهقانی فیروزآبادی، آجیلی، ۱۳۹۷)

- صادرات گاز ایران

از لحاظ تاریخی ایران از پیشتازان صادرات گاز طبیعی بشمار می رود. ایران صادرات گاز از طریق خط لوله را به طور جدی دنبال می کند و برای همین منظور با بسیاری از کشورها در حال مذاکره می باشد. در حال حاضر، کشور ایران به کشورهای ترکیه، ارمنستان و آذربایجان کار صادرات گاز را انجام می دهد و با کشورهای امارات متحده عربی، کویت، عمان، هند و پاکستان و اروپا در حال مذاکره یا امضای تفاهم نامه می باشد. با عملیاتی شدن خط لوله گاز ایران به اروپا، هند و پاکستان و کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس مهمترین بحث در حوزه امنیت ملی، خروج ایران از انزوای ژئوپلیتیکی و دیپلماتیکی و تنزل اثرات تحریم های اقتصادی ایالات متحده آمریکاست و وزن ژئوپلیتیکی ایران و امنیت ایران افزایش فوق العاده ای خواهد یافت.

- قرار داشتن در بیضی استراتژیک انرژی

از آنجا که انرژی در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین الملل از ابزارهای مهم کسب ثروت و قدرت است، کشور ایران به دلیل واقع شدن در کانون هارتلند انرژی جهان، از جایگاهی ممتاز برخوردار است؛ چرا که افزایش سهم ایران در تولید، تجارت و ترانزیت انرژی در پرتو دیپلماسی لوله های انرژی، ضمن آنکه بستر مناسبی را برای توسعه و همگرایی منطقه ای این کشور فراهم خواهد کرد، پیوند میان اقتصاد جهان با اقتصاد ایران را نیز در این بخش ایجاد میکند و در پی خود شرایط مساعدی را نیز برای حرکت در مسیر توسعه و ارتقای سطوح امنیت و قدرت ملی کشور فراهم می آورد (صادقی، ۱۳۹۴)

- تسلط بر تنگه راهبردی هرمز و داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان

در اختیار داشتن تنگه هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط بر مهمترین و بزرگترین گلوگاه انرژی جهان کرده است. در اهمیت تنگه هرمز همین بس که میتوان گفت برای ایران و جهان صنعتی آمیزه ای از جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت است که با موقعیت حساس خود میتواند هم فرصتی برای امنیت اقتصادی و نظامی باشد و هم تهدیدی برای امنیت در همه ابعاد برای ایران و جهان به شمار رود. به عبارتی دیگر، تنگه هرمز یکی از عرصه تنفسی جهان از نظر اقتصادی و به دنبال آن امنیتی است که ایران با تسلط بر آن می تواند در جهت مدیریت اقتصادی و سیاسی خود از این موقعیت به خوبی استفاده کند و جهان صنعتی گریزی برای پذیرش این جایگاه ایران ندارند. (گل کرمی، کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۷)

- داشتن ذخایر انرژی مطمئن و تضمین شده

طبق برآورد، ایران برخوردار از ۷ درصد منابع معدنی، ۱۱ درصد ذخایر نفت و ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان است بنابراین، حاکم شدن منطق اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منافع جدیدی در منطقه و جهان برای کشور پدیدار ساخته و فرصت های نوینی را ایجاد می کند (جوادی ارجمند، ۱۳۸۶)

- تسلط بر بازار انرژی

الف. دسترسی مطمئن، پایدار و بدون دردسر به بازارهای جهانی برای فروش تولیدات نفتی و مشتقات آن؛

- ب. دسترسی آسان و استفاده حداکثری از منابع مالی ارزان بین المللی برای اجرای طرح های توسعه ای در بخش های نفت، گاز و پتروشیمی و کاهش وابستگی صنعت نفت به بودجه های عمرانی؛
- ج. دسترسی به فناوری پیشرفته (نرم افزار و سخت افزار) به ویژه برای افزایش ظرفیت تولید نفت و افزایش ضریب بازافت آن از میدان های نفتی و ارتقای فناوری ملی؛
- د. دست یافتن به قیمت های مناسب برای فروش نفت خام و سایر مشتقات آن (گاودات، ۱۳۸۵)

– موقعیت ترانزیتی و مسیر خطوط انتقال انرژی

امروزه توسعه پایدار کشورها به شدت وابسته به انرژی و بحث انتقال آن می باشد. انتقال منابع نفت و گاز و منابع آبی و انرژی برق از محل تولید به سراسر کشور و همچنین بحث صادرات سبب شده تا دقت بیشتری در امر انتقال انرژی صورت گیرد. همانطور که مشخص است، فاکتورهای مختلفی در انتقال منابع طبیعی و انرژی دخیل هستند که سبب شده است نسبت به انتخاب مسیر انتقال این انرژی ها بطور جدی تری مورد بررسی قرار گیرند.

گذرگاه بودن یک کشور در مسیر انتقال انرژی یک منطقه به بازارهای جهانی می تواند جایگاه ویژه ای به آن کشور در مبادلات جهانی و همچنین کنترل و مدیریت انرژی دهد. (بر اساس گزارش سالانه اوپک، طول خطوط انتقال نفت ایران در سال ۲۰۱۲، ۴۱۰۸ مایل و طول خطوط انتقال گاز ۵۴۶۰ مایل می باشد) (امیری، احمدی پور، مستجابی، ۱۳۹۳)

روند کنونی تحولات نظام بین الملل، بیانگر این است که کشورهایی نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهند کرد که بتوانند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان تسلط داشته باشند (آدمی، ۱۳۸۹)

نتیجه گیری

با توجه به آنچه ذکر گردید؛ استنباط می گردد؛ جمهوری اسلامی ایران به رغم دارا بودن موقعیتی شاخص و منحصر به فرد در زمینه ژئوپلیتیک انرژی، بعنوان تولید کننده ای عمده و مسیری راهبردی و امن جهت ترانزیت انرژی، از طرفی دارا بودن پتانسیل بالای تامین امنیت در بازار انرژی دنیا و تاثیر گذاری بر اقتصاد جهانی، باتوجه به مواضع سیاسی و اعمال برخی فشارهای خارجی از سوی دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای و درراس آنها، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا و تاثیر گذاری مستقیم آنها بر مناسبات اقتصادی شرکای تجاری ایران و بازار انرژی از طرفی ضعف دیپلماسی انرژی ایران، درحال حاضر در زمینه اقتصاد، نفوذ موثر و اعمال نظر بر تصمیم گیری های بازار انرژی ایران در موقعیت انفعال و ضعف قرار گرفته و سیاست گذاری های اقتصادی و انرژی آن متاثر از تغییرات صورت گرفته توسط سایر کشورها در بازار انرژی می باشد.

لذا؛ جهت برون رفت از وضعیت فعلی و ابراز وجود قدرتمند درعرصه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک انرژی منطقه، ایران می تواند. ضمن ایفای نقشی پررنگ بعنوان عنصری تصمیم گیر و تاثیر گذار، برتری و نفوذ خود را در منطقه به نمایش گذاشته و با اعمال رویه ها و اقداماتی که می تواند با اتکا و استفاده صحیح و منطقی از امتیاز های متمایز و بعضاً منحصر به فردی که برخی از آنها در ذیل ذکر می گردد. ابتکار عمل را در بازار انرژی جهان به دست گیرد.

– امنیت؛ مولفه ای تاثیر گذار که در حال حاضر کمتر کشوری در منطقه خاور میانه از آن برخوردار است، فعالیت های خرابکارانه گروه های تروریستی، بی ثباتی های سیاسی، درگیری های طایفه ای و قومی اختلافات سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر عوامل که کشورهای منطقه کم و بیش با آن درگیر می باشند، در مقایسه با امنیت پایدار ایران می تواند دلیلی بر اتکا به ایران بعنوان مسیری امن در ترانزیت انرژی باشد.

– مسیر ها و زیرساخت های فراوان و انبوه تولید و انتقال انرژی؛ باتوجه به وجود میادین گازی و نفتی متعدد و خطوط لوله طولانی انتقال انرژی و توانایی بالای تولید حامل های انرژی (نفت و گاز) می تواند ایران را به مسیری با صرفه و اقتصادی برای سایر کشورهای تولید کننده، علی الخصوص کشورهای حوزه خزر و آسیانه میانه که دسترسی به آبهای آزاد نداشته و وجود دریای خزر مانعی بزرگ جغرافیایی برای مقاصد صادرات انرژی آنها می باشد.

همچنین زیرساخت های موجود انتقال انرژی کشور که طی سال ها احداث گردیده، به دلیل باصرفه تر بودن می تواند عاملی سلب کننده در انعقاد قراردادهای جدید انتقال انرژی فیما بین تولیدکنندگان منطقه و سایر مصرف کنندگان باشد.

– گستردگی جغرافیایی و موقعیت منطقه ای؛ دارا بودن مرز زمینی با هفت کشور و مرز آبی با شیخ نشین های عرب حاشیه خلیج فارس ایران را تبدیل به شاهراهی حیاتی و منحصر به فرد در زمینه ترانزیت انرژی و کالا در منطقه تبدیل کرده که امکان هرگونه انتقالی را فیما بین این کشورها را با توجه به عواملی که گفته شد از داخل ایران میسر نموده و می تواند ایران را به عاملی در خصوص انحصار مسیرهای انتقال انرژی در منطقه تبدیل کند.

– وضعیت توپوگرافی و سهل العبور بودن ایران؛ با توجه به اینکه دریای خزر به عنوان مانع بزرگ جغرافیایی هزینه بر و دشوار در جهت انتقال انرژی تولید شده توسط کشورهای آسیای میانه و قفقاز به کشورهای مصرف کننده باشد. همچنین عدم وجود

ناهمواری های جغرافیایی زیاد و کم هزینه بر بودن ایران در مقایسه با جغرافیای ناهموار و صعب العبور سایر کشورهای منطقه، در ساخت و ایجاد مسیرهای جدید نسبت به سایر کشورهای منطقه میتواند عاملی اقتصادی در دسترسی کشورهای مقصد در دسترسی به انرژی ارزان تر باشد.

- تسلط بر تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان؛ و احاطه کامل انتقال انرژی تولید شده در خاور میانه، اهمیت و نفوذ ژئوپلیتیک ایران را بر بازار انرژی جهان می تواند تضمین نماید.

منابع

- عظیمیان، سهیلا، مدرس، محمدولی، محمد علی پور، فریده (۱۳۹۵)، تأثیر راهبرد انرژی روسیه بر نحوه تأمین نیازهای انرژی کشورهای اروپایی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، سال اول، شماره دوم
- عطایی، فرهاد و شبانی، اعظم (۱۳۹۰) زمینه های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۸
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) اصول ومفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: نشرآستان قدس رضوی
- رحیم صفوی، سید یحیی، مهدیان، حسین (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای منابع انسانی، سال دوم، شماره دوم
- رحیم صفوی، سید یحیی، مهدیان، حسین، ۱۳۸۹، ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای منابع انسانی، سال دوم، شماره دوم
- مختاری هشی حسین (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه هایی برای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک سال چهاردهم، شماره دوم، ص: ۵۶-۸۲
- موسوی شفتائی، مسعود، اصولی، قاسم، رسولی، رویا (۱۳۹۳)، تبیین مسیرهای انتقال انرژی براساس نظریه های روابط بین الملل: مطالعه موردی خط لوله تاپی و صلح، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۵، ص: ۱۶۲-۱۸۹
- حافظ نیا، محمدرضا، فرجی، به رام (۱۳۹۳)، تأثیرژئوپلیتیک انرژی بر شکل گیری ترتیبات امنیت منطقه ای؛ مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، ص ۷۹-۱۰۶
- روشندل جلیل (۱۳۹۴)، امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم
- یوسفی جویباری، محمد، صیدی محمدی، یاسر، فتاحی، علیرضا (۱۳۹۳)، نابرابریهای قومی و امنیت ملی، مطالعات جامعه شناسی، سال چهارم، شماره پانزدهم، ص: ۱۲۱-۱۳۷
- آشوری، داریوش (۱۳۶۴) فرهنگ سیاسی، نشر مروارید، چاپ هشتم
- مستکین، عبدالمهدی (۱۳۸۴) انرژی محور توسعه و همگرایی درخاورمیانه، همشهری دیپلماتیک
- پوراحمدی، حسین و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸) دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، ص ۵-۴۰
- بشیان، نوید، ظریف، مهدی، حجازی، امین، جاویدی دشت بیاض محمد حسین (۱۳۹۵)، توزیع به ینّه انرژی در یک واحد صنعتی در حضور واحد گازی با استفاده از مفهوم هاب انرژی، نخستین کنفرانس ملی انجمن انرژی ایران، تهران
- کریمی پور، داود، نیاکوئی، سید امیر، سیمبر، رضا (۱۳۹۶) نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۲
- صادقی، سیداکبر، دهقانی فیروزآبادی جلال، آجیلی، هادی (۱۳۹۷) بایسته های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص: ۷۳-۱۰۵
- مادن جولیان، جایگاه ایران درمحاسبات استراتژیک چین، ترجمه علی حسین زاده (۱۳۸۶) تهران، مرکز پژوهشهای خلیج فارس
- خسروی، علیرضا و میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۳) مقدمه ای بر تحلیل سیاست خارجی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- میرزائی، جلال، عباس زاده فتح آبادی، مهدی، صدی علی بابالو (۱۳۹۳) ابعاد ودستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه در سال های ۲۰۰۳ م تا ۲۰۱۳ م، تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۶ شماره ۲۰
- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۱) راهبرددیپلماسی انرژی روسیه دراوراسیا: فرصت هاوموانع فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۱

- محمدی، حمیدرضا و غم پرور احمد (۱۳۹۳) نقش اقتصاد سیاسی بینالملل در تغییر ساختارهای حاکمیتی خاورمیانه، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۳
- جوادی ارجمند محمدجعفر (۱۳۸۶) جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن بر سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (دانشگاه تهران)، دوره ۳۶، شماره ۳.
- ترلین، کارل، معمای فراوانی؛ رونقهای نفتی و دولتهای نفتی، ترجمه جعفر خیرخواهان (۱۳۹۰)، چاپ دوم، تهران: نشرنی
- غلامی طهمورث (۱۳۹۰)، تحریمهای جدید ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران؛ ابعاد و اهداف، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره ۴
- عسکری، محسن (۱۳۸۹) تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاس، شماره ۱۳
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴) سیاستگذاری اقتصاد سیاسی نفت و تحریمهای بینالمللی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره سوم: ۱۷۲-۲۰۰
- سریع القلم محمود (۱۳۷۰) سیاست خارجی جمهوری اسلامی: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- یزدانی، عنایت الله، ملبوس باف، مهدیه (۱۳۸۷) پروژهای خطوط لوله انرژی درحوزه دریای مازندران»، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۴۹-۲۵۰
- خادم، فاضله (۱۳۸۵) سیاست انرژی آمریکا، راهبرد این کشور د منطقه خلیج فارس، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۳، شماره ۴
- مرکز مطالعات بین المللی انرژی (۱۳۸۶) ترازنامه هیدروکربوری ایران، تهران: مرکز مطالعات بین المللی انرژی
- دستجردی کامران حسن، انصاری زاده سلمان، سوری فرشاد، ستوده، علی اصغر (۱۳۹۷) جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در انتقال انرژی دریای خزر به بازارهای جهانی، جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۱، ص: ۲۹-۴۸
- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۴) چالش جهانی انرژی و موقعیت ژئواکونومیک ایران در ساختار نوین. اقتصاد سیاسی بینالملل، چاپ اول، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت ۴۹
- گل کرمی، عابد، کریمی پور، یدالله، متقی، افشین، ربیعی حسین (۱۳۹۷) تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قابلیتهای ژئواکونومیک، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۴۹، ص: ۳۷-۵۷
- گاودات، باگت، ژئوپلیتیک جدید قیمت نفت آمریکا، عربستان و روسیه، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد (۱۳۸۵) فصلنامه راهبرد، دوره ۱۳، شماره ۴۰
- امیری، علی، احمدی پور، زهرا، مستجابی سرهنگی (۱۳۹۳) حمید تحلیل فضایی- امنیتی خطوط انتقال انرژی در ایران خطوط لوله نفت و گاز، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال چهاردهم، شماره ۳۴
- آدمی، علی (۱۳۸۹)، تاثیر انرژی برگسترش همکاری های ایران با شبه قاره، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره سوم

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش
در حسابداری و علوم اقتصادی
سال ۳، شماره ۵ (پیاپی ۱۰)، زمستان ۹۸

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

Jares.ir

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴